

سَنَامُ الْمَعْلُومَاتِ
نور فاطمه زهرا



کتابخانه دیجیتال
www.noorfatemah.org

الکونهای رفتاری

اسام علی (ع)
و

مباحث اعتقادی

محمد دشتی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امام علی (ع) و مباحث اعتقادی

نویسنده:

محمد دشتی

ناشر چاپی:

سازمان تحقیقات خودکفائی بسیج

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست	۵
امام علی (ع) و مباحث اعتقادی	۱۴
مشخصات کتاب	۱۴
سرآغاز	۱۴
الگوهای رفتاری و عنصر زمان و مکان	۱۵
اقسام الگوهای رفتاری	۱۶
ضرورت ها	۱۶
جایگاه مباحث اعتقادی	۱۶
نهج البلاغه و مباحث عقیدتی	۱۸
معرفة الله	۲۰
اعتقادی	۲۱
اعتقاد	۲۱
عقیده	۲۲
خدشناسی	۲۲
خدا	۲۲
ذات	۲۵
ازلی، ازلیت	۲۵
الهی	۲۵
توحید (منور یسم «علم توحید»)	۲۷
شرک	۲۷
عدل و عدالت	۲۸
عدل، عدالت	۲۸
پیامبر شناسی	۲۸

۲۸	انبیاء
۲۸	بعثت پیامبر
۲۹	پیامبر
۳۰	پیامبران
۳۱	جاهل، جاهلی، جاهلان
۳۱	جاهلیت
۳۲	رسول خدا
۳۳	نبوت
۳۳	محمد
۳۳	امام شناسی
۳۳	امامان
۳۳	امامت
۳۴	ائمه
۳۴	امام علی
۳۹	امام حسن و امام حسین
۳۹	امام زمان
۴۰	امام مهدی
۴۰	امیرالمؤمنین علی
۴۱	ولایت
۴۱	اهل بیت
۴۱	رهبر
۴۳	حاکم، حاکمان
۴۴	حجت، حجج الهی
۴۴	خلافت

۴۴	عترت
۴۴	معاد شناسی
۴۴	آخرت
۴۴	آخرت گرایی
۴۵	اجل
۴۵	بهشت
۴۵	شرایط راه یافتن به بهشت
۴۵	نمونه ای از بهشتیان
۴۵	پاداش
۴۶	حساب، حسابرسی، حسابگری
۴۶	رستاخیز
۴۶	شفاعت
۴۶	عذاب
۴۶	آتش
۴۶	آتش جهنم
۴۷	عوامل ورود به آتش
۴۷	عوامل نجات از آتش
۴۷	قیامت
۴۸	قبر، قبرستان
۴۸	مرگ
۴۹	مکافات
۴۹	فروع دین
۴۹	فروع دین
۴۹	روزه

۴۹	نماز، نماز جماعت، نماز جمعه
۴۹	زکات
۴۹	صدقه
۵۰	حج، حُجَّاج
۵۰	کعبه
۵۰	جهاد
۵۰	مجاهدین، مجاهدان
۵۱	امر به معروف
۵۱	آفات ترک امر به معروف
۵۱	شرایط امر بمعروف
۵۱	نواهی
۵۱	نهی، نهی از منکر
۵۱	قرآن
۵۲	اسلام
۵۲	اسلام
۵۳	خاتمیت
۵۳	دین
۵۳	دینداری
۵۳	دین‌گریزی (گروه‌های لائیک)
۵۴	شبهه، شبهات
۵۴	مناظره
۵۴	ارزش‌های عقیدتی
۵۴	ارزش و ارزش‌ها
۵۶	آثار شناخت مقایسه‌ای ارزش‌ها

نسبیت ارزش ها	۵۶
جستجو و گزینش ارزش ها	۵۶
زهد (پارسائی)	۵۶
ریا	۵۷
جبر	۵۷
فتالیزم	۵۷
قضا و قدر	۵۷
شیوه های آموزشی	۵۷
پذیرش اسلام	۶۱
سبقت در پذیرش اسلام	۶۱
سوابق درخشان حضرت امیرالمؤمنین	۶۳
اول شاهد وحی	۶۳
اول مسلمان	۶۴
اشاره	۶۴
اعتراف دانشمندان	۶۴
اظهارات امام علی در نهج البلاغه	۶۴
اعتراف ابن اسحاق	۶۵
اعتراف عفیف کندی	۶۵
دلایل پیشگامی علی در اسلام	۶۵
اول تصدیق کننده به رسالت پیامبر	۶۸
پیشقدم در شهادت طلبی	۶۹
اشاره	۶۹
اعتراف شیخ سلیمان حنفی	۶۹
اعتراف جمعی از دانشمندان	۷۰

۷۰	اشعاری منسوب به امام علی
۷۱	اعتراف تاریخ
۷۱	اظهارات امام (در خطبه ۱۱۹ و نامه ۳۵)
۷۱	پیشواز در هجرت
۷۳	سلامت در دین
۷۳	اخلاص در ولایت
۷۳	بی فایده بودن قرآن بی ولایت
۷۴	کمال فروتنی نسبت به پیامبر
۷۴	هماهنگی با پیامبر
۷۴	جهاد با یقین
۷۵	مناظره اعتقادی با خلیفه اول پیرامون ولایت
۷۷	پاسخ به سئوالات علمی، اعتقادی
۷۷	پاسخ به سئوالات اعتقادی دانشمندان یهود و نصاری
۷۸	پاسخ به سئوالات پیرامون اصحاب کهف
۷۸	سلامت در عقیده
۷۸	مجازات همفکری با بدکاران
۷۹	ارزش نیت سالم
۷۹	معیار حق بودن
۷۹	کمال اسلام
۸۰	راه های خداشناسی
۸۰	راه های خداشناسی (در خطبه ۱۶۵)
۸۰	نشانه های خدا در هستی
۸۰	اشاره
۸۱	معرفه الله

۸۱		خصائص التَّبَيِّ
۸۱		طرق معرفه الله
۸۲		عجائب خلقه الجراة
۸۳		دلائل وجود الله في العالم
۸۳		ایمان به رسول خدا
۸۴		اعتقاد به ولایت عترت
۸۴		پاسخ به سؤالات و شبهات اعتقادی
۸۴		پاسخ قاطع به یهودی
۸۵		پاسخ به سؤال عقیدتی در میدان جنگ
۸۵		روش برخورد با زردشتیان (مجوس)
۸۵		پاسخ به سؤالات عقیدتی جاثلیق و جمعی از مسیحیان
۸۶		پاسخ به شبهات حکمیت
۸۷		پاسخ به شبهات ناکثین
۸۷		برخورد شدید با انحرافات عقیدتی
۸۷		تبعید عبدالله بن سبا
۸۷		سوزاندن قوم «زط» که علی را خدا می خواندند
۸۸		تفسیر صحیح قضا و قدر و نفی جبر گرایی
۸۸		علی از دیدگاه پیامبر
۸۸		اشاره
۸۸		افتخار پرچم داری
۸۹		افتخار جانشینی پیامبر
۸۹		افتخار باز گذاشتن درب خانه علی به مسجد و بستن دیگر درب ها
۹۰		افتخار در علوم نبوی بودن
۹۰		افتخار عقد برادری با پیامبر

۹۱	افتخار تقسیم بهشت و جهنم
۹۱	افتخار معیار حق بودن
۹۱	افتخار با قرآن بودن
۹۲	افتخار معیار مؤمن و منافق بودن
۹۲	افتخار وصی و جانشین پیامبر بودن
۹۳	افتخار، بزرگی امت اسلام بودن
۹۳	افتخار رهبری مؤمنان
۹۳	افتخار رهبری پرهیزگاران
۹۴	افتخار امیرمؤمنان داشتن
۹۴	در چشمه سار نهج البلاغه
۹۴	اصول و فروع مبانی اعتقادی
۹۴	خطبه ۱۱۰ نهج البلاغه
۹۴	اشاره
۹۵	ثمرات الدین
۹۵	قیمه القرآن
۹۵	خطبه ۱۹۹ نهج البلاغه
۹۵	اهمیه الصلاة و فوائدها
۹۶	اهمیه الزکاة و آدابها
۹۶	اداء الامانة
۹۶	العلم الالهی
۹۷	خداشناسی
۹۷	خطبه ۰۴۹ نهج البلاغه
۹۷	خطبه ۰۶۵ نهج البلاغه
۹۸	خطبه ۱۷۹ نهج البلاغه

پیامبر شناسی	۹۸
خطبه ۰۷۲ نهج البلاغه	۹۸
اشاره	۹۸
خصائص الرسول الأعظم	۹۸
الدعاء للرسول	۹۹
خطبه ۱۰۴ نهج البلاغه	۹۹
امام شناسی	۱۰۰
قسمتی از خطبه ۰۸۷ نهج البلاغه	۱۰۰
قسمتی از خطبه ۱۰۹ نهج البلاغه	۱۰۰
قسمتی از خطبه ۰۹۷ نهج البلاغه	۱۰۰
اشاره	۱۰۱
صفات اصحاب النبی	۱۰۱
خطبه ۲۳۹ نهج البلاغه	۱۰۱
معاد شناسی	۱۰۱
قسمتی از خطبه ۱۸۶ نهج البلاغه	۱۰۱
خطبه ۱۸۸ نهج البلاغه	۱۰۲
الوصیة بالتقوی	۱۰۲
فضل ذکر الموت	۱۰۲
الحث علی المسارعة فی الخیرات	۱۰۲
خطبه ۲۰۴ نهج البلاغه	۱۰۳
درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان	۱۰۳

امام علی(ع) و مباحث اعتقادی

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: امام علی علیه السلام و مباحث اعتقادی / مولف محمد دشتی، ۱۳۸۰ - ۱۳۳۰ مشخصات نشر: تهران: سازمان تحقیقات خودکفائی بسیج، ۱۳۸۰. مشخصات ظاهری: ص ۱۲۷ فروست: (مجموعه الگوهای رفتاری امام علی(ع)) شابک: ۹۶۴-۶۴۶۲-۲۵-۱۶۵۰۰-۲۵-۶۴۶۲-۹۶۴؛ ۱۶۵۰۰-۲۵-۱۶۵۰۰-۲۵-۶۴۶۲-۹۶۴. مشخصات فهرست نویسی: فهرست نویسی قبلی یادداشت: این کتاب قبلاً بصورت جلد ۹ سری کتابهای "الگوی رفتاری امام علی علیه السلام" توسط نشر موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمومنین علیه السلام منتشر شده است یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس موضوع: علی بن ابی طالب(ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ق. -- فضائل موضوع: علی بن ابی طالب(ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ق. -- نظریه درباره ایمان شناسه افزوده: سازمان تحقیقات نیروی مقاومت بسیج رده بندی کنگره: BP۳۷/۴ د۵الف ۷۷ رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵۱ شماره کتابشناسی ملی: م ۸۰-۲۵۸۱۰

سرآغاز

نوشتار نورانی و مبارک و ارزشمندی که در پیش روی دارید، تنها برخی از «الگوهای رفتاری» آن یگانه بشریت، باب علم نبی، پدر بزرگوار امامان معصوم علیهم السلام، تنها مدافع پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم به هنگام بعثت و دوران طاقت فرسای هجرت، و جنگ ها و یورش های پیایی قریش، و نابود کننده خط کفر و شرک و نفاق پنهان، اول حافظ و جامع قرآن، و قرآن مجسم، حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام است. که همواره با قرآن بود، و با قرآن زیست و از قرآن گفت، و تا بهشت جاویدان، در کنار چشمه کوثر و پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم، وحدتشان جاودانه است. مباحث ارزشمند آن در حال تکامل و گسترش است، نورانی است، نور نور است، عطر آگین از جذبه های عرفانی و شناخت و حضور است، که با نام های مبارک زیر، در آسمان پُر ستاره اندیشه ها خواهد درخشید مانند: ۱- امام علی علیه السلام و اخلاق اسلامی الف- اخلاق فردی ب- اخلاق اجتماعی ج- آئین همسر داری ۲- امام علی علیه السلام و مسائل سیاسی ۳- امام علی علیه السلام و اقتصاد الف- کار و تولید ب- انفاق و ایثار گری ج- عمران و آبادی د- کشاورزی و باغداری ۴- امام علی علیه السلام و امور نظامی الف- اخلاق نظامی ب- امور دفاعی و مبارزاتی ۵- امام علی علیه السلام و مباحث اطلاعاتی و امنیتی ۶- امام علی علیه السلام و علم و هنر الف- مسائل آموزشی و هنری ب- مسائل علمی و فرهنگی ۷- امام علی علیه السلام و مدیریت ۸- امام علی علیه السلام و امور قضائی الف- امور قضائی ب- مسائل جزائی و کیفری ۹- امام علی علیه السلام و مباحث اعتقادی ۱۰- امام علی علیه السلام و مسائل حقوقی ۱۱- امام علی علیه السلام و نظارت مردمی (امر به معروف و نهی از منکر) ۱۲- امام علی علیه السلام و مباحث معنوی و عبادی ۱۳- امام علی علیه السلام و مباحث تربیتی ۱۴- امام علی علیه السلام و مسائل بهداشت و درمان ۱۵- امام علی علیه السلام و تفریحات سالم الف- تفریحات سالم ب- تجمل و زیبایی مطالب و مباحث همیشه نورانی مباحث یاد شده، از نظر کاربردی مهم و سرنوشت سازند، زیرا تنها جنبه نظری ندارند، بلکه از رفتار و سیره و روشهای الگویی امام علی علیه السلام نیز خبر می دهند، تنها دارای جذبه «قال» نیست که دربردارنده جلوه های «حال» نیز می باشد. دانه های انگشت شماری از صدف ها و مروارید های همیشه درخشنده دریای علوم نبیوی است از رهنمودها و راهنمایی های جاودانه علوی است از محضر حق و حقیقت است و از زلال و جوشش همیشه جاری واقعیت هاست که تنها نمونه هائی اندک از آن مجموعه فراوان و مبارک را در این جزوات می یابید و با مطالعه مطالب نورانی آن، از چشمه زلال ولایت می نوشید که هر روز با شناسائی منابع جدید در حال گسترش و ازدیاد و کمال و قوام یافتن است. (۱). و در آینده به عنوان یک کتاب مرجع و تحقیقاتی مطرح خواهد بود تا: چراغ روشنگر راه قصه پردازان و سناریو نویسان فیلم نامه ها و

طراحان نمایشنامه ها و حجت و برهان جدال احسن گویندگان و نویسندگان متعهد اسلامی باشد، تا مجالس و محافل خود را با یاد و نام آن اول مظلوم اسلام نورانی کنیم. که رسول گرامی اسلام فرمود: *نُورُوا مَجَالِسَكُمْ بِذِكْرِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ* (جلسات خود را با نام و یاد علی علیه السلام نورانی کنید) با کشف و شناسائی «الگوهای رفتاری امام علی علیه السلام» حقیقت «چگونه بودن؟!» برای ما روشن می شود و آنگاه چگونه زندگی کردن؟! نیز مشخص خواهد شد. پیروی از امام علی علیه السلام و الگو قرار دادن راه و رسم زندگی آن بزرگ معصوم الهی، بر این حقیقت تکیه دارد که با مطالعه همه کتب و منابع و مآخذ روایی و تاریخی و سیاسی موجود کشف کنیم که: «امام علیه السلام چگونه بود؟» آنگاه بدانیم که: «چگونه باید باشیم» زیرا خود فرمود: *أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي وَاللَّهِ مَا أَحْتُكُم عَلَى طَاعَةِ إِلَّا وَ أَشَبِّقُكُمْ إِلَيْهَا، وَلَا أَنُهَاكُم عَنْ مَعْصِيَةِ إِلَّا وَ أَتَنَاهِي قَبْلَكُمْ عَنْهَا* (۲). (ای مردم! همانا سوگند به خدا من شما را به عمل پسندیده ای تشویق نمی کنم جز آنکه در عمل کردن به آن از شما پیشی می گیرم، و شما را از گناهی باز نمی دارم جز آنکه پیش از نهی کردن، خود آن را ترک کرده ام) پس توجه به الگوهای رفتاری امام علی علیه السلام برای مبارزان و دلاورانی که با نام او جنگیدند، و با نام او خروشیدند، و هم اکنون در جای جای زندگی، در صلح و سازندگی، در جنگ و ستیز با دشمن، در خودسازی و جامعه سازی و در همه جا بدنبال الگوهای کامل روانند، بسیار مهم و سرنوشت ساز است تا در تداوم راه امام رحمه الله بجوشند، و در همسوئی با امیر بیان بکوشند، که بارها پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «آنانکه از علی پیروی کنند اهل نجات و بهشتند» و به علی علیه السلام اشاره کرد و فرمود: «این علی و پیروان او در بهشت جای دارند» (۳). و امیدواریم که کشف و شناسائی «الگوهای رفتاری امام علی علیه السلام» آغاز مبارکی باشد تا این راه تداوم یابد، و به کشف و شناسائی «الگوهای رفتاری» دیگر معصومین علیهم السلام بیانجامد. در اینجا توجه به چند تذکر اساسی لازم است. الگوهای رفتاری و عنصر زمان و مکان اقسام الگوهای رفتاری ***** تاکنون هزاران فیش تحقیقاتی از حدود ۷۰۰ عنوان در یک هزار جلد، کتاب پیرامون حضرت امام علی علیه السلام فراهم آمده است. خطبه ۶ / ۱۷۵، نهج البلاغه معجم المفهرس مؤلف. ینابیع الموده ص ۴۰، قالت فاطمه (س): *نَظَرَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِلَى عَلِيٍّ (ع) وَقَالَ: هَذَا وَ شِيعَتُهُ فِي الْجَنَّةِ*.

الگوهای رفتاری و عنصر زمان و مکان

رفتارهای امام علی علیه السلام برخی اختصاصی و بعضی عمومی است، که باید در ارزیابی الگوهای رفتاری دقت شود. گاهی عملی یا رفتاری را امام علی علیه السلام در شرائط زمانی و مکانی خاصی انجام داده است که متناسب با همان دوران و شرائط خاص قابل ارزیابی است، و الزامی ندارد که دیگران همواره آن را الگو قرار داده و به آن عمل کنند، که در اخلاق فردی امام علی علیه السلام نمونه های روشنی را جمع آوری کرده ایم، و دیگر امامان معصوم علیه السلام نیز توضیح داده اند که: شکل و جنس لباس امام علی علیه السلام تنها در روزگار خودش قابل پیاده شدن بود، اما هم اکنون اگر آن لباس ها را بپوشیم، مورد اعتراض مردم قرار خواهیم گرفت. یعنی عنصر زمان و مکان، در کیفیت ها تأثیر بسزائی دارد. پس اگر الگوهای رفتاری، درست تبیین نگردد، ضمانت اجرایی ندارد و از نظر کار بُردی قابل الگو گیری یا الگو پذیری نیست، مانند: - غذاهای ساده ای که امام علی علیه السلام میل می فرمود، در صورتی که فرزندان و همسران او از غذاهای بهتری استفاده می کردند. - لباس های پشمی و ساده ای که امام علی علیه السلام می پوشید، اما ضرورتی نداشت که دیگر امامان معصوم علیهم السلام بپوشند. - در برخی از مواقع، امام علی علیه السلام با پای برهنه راه می رفت، که در زمان های دیگر قابل پیاده شدن نبود. امام علی علیه السلام خود نیز تذکر داد که: *لَنْ تَقْدَرُونَ عَلَى ذَلِكَ وَلَكِنْ أَعَيْنُونِي بِوَرَعٍ وَاجْتِهَادٍ* (شما نمی توانید همانند من زندگی کنید، لکن در پرهیزکاری و تلاش برای خوبی ها مرا یاری دهید) (۱). وقتی عاصم بن زیاد، لباس پشمی پوشید و به کوه ها می رفت و دست از زندگی شُست و تنها عبادت می کرد، امام علی علیه السلام او را مورد نکوهش قرار داد، که چرا اینگونه زندگی می کنی؟ عاصم بن زیاد در جواب گفت: *قَالَ: يَا*

أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، هَذَا أَنْتَ فِي خُشُونَةٍ مُلْبَسَةٍ كَ وَجُشُونِيَّةٍ مَا كَلَيْكَ! (عاصم گفت، ای امیرمؤمنان، پس چرا تو با این لباس خشن، و آن غذای ناگوار بسر می بری؟) امام علی علیه السلام فرمود: قَالَ: وَيَحْكُ، إِنِّي لَسْتُ كَأَنْتَ، إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى فَرَضَ عَلَى أُمَّةٍ الْعَدْلَ أَنْ يُقَدَّرُوا أَنْفُسَهُمْ بِضَعْفَةِ النَّاسِ، كَيْلًا يَتَّبِعَ بِالْفَقِيرِ فَقْرُهُ! (۲). وای بر تو، من همانند تو نیستم، خداوند بر پیشوایان حق واجب کرده که خود را با مردم ناتوان همسو کنند، تا فقر و نداری، تنگدست را به هیجان نیاورد، و به طغیان نکشاند. **** نامۀ ۵/۴۵ نهج البلاغه معجم المفهرس مؤلف. خطبه ۳/۲۰۹ نهج البلاغه معجم المفهرس مؤلف.

اقسام الگوهای رفتاری

بعضی از رفتارهای امام علی علیه السلام زمان و مکان نمی شناسد، و همواره برای الگو پذیری ارزشمند است مانند: ۱- ترویج فرهنگ نماز ۲- اهمیت دادن به نماز اول وقت ۳- ترویج فرهنگ اذان ۴- توجه فراوان به باز سازی، عمران و آبادی و کشاورزی و کار و تولید ۵- شهادت طلبی و توجه به جهاد و پیکار در راه خدا ۶- حمایت از مظلوم و... زیرا طبیعی است که کیفیت ها متناسب با زمان و مکان و شرائط خاص فرهنگ و آداب و رسوم اجتماعی در حال دگرگونی است. گرچه اصول منطقی همان کیفیت ها، جاودانه اند، یعنی همواره ساده زیستی، خود کفائی، ساده پوشی ارزشمند است، اما در هر جامعه ای چهار چوب خاص خودش را دارد، پس کمیت ها و اصول منطقی الگوهای رفتاری ثابت، و کیفیت ها، و چگونگی الگوهای رفتاری متغیر و در حال دگرگونی است. ****

ضرورت ها

جایگاه مباحث اعتقادی

همه می دانند که: مباحث اعتقادی نقش تعیین کننده ای در راه و رسم زندگی انسان ها دارد، و انسان با عقیده و ایمان می تواند با انواع مشکلات زندگی مقابله کرده راه کمال را به درستی بییماید. انسان بدون باورهای اعتقادی و یقین، از تکیه گاه مطمئنی برخوردار نیست، و همواره در برابر ناملایمات، سختی ها و مشکلات فراوان زندگی، دچار تزلزل و سرگردانی شده دست به انواع بزهکاری ها می زند، و یا زندگی خویش را فدای آرزوهای دراز و ناهنجاری های رفتاری کرده با انواع خودکشی ها به هستی خود خاتمه می دهد، زیرا مبانی اعتقادی، ایدئولوژی و رفتارهای فردی و اجتماعی انسان را اصلاح می کند، و جهت می دهد، آرمان می بخشد، و از پوچی و بی هدفی می رهاوند. و همه دانشمندان جهان اسلام می دانند که: قرآن کریم جایگاه واقعی مباحث اعتقادی و راه های صحیح خداشناسی است، که مبانی اصول و فروع اعتقادی به گونه ای مستدل و روشن در آیات نورانی قرآن به اثبات رسیده است، و باورهای اعتقادی انسان و تکیه گاه های عبادی و معنوی بشر به درستی مورد ارزیابی قرار گرفته است. پس قرآن یک کتاب اعتقادی است، که همه مباحث اعتقادی از اصول و فروع در آن نهفته و به روشنی اثبات شده است. امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه ۱ نهج البلاغه می فرماید: كِتَابَ رَبِّكُمْ فِيكُمْ: مُبَيَّنًّا حَلَالَهُ وَحَرَامَهُ، وَفَرَائِضَهُ وَفَضَائِلَهُ، وَنَاسِخَهُ وَمَنْسُوخَهُ، وَرُخْصَهُ وَعَزَائِمَهُ، وَخَاصَّهُ وَعَامَّهُ، وَعَبْرَهُ وَأَمَثَالَهُ، وَمُزَيَّلَهُ وَمَحْدُودَهُ، وَمُحْكَمَهُ وَمُتَشَابِهَهُ، مُفَسِّرًا مُجْمَلَهُ، وَمُبَيِّنًا غَوَامِضَهُ، بَيْنَ مَاخُودٍ مِيثَاقٍ عِلْمِهِ، وَمُوسِعٍ عَلَى الْعِيَادِ فِي جَهْلِهِ. وَبَيْنَ مُثَبَّتٍ فِي الْكِتَابِ فَرْضَهُ، وَمَعْلُومٍ فِي السُّنَّةِ نَسِيخَهُ، وَوَاجِبٍ فِي السُّنَّةِ أَخْذَهُ، وَمُرْخَصٍ فِي الْكِتَابِ تَرْكُهُ، وَبَيْنَ وَاجِبٍ بَوَقْتِهِ، وَزَائِلٍ فِي مَسِيَّتَيْهِ. وَمُبَايِنٍ بَيْنَ مَحَارِمِهِ، مِنْ كَبِيرٍ أَوْعَدَ عَلَيْهِ نِيرَانَهُ، أَوْ صَغِيرٍ أَرَصَدَ لَهُ غُفْرَانَهُ، وَبَيْنَ مَقْبُولٍ فِي أَدْنَاهُ، مُوسِعٍ فِي أَقْصَاهُ. «کتاب پروردگار میان شماسست، که بیان کننده حلال و حرام، واجب و مستحب، ناسخ و منسوخ، مباح و ممنوع، خاص و عام، پنדהا و مثلها، مطلق و مقید، محکم و متشابه می باشد، عبارات مجمل خود را تفسیر، و نکات پیچیده خود را

روشن می کند، از واجباتی که پیمان شناسایی آن را گرفت، و مستحباتی که آگاهی از آنها لازم نیست. قسمتی از احکام دینی در قرآن واجب شمرده شد که ناسخ آن در سنت پیامبر صلی الله علیه وآله آمده، و بعضی از آن، در سنت پیامبر صلی الله علیه وآله واجب شده که در کتاب خدا ترک آن مجاز بوده است، بعضی از واجبات، وقت محدودی داشته، که در آینده از بین رفته است، محرمات الهی از هم جدا می باشند، برخی از آنها، گناهان بزرگ است که وعده آتش دارد، و بعضی کوچک که وعده بخشش داده است، و برخی از اعمال که اندکس مقبول و در انجام بیشتر آن آزادند» (۱). و این حقیقت را همه می دانند که: الف - تنها با داشتن قرآن نمی توان به همه معارف بلند آن دست رسی پیدا کرد. ب - قرآن احتیاج به تفسیر و تحلیل دارد. ج - همه کس نمی تواند مباحث و علوم و فنون نهفته در قرآن را کشف کنند. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه ۱۲۵ نهج البلاغه می فرماید: **إِنَّا لَمْ نُحْكَمْ الرَّجَالَ، وَإِنَّمَا حَكَمْنَا الْقُرْآنَ. هَذَا الْقُرْآنُ إِنَّمَا هُوَ خَطٌّ مَشْتَوٍ بَيْنَ الدَّفْتَيْنِ، لَا يَنْطِقُ بِلِسَانٍ، وَلَا يُدَّ لَهُ مِنْ تَرْجُمَانٍ. وَإِنَّمَا يَنْطِقُ عَنْهُ الرَّجَالُ.** «ما افراد را داور قرار ندادیم، تنها قرآن را به حکمیت «داوری» انتخاب کردیم. (که آنها بر سر نیزه کرده و داوری آن را می خواستند) این قرآن، خطی نوشته شده که میان دو جلد پنهان است، زبان ندارد تا سخن گوید، و نیازمند به کسی است که آن را ترجمه کند، و همانا انسان ها می توانند از آن سخن گویند» (۲). و همه اعتراف دارند که: تنها رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وآله وسلم و عترت پاک او که آموزش های لازم را از آن حضرت دریافت کرده اند، و امام علی علیه السلام که باب علم نبی است. از دیگران بهتر قرآن را درک می کنند و به رموز و اسرار قرآن آشنا می باشند. که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه ۱۴۷ فرمود: **فَالْتَمِسُوا ذَلِكُمْ مِنْ عِنْدِ أَهْلِهِ، فَإِنَّهُمْ عَيْشُ الْعِلْمِ، وَمَوْتُ الْجَهْلِ. هُمُ الَّذِينَ يُخْبِرُكُمْ حُكْمَهُمْ عَنْ عِلْمِهِمْ، وَصِمَتُهُمْ عَنْ مَنَاطِقِهِمْ، وَظَاهِرُهُمْ عَنْ بَاطِنِهِمْ؛ لَا يَخَالِفُونَ الدِّينَ وَلَا يَخْتَلِفُونَ فِيهِ؛ فَهُوَ بَيْنَهُمْ شَاهِدٌ صَادِقٌ، وَصَامِتٌ نَاطِقٌ.** «پس رستگاری را از اهل آن جستجو کنید، که اهل بیت پیامبر صلی الله علیه وآله رمز حیات دانش، و راز مرگ جهل و نادانی هستند، آنان که حکمتشان شما را از دانش آنان و سکوتشان از منطق آنان، و ظاهرشان از باطنشان، اطلاع می دهد، نه با دین خدا مخالفتی دارند، و نه در آن اختلاف می کنند، دین در میان آنان گواهی صادق، و ساکتی سخنگو است» (۳). و رسول گرامی اسلام بارها به این حقیقت اشاره فرمود که: **عَلَيَّ مَعَ الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ مَعَ عَلِيٍّ لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْخَوْضِ** (۴). «علی با قرآن است و قرآن با علی است، هرگز از یکدیگر جدا نمی شوند تا در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند.» **** خطبه ۱ نهج البلاغه معجم المفهرس مؤلف، که برخی از اسناد و مدارک آن به این شرح است: ۱- عیون المواعظ والحکم ص ۳۵۰ ح ۵۹۵۱: واسطی (متوفای ۶۰۰هـ) ۲- بحارالانوار ج ۷۴ ص ۳۰۰ و ۴۲۳: مجلسی (متوفای ۱۱۱۰هـ) ۳- ربیع الابرار ج ۱ ص ۹۷ و ص ۳۱۲ و ج ۲ ص ۲۹۷: زمخشری معتزلی (متوفای ۵۳۸هـ) ۴- منهاج البراءة ج ۱ ص ۲۲: قطب راوندی (متوفای ۵۷۳هـ) ۵- تحف العقول ص ۶۷: ابن شعبه حرانی (متوفای ۳۸۰هـ) ۶- اصول کافی ج ۱ ص ۱۳۸/۱۴۰: کلینی رازی (متوفای ۳۲۸هـ) ۷- احتجاج ج ۱ ص ۴۷۳ و ۴۷۵ و ۲۰۹: طبرسی (متوفای ۵۸۸هـ) ۸- مطالب السئول ص ۲۷: محمد بن طلحه شافعی (متوفای ۶۵۲هـ) ۹- دستور معالم الحکم ص ۱۵۳: قاضی قضاعی (متوفای ۴۵۴هـ). خطبه ۱/۱۲۵ نهج البلاغه معجم المفهرس مؤلف، که برخی از اسناد و مدارک آن به این شرح است: ۱ تاریخ طبری ج ۳ ص ۱۲۴ سنه ۳۷: طبری شافعی (متوفای ۳۱۰هـ) ۲- تذکره الخواص ص ۹۶: ابن جوزی حنفی (متوفای ۵۶۷هـ) ۳- کتاب ارشاد ص ۱۴۴ ج ۱ ص ۲۶۶: شیخ مفید (متوفای ۴۱۳هـ) ۴- کتاب احتجاج ج ۱ ص ۲۷۵ و ۱۸۶ و ۴۴۰: طبرسی (متوفای ۵۸۸هـ) ۵- شرح قطب رواندی ج ۲ ص ۳۸: راوندی (متوفای ۵۷۳هـ) ۶- الکامل ج ۳ ص ۲۰۵: ابن اثیر شافعی (متوفای ۶۰۶هـ) ۷- عقد الفرید ج ۲ ص ۲۰۶: ابن عبد ربّه مالکی (متوفای ۳۲۸هـ) ۸- کتاب أمالی: سید ابوطالب (متوفای ۴۲۴هـ). خطبه ۱۴۷ نهج البلاغه معجم المفهرس مؤلف، که برخی از اسناد و مدارک آن به این شرح است: ۱- فروع کافی ج ۵ ص ۳۶۹: کلینی (متوفای ۳۲۸هـ) ۲- غرر الحکم ج ۳ ص ۱۹۸ و ج ۵ ص ۶۹ و ۳۰۲: آمدی (متوفای ۵۸۸هـ) ۳- روضه کافی ج ۸ ص ۳۸۶ الی ۳۹۱ ح ۵۸۶: کلینی (متوفای ۳۲۸هـ) ۴- اصول کافی ج ۱ ص ۱۳۸: کلینی (متوفای ۳۲۸هـ) ۵- تحف العقول ص ۱۶۳: ابن شعبه حرانی (متوفای ۳۸۰هـ). مستدرک حاکم ج ۳ ص ۱۳۴ «باب مناقب علی علیه

السلام»، و صواعق محرقة ابن حجر ص ۱۲۲ «باب فضائل علی علیه السلام»، و مختصر کنز العمال و مسند احمد (در حاشیه) ج ۵ ص ۳۰، و ینابیع المودة باب ۲۰ ص ۹۰.

نهج البلاغه و مباحث عقیدتی

گرچه کتاب نهج البلاغه در بردارنده همه کلمات و تفسیرها و تحلیل های حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نمی باشد اما هرکس مطالب آن را ارزیابی کند و مباحث و مفاهیم بلند نهج البلاغه را مورد دقت قرار دهد به این باور روشن خواهد رسید که: نهج البلاغه یک کتاب عقیدتی است. نهج البلاغه کتاب توحید است. نهج البلاغه کتاب ارزیابی مبانی اعتقادی در اصول و فروع است. نهج البلاغه پاسخگوی شبهات فکری، عقیدتی است. که مباحث خداشناسی به روشنی در آن تجلی یافته است. خدا را با راه های روشن، و استدلال های قوی به اثبات می رساند و آنگاه صفات پروردگاری را در «جمال» و «جلال» به تماشا می گذارد. و دیگر باورهای اعتقادی را به گونه ای مستدل اثبات می کند. ضرورت بعثت پیامبران (نبوت عامه) و ضرورت بعثت رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم را با بیانی مستدل و زیبا به گونه ای تشریح و تبیین می کند که برای همه اقشار فکری انسان ها، قابل فهم و درک باشد. و ضرورت «امامت» را در تمام ادیان و ملل، به ارزیابی می گذارد که بدون «امامت» راه پیامبران، تداوم نخواهد داشت، که امام علی علیه السلام در خطبه اول می فرماید: فَقَبَضَهُ إِلَيْهِ كَرِيمًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. وَخَلَفَ فِيكُمْ مَا خَلَفَ الْأَنْبِيَاءُ فِي أُمَمِهَا، إِذْ لَمْ يَتْرُكُوهُمْ هَمَلًا، بَغَيْرِ طَرِيقٍ وَاضِحٍ، وَلَا عِلْمٍ قَائِمٍ. «سپس دیدار خود را برای پیامبر صلی الله علیه و آله برگزید، و آن چه نزد خود داشت برای او پسندید، و او را با کوچ دادن از دنیا گرامی داشت، و از گرفتاریها و مشکلات رهایی بخشید و کریمانه قبض روح کرد. رسول گرامی اسلام، در میان شما مردم جانشینانی برگزید که تمام پیامبران گذشته برای امت های خود برگزیدند، زیرا آنها هرگز انسان ها را سرگردان رها نکردند، و بدون معرفتی راهی روشن، و نشانه های استوار، از میان مردم نرفتند.» (۱). امام در دوران پنج سال حکومت عدالت گستر خویش هر جا که لازم بود برای تصحیح عقائد و مبانی فکری مردم، در هر کجا که لازم بود بپاخاست و سخنرانی های مهم و ارزشمندی ارائه فرمود. آن روز که در مسجد کوفه شخصی به پا خاست و گفت: صِفْ لَنَا رَبَّنَا «خدا را برای ما تعریف کن» فوراً به منبر رفت و خطبه «أَشْبَاح» (۲) را در: «خداشناسی» و «راه های خداشناسی» و «صفات پروردگار» و «پیامبر شناسی» و «امام شناسی» و «معاد شناسی» و «راه های اثبات عدالت خدا» ایراد فرمود، به گونه ای که همه مردم در جذبه های معنوی آن بی تاب شدند؛ (قسمتی از آن خطبه به شرح زیر است): الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يَفْزُهُ الْمُنْعُ وَالْجُمُودُ، وَلَا يُكْدِيهِ الْإِعْطَاءُ وَالْجُودُ؛ إِذْ كُلُّ مُعْطٍ مُنْتَقِصٌ سِوَاهُ، وَكُلُّ مَانِعٍ مَيْدُومٌ مَا خَلَا؛ وَهُوَ الْمَنَّانُ بِقَوَائِدِ النِّعَمِ، وَعَوَائِدِ الْمَزِيدِ وَالْقِسْمِ عِيَالَهُ الْخَلَائِقُ، ضَمِنَ أَرْزَاقَهُمْ، وَقَدَّرَ أَقْوَاتَهُمْ، وَنَهَجَ سَبِيلَ الرَّاغِبِينَ إِلَيْهِ، وَالطَّالِبِينَ مَا لَدَيْهِ، وَلَيْسَ بِمَا سُرِّيلَ بِأَجْوَدَ مِنْهُ بِمَا لَمْ يُسْأَلْ. الْأَوَّلُ الَّذِي لَمْ يَكُنْ لَهُ قَبْلُ فَيَكُونُ شَيْءٌ قَبْلَهُ، وَالْآخِرُ الَّذِي لَيْسَ لَهُ بَعْدُ فَيَكُونُ شَيْءٌ بَعْدَهُ وَالرَّادِعُ أَنَا سَيِّ الْأَبْصَارِ عَنْ أَنْ تَنَالَهُ أَوْ تَدْرِكَهُ، مَا اخْتَلَفَ عَلَيْهِ دَهْرٌ فَيَخْتَلِفُ مِنْهُ الْحَالُ، وَلَا كَانَ فِي مَكَانٍ فَيَجُوزُ عَلَيْهِ الْإِنْتِقَالُ. وَلَوْ وَهَبَ مَا تَنَفَّسَتْ عَنْهُ مَعَادِنُ الْجِبَالِ، وَضَحِكَتْ عَنْهُ أَصْدَافُ الْبَحَارِ، مِنْ فِلَزِ اللَّجَيْنِ وَالْعَقِيَانِ، وَنَثَارَةِ الدُّرِّ وَحَصِيدِ الْمَرْجَانِ، مَا أَثَّرَ ذَلِكَ فِي جُودِهِ، وَلَا أَنْفَعَدَ سِعَةً مَا عِنْدَهُ، وَلَكَانَ عِنْدَهُ مِنْ ذَخَائِرِ الْأَنْعَامِ مَا لَا تُنْفِدُهُ مَطَالِبُ الْأَنَامِ، لِأَنَّهُ الْجَوَادُ الَّذِي لَا يَغِيضُهُ سُؤَالُ السَّائِلِينَ، وَلَا يُيَخِّلُهُ الْإِحَاحُ الْمَلْحِينَ. «ستایش خدایی را سزااست که نبخشیدن بر مال او نیفزاید، و بخشش او را فقیر نسازد، زیرا هر بخشنده ای جز او، اموالش کاهش یابد، و جز او هر کس از بخشش دست کشد مورد نکوهش قرار گیرد، اوست بخشنده انواع نعمتها و بهره های فزاینده و تقسیم کننده روزی پدیده ها، مخلوقات همه جیره خوار سفره اویند، که روزی همه را تضمین، و اندازه اش را تعیین فرمود. به مشتاقان خویش و خواستاران آن چه در نزد اوست راه و روشن را نشان داد، سخاوت او در آنجا که از او بخواهند، از آنجا که از او در خواست نکنند، بیشتر نیست. خدا اولی است که آغاز ندارد، تا پیش از او چیزی بوده باشد، و آخری است که پایان ندارد تا چیزی پس از او وجود داشته باشد، مردمک چشمها را از

مشاهده خود باز داشته است، زمان بر او نمی گذرد تا دچار دگرگونی گردد، و در مکانی قرار ندارد تا پندار جابجایی نسبت به او روا باشد. اگر آن چه از درون معادن کوهها بیرون می آید، و یا آن چه از لبان پر از خنده صدف های دریا خارج می شود، از نقره های خالص، و طلاهای ناب، دُرهای غلطان، و مرجان های دست چین، همه را ببخشد، در سخاوت او کمتر اثری نخواهد گذاشت، و گستردگی نعمتهایش را پایان نخواهد داد، در پیش او آنقدر از نعمت ها وجود دارد که هر چه انسان ها درخواست کنند تمامی نپذیرد، چون او بخشنده ای است که درخواست نیازمندان چشمه جود او را نمی خشکاند، و اصرار و درخواست های پیاپی او را به بخل ورزیدن نمی کشاند.» (۳). و سیره نویسان نوشتند که: پس از ایراد این سخنرانی گوش ها تیز و رنگ چهره ها سرخ و اشک ها جاری شد. در میدان جنگ، آنگاه که سربازی در مبانی اعتقادی دچار تردید شد، همانجا به بحث و گفتگو پرداخت و شبهات فکری را از جان و دل سرباز زدود. هر کس اشکال و ایرادی را مطرح کرد فوراً امام جواب او را داد. و هر کس سئوالی از عقائد و آراء اسلامی داشت پاسخ های مستدل و روشنی از امام دریافت کرد. در دوران خلافت دیگران که امام علی علیه السلام در انزوای سیاسی به سر می برد. هر جا که سران سقیفه در برابر دانشمندان مسیحی و یهودی و دیگر اقوام و ملل در مانده می شدند و نمی توانستند پاسخگو باشند، خدمت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام رسیده و نیازهای فکری خود را برطرف می ساختند. (۴). اینکه در نوشته ها یا در سخنرانی ها اظهار می داریم: «امام علی علیه السلام اول مسلمان است» سخنی در مقابله با خصم است. و گرنه در ژرفای جان ما چیز دیگری است که: امام علی علیه السلام شاهد «آزل» و «آبد» هست. حضرت آدم علیه السلام با نام و یاد او، زمزمه می کند و خدا را سوگند می دهد. و به خدا تقرب می جوید. و حضرت نوح، برای آرام کردن طوفان و به سلامت گذشتن «کشتی» از خطرات امواج «یا علی» می گوید، و با نام و یاد پنج تن آل عبا، سفر را آغاز و دوران آرامش را به جان می خرد. و هم در بدنه کشتی نوح، حاکم می گردد. و تمام پیامبران الهی در دعاها یا خود خدا را با نام «پنج تن» و «امام علی علیه السلام» سوگند می دادند، و درجات معنوی می طلبیدند، و او در دوران حاملگی مادر، تنها یار و مونس مادر است. با مادر حرف می زد، خدا را به یاد او می آورد. و آنگاه که مادرش «حضرت فاطمه بنت اسد» به طرف بُت ها می رفت فرزند در شکم مادر تکان سختی می خورد. (یعنی مادر به این بُت ها نزدیک مشو) و به حرمت او دیوار کعبه شکاف برداشت و کعبه جایگاه تولد او گردید که به شرافت او شرافت پیدا کرد. و آنگاه که قنடاق او بر روی دست پیامبر قرار گرفت، آیات قرآنی را خواند که هنوز بر رسول گرامی اسلام «به ظاهر» نازل نشده بود. امام علی علیه السلام از لحظه تولد تا دوران نوجوانی با یاد و نام خدا زندگی کرد که دوست و دشمن و خانواده خود را دچار شگفتی های فراوان ساخت که فرمود: وَقَدْ عَلِمْتُمْ مَوْضِعِي مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِالْقَرَابَةِ الْقَرِيبَةِ، وَالْمَنْزِلَةِ الْخَصَّةِ يَصَّهُ. وَضَعْنِي فِي حَجَرِهِ وَأَنَا وَلَدٌ يَضُمُّنِي إِلَى صَدْرِهِ، وَيَكْنُفُنِي فِي فَراشِهِ، وَيُمْسِكُنِي بِجَسَدِهِ، وَيُسَمِّنُنِي عَزَقَهُ. وَكَانَ يَمْضَغُ الشَّيْءَ ثُمَّ يُلْقِمُنِيهِ، وَمَا وَحَدَ لِي كَذِبَةً فِي قَوْلٍ، وَلَا خَطْلَةً فِي فِعْلٍ. وَلَقَدْ قَرَنَ اللَّهُ بِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ لَدُنْ أَنْ كَانَ فَطِيماً أَعْظَمَ مَلَكٍ مِنْ مَلَائِكَةِ سَمَائِكَ بِطَرِيقِ الْمَكَارِمِ، وَمَحَاسِنِ أَخْلَاقِ الْعَالَمِ، لَيْلَهُ وَنَهَارَهُ. وَلَقَدْ كُنْتُ أَتَّبِعُهُ اتِّبَاعَ الْقَصْدِ بِلِ أَثَرِ أُمِّهِ، يَرْفَعُ لِي فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْ أَخْلَاقِهِ عِلْماً، وَيَأْمُرُنِي بِالْإِقْتِدَاءِ بِهِ. وَلَقَدْ كَانَ يُجَاوِرُ فِي كُلِّ سَنَةٍ بِحَرَاءِ فَارَاهُ، وَلَا يَرَاهُ غَيْرِي. وَلَمْ يَجْمَعْ بَيْتٌ وَاحِدٌ يَوْمَئِذٍ فِي الْإِسْلَامِ غَيْرَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَخَدِيجَةَ وَأَنَا تَالِئُهُمَا. أَرَى نُورَ الْوَحْيِ وَالرَّسَالَةِ، وَأَشْمُ رِيحَ الثُّبُوءِ. وَلَقَدْ سَجَعْتُ رَنَّةَ الشَّيْطَانِ حِينَ نَزَلَ الْوَحْيُ عَلَيْهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا هَذِهِ الرَّنَّةُ؟ فَقَالَ: «هَذَا الشَّيْطَانُ قَدْ آيَسَ مِنْ عِبَادَتِهِ. إِنَّكَ تَسْمَعُ مَا أَسْمَعُ، وَتَرَى مَا أَرَى، إِلَّا أَنَّكَ لَسْتَ بِنَبِيٍّ، وَلَكِنَّكَ لَوْزِيرٌ وَإِنَّكَ لَعَلَى خَيْرٍ». «شما موقعیت مرا نسبت به رسول خدا صلی الله علیه و آله در خویشاوندی نزدیک، در مقام و منزلت ویژه می دانید، پیامبر مرا در اتاق خویش می نشاند، در حالی که کودک بودم مرا در آغوش خود می گرفت، و در استراحتگاه مخصوص خود می خوابانید، بدنش را به بدن من می چسباند، و بوی پاکیزه خود را به من می بویاند، و گاهی غذایی را لقمه لقمه در دهانم می گذارد، هرگز دروغی در گفتار من، و اشتباهی در کردارم نیافت. از همان لحظه ای که پیامبر صلی الله علیه و آله را از شیر گرفتند، خداوند بزرگ ترین فرشته خود را مأمور تربیت پیامبر صلی الله علیه

وآله کرد تا شب و روز، او را به راه های بزرگواری و راستی و اخلاق نیکو راهنمایی کند، و من همواره با پیامبر بودم چونان فرزند که همواره با مادر است، (۵) پیامبر صلی الله علیه وآله هر روز نشانه تازه ای از اخلاق نیکو را برایم آشکار می فرمود، و به من فرمان می داد که به او اقتداء نمایم، پیامبر صلی الله علیه وآله چند ماه از سال را در غار حراء می گذراند، تنها من او را مشاهده می کردم، و کسی جز من او را نمی دید، در آن روزها، در هیچ خانه مسلمانی راه نیافت جز خانه رسول خدا صلی الله علیه وآله که خدیجه هم در آن بود و من سؤمین آنان بودم، من نور وحی و رسالت را می دیدم، و بوی نبوت را می بوییدم من هنگامی که وحی بر پیامبر صلی الله علیه وآله فرود می آمد، ناله شیطان را شنیدم، گفتم ای رسول خدا، این ناله کیست؟ گفت: شیطان است که از پرستش خویش مأیوس گردید و فرمود: «علی! تو آن چه را من می شنوم، می شنوی، و آن چه را که من می بینم، می بینی، جز اینکه تو پیامبر نیستی، بلکه وزیر من بوده و به راه خیر می روی.» (۶). و آنگاه که از امام پرسیدند: وقد سأله ذعلب الیمانی فقال: هل رأیت ربک یا أمیر المؤمنین؟ فقال علیه السلام: أفأعبد ما لا- أری؟ فقال: وكيف تراه؟ فقال: معرفة الله اعتقادی اعتقاد عقیده خدانشناسی خدا ذات ازلی، ازلیت الهی توحید (منوریسیم «علم توحید») شرک عدل و عدالت عدل، عدالت پیامبر شناسی انبیاء بعثت پیامبر پیامبر پیامبران جاهل، جاهلی، جاهلان جاهلیت رسول خدا نبوت محمد امام شناسی امامان امامت ائمه امام علی امام حسن و امام حسین امام زمان امام مهدی امیرالمؤمنین علی ولایت اهل بیت رهبر حاکم، حاکمان حجت، حجج الهی خلافت عترت معاد شناسی آخرت آخرت گرایي اجل بهشت شرایط راه یافتن به بهشت نمونه ای از بهشتیان پاداش حساب، حسابرسی، حسابگری رستاخیز شفاعت عذاب آتش جهنم عوامل ورود به آتش عوامل نجات از آتش قیامت قبر، قبرستان مرگ مکافات فروع دین فروع دین روزه نماز، نماز جماعت، نماز جمعه زکات صدقه حج، حجاج کعبه جهاد مجاهدین، مجاهدان امر به معروف آفات ترک امر به معروف شرایط امر بمعروف نواهی نهی، نهی از منکر قرآن اسلام اسلام خاتمیت دین دینداری دین گریزی (گروه های لائیک) شبهه، شبهات مناظره ارزش های عقیدتی ارزش و ارزش ها آثار شناخت مقایسه ای ارزش ها نسبت ارزش ها جستجو و گزینش ارزش ها زهد (پارسائی) ریا جبر فتالیزم قضا و قدر ***** خطبه ۴۴ / ۱ نهج البلاغه معجم المفهرس مؤلف، که برخی از اسناد و مدارک آن به این شرح است: ۱- عیون المواعظ والحکم ص ۳۵۰ ح ۵۹۵۱: واسطی (متوفای ۶۰۰ه) ۲- بحارالانوار ج ۷۴ ص ۳۰۰ و ۴۲۳: مجلسی (متوفای ۱۱۱۰ه) ۳- ربيع الابرار ج ۱ ص ۹۷ و ص ۳۱۲: زمخشری معتزلی (متوفای ۵۳۸ه) ۴- منهاج البراءة ج ۱ ص ۲۲: قطب راوندی (متوفای ۵۷۳ه) ۵- تحف العقول ص ۶۷: ابن شعبه حرانی (متوفای ۳۸۰ه) ۶- اصول کافی ج ۱ ص ۱۳۸/۱۴۰: کلینی رازی (متوفای ۳۲۸ه) ۷- احتجاج ج ۱ ص ۴۷۳ و ۴۷۵ و ۲۰۹: طبرسی (متوفای ۵۸۸ه). خطبه ۹۱ نهج البلاغه معجم المفهرس مؤلف. خطبه ۹۱ نهج البلاغه معجم المفهرس مؤلف، که برخی از اسناد و مدارک آن به این شرح است: ۱- عقد الفريد ج ۴ ص ۲۰۷ و ج ۲ ص ۴۰۶: ابن عبد ربه مالکی (متوفای ۳۲۸ه) ۲- کتاب توحید ص ۴۸ ح ۱۳: شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱ه) ۳- ربيع الابرار ج ۱ باب الملائكة ص ۳۱۰ ح ۱۱: زمخشری معتزلی (متوفای ۵۳۸ه) ۴- النهاية ج ۲ ص ۱۱۶: ابن اثیر شافعی (متوفای ۶۰۶ه) ۵- فرج المهموم ص ۵۶: سید بن طاووس (متوفای ۶۶۴ه) ۶- تيسير المطالب ص ۲۰۲ و ۲۰۳: سید ابوطالب (متوفای ۴۲۴ه) ۷- غرر الحکم ج ۶ ص ۱۹۳ و ۲۱۲: آمدی (متوفای ۵۸۸ه). در جلد ۶ امام علی و علم و هنر نمونه های آن را مطالعه می نمائید. اِتِّبَاعُ الْفَصِيلِ اَثَرًا (شتر بچه همواره با شتر است) وقتی می خواستند بگویند که آن دو نفر همیشه با هم بودند از این ضرب المثل استفاده می کردند. خطبه ۱۹۲ نهج البلاغه معجم المفهرس مؤلف، که برخی از اسناد و مدارک آن به این شرح است: ۱- کتاب اليقين ص ۱۹۶: سید بن طاووس (متوفای ۶۶۴ه) ۲- فروع کافی ج ۴ ص ۱۹۸ الی ۲۰۱ ح ۲: کلینی (متوفای ۳۲۸ه) ۳- من لايحضره الفقيه ج ۱ ص ۱۵۲: شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱ه) ۴- ربيع الابرار ص ۳۳۳ ج ۱ و ج ۵ ص ۱۷۵: زمخشری معتزلی (متوفای ۵۳۸ه) ۵- اعلام النبوة ص ۹۷: ماوردی (متوفای ۴۵۰ه) ۶- بحارالانوار ج ۱۳ ص ۱۴۱ و ۶۰ ص ۲۱۴ و ۲۶۴: مجلسی (متوفای ۱۱۱۰ه).

لَا تُدْرِكُهُ الْعُيُونُ بِمُشَاهِدَةِ الْعَيْنِ، وَلَكِنْ تُدْرِكُهُ الْقُلُوبُ بِحَقَائِقِ الْإِيمَانِ. قَرِيبٌ مِنَ الْأَشْيَاءِ غَيْرُ مُلَابَسٍ، بَعِيدٌ مِنْهَا غَيْرُ مُبَايِنٍ، مُتَكَلِّمٌ لَا بَرَوِيَّةَ، مُرِيدٌ لَا بَهْمَةَ، صَانِعٌ لَا بِجَارِحَةٍ. لَطِيفٌ لَا يُوصَفُ بِالْخَفَاءِ، كَبِيرٌ لَا يُوصَفُ بِالْجَفَاءِ، بَصِيرٌ لَا يُوصَفُ بِالْحَاسَةِ، رَحِيمٌ لَا يُوصَفُ بِالرَّفَةِ. تَغْنُو الْوُجُوهُ لِعَظَمَتِهِ، وَتَجِبُ الْقُلُوبُ مِنْ مَخَافَتِهِ. (ذَعْلَبِ يَمَانِي پرسید: «ای امیرمؤمنان آیا پروردگار خود را دیده ای؟» پاسخ فرمود: «آیا چیزی را که نبینم می پرستم؟» گفت: «چگونه او را می بینی؟». حضرت فرمود: خداشناسی «دیده ها هرگز او را آشکار نمی بینند، اما دل ها با ایمان درست او را در می یابند، خدا به همه چیز نزدیک است نه آن که به اشیاء چسبیده باشد، و از همه چیز دور است نه آن که از آنها بیگانه باشد، گوینده است نه با اندیشه و فکر، اراده کننده است نه از روی آرزو و خواهش، سازنده است نه با دست و پا، لطافت دارد نه آن که پوشیده و مخفی باشد، بزرگ است نه با ستمکاری، بیناست نه با حواس ظاهری، مهربان است نه با نازک دلی، سرها و چهره ها در برابر عظمت او بخاک افتاده، و دلها از ترس او بی قرارند.» (۱). رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم با توجه به این وارستگی ها، والائی ها و جاودانگی های امام علی علیه السلام است که آن حضرت را ترجمان قرآن و معیار حق و باطل معرفی کرده است. بنابراین زبان گویای امیرالمؤمنین علیه السلام ترجمان واقعی قرآن است. و نهج البلاغه تفسیر صحیح و مفاهیم نورانی کتاب خداست. از کانال «نهج البلاغه» و «حدیث» باید به اقیانوس بیکرانه قرآن راه یافت، و سفارش پیامبر اسلام در حدیث «ثقلین» است که فرمود: اِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِزَّتِي «من در میان شما دو چیز گرانبها باقی گذاشته ام، اولی آن قرآن و دیگری عترت من است.» و سپس ادامه داد که: مَا اِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا «مادام که به هر دو (کتاب و عترت) عمل می کنید گمراه نخواهید شد.» هم اکنون معارف بلند اعتقادی را باید از نهج البلاغه فرا گرفت، و شبهات فکری را باید با زلال حقیقت نهج البلاغه از جان و دل زدود. که در این قسمت به برخی از جوانب مباحث عقیدتی اشاره می شود، مانند: (۲).

اعتقادی اعتقاد عقیده خداشناسی خدا ذات ازلی، ازلیت الهی توحید (منوریسم «علم توحید») شرک عدل و عدالت عدل، عدالت پیامبر شناسی انبیاء بعثت پیامبر پیامبران جاهل، جاهلی، جاهلان جاهلیت رسول خدا نبوت محمد امام شناسی امامان امامت ائمه امام علی امام حسن و امام حسین امام زمان امام مهدی امیرالمؤمنین علی ولایت اهل بیت رهبر حاکم، حاکمان حجت، حجج الهی خلافت عترت معاد شناسی آخرت آخرت گرایي اجل بهشت شرایط راه یافتن به بهشت نمونه ای از بهشتیان پاداش حساب، حسابرسی، حسابگری رستاخیز شفاعت عذاب آتش جهنم عوامل ورود به آتش عوامل نجات از آتش قیامت قبر، قبرستان مرگ مکافات فروع دین فروع دین روزه نماز، نماز جماعت، نماز جمعه زکات صدقه حج، حُجَّاج کعبه جهاد مجاهدین، مجاهدان امر به معروف آفات ترک امر به معروف شرایط امر به معروف نواهی نهی، نهی از منکر قرآن اسلام اسلام خاتمیت دین دینداری دین گریزی (گروه های لائیک) شبهه، شبهات مناظره ارزش های عقیدتی ارزش و آثار شناخت مقایسه ای ارزش ها نسبت ارزش ها جستجو و گزینش ارزش ها زهد (پارسائی) ریا جبر فتالیزم قضا و قدر ***** خطبه ۱۷۹ نهج البلاغه معجم المفهرس مؤلف، که برخی از اسناد و مدارک آن به این شرح است: ۱- عیون المواعظ والحکم ص ۳۵۰ ط جدید: واسطی (متوفای ۱۳۰۰هـ) ۲- بحارالانوار ج ۷۴ ص ۳۰۰ و ۴۲۳: مجلسی (متوفای ۱۱۱۰هـ) ۳- ربیع الابرار ج ۱ ص ۹۷: زمخشری معتزلی (متوفای ۵۳۸هـ) ۴- منهاج البراعه ج ۱ ص ۲۲: قطب راوندی (متوفای ۵۷۳هـ) ۵- تحف العقول ص ۶۷: ابن شعبه حرانی (متوفای ۳۸۰هـ) ۶- اصول کافی ج ۱ ص ۱۳۸/۱۴۰: کلینی رازی (متوفای ۳۲۸هـ) ۷- احتجاج ج ۱ ص ۴۷۳ و ۴۷۵ و ۲۰۹: طبرسی (متوفای ۵۸۸هـ). شماره ها بر اساس شماره های نهج البلاغه نسخه معجم المفهرس مؤلف است.

. اختلاف اعتقادی یهودیان حکمت ۳۱۷. ارزش اعتقاد و عقیده خطبه ۱۲. اعتقاد به جهاد با دشمن خطبه ۵/۲۶. اعتقاد به مقدرات الهی خطبه ۱/۲۳. اعتقاد و یقین امام علی علیه السلام خطبه ۵/۴. ره آورد مبانی اعتقادی حکمت ۱۴۶. شک و تردید در مسائل اعتقادی حکمت ۱۲۶. ضرورت اعتقاد به جنگ و جهاد خطبه ۹/۲۷ تا ۱۶. فلسفه مبانی اعتقادی حکمت ۲۵۲. مبانی اعتقادی و وحدت اجتماعی خطبه ۲/۱۸. وصیت های اعتقادی امام علیه السلام خطبه ۴ - ۲/۱۴۹. ویژگی های اعتقادی امام علیه السلام حکمت ۱۸۴، حکمت ۱۸۵. ویژگی های اعتقادی اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم خطبه ۱۶ - ۱۵/۹۷ *****

عقیده

. اختلاف عقیدتی یهود حکمت ۳۱۷. ارزش اعتقاد و عقیده خطبه ۱۲. انحرافات عقیدتی خطبه ۴/۴۹. برابری نیت و عقیده با عمل خطبه ۱۲. وراثت در عقیده و تفکر خطبه ۶۰ *****

خداشناسی

خدا

. آثار شهادت به یگانگی خدای بزرگ خطبه ۳/۲. آثار یاد خداوند خطبه ۲/۲۲۲. آرزوی معقول دوستان خدا حکمت ۳/۴۳۲. آشکار و نهان بودن خدا (صفات خدا) خطبه ۱/۹۶. اثبات خدا از راه برهان وجود خطبه ۱/۱۶۵. اثر ترس از خدای متعال حکمت ۲۰۸. ارزش ترس از خداوند حکمت ۲۴۲. ارزش خشم مقدس در راه خدا خطبه ۱/۱۳۳. ارزش راهنمایی خدا خطبه ۱۱/۱۴۷. ارزش ستایش و شهادت به یگانگی خدا خطبه ۱۱۴. ارزش گریه از خوف خدا خطبه ۱۳/۱۹۰. ارزش های دوستان خدا حکمت ۴۳۲. ارزش یاد خدا خطبه ۲۲۲، خطبه ۵/۱۱۰. ازلیت خداوند خطبه ۱/۱۸۵، خطبه ۱/۹۰. ازلیت و ابدیت خدا خطبه ۲ - ۱/۱۰۱. اطاعت همه موجودات از خدا خطبه ۲ - ۱/۱۳۳. اعتراف به عجز و تسلیم در برابر خدا حکمت ۹۹. اعتراف به علم فراگیر خدا حکمت ۱۰۰. اعتراف عقلهای سالم به وحدانیت خدا خطبه ۲/۱۶۵. امیدواری به خدا خطبه ۴/۱۱۵، نامه ۴۲/۳۱، خطبه ۱۰۳/۹۱، حکمت ۱/۸۲. امیدواری به غیر خدا ممنوع خطبه ۲ - ۱/۷۹. امیدواری به لطف خدا خطبه ۱۰ - ۶/۱۴۳. انس با خدا خطبه ۶/۲۲۳. اوصاف خدا خطبه ۱/۲۰۴، خطبه ۱۸۲، خطبه ۱۸۳، خطبه ۱۸۵، خطبه ۹۱. بازگشت همه بسوی خدا حکمت ۹۹. بازگشت همه کارها به خدا خطبه ۱/۱۸۲. بی نیازی خدا خطبه ۲۳/۱۸۳، خطبه ۲۳/۱۸۶. بی نیازی خدا در آفرینش خطبه ۵ - ۴/۶۵، خطبه ۱/۱۹۳. خطبه ۳/۱۵۵، خطبه ۱۹/۱۸۶، خطبه ۱/۱۹۳. بی همانند بودن خداوند خطبه ۲۱/۹۱. بی همتایی خداوند خطبه ۲/۲. پاسدار خدا در زمین حکمت ۳۳۲. پرده پوشی خدا حکمت ۳۰. پرهیز از توجه به غیر خدا خطبه ۷۹. پرهیز از مهلت دادن خدا حکمت ۲۶۰. تجلی خدا خطبه ۱/۶۵. تجلی خدا در مخلوقات خطبه ۱/۱۰۸. ترس از خدا حکمت ۳۸۳، حکمت ۳۰. ترس از خدا در برابر نعمتها حکمت ۲۵. تسلیم خواسته های خدا خطبه ۴/۲۳. تشبیه و مقایسه در خدا ممنوع خطبه ۴۲/۱، خطبه ۱/۲۱۳، خطبه ۲/۴۹. تعریف علم خداوند خطبه ۹۱. تقوا و خدا گرایی خطبه ۱/۲۴. توبه پذیری خدا حکمت ۴۳۵. توجه به خدا و مسئولیتهای الهی نامه ۱/۲۵. توجه به خدا در نعمتها نامه ۸۸/۳۱، خطبه ۴/۷۹. توکل به خدا نامه ۱/۲۶، نامه ۲۷/۲۸. جاودانگی خدا و فنا پذیری موجودات خطبه ۲۹/۱۸۶. جایگاه امیدواری به خدا حکمت ۸۷. جایگاه ترس از خدا حکمت ۲۵. جایگاه حمد و ستایش خداوند خطبه ۱/۱۳۲. حجتهای خدا بر خلق خطبه ۲/۸۱. حضور همه جایی خدا خطبه ۱/۹۶، خطبه ۵/۱۹۵. حفظ حرمت نام خدا نامه ۲/۶۹. حق خدا در خدا شناسی خطبه ۸/۹۱. حکمت اوامر و خواسته های خدا خطبه ۱/۱۶۰. حمد و ستایش خدا خطبه ۱/۱۹۱، خطبه ۱۶۰. خدا آفریده نشده خطبه ۱۱/۱۸۶. خدا از هر چیزی به ما نزدیکتر است خطبه ۲/۴۹. خدا اصل همه خوبی ها و کمال خطبه ۱/۶۵ تا ۵.

خدا با همه موجودات و در همه جا حضور دارد خطبه ۵/۱۹۵ و ۶. خدا ترس در خلوتگاهها خطبه ۳۲۴. خدا تنها پناهگاه در مصیبت ها خطبه ۳ - ۲/۲۲۷. خدا دانای اسرار خطبه ۱/۸۶. خدا دیدنی نیست خطبه ۱/۴۹. خدا ذلیل کردن بنده نا فرمان حکمت ۲۸۸. خدا شناسی خطبه ۲/۱ خطبه ۱/۸، خطبه ۳ - ۱/۲، خطبه ۱/۱۷۸، خطبه ۱/۴۵، خطبه ۹/۱۸۵، خطبه ۱/۱۹۲، خطبه ۱/۴۹، خطبه ۱/۴۸، حکمت ۱۲۹، خطبه ۱/۶۵، خطبه ۱/۷۲، خطبه ۱/۷۸، خطبه ۱/۸۳، خطبه ۱/۸۵، خطبه ۱/۸۶، خطبه ۱/۹۰، خطبه ۱/۹۱، خطبه ۱/۹۶، خطبه ۱/۱۰۱، خطبه ۱/۱۰۸، خطبه ۱/۱۰۹، خطبه ۱/۱۵۲، خطبه ۱/۱۵۵، خطبه ۱/۱۶۰، خطبه ۱/۱۶۳، خطبه ۱/۱۶۵، خطبه ۱/۱۷۱، خطبه ۱/۱۷۸، خطبه ۱/۱۷۹، خطبه ۱۳/۱۸۲، خطبه ۱/۱۸۳، خطبه ۱/۱۸۵، خطبه ۱/۱۸۶، خطبه ۱/۱۹۱، خطبه ۱/۹۳، خطبه ۱/۱۹۵، خطبه ۱/۱۹۸، خطبه ۱/۲۱۳، خطبه ۲۹/۳۱، حکمت ۲۰۳، خطبه ۴۹، نامه ۳۱. خدا شناسی در حوادث روزگار حکمت ۲۵۰. خداشناسی در قرآن خطبه ۸/۹۱، خطبه ۱۴۷. خدا شناسی، شناخت خدا و پیامبران و امامان معصوم علیه السلام خطبه ۱۸/۱۹۰. خداشناسی علی علیه السلام خطبه ۲۰/۹۱. خدا گرائی خطبه ۷۹. خدا گرائی در عمل حکمت ۲۰۴. خدا گرائی در مبارزه با ستمگران خطبه ۱۳۰. خدا گرائی و اخلاص نامه ۸۸ - ۸۹/۳۱. خدا گرایی عاشق حق خطبه ۱۳/۹۱. خدا گرایی مومن خطبه ۶/۸۷. خدا مالک اصلی وجود حکمت ۴۰۴. خدا مربی انسان نامه ۱۱/۲۸. خدا مفتاح مشکلات انسان نامه ۶۹/۳۱. خدا نگر عارف خطبه ۱/۱۳۲. خدا و انتقام از ظلم خطبه ۱/۹۷. خدا و پدیدهها خطبه ۴/۱۵۲. خدا و چگونگی حسابرسی بندگان حکمت ۳۰۰. خدا و حاجت مؤمنان حکمت ۳/۲۶۹. خدا و حجاب نور خطبه ۲۲/۱. خدا و رزق و روزی انسان خطبه ۱۶/۱۱۴. خدا و کامروایی ضعفیان حکمت ۲/۲۷۳. خداوند نعمت ها خطبه ۱۳ - ۱۲/۱۰۹. خدای ازلی و ابدی نامه ۴۶/۳۱، خطبه ۲/۱۶۳. خدای بی نیاز خطبه ۱/۱۹۳. خدای جاودانه (ازلی و ابدی) خطبه ۲۹/۱۸۶. خدای جاویدان خطبه ۱/۹۴. خدای دانای راز خطبه ۳/۱۹۳. خدای روزی دهنده خطبه ۲/۱۰۹، حکمت ۱۳۹. خلقت موجودان نشانه روشن وجود خدا خطبه ۴-۱/۴۹. در بزرگی و بزرگواری خدا بی مانند است خطبه ۳/۴۹. درخواست از خدا خطبه ۴/۲۲۷. درخواست خوبیها از خدا خطبه ۶/۲۱۵. درخواست عفو و گذشت از خدا خطبه ۵/۲۲۷. دلایل یگانگی خدا نامه ۴۵/۳۱. دوستان خدا و ترک دنیا حکمت ۲/۴۳۲. دین و شناخت خدا خطبه ۱. ذکر و یاد خدا خطبه ۵/۱۱۰، خطبه ۱۳/۱۹۰، خطبه ۲۲ - ۲۱/۱۹۳، خطبه ۹/۱۸۳، خطبه ۳۷ - ۳۶/۸۳. رابطه خدا با خلق خطبه ۷/۱، خطبه ۲ - ۱/۱۸۸. رابطه خدا با انسان خطبه ۸۴/۹۱، خطبه ۸۶. راه اثبات ازلیت خدا خطبه ۱/۱۵۲، خطبه ۳/۱۸۵، خطبه ۱۸ - ۱۰/۱۸۶. راه اثبات وجود خدا خطبه ۱/۱۵۲. راه خدا شناسی حکمت ۲۵۰، خطبه ۱/۱۷۹، خطبه ۱۸۲، خطبه ۹/۱۸۵، خطبه ۲ - ۱/۱۰۸، خطبه ۹/۱، خطبه ۱/۴۹، خطبه ۴/۱۵۵، خطبه ۱/۱۷۹. راه دیدن و مشاهده کردن خدا خطبه ۲ - ۱/۱۷۹. راه رسیدن عقول بشری به خدا خطبه ۱۷ - ۵/۱۸۲. راه شناخت صفات خدا خطبه ۱۰ - ۸/۹۱. راهنمایان خداشناسی خطبه ۱۷/۹۱. راه های اثبات وجود خدا خطبه ۱/۱۹۵، خطبه ۱/۱۵۲. راه های ارتباط با خدا خطبه ۱/۱۹۰، خطبه ۱/۱۱۴، خطبه ۱/۱۵۱، خطبه ۱۶۱، خطبه ۱۹۰، حکمت ۴۳۵، نامه ۱۱/۲۷، نامه ۶۸ - ۴۲/۳۱. راه های بازگشت به خدا حکمت ۲۹۹. راه های تقرب به خداوند ۱/۱۱۰. راه های خدا شناسی حکمت ۲۵۰، خطبه ۹/۱۸۵، خطبه ۱۶۰، خطبه ۲ - ۱/۱۰۸، خطبه ۹/۱۸۵، خطبه ۱، راه های نادرست خداشناسی خطبه ۵/۱۵۲. راه های نزدیک شدن به خداوند خطبه ۵/۲۲۳. راه های هدایت و خدا حکمت ۱۵۸. راهیابی عقول و اندیشه بشری به خدا خطبه ۸ - ۷/۱۸۶. روانشناسی پوینده راه خدا خطبه ۱/۲۲۰. روزگار ظهور حجت خدا حکمت ۲۰۹. روش اثبات ازلیت خدا خطبه ۲ - ۱/۱۶۳. روش اثبات توحید خدا نامه ۴۵/۳۱. روش برخورد خدا با مجرمان حکمت ۳۰. روش برخورد مهربانانه خدا با بندگان خطبه ۲/۱۸۸. روش خدا شناسان راستین خطبه ۱۰/۹۱. روش درخواست از خداوند خطبه ۱۹۹، حکمت ۳۶۱. روشهای صحیح خدا شناسی خطبه ۷/۱. روش یاری خواستن از خدا خطبه ۲/۱۸۲. ره آورد ارتباط با خدا حکمت ۴۳۵. ره آورد اطاعت خداوند خطبه ۶/۱۹۸. ره آورد بزرگ داشتن خداوند حکمت ۱۲۹. ره آورد توجه به عظمت حکومت خداوند نامه ۱۴/۵۳. ره آورد شوم غرور زدگی در برابر خداوند نامه ۱۶/۵۳. سیره ائمه و خدا شناسی خطبه ۹/۹۱. سیمای دوستان و بندگان خدا خطبه ۱/۸۷، خطبه

۵/۱۱۴. شرائط اجرای اوامر خدا حکمت ۱۱۰. شرط تأثیر ذکر و یاد خدا خطبه ۹/۲۲۲. شکوه ها با خدا خطبه ۸/۱۴۳، خطبه ۲ - ۱/۲۱۲. شگفتی آفرینش و راه های اثبات خدا خطبه ۱۹ - ۶ - ۵/۹۱. شناخت روشهای دروغین خداشناسی خطبه ۵/۱، خطبه ۹۱. شناخت صفات الهی خطبه ۱/۱۸۵ تا ۶، خطبه ۱/۹۰، خطبه ۱/۱۸۶ تا ۸. شناخت صفات خدا خطبه ۱/۱۳۲، نامه ۴۶/۳۱. شناخت صفات خدا در قرآن خطبه ۸/۹۱. شناخت صفات و ویژگی های خدا خطبه ۳ - ۱/۱۷۹، خطبه ۲ - ۱/۱۹۱، خطبه ۸ - ۷/۱۹۵، خطبه ۳/۱۸۵، خطبه ۱۹۲. شناخت عدالت و حکمت خدا خطبه ۳ - ۲/۱۹۱. شناخت عظمت و قدرت خدا خطبه ۱۲/۹۱ تا ۱۸. شناخت کیفیت رابطه خدا با موجودات خطبه ۲/۱۸۶. شناخت محبت های خدا حکمت ۴۳۵. شناساندن صحیح خداوند سبحان خطبه ۱۸۶. شهادت در راه خدا خطبه ۳/۱۲۳. شیرینی شناخت خدا (عقل و عشق) خطبه ۵۲/۹۱. صفات ثبوتیه خداوند خطبه ۱/۱۷۹، خطبه ۱۸۶، خطبه ۱۰۹. صفات خدا (خداشناسی) خطبه ۱/۸۵، خطبه ۱/۹۶، خطبه ۵ - ۲/۱۵۲، خطبه ۹/۱، خطبه ۸ - ۱/۱، خطبه ۳ - ۱/۲، خطبه ۸۳، خطبه ۱/۹۰، خطبه ۱۰۸، خطبه ۱۰۹، خطبه ۱/۱۷۸، حکمت ۱۲۹، خطبه ۱/۱۹۰، خطبه ۱/۱۹۲، خطبه ۸۶، خطبه ۱، خطبه ۱۳۲، خطبه ۲۱۴، خطبه ۱/۴۵. ضرورت بکارگیری قدرت در اطاعت خدا حکمت ۳۸۳. ضرورت پناه دادن به خداوند خطبه ۱/۲۴، خطبه ۲ - ۱/۴۶، خطبه ۱/۱۵۱. ضرورت توجه به لطف و پرده پوشی خدا خطبه ۵ - ۲/۱۴۰، خطبه ۹ - ۸/۲۲۳. ضرورت توکل به خداوند حکمت ۲۷۳. ضرورت حمد و ستایش خدا خطبه ۲ - ۱/۱۸۳، خطبه ۱/۱۸۲، خطبه ۱/۳۵، خطبه ۱/۴۵، خطبه ۱/۴۸، خطبه ۱/۴۹، خطبه ۱/۱۱۴، خطبه ۶/۱۳۲، خطبه ۱/۱۵۷، خطبه ۱/۱۶۳، خطبه ۱/۱۷۳. ضرورت خدا گرایی خطبه ۱۳ - ۱۲/۱۴۷. ضرورت دوستی با دوستان خدا نامه ۱۵/۶۹. ضرورت کمک و یار خواستن از خداوند خطبه ۱۰/۱۳۳. ضرورت یاد خدا در همه حالات نامه ۱/۵۶. طلب رحمت از خدا نامه ۶۴/۳۱. ظاهر و باطن بودن خدا خطبه ۳/۱۵۲. عجز از شناخت و توصیف خدا خطبه ۳ - ۱/۱. عجز از معرفت خدا خطبه ۱/۱۹۵. عجز از وصف خدا خطبه ۱۴/۱۸۲. عجز انسان از درک خدا خطبه ۱/۱۸۵، خطبه ۴/۱۶۰، خطبه ۱۳/۱۸۲، خطبه ۱۲/۹۱. عجز انسان از درک عظمت خدا خطبه ۱/۹۴، خطبه ۲/۱۱۲، خطبه ۴/۱۶۰. عجز انسان از شناخت خدا خطبه ۱۲/۱۸۶. عجز انسان از شناخت ذات خدا خطبه ۱. عجز اوصاف و واژهها از بیان حقیقت خدا خطبه ۱/۱۵۵. عجز حواس مادی از درک خدا خطبه ۴ - ۳/۱۵۲، خطبه ۱/۱۸۵، خطبه ۴/۹۱. عجز زبان از توصیف خداوند خطبه ۱/۱۷۸، خطبه ۲/۲۱۳، خطبه ۲۶/۱۶۵. عجز عقول از درک خدا خطبه ۳/۴۹ - ۲۶/۱۶۵، خطبه ۲ - ۱/۱۵۵، خطبه ۴ - ۱/۱۹۵، خطبه ۲/۲۱۳، خطبه ۲۵ - ۲۴/۹۱، خطبه ۸ - ۶/۱۶۰، خطبه ۱۷/۱۸۲. عجز وهم و خیال و اندیشه از درک ذات خدا خطبه ۳ - ۲/۱۵۵، خطبه ۴ - ۳/۱۶۳، خطبه ۲۶/۱۶۵. عدالت خدا خطبه ۱/۲۱۴. عزّت و کبریایی خدا خطبه ۱/۱۹۲. عشق خدای عرش آفرین خطبه ۵۸/۹۱. عظمت خدا خطبه ۶/۱۸۵، خطبه ۱/۲۱۳، خطبه ۱/۱۳۳. عظمت ذات خدا خطبه ۲/۴۹. عظمت و بزرگی خداوند خطبه ۳/۱۷۹. عقلها از درک خدا عاجزند خطبه ۳/۴۹. علل گمراهی و سقوط دشمنان خدا خطبه ۲ - ۱/۳۸. علل نیازمندی انسان به خدا خطبه ۱/۲. علم بی پایان خداوند خطبه ۱/۱۷۲، خطبه ۱۰۰ - ۸۸/۹۱. علم خدا به باطن و پنهانی ها خطبه ۱۴ - ۱۳/۱۹۹. علم خدا به نهای ها خطبه ۱/۴۹. علم خدا به همه موجودات خطبه ۹ - ۴/۹۰. علم خداوند خطبه ۵/۱۰۹، خطبه ۶ - ۵/۸۳. علم خداوند به اعمال انسان خطبه ۱۱/۱۸۳، خطبه ۱/۸۶ تا ۴. علم فراگیر الهی خطبه ۲/۱۰۸ - ۲/۲۲۷. علم فراگیر خدا به همه موجودات و پنهانها خطبه ۲ - ۱/۱۷۸، خطبه ۱۲ - ۹/۱۸۲. علم فراگیر و جهان شمول خدا خطبه ۵ - ۲/۱۰۹. علم فراگیر خدا به همه چیز و همه جا خطبه ۱۰ - ۵/۱۶۳. علم و آگاهی خداوند خطبه ۴/۱۶۳. غفلت مردم از خدا ۱/۱۷۵. فرمان و خواسته های حتمی خداوند خطبه ۷/۶۵. فضل بی پایان خدا خطبه ۱۰۰/۹۱. فطرت خدا جوئی خطبه ۲/۵۷، خطبه ۱/۷۲، خطبه ۳۶/۱، خطبه ۲/۱۱۰. فطرت خدا خواهی و حق آشنائی نامه ۱/۱۵. فلسفه حمد و ستایش خداوند خطبه ۱/۱۰۰. فوائد ذکر و یاد خدا خطبه ۲/۲۲۲. قدرت بی همانند خدا خطبه ۴/۱۰۹. قدرت خدا خطبه ۱/۱۸۳. قرب خدا با پدیده ها خطبه ۲/۴۹. قلب عاشق خدا خطبه ۲/۲۲۷. قلبها از مشاهده خدا عاجزند خطبه ۲ - ۱/۴۹. کیفیت دور و نزدیک بودن خدا با مخلوقات خطبه ۵ - ۴/۱۶۳. کیفیت نزدیک بودن خدا با موجودات خطبه ۹ - ۸/۱۹۵. محدود بودن شناخت

انسان از خداوند خطبه ۲/۱۱۲. محدود نبودن خدا خطبه ۳ - ۲/۱۸۶. مراحل آفرینش انسان و قدرت خدا خطبه ۱۴-۱۱/۱۶۳. مراحل شناخت خدا و انسان خطبه ۴ - ۳/۱. مشاهده قدرت خدا در همه چیز حکمت ۲۵۰. معرفی بهترین بنده خدا خطبه ۸۷. معنای توکل به خدا خطبه ۵/۱۶۱. موجودات در اطاعت خدا خطبه ۱/۱۴۳. مؤمن و یاد خدا خطبه ۲/۲۲۷. نشانه های تسلیم بودن انسان در برابر خدا حکمت ۹۹. نشانه های خدا خطبه ۲/۱۸۲، خطبه ۷/۱۸۶، خطبه ۱۸۳. نشانه های خدا در آفرینش خطبه ۱۱ - ۹/۱۸۵، خطبه ۸ - ۱/۲۱۱، خطبه ۱، خطبه ۱/۱۷۱، خطبه ۶ - ۵/۱۸۲. نشانه های خدا در طبیعت خطبه ۵/۱۸۲، خطبه ۱/۱۷۱، خطبه ۱، خطبه ۱۹ - ۱۷/۱۸۵، خطبه ۵/۱۸۰، خطبه ۱/۲۱۱، خطبه ۱/۱۶۵، خطبه ۱۶۳. نشانه های خدا در هستی خطبه ۱/۱۷۱، خطبه ۱۸/۹۱. نشانه های محبت خدا به بندگان خطبه ۱/۸۷. نشانه بندگان راستین خدا خطبه ۴/۲۱۴. نعمتهای خداوند خطبه ۱۹/۱۸۲، خطبه ۸۳. نعمتهای خداوند و سوء استفاده ها خطبه ۱۰۹. نقش ایمان به خدا و پیامبر در پیروزی ها خطبه ۱/۵۶. نقش یاد خدا در مبارزه با گناهان حکمت ۳۲۴. نکوهش عمل برای غیر خدا خطبه ۶/۲۳. نگرش دوستان خدا به دنیا حکمت ۴۳۲. نیازمندی انسان به خدا نامه ۶۸/۳۱، خطبه ۵/۶۵. نیازمندی پدیده ها به خدا خطبه ۱/۱۰۹. نیازمندی همه به خدا نامه ۳/۵۹، خطبه ۶/۱۰۹. والائی قدرت خدا خطبه ۷/۱۰۹. وصف امیدواری به خدا خطبه ۱۶۰. وصف خدای سبحان خطبه ۹۴. ویژگی های اخلاقی دوستان خدا خطبه ۶/۱۱۴. ویژگی های خدا در آغاز آفرینش خطبه ۲ - ۱/۱۰۸. ویژگی های شهادت به خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم خطبه ۲/۱۳۲. ویژگی های شهادت خداوند خطبه ۱/۱۳۲. ویژگی های و صفات پروردگار خطبه ۳ - ۲/۲۲۳. هدفداری خدا در آفرینش خطبه ۴ - ۳/۱۰۹، خطبه ۳۲/۱۸۶. همه به خدا محتاجند خطبه ۳ - ۲/۷۹. همه در برابر خدا ناچیزند حکمت ۱۲۹. همه موجودات در اطاعت خدا خطبه ۱/۱۴۳. یادآوری نعمتهای خدا خطبه ۱/۷۲. یاد خدا خطبه ۵/۱۹۹. یاد خدا در خلوت ها حکمت ۳۲۴. یاری خدا خطبه ۱۰/۱۳۳. یاری خدا در پیروزی بر نفس خطبه ۱/۸۷. یاری خواستن از خدا در مشکلات اقتصادی خطبه ۲۲۵. یگانگی خدا خطبه ۳۰/۱۸۶، نامه ۴۵/۳۱ *****

ذات

. ذات نا یافتنی خطبه ۱/۱۵۵، خطبه ۱/۱۸۶. عجز از درک ذات خدا خطبه ۱/۱۵۵. عجز عقل از درک ذات حق خطبه ۲/۱۵۵. عظمت ذات خدا خطبه ۲/۴۹. علم غیب ذاتی خطبه ۱۲۸. منع تفکر در ذات حق خطبه ۹/۹۱ *****

ازلی، ازلیت

. ازلیت حق خطبه ۱/۱۵۲. ازلیت خداوند خطبه ۱/۱۸۵. خدای ازلی خطبه ۲/۱۶۳. خدای ازلی و ابدی نامه ۴۶/۳۱. روش اثبات ازلیت خدا خطبه ۲ - ۱/۱۶۳ *****

الهی

. آثار علم و حلم الهی خطبه ۱/۱۶۰. آثار وجودی حجج الهی حکمت ۱۱/۱۴۷. آزمایشات الهی خطبه ۵۳/۱۹۲. اثر ذکر الهی نامه ۹/۳۱. احترام گذاشتن به مرزها و حدود الهی حکمت ۱۰۵. اختیار انسان و اوامر و نواهی الهی حکمت ۲/۷۸. ارزش دانشمندان الهی خطبه ۲۱۴. ارزش رضای الهی خطبه ۱۰۵/۹۱. ارزش های اخلاقی الهی توانگران خطبه ۳ - ۲/۱۴۲، حکمت ۴۰۶. اسباب و وسایل الهی نامه ۹/۳۱. اصول و مبانی حکومت الهی نامه ۳/۵۰ تا ۶، نامه ۸/۵۳ تا ۱۰. اطمینان به وعده های الهی حکمت ۳۱۰. اعتقاد به مقدرات الهی خطبه ۱/۲۳. اقسام حجتهای الهی حکمت ۱۴۷. اقسام دستورات الهی حکمت ۱۰۵. الطاف الهی نسبت به انسان خطبه ۱۷/۸۳. الگوهای پرهیزکاری حکمت ۱۵۰ - ۱۴۷ - ۲۱۰، خطبه ۱۶۰. الگوهای کامل انسانیت حکمت ۱۲۳، حکمت

۲۸۹، حکمت ۳۴۹، خطبه ۱۶۰ - ۱۹۳. الگوهای کامل ایمان خطبه ۱۹۳ - ۱۹۳. امام زمان علیه السلام و هدایت الهی خطبه ۱/۱۳۸.

امام علیه السلام و وعده های نصرت الهی خطبه ۱/۱۷۴. امانت سنگین الهی خطبه ۱۲ - ۱۰/۱۹۹. امتحان الهی نامه ۱/۵۵.

امدادهای الهی با صبر و تحمل حکمت ۱۴۴. امدادهای الهی در نیکوکاری و عدالت خطبه ۳/۲۱۴. امدادهای الهی و اصلاح فرد و جامعه حکمت ۴۲۳. امدادهای الهی و حفظ انسان حکمت ۲۰۱. امدادهای غیبی و مقدرات الهی حکمت ۴۵۹. امید به رحمت الهی خطبه ۸/۵۲ - ۱/۴۵، خطبه ۱۱/۱۱۵ - ۱/۴۵. امیدواری به رحمت الهی نامه ۵/۵۳. امیدواری دروغین به پاداش الهی نامه ۲/۲۱.

انتقام الهی خطبه ۱۴۷، خطبه ۸۳، نامه ۶۴. انسان و مقدرات الهی نامه ۷۲. اهل بیت علیهم السلام درهای علم الهی خطبه ۱/۱۲۰.

اهمیت واجبات الهی حکمت ۲۷۹. بخشش الهی خطبه ۲/۹۱، نامه ۱۸/۳۱. بی نیازی و عظمت الهی خطبه ۱/۱۰۹ تا ۷. پاداش الهی خطبه ۵/۸۳. پاداش بندگان الهی خطبه ۳۰/۱۰۹ تا ۳۴. پاداش و کفر الهی نامه ۳ - ۲/۲۷، خطبه ۷۵. پاکان و نعمتهای الهی خطبه ۱۴۰. پرهیز از عذاب الهی حکمت ۳۷۷. پرهیز از مهلت الهی حکمت ۲۶۰. پیامبر و اجرای حدود الهی خطبه ۴ - ۳/۱۲۷. پیمان الهی از آگاهان حکمت ۴۷۸. تداوم حضور حجت الهی حکمت ۱۱/۱۴۷. تدبیر الهی خطبه ۲۶/۹۱. تسلیم بودن در برابر خواسته های الهی خطبه ۶۲. تسلیم بودن در برابر فرمان الهی خطبه ۱/۱۶۰. تقوا و اطاعت الهی خطبه ۶/۱۶۱. تناسب امداد الهی با نیازها حکمت ۱۳۹. توجه به خدا و مسئولیتهای الهی نامه ۱/۲۵. توجه به پاداش بهشت و عذاب الهی خطبه ۶/۵۲. توجه به خدا و امدادهای الهی در جنگ خطبه ۴ - ۱/۱۷۱. توجه به خدا و مسئولیتهای الهی نامه ۱/۲۵. توجه به قدرت عظیم الهی نامه ۱۴/۵۳.

توجه به لطف الهی و رزق و روزی خطبه ۲/۹۱. توجه دادن به عفو و گذشت الهی نامه ۳/۲۳. توفیق الهی حکمت ۲/۱۱۳، نامه ۲۷/۲۸. جایگاه پاداش و عذاب الهی خطبه ۷ - ۶/۹۰، حکمت ۴۲. جایگاه قضا و قدر الهی حکمت ۲۸۷. جلوه امتحان الهی خطبه ۸/۱۹۲. جنگ طلبی قریش و پیروزیهای الهی نامه ۲/۹. حاکم اسلامی و نعمتهای الهی نامه ۷ - ۶/۶۹. حکم الهی خطبه ۱/۴۰.

خبر از استقرار حکومت عدل الهی خطبه ۳/۱۳۸. خشم و قهر الهی خطبه ۶/۹۰. خواست و اراده الهی خطبه ۸/۳۴. خوبان و امدادهای الهی حکمت ۲۰. خوف الهی خطبه ۱۸/۱۹۳. درخواست آمرزش الهی خطبه ۵/۱۱۵. دست انتقام الهی و ستمگران خطبه ۴/۱۵۸ تا ۶. دعا برای رزق و روزی فراوان الهی خطبه ۱/۲۲۵. دنیا و خشم الهی خطبه ۶/۱۶۱. دو امان الهی در زمین حکمت ۸۸. راه رسیدن روزی الهی حکمت ۳۵۵، حکمت ۳۵۶. رحمت و غضب الهی خطبه ۷/۱۹۵. رزق و روزی فراگیر الهی حکمت ۳۰۰. رسول خدا و اجرای حدود الهی خطبه ۲/۱۲۷ تا ۵. روزی الهی حکمت ۱۳۹. روش برخورد با نعمتهای الهی حکمت ۳۵۸. ره آورد انقلاب الهی خطبه ۲/۱۶. ره آورد شوم اطاعت نکردن از حکومت الهی خطبه ۳ - ۲/۱۶۹. ره آورد یقین به پاداش الهی حکمت ۱۳۷. رهبری الهی از دیدگاه امام علیه السلام خطبه ۵. رهنمودهای روشن الهی خطبه ۲ - ۱/۱۱۶. سوء استفاده از حکومت الهی حکمت ۱۹۸. سهم الهی فقرا در اموال توانگران حکمت ۳۲۸. سیاست استدراج الهی خطبه ۱/۸۸. شرائط اجرای و تحقق اوامر الهی حکمت ۱۱۰. شگفتی عظمت و قدرت الهی خطبه ۷ - ۶/۱۰۹. شناخت آثار علم و حکمت الهی خطبه ۱۷/۹۱ تا ۱۸. شناخت اداء حقوق الهی حکمت ۲۴۴. شناخت امامان و حجت های الهی حکمت ۱۱/۱۴۷ تا ۱۴. شناخت پیامبران الهی خطبه ۳۸/۱۹۲، خطبه ۱۶/۱۶۰. شناخت حدود الهی حکمت ۲۷۱، حکمت ۱۰۵. شناخت صفات الهی خطبه ۱/۸۳، خطبه ۱/۱۸۵ تا ۶، خطبه ۱/۹۰، خطبه ۱/۱۸۶ تا ۸. شناخت صفات و ویژگی های الهی خطبه ۱/۱۸۶ تا ۸. شناخت قضاء و قدر الهی حکمت ۷۸. شناخت نعمتهای گوناگون الهی در زمین خطبه ۱۴ - ۱۲/۱۰۹. شناخت واجبات و حدود الهی حکمت ۱۰۵. شناخت ویژگی ها و صفات الهی خطبه ۷ - ۲/۹۱، خطبه ۱۴/۱۸۲ تا ۱۶. صفات پسندیده الهی خطبه ۱۰۰/۹۱. صفات پیامبران الهی خطبه ۳۴/۱. صفات و ویژگی های حجج الهی حکمت ۱۱/۱۴۷. ضرورت اطاعت از دستورات الهی خطبه ۱۳/۱۷۶. ضرورت اطمینان به وعده های الهی حکمت ۳۱۰. ضرورت امامت پس از پیامبران الهی خطبه ۴۴/۱. ضرورت انجام واجبات الهی خطبه ۲/۱۶۷.

ضرورت ترسیدن از عذاب الهی حکمت ۳۷۷. ضرورت حمد و سپاس الهی خطبه ۱/۱۵۷، خطبه ۱/۹۶، خطبه ۱/۱۰۱، خطبه ۱/۱۱۴،

خطبه ۱/۱۶۳، خطبه ۱/۱۸۲ - ۱/۱۵۷، خطبه ۱۸۰. ضرورت شکر الهی خطبه ۱/۲۱۴. ضرورت عبرت و پند پذیری رهنمودهای الهی خطبه ۲ - ۱/۱۷۶، خطبه ۲/۱۱۷. ضرورت یاد قیامت و عذاب الهی خطبه ۱۸۲. ضمانت اجرائی قوانین الهی خطبه ۱/۱۶۷. عبادت و رضای الهی خطبه ۸/۱۲۹. عدل الهی خطبه ۳ - ۲/۱۸۵. عزت الهی خطبه ۲/۶۵. عفو رحمت الهی خطبه ۲/۱۹۱. عفو و بخشش الهی خطبه ۶/۲۲۳ تا ۷. عفو و رحمت الهی خطبه ۲/۱۹۱. عفو و عدل الهی خطبه ۵/۲۲۷. عقیف، ملکی از ملائک الهی است حکمت ۴۷۶، حکمت ۴۷۴. علل نیاز جوامع اسلامی به قوانین الهی خطبه ۵۰. علم الهی خطبه ۱۹۸، خطبه ۸۸/۹۱ خطبه ۱۳/۱۹۹، خطبه ۵ - ۴/۱۶۳. علم الهی و پیدایش آفرینش خطبه ۲/۱۹۱. علم فراگیر الهی خطبه ۲/۱۰۸ - ۲/۲۲۷، خطبه ۱۴ - ۱۳/۱۹۹ خطبه ۲/۱۰۸، خطبه ۱/۱۷۲، خطبه ۱/۱۹۸، خطبه ۲/۲۱۴. علم فراگیر الهی بر همه موجودات خطبه ۱/۱۹۸. علی علیه السلام و عشق الهی نامه ۳ - ۲ - ۱/۲۲۷ - ۸/۶۲. عوامل امتحان و آزمایش الهی حکمت ۲۶۰ - ۱۱۶. عوامل پیروزی، امدادها الهی حکمت ۱۷۴، خطبه ۱/۵۶. غنای الهی خطبه ۵۴/۱. فضل و رحمت الهی خطبه ۱/۱۰۰. فلسفه آزمایش و امتحان الهی خطبه ۱/۱۴۴. فلسفه احکام الهی حکمت ۲۵۲. فلسفه اطاعت و پیروزی از دستورات الهی خطبه ۴/۸۶. فلسفه اطاعت و تعظیم الهی خطبه ۶/۱۸۳. فلسفه کفر و پاداش الهی حکمت ۳۶۸. فوائد حمد و ستایش الهی خطبه ۱۵۷. قدرت از بین نرفتنی الهی خطبه ۱۲/۱۴۳. قدرت الهی خطبه ۵/۱۶۰ - ۴/۱۱۱. قدرت الهی در آفرینش پدیدهها خطبه ۳۰/۹۱. قدرت بی مانند الهی نامه ۸/۵۱. قدرت لایزال الهی خطبه ۱۲/۱۴۳. قدرت مطلق الهی خطبه ۲/۶۵. قضا و قدر الهی خطبه ۴/۱۰۹، خطبه ۳/۲۲۷، حکمت ۲۰۱، حکمت ۱۶. قضا و قدر حتمی الهی خطبه ۷/۶۵. قوانین تخلّف ناپذیر الهی خطبه ۱/۹۷، خطبه ۱/۸۸. گدای درگاه الهی خطبه ۱۶/۱۶۰. مأموریت مأموران غیبی الهی خطبه ۵/۸۵. مرگ و قضا و قدر خطبه ۲۹/۱۹۳. مسئولیت الهی سرمایه داران حکمت ۳۲۸. مسئولیت الهی نعمت ها حکمت ۳۵۸، حکمت ۴۲۵. معرفی الگوهای پرهیزکاری خطبه ۸۳، خطبه ۱۹۳. مهاجر و شناخت حجت الهی خطبه ۳/۱۸۹. مؤمن و امدادها الهی حکمت ۳۰۹. نشانه رحمت الهی نامه ۲۸. نشانه های آشکار الهی خطبه ۱/۱۹۵. نشانه های رحمت الهی نامه ۲۸. نعمتهای الهی خطبه ۱/۲۳، خطبه ۲۲۳، خطبه ۲۴۱. نعمتهای بیکران الهی خطبه ۶/۲۲۳. نقش امدادها الهی در جنگ خطبه ۴ - ۱/۵۶. نقش ایمان در مبارزات رهایی بخش خطبه ۲ - ۱/۱۰. وصف یکی از رهبران الهی حکمت ۴۶۷. وظائف رهبران الهی خطبه ۱۰ - ۴/۱۵۴. ویژگی های رهبر الهی خطبه ۱/۱۹ *****

توحید (منورسِم «علم توحید»)

اصول سیاست توحیدی خطبه ۱۶/۳، خطبه ۲ - ۱/۱۰. اعلان اصول سیاست اجتماعی توحیدی خطبه ۳/۳۷. اهداف حکومت و سیاست توحیدی خطبه ۴۲-۴-۳/۱۳۱. اهداف سیاست توحیدی خطبه ۲ - ۱/۵۵. تعریف توحید حکمت ۴۷۰. تعریف توحید و عدل حکمت ۴۷۰. توحید راستین حکمت ۴۷۰. در سیاست توحیدی هدف وسیله را توجیه نمی کند خطبه ۱/۱۲۶. روش اثبات توحید خدا نامه ۴۵/۳۱. سفارش به توحید و پرهیز از شرک نامه ۲/۲۳. سیاست توحیدی امام در برابر ناملازمات خطبه ۴/۲۶. شناخت توحید و عدل حکمت ۴۷۰. شناخت سیاست های توحیدی خطبه ۱/۴۱. مالکیت توحیدی حکمت ۴۰۴. نشانه های توحید خطبه ۴ - ۳/۱۸۶ *****

شرک

برخورد قاطع با شرک حکمت ۳۱۴. پرهیز از شرک در عبادت خطبه ۱۰/۱۵۳. خطر عظیم شرک و بت پرستی خطبه ۱۰/۱۵۳. سفارش به توحید و پرهیز از شرک نامه ۲/۲۳. شناخت اقسام شرک و کفر حکمت ۱۱ - ۹/۳۱. مراحل پنهان کفر و شرک خطبه ۴ - ۱/۷۹. نکوهش از شرک و ریا خطبه ۱۱/۸۶ *****

عدل و عدالت

عدل، عدالت

ارزش عدالت حکمت ۴۷۶. ارزش و برتری عدل حکمت ۴۳۷. تعریف توحید و عدل حکمت ۴۷۰. تعریف عدل و احسان حکمت ۲۳۱. تعریف عدل و عدالت حکمت ۴۷۰، حکمت ۴۳۷. تلخی اجرای عدالت حکمت ۳۴۱. رعایت عدالت با دشمن خطبه ۲۴/۱۹۳. روش برخورد با مخالفین عدالت اقتصادی خطبه ۲ - ۱/۱۲۶. ره آورد شوم بی عدالتی ۱۲۶. ره آورد عدالت رهبر خطبه ۸/۲۱۶. سفارش به مقررات عدالت در قصاص نامه ۴۷. شناخت اقسام عدل حکمت ۹/۳۱ تا ۵ - ۱۱ تا ۶. شناخت اقسام عدل و عدالت ۵/۳۱ تا ۷. شناخت عدل و بخشش حکمت ۴۳۷. ضرورت اجرای عدالت در تمام شئون جامعه خطبه ۱۵. ضرورت استقرار عدل نامه ۵۸ ۵۷/۵۳. ضرورت تساوی و عدالت اجتماعی خطبه ۳/۱۶. ضرورت عدالت اقتصادی خطبه ۲/۱۲۶، خطبه ۵ - ۴/۲۲۴. ضرورت عدالت اقتصادی در جامعه خطبه ۵-۳/۲۲۴. عدالت اجتماعی در نهج البلاغه خطبه ۱/۱۵. عدالت اقتصادی امام علیه السلام خطبه ۱۲۶. عدالت اقتصادی در نگاه امام علیه السلام خطبه ۱۵. عدالت علی علیه السلام خطبه ۱۸/۸۷. عدالت و نیکوکاری حکمت ۴۳۷. تعریف عدل حکمت ۳۱. عدل الهی خطبه ۳ - ۲/۱۸۵. عدل و انصاف با مردم نامه ۱۷/۵۳. عدل و مساوات با مردم نامه ۲۰/۵۳. عفو و عدل الهی خطبه ۵/۲۲۷. علل انحراف و فرار از عدالت خطبه ۱/۴۴. قاطعیت در اجرای عدالت خطبه ۱۵. نقش رهبر در اجرای عدالت خطبه ۸ - ۷/۲۲۴ ****

پیامبر شناسی

انبیاء

روش اصلاحی انبیاء خطبه ۳۶/۱. ضرورت الگو گرفتن از انبیاء الهی خطبه ۲۵/۱۶۰ تا ۳۵. علی علیه السلام تداوم بخش خط انبیاء خطبه ۲۵/۱۸۲. فلسفه بعثت انبیاء خطبه ۳۴ - ۳۲/۱، خطبه ۸۴ - ۸۳/۹۱، خطبه ۱/۱۱۶ ****

بعثت پیامبر

آفات بعثت خطبه ۱۶، خطبه ۱۶۹، نامه ۲۷. امامت رمز اصلی تداوم بعثت خطبه ۸۷، خطبه ۹۷، خطبه ۱۰۰، خطبه ۱۶۶، خطبه ۱۶۸. بعثت پیامبر اسلام خطبه ۳/۳۳، خطبه ۱/۱۰۴، خطبه ۳/۹۴، خطبه ۱/۱۵۸، خطبه ۷۲، خطبه ۱۹۲. بعثت پیامبران و میثاق فطرت خطبه ۳۵/۱. بعثت پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم و سختیهای جاهلیت خطبه ۱۹۸. جامعه عرب در عصر بعثت خطبه ۱/۱۰۴، خطبه ۲۶. جهان در عصر بعثت خطبه ۶/۲، خطبه ۸۹، خطبه ۱/۱۵۸، خطبه ۲۶، خطبه ۱۰۴. دوران جاهلیت و نعمت بعثت خطبه ۹۵. ره آورد بعثت خطبه ۲۱/۱۹۸ تا ۲۴. ره آورد بعثت پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم خطبه ۹۸/۱۹۲، خطبه ۳/۲۳ - ۶/۱۵۲، خطبه ۳/۱۵۱ - ۴، خطبه ۵/۸۶، خطبه ۴/۱۹۱، خطبه ۹۸/۱۹۲ الی ۱۰۲، خطبه ۸/۷۲، خطبه ۲۱/۱۹۸ تا ۲۴. ره آورد بعثت پیغمبر خطبه ۶/۱۵۲ - ۳/۲۳، خطبه ۲/۱۵۱، حکمت ۴۶۸، حکمت ۴۶۷، خطبه ۱۹۲، خطبه ۷۲، خطبه ۸۶، خطبه ۸۳، خطبه ۳/۱۵۱، خطبه ۱۰۶. سیمای جاهلیت در عصر بعثت خطبه ۴/۱۹۱. ضرورت پاسداری از بعثت خطبه ۱۹۲. فضیلت بعثت نامه ۶/۱۷. فعالیت های رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم در آغاز بعثت خطبه ۲/۱۰۴. فلسفه بعثت پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم خطبه ۱/۱۰۴، خطبه ۴۱/۱، خطبه ۱/۱۱۶، خطبه ۴/۱۳۳، خطبه ۱/۱۴۴، خطبه ۱/۱۵۸، خطبه ۳-۱/۲۶، خطبه ۳/۳۳، خطبه ۲-۱/۵۹، خطبه ۳۴ - ۳۲/۱، خطبه ۱۰ - ۴/۲، خطبه ۴/۱۳۳، نامه ۳، خطبه ۱/۱۴۴، خطبه ۳ - ۱/۱۴۷، خطبه ۱۷۸، خطبه ۴/۱۸۵، خطبه ۷۲، نامه ۱/۶۲، خطبه ۷۲، خطبه ۸۳، خطبه ۱۱۶، خطبه

یامبر

www.noorfatemah.org

قرآن و سنت پیامبر خطبه ۵/۱۶۹. ضرورت گرایش به سنت پیامبر خطبه ۵/۱۱۰. ضرورت مناظره با روایات پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نامه ۱/۷۷. عترت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم خطبه ۱۴/۸۷. عزای پیامبر و بی تابی ها حکمت ۲۹۲. عظمت اهلیت پیامبر و امام زمان علیهم السلام خطبه ۳۸/۱۰۹. عظمت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم خطبه ۳۶/۱۶۰. علل پیروزی پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم خطبه ۲۳۱. علل شایستگی پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم برای درود خداوند خطبه ۷۲. علی علیه السلام اول مؤمن به پیامبر خطبه ۱۳۳/۱۹۲. علی علیه السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم خطبه ۱۲۰/۱۹۲ تا ۱۲۱. عمق حزن و اندوه از دست دادن پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم خطبه ۱/۲۳۵ - ۳. فضائل عترت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نامه ۱۷. فضایل اهلیت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم خطبه ۲۳۹، خطبه ۷ - ۶/۱۰۰. فضیلت اهلیت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و امام زمان (عج) خطبه ۷ - ۶/۱۰۰. فلسفه بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم خطبه ۱/۱۴۷ تا ۳، خطبه ۱/۱۰۴، خطبه ۴۱/۱، خطبه ۱/۱۱۶، خطبه ۴/۱۳۳، خطبه ۱/۱۴۴، خطبه ۱/۱۵۸، خطبه ۳۲/۱ تا ۳۴ خطبه ۱/۲۶ تا ۳، خطبه ۳/۳۳، خطبه ۲ - ۱/۵۹، خطبه ۴/۲ تا ۱۰، نامه ۳، خطبه ۱۷۸، خطبه ۴/۱۸۵، خطبه ۷۲، نامه ۱/۶۲، خطبه ۱. کینه توزی های قریش با پیامبر نامه ۱/۹، نامه ۳/۳۶ تا ۵، نامه ۳ - ۲/۶۱. گواهی به یگانگی خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم خطبه ۳/۱۱۴. گواهی درخت بر رسالت پیامبری صلی الله علیه و آله وسلم خطبه ۱۲۷/۱۹۲. مبارزات پیگیر و مداوم پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم خطبه ۱/۱۱۶. مسخ ارزش های اخلاقی پس از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم خطبه ۲ - ۱/۳۲. مشاهده پیامبر در رؤیا خطبه ۷۰. مشکلات سیاسی پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم خطبه ۳ - ۲/۱۹۴. مصیبت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم حکمت ۲۹۲. مصیبت های پس از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم خطبه ۵ - ۴/۲۰۲. منزلت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم خطبه ۲/۱۹۸ - ۹۹ - ۹۸/۱۹۲، خطبه ۱/۱۷۳. موفقیّت های پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم خطبه ۴ - ۳/۱۲۷، خطبه ۴/۱۳۳، خطبه ۵ - ۴/۱۰۸، خطبه ۳۷ - ۳۶ - ۳۵/۱۰۹، خطبه ۱/۱۱۶. موفقیّت های رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم خطبه ۳/۹۶. نزدیکترین افراد به پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم حکمت ۹۶. نقش ایمان به خدا و پیامبر در پیروزی ها خطبه ۱/۵۶. نقش پیامبر اسلام در رستگاری انسان خطبه ۱۵ - ۱۴/۸۷. نقش پیامبر اسلام در سازندگی انسان خطبه ۶ - ۵/۸۶. وصف اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم خطبه ۹۷. وصف پیامبر اسلام و اهلیت علیهم السلام خطبه ۹۴، خطبه ۱۶۱. وصف پیامبر علیه السلام و اهلیت علیهم السلام خطبه ۱۶۱. وصف روزگاران بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم خطبه ۸۹. وصف یاران جهادگر پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم خطبه ۱۲۲. ویژگی اهلیت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم خطبه ۳ - ۲/۱۵۴، خطبه ۱/۱۰۵. ویژگی های اخلاقی پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم خطبه ۶ - ۵ - ۴/۷۲، خطبه ۲/۹۵، خطبه ۳/۱۰۰. ویژگی های اخلاقی روانی پیامبر خطبه ۳۶ - ۳۵/۱۰۹. ویژگی های اخلاقی معنوی رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم خطبه ۷ - ۶/۹۴، خطبه ۴ - ۳/۱۰۰. ویژگی های اعتقادی معنوی اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم خطبه ۱۶ - ۱۵/۹۷. ویژگی های پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم خطبه ۶/۷۲، خطبه ۳/۱۰۸، خطبه ۶/۱۰۶، خطبه ۳/۱۸۵، خطبه ۴۱/۱، خطبه ۱/۱۰۵، خطبه ۱/۱۱۶، خطبه ۳/۹۴، خطبه ۲/۹۶، خطبه ۱۳۳، خطبه ۲، خطبه ۱۴/۱۶۰، خطبه ۱/۱۷۳، خطبه ۲/۱۹۰، خطبه ۳۷/۱۹۲، خطبه ۴/۲۱۳، خطبه ۱/۲۱۴، خطبه ۱، خطبه ۹۶، خطبه ۱۵۸، خطبه ۵ - ۴/۹۴، خطبه ۲/۱۰۰. ویژگی های تبلیغی آموزشی پیامبر خطبه ۳۷/۱۰۹. ویژگی های سیاسی پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم خطبه ۴ - ۳ - ۲/۷۳. ویژگی های علمی و اخلاقی اهلیت علیهم السلام پیامبر خطبه ۳۸/۱۰۹. هنر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم خطبه ۲/۷۲. یادآوری حوادث تلخ بعد از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نامه ۱/۶۲. یاد مبارزات دوران پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در صفین خطبه ۵۶ *****

پیامبران

. اوصاف پیامبران خطبه ۲/۹۴، خطبه ۱/۱۴۴. ایمان به رسالت پیامبران خطبه ۳/۲۰. برخورد قاطع پیامبران با فاسدان خطبه ۵/۱۲۷ تا

۷. بعثت پیامبران و میثاق فطرت خطبه ۳۵/۱. پیامبران و مشکلات فراوان خطبه ۳۹/۱۹۲. تاریخ سیاسی انسان ها و پیامبران خطبه ۳۴/۱ تا ۴۰. خاندان پاک و بی نظیر پیامبران خطبه ۳ - ۲/۹۴. شناخت خدا و پیامبران خطبه ۱۸/۱۹۰. داستان زندگی آغازین آدم علیه السلام و اعزام پیامبران علیهم السلام خطبه ۹۱. روشهای تبلیغی پیامبران خطبه ۲ - ۱/۱۴۴. سیری در زندگی پیامبران خطبه ۱۶۰. شناخت پیامبران الهی خطبه ۳۸/۱۹۲، خطبه ۱۶/۱۶۰. شناخت پیامبران حضرت موسی علیه السلام خطبه ۵/۴. شناخت نزدیکترین افراد به پیامبران حکمت ۹۶. صفات پیامبران الهی خطبه ۳۴/۱. ضرورت امامت پس از پیامبران الهی خطبه ۱. فلسفه اعزام پیامبران خطبه ۳ - ۲/۱۸۲. فلسفه بعثت پیامبران و رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم خطبه ۸۴ - ۸۳/۹۱، خطبه ۱/۱۱۶. فلسفه بعثت پیامبران ۱/۱۸۳، خطبه ۱۴۴، خطبه ۱. فلسفه ساده زیستی پیامبران خطبه ۴۴/۱۹۲ تا ۵۲. معیار خویشاوندی و دوستی با پیامبران حکمت ۹۶. معیار دوستی با پیامبران حکمت ۹۶. وصف پیامبران آسمانی خطبه ۹۴. ویژگی های پیامبران خطبه ۱۹۲، خطبه ۱۴۴، خطبه ۲۱۳ *****

جاهل، جاهلی، جاهلان

. اخلاق متزلزل جاهل حکمت ۷۰. ارزش عالم و بی ارزشی جاهل خطبه ۱۰۳. اوصاف جاهل عالم نما خطبه ۱/۱۷. ترک دوستی جاهل نامه ۱۱۳/۳۱. روانشناسی جاهل حکمت ۷۰. روانشناسی جاهلان حکمت ۳۶۳، حکمت ۷۰. روانشناسی مردم جاهل خطبه ۳/۱۷. روش برخورد با جاهلان حکمت ۲۰۶. شناخت جاهل خطبه ۶/۱۰۳ تا ۸. شناخت ستمگران جاهلی خطبه ۱/۱۶۶. شناخت ستمگران عصر جاهلی خطبه ۱۶۹. شناخت عاقل و جاهل حکمت ۲۳۵. شناخت جاهل خطبه ۶/۱۰۳. جاهلان متظاهر به دین حکمت ۴۰۵. مذمت جاهلان خطبه ۳/۱۷. مسئولیت های عالم و جاهل حکمت ۴۷۸. نشانه های جاهل خطبه ۶/۱۰۳. نکوهش از ارزش های زشت جاهلی خطبه ۷/۱۰۸ تا ۱۱. نکوهش از سخن جاهلان حکمت ۴۷۱. نکوهش جاهل عالم نمای خطبه ۱۰/۸۷. نکوهش نزاع جاهلان حکمت ۱۰/۳۱. آتش عصبیت های جاهلی خطبه ۲۲/۱۹۲. تحولات اجتماعی عرب جاهلی خطبه ۱/۲۶ تا ۳. ترک دوستی جاهل نامه ۱۱۳/۳۱ *****

جاهلیت

. بازگشت به جاهلیت گذشته خطبه ۳ - ۲/۱۰۵. بررسی جاهلیت قبل از اسلام خطبه ۱/۲۶. معاویه و پدران منحرفش در جاهلیت نامه ۱/۶۵. بدبختی جاهلیت عرب خطبه ۱/۸۹ تا ۳. بررسی جاهلیت قبل از اسلام خطبه ۱/۲۶. بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و سخیهای جاهلیت خطبه ۱۹۸. تاریخ جاهلیت خطبه ۱۹۶. تاریخ جاهلیت عرب خطبه ۲۱/۱۹۸. تاریخ سیاسی جاهلیت پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم خطبه ۲/۶، خطبه ۱۲/۲، خطبه ۲/۱۶، خطبه ۴/۵۶. تاریخ سیاسی جاهلیت عرب خطبه ۱۲/۲. جاهلیت پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم خطبه ۱۲/۲، خطبه ۲/۱۶، خطبه ۴/۵۶. جاهلیت عرب در زمان بعثت خطبه ۲۶. جاهلیت قبل از اسلام خطبه ۴۲/۱، خطبه ۳/۳۳. جاهلیت و حق ناشناسی مردم خطبه ۳۵/۱. خطر جاهلیت خطبه ۳۲/۱۹۲. دانشمندان و عصر جاهلیت خطبه ۱۰/۲. دوران جاهلیت انسان ها خطبه ۳۵/۱ تا ۳۷. دوران جاهلیت و نعمت بعثت خطبه ۹۵. سیر ارتجاعی امت و جاهلیت دوباره خطبه ۸/۱۵۰ تا ۱۰. شناخت جاهلیت عرب خطبه ۱، خطبه ۱/۱۴ - ۳، خطبه ۱/۱۰۴، خطبه ۳/۱۵۱، خطبه ۱/۹۵. شناخت عصر جاهلیت خطبه ۴۲/۱، خطبه ۹۴، خطبه ۹۵. شناخت فرهنگ جاهلیت خطبه ۲۶. عبرت آموزی از روزگار جاهلیت خطبه ۸۹. عصر جاهلیت خطبه ۷/۴۹ - ۶/۲، خطبه ۴۲/۱، خطبه ۷/۹۴. مبارزه با آثار جاهلیت خطبه ۴/۱۹۱. معاویه عامل زنده شدن جاهلیت نامه ۲ - ۱/۳۲ *****

رسول خدا

احترام به رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم خطبه ۲/۶۷. ارزش های اخلاقی اصحاب رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم خطبه ۱۴/۹۷. اقسام اصحاب رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم خطبه ۲۱۰. الگو بودن رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم در زندگی بشر خطبه ۱۴/۱۶۰ تا ۳۴. ایثار گریهای رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم در جنگها نامه ۵/۹. پیامدهای ناگوار رحلت رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم خطبه ۲۳۵. تاریخ سیاسی جاهلیت پس از رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم خطبه ۲/۶. جاهلیت پس از رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم خطبه ۲/۱۶، خطبه ۴/۵۶. خبرهای غیبی رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم خطبه ۱۲ - ۱۱/۱۵۶. در دامن رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم خطبه ۱۱۷/۱۹۲. دعا برای رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم خطبه ۸ - ۷/۱۰۶. دگرگونی ارزش ها پس از رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم خطبه ۳ - ۲/۱۰۵. رومیان دروغ پرداز در زمان رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم خطبه ۲ - ۱/۲۱۰. رسول خدا و اجرای حدود الهی خطبه ۲/۱۲۷ تا ۵. روابط خانوادگی امام با رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم خطبه ۱۱۶/۱۹۲. روش تبلیغی رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم خطبه ۲ - ۱/۲۳۱. روش تربیت شدن امام در دامن رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم خطبه ۱۱۷/۱۹۲. روشن بودن راه سنت رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم و بدعتها خطبه ۶/۱۶۴. روش های تبلیغی و سیاسی رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم خطبه ۲/۱۹۰، خطبه ۳/۱۹۵، خطبه ۲ - ۱/۲۳۱. ره آورد بعثت رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم خطبه ۵/۸۶، خطبه ۴/۱۹۱، خطبه ۱۰۲ - ۹۸/۱۹۲، خطبه ۸/۷۲، خطبه ۲۴ - ۲۱/۱۹۸. رهنمودها و تبلیغات مستمر رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم خطبه ۳ - ۲/۱۰۴. رهنمودهای رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم ۴۳/۳۱. زشتی سوء استفاده از همسر رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم خطبه ۶ - ۵/۱۷۲. ساده زیستی رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم خطبه ۳۱ - ۲۷/۱۶۰. سفارش به اجرای سنت رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم نامه ۱/۲۳. سوابق ننگین قریش در جنگ با رسول خدا نامه ۵ - ۴ - ۳/۳۶. شرافت خاندان رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم خطبه ۲/۹۶، خطبه ۳ - ۱/۱۶۱. شکوه ها با رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم خطبه ۱/۲۰۲. شکوه ها در غم رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم خطبه ۳ - ۱/۲۳۵. شناخت گروه های مختلف عصر رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم خطبه ۶/۱۵۰. شهادت به پیامبری رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم خطبه ۳ - ۱/۳۵. شهدا و اصحاب رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم و بنی هاشم نامه ۹ - ۸/۲۸. شهدای اصحاب رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم نامه ۸/۲۸. شیوه های تبلیغاتی رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم خطبه ۲/۹۵. شیوه دعا کردن برای رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم خطبه ۷/۱۰۶. صبر ناممکن در عزای رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم حکمت ۲۹۲. ضرورت بکارگیری سنت و احادیث رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم نامه ۷۷. فضائل رسول خدا خطبه ۱۹۷. فعالیت های رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم در آغاز بعثت خطبه ۲/۱۰۴. فلسفه بعثت رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم خطبه ۸/۷۲، خطبه ۳/۸۳، خطبه ۱۰ - ۴/۲، خطبه ۳ - ۱/۲۶، خطبه ۳/۳۳، خطبه ۱/۸۹، ۲۳، خطبه ۲ - ۱/۹۵، خطبه ۱/۱۰۴، خطبه ۵ - ۴/۱۷۸. کارگری و ساده زیستی رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم خطبه ۲۷/۱۶۰ تا ۳۱. مبارزات پی گیر و مداوم رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم خطبه ۱/۱۱۶. محمد صلی الله علیه وآله وسلم رسول بر گزیده خطبه ۵ - ۴/۱۷۸. معجزات رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم خطبه ۱۲۸/۱۹۲ الی ۱۳۴. موقفیت های رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم خطبه ۳/۹۶، خطبه ۲/۱۰۰، خطبه ۳/۱۰۸، خطبه ۳۶ - ۳۵/۱۰۹، خطبه ۱۱۶، خطبه ۵ - ۲/۱۰۷، خطبه ۴/۱۳۳، خطبه ۴/۱۶۱، خطبه ۴/۲۱۳. موقفیت های رسول گرامی اسلام خطبه ۳ - ۲/۱۶۱ خطبه ۲۱/۱۹۸ تا ۲۴، خطبه ۴/۲۱۳. ویژگی های اخلاقی رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم خطبه ۴/۷۲ تا ۶. ویژگی های اخلاقی روانی رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم خطبه ۳۶ - ۳۵/۱۰۹. ویژگی های اخلاقی معنوی رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم خطبه ۷ - ۶/۹۴. ویژگی های بعثت رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم خطبه ۳ - ۱/۱۶۰، خطبه ۱/۱۶۹، خطبه ۳ - ۲/۱۹۵، خطبه ۴/۲۱۳، خطبه ۳ - ۱/۱۶۱، خطبه ۱/۱۷۳، خطبه ۵ - ۴/۱۷۸، خطبه ۸ - ۷/۱۸۵، خطبه ۲/۱۹۰، خطبه

۳/۱۹۵، خطبه ۴/۲۱۳، خطبه ۱/۱۹۶، خطبه ۲ - ۱/۲۳۱. ویژگی های تبلیغی آموزشی رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم خطبه ۳۷. ویژگی های خاندان رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم خطبه ۱/۱۶۱ تا ۳. ویژگی های خویشاوندی رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم خطبه ۱/۱۰۵، خطبه ۳/۱۰۸. دگرگونی ارزش ها پس از رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم خطبه ۳ - ۲/۱۰۵. ویژگی های رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم خطبه ۴/۱۸، خطبه ۱/۲۶، خطبه ۸/۷۲، خطبه ۶/۱۰۶، خطبه ۱/۱۰۸، خطبه ۴/۱۳۳، خطبه ۴/۱۷۸، خطبه ۳ - ۱/۱۶۱، خطبه ۷/۱۸۵، خطبه ۲/۱۹۸ و ۲۱، خطبه ۲ - ۱/۲۱۴، خطبه ۲/۱۰۰، خطبه ۱/۱۰۵، خطبه ۱/۱۱۶، خطبه ۱/۱۵۸، خطبه ۱۱۷ - ۱۱۸/۱۹۲، خطبه ۳۵/۱۰۹، خطبه ۱/۱۹۴، خطبه ۲/۱۹۴، خطبه ۲/۱۹۸، خطبه ۱/۲۳۱، غریب کلام ۹، خطبه ۵ - ۳/۹۴، خطبه ۲/۹۵، خطبه ۲/۹۶، خطبه ۱/۱۱۶، خطبه ۳ - ۱/۱۶۰، خطبه ۷/۱۸۵. ویژگی های سیاسی رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم خطبه ۴ - ۲/۷۲. ویژگی های شهادت به خدا و رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم خطبه ۲/۱۳۲ *****

نبوت

. جایگاه نبوت و امامت خطبه ۴/۲. فلسفه نبوت خطبه ۸۱، خطبه ۹۱، خطبه ۸۳/۹۱ *****

محمد

. اثر صلوات بر محمد صلی الله علیه وآله وسلم حکمت ۳۶۱. شناخت مخالفان آل محمد صلی الله علیه وآله وسلم خطبه ۱۲/۲. محمد صلی الله علیه وآله وسلم رسول برگزیده خطبه ۵ - ۴/۱۷۸ *****

امام شناسی

امامان

. امامان معصوم علیهم السلام و قرآن خطبه ۴/۱۵۴. توجه دادن مردم به امامان معصوم علیهم السلام خطبه ۷/۱۰۵. در انتظار حکومت امامان علیهم السلام بودن خطبه ۶/۱۵۲. دوازده امام معصوم علیهم السلام از قریش و بنی هاشمند خطبه ۴/۱۴۴. روش تبلیغی و سازندگی امامان معصوم صلی الله علیه وآله وسلم خطبه ۱/۲۳۹ تا ۳. ره آورد حکومت امامان معصوم علیهم السلام (بازگشت امامت به جایگاه خویش) خطبه ۶/۱۵۲. شرائط مهم و اساسی شناخت امامان علیهم السلام خطبه ۴/۱۸۹. شناخت امامان علیهم السلام و حجت های الهی حکمت ۱۴ - ۱۱/۱۴۷. شناخت عظمت امامان علیهم السلام خطبه ۴/۱۸۹. شناخت مشکل عظمت و ارزش امامان علیهم السلام خطبه ۴/۱۸۹. ضرورت اطاعت از امامان معصوم علیهم السلام خطبه ۱۲/۹۷. ضرورت پیروی از امامان دوازده گانه علیهم السلام خطبه ۴/۱۵۴، خطبه ۱۳ - ۱۲/۹۷. ضرورت شناخت خدا و پیامبر و امامان معصوم علیهم السلام خطبه ۱۸/۱۹۰. عظمت امامان دوازده گانه علیهم السلام خطبه ۷/۱۵۲. نقش امامان در اصلاح فرد جامعه خطبه ۴/۱۴۴. ویژگی امامان معصوم شیعه علیهم السلام خطبه ۴ - ۳/۱۴۴، خطبه ۸ - ۷/۱۵۲، خطبه ۴/۱۵۴. ویژگی های امامان معصوم علیهم السلام خطبه ۱۲/۲، خطبه ۱۲/۹۷، خطبه ۱۲/۹۳، خطبه ۷ - ۶/۱۰۰، خطبه ۵/۱۱۶، خطبه ۱۵/۱۴۷، خطبه ۸ - ۷/۱۵۲، خطبه ۴ - ۳/۱۵۴، خطبه ۴ - ۳/۱۴۴، خطبه ۶/۱۰۰ *****

امامت

. ادعاهای دیگران در امامت دروغین است خطبه ۴ - ۳/۱۴۴. امامت از انصار نیست خطبه ۱/۶۷. رد استدلال انصار و قریش نسبت

به امامت در سقیفه خطبه ۱/۶۷. شرائط امامت و رهبری خطبه ۴/۱۵۴. شرائط و صفات امامت و رهبری خطبه ۲/۱۳۱ تا ۷. ضرورت امامت پس از پیامبران الهی خطبه ۴۴/۱. ضرورت حفظ امامت خطبه ۱/۲۰۷. معیار امامت حکمت ۱۹۰. وظائف امامت و رهبری خطبه ۱۱ - ۱۰/۱۰۵، خطبه ۴ - ۳/۱۳۱. ویژگی ها و شرائط امامت خطبه ۲ - ۱/۱۷۳، حکمت ۱۱۰. هجوم اصحاب جمل به مرز امامت الهی خطبه ۵/۱۳۷ و ۶. علل و عوامل غصب امامت خطبه ۲/۱۶۲ *****

اَئِمَّه

. دشمنان ائمه خطبه ۱/۴. سیره ائمه و خدا شناسی خطبه ۹/۹۱. شناخت ائمه حق و پیروی از آنان خطبه ۱۵۲، خطبه ۱۵۶ *****

امام علی

. آگاهی سیاسی امام علیه السلام خطبه ۵ - ۴/۱۲۲، خطبه ۳ - ۲/۴، خطبه ۲ - ۱/۱۹۲، خطبه ۳ - ۲/۹۳، خطبه ۴ - ۲/۱۳۷. آگاهی سیاسی امام در ماجرای جمل خطبه ۴/۱۴۸. آگاهی سیاسی امام و دشمن شناسی خطبه ۲/۱۳۷ تا ۴. آمادگی امام علی علیه السلام برای مرگ و شهادت نامه ۳/۲۳. آمادگی نظامی امام علیه السلام نامه ۲ - ۱/۳۶. آینده نگرانی امام درباره بنی امیه حکمت ۴۶۴. آینده نگرانی امام علیه السلام در جنگ نامه ۱۰/۱۰. آینده نگرانی امام علی علیه السلام خطبه ۱/۹۲، خطبه ۲ - ۱/۳۶. آینده نگرانی امام علی علیه السلام خطبه ۱/۲۲۹. آینده نگرانی و پیشگویی امام علی علیه السلام خطبه ۲/۷۳. آینده نگرانی های امام علی علیه السلام خطبه ۲ - ۱/۳۶، خطبه ۷۲، خطبه ۹۲، خطبه ۱۰۶، خطبه ۷۳، حکمت ۲۰۹. خبر از حکومت امام زمان (عج) خطبه ۴/۱۳۸، خطبه ۵ - ۳/۱۵۰. اتمام حجت های امام علیه السلام در آغاز بیعت خطبه ۱/۲۲۹. اتمام حجت های امام علی علیه السلام راجع به حکومت خطبه ۱/۹۲، خطبه ۱/۲۲۹. اثبات بی گناهی امام علی علیه السلام در رابطه با قتل عثمان نامه ۳ - ۲/۶. احساس مسئولیت امام علیه السلام خطبه ۱۶/۳، خطبه ۸/۲۷. اخبار غیبی امام علیه السلام خطبه ۴/۱۰۱، خطبه ۹/۱۰۸ تا ۱۱. اخبار غیبی امام نسبت به ره آورد شوم شورا خطبه ۲/۱۳۹. اخلاق سیاسی امام علیه السلام خطبه ۷۴، خطبه ۱/۸۴ تا ۳، خطبه ۹، خطبه ۲/۷۰. اخلاق سیاسی امام علیه السلام در برخورد با دشمن خطبه ۲ - ۱/۱۰. استقامت امام علیه السلام در مبارزه با باطل خطبه ۲ - ۱/۵۵. اصول سیاست توحیدی امام علیه السلام خطبه ۱/۲۰۰. اصول گرائی امام علیه السلام در حکمیت خطبه ۹/۱۲۷. اصول گرائی امام علی علیه السلام خطبه ۶۱، خطبه ۴/۶۹. اصول گرائی امام علی علیه السلام در حکمیت خطبه ۹/۱۲۷ تا ۱۱. اصول گرائی امام علیه السلام و امتیاز ندادن به فرصت طلبان خطبه ۴/۶۹. اضطراب و دودلی عثمان نسبت به امام خطبه ۱/۲۴۰. اطاعت از رهبری امام علیه السلام خطبه ۲۶/۱۸۲. اطلاعات حساب شده امام علی علیه السلام از کارگزاران حکومتی نامه ۲ - ۱/۴۰. اعتراضات جاهلانه روز شورا و پاسخ ارزنده امام علیه السلام خطبه ۳ - ۲/۱۷۲. اعتراض سران جمل به حکومت عادلانه امام علیه السلام خطبه ۶/۲۰۵. اعتقاد و یقین امام علی علیه السلام خطبه ۵/۴. اعلان اصول سیاست اجتماعی توحیدی امام علیه السلام خطبه ۳/۳۷. افراط و تفریط در رابطه با امام ممنوع حکمت ۱۱۷. افشاگری امام علی علیه السلام قبل از پذیرش حکمیت خطبه ۳/۳۵. افشاگری امام علی علیه السلام قبل از پیدایش ماجرای خوارج خطبه ۱/۳۶ و ۲. افشاگری امام علیه السلام قبل از پذیرش حکمیت خطبه ۴ - ۳/۳۵. افشاگری امام علیه السلام قبل از پیدایش ماجرای خوارج خطبه ۱/۳۶. افشاگری های امام علیه السلام خطبه ۵ - ۴ - ۲ - ۱/۱۲۲. امام استدلال کننده روز قیامت خطبه ۱۴/۱۷۶. امام تنها مدافع مظلومان خطبه ۲/۱۳۶. امام علیه السلام تنها مدافع مظلومین خطبه ۲/۱۳۶. امام شناسی خطبه ۱۰/۲ تا ۱۴، خطبه ۱۶/۳، خطبه ۱/۴، خطبه ۳/۵، خطبه ۶/۱۵۲، خطبه ۲/۱۳۶، خطبه ۲ - ۱/۱۰، خطبه ۴/۱۶، خطبه ۶ - ۱/۲۲، خطبه ۲ - ۱/۲۴، خطبه ۳/۲۷، خطبه ۱ - ۳/۳۷، خطبه ۱/۶۷، خطبه ۴ - ۳/۷۱، خطبه ۱۷/۸۷ تا ۱۹، خطبه ۴/۱۰۴، خطبه ۹/۱۰۸ تا ۱۷، خطبه ۱۰۹، خطبه ۱۱۶، خطبه ۲/۱۳۶، خطبه ۴ - ۳/۱۴۴، خطبه ۶/۱۵۲، حکمت ۱۰۹، حکمت ۱۱۱، خطبه ۴/۵، خطبه ۶/۲۲، خطبه ۲

۱/۲۴ - امام شناسی و ویژگی های سیاسی اخلاقی امام علی علیه السلام خطبه ۴/۲۶. امام شناسی (ویژگی های امام علی علیه السلام) خطبه ۲ - ۱/۱۰، خطبه ۱/۳۷، خطبه ۴ - ۳/۷۱، خطبه ۷۴، خطبه ۱۷/۸۷ تا ۱۹، خطبه ۱/۹۲ تا ۳، خطبه ۱۲ - ۱۱/۹۷. امام علی علیه السلام اول کسی که به خدا و رسول خدا ایمان آورد خطبه ۱ - ۴/۳۷. امام علی علیه السلام چراغ روشن تاریکیها خطبه ۸/۱۸۷. امام علی علیه السلام درب علم پیامبر خطبه ۳/۱۵۴. امام علی علیه السلام در همه فضائل پیشرو بود خطبه ۲ - ۱/۳۷. امام علی علیه السلام دست پرورده خداست نامه ۱۱/۲۸. امام علی علیه السلام شاهد اعمال بندگان خطبه ۱۴/۱۷۶. امام علی علیه السلام و پیراهن وصله زدن خطبه ۳۷ - ۳۶/۱۶۰. امام علی علیه السلام و ترک دنیا حکمت ۲۳۶، حکمت ۷۷. امام علی علیه السلام و ترک دنیای حرام حکمت ۷۷. امام علی علیه السلام و حقوق حیوانات نامه ۲۵، خطبه ۵/۱۶۷. امام علی علیه السلام و دنیا خطبه ۳/۱۲۸، نامه ۲۱/۴۵ تا ۲۹، حکمت ۷۷، خطبه ۲۱/۴۵ تا ۲۹. امام علی علیه السلام هدایت کننده و هشدار دهنده خلفاء نامه ۱۹/۲۸. امام لایق ترین کاندید حکومت خطبه ۷۴. امام و الگوی ساده زیستی نامه ۴۵. امام علی علیه السلام و پرهیز از ستمکاری خطبه ۲۲۴. امام علی علیه السلام و خواسته های دروغین معاویه نامه ۱۷. امام علی علیه السلام و دنیای حرام حکمت ۲۳۶. امام و دنیای دنیا پرستان نامه ۴۵. امام و فرشتگان در مراسم تدفین پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم خطبه ۴/۱۹۷. امام و راه های اداره صحیح ملت اسلامی خطبه ۱۵۹، نامه ۵۳. امام و شناساندن اسلام حکمت ۱۲۵. امام علی علیه السلام و شناساندن ناکثین (اصحاب جمل) خطبه ۱/۱۳۷ - ۲/۲۲. امام علی علیه السلام و ضرورت گرفتن حق حکمت ۲۲. امام علی علیه السلام و فضیلت بعثت و نبوت نامه ۶/۱۷. امام علی علیه السلام و قرآن خطبه ۱/۱۲۵. امام علی علیه السلام و مخالفان شایعه پرداز خطبه ۳/۵. امام علی علیه السلام و مسائل اقتصادی نامه ۵/۲۴. امام علی علیه السلام و معرفی اسلام حکمت ۱۲۵. امام علی علیه السلام و نفی رشوه خواری خطبه ۹/۲۲۴. امام علی علیه السلام و نفی هرگونه رشوه خواری خطبه ۹/۲۲۴. امام علی علیه السلام و وحدت اجتماعی خطبه ۸/۱۲۷. امام علی علیه السلام و وعده های نصرت الهی خطبه ۱/۱۷۴. اندوه امام علی علیه السلام در شهادت حضرت فاطمه علیها السلام خطبه ۱/۲۰۲. انزوا و مظلومیت امام خطبه ۴/۱۰۵. اهداف امام علی علیه السلام در حکومت بر مردم خطبه ۲-۱/۳۳. اهداف امام علی علیه السلام در وصیت اقتصادی نامه ۱/۲۴. اهداف حکومت امام علی علیه السلام خطبه ۱۳۱، خطبه ۲/۱۳۱. اهداف سیاسی عقیدتی امام علی علیه السلام خطبه ۱/۱۳۶. اهداف مادی دروغین مردم نسبت به امام علی علیه السلام خطبه ۱/۱۳۶. ایمان امام علی علیه السلام نسبت به قانون خطبه ۶۲. ایمان و یقین امام علی علیه السلام خطبه ۶/۲۲، خطبه ۴ - ۳/۷۱، خطبه ۱۲ - ۱۱/۹۷. برتری امام بر دیگران خطبه ۲/۱۱۸، خطبه ۷۴. برتری و افضلیت امام علی علیه السلام از دیگران خطبه ۷۴. برخورد اخلاقی امام با دشمنان نامه ۵/۲۸. برخورد قاطع امام با توطئه های ناکثین خطبه ۴-۲/۱۳۷. برخوردهای قاطع امام با دنیا و جلوه های آن خطبه ۳/۱۲۸. بصره از دیدگاه امام علی علیه السلام نامه ۱/۱۸. کشاندن امام علی علیه السلام برای بیعت نامه ۲۰/۲۸. بیعت بی نظیر مردم با امام علی علیه السلام خطبه ۵/۱۳۷، خطبه ۷ - ۳/۲۰۵. بیعت حساب شده مردم با امام علی علیه السلام خطبه ۱/۱۳۶. بینش سیاسی امام علی علیه السلام خطبه ۲/۴. پاسخ دندان شکن امام علی علیه السلام به معاویه نامه ۴ - ۱/۶. پاسخ مثبت دادن امام علی علیه السلام به صلح طلبی نامه ۶ - ۵/۵۸. پندهای جاودانه امام علی علیه السلام خطبه ۲/۱۴۹. پیامبر و اعلان امامت علی علیه السلام خطبه ۱۲۴/۱۹۲. پیشرو بودن امام علی علیه السلام در فضائل خطبه ۲ - ۱/۳۷. پیشگوئی امام علی علیه السلام نسبت به حوادث مهم بصره خطبه ۱/۱۲۸. پیشگوییهای امام علی علیه السلام از آینده حکمت ۴۶۸. تاریخ سیاسی انتخاب با امام علی علیه السلام خطبه ۲ - ۱/۵۴. تأثیر شگفت انگیز امام علی علیه السلام در دشمن خطبه ۲ - ۱/۱۲۲. تبیین ماجرای غم انگیز بردن امام علی علیه السلام بطرف مسجد نامه ۲۰/۲۸. تربیت سیاسی امام علی علیه السلام خطبه ۷/۱۸۰، خطبه ۱۱۵/۱۹۲. تسلیم بودن در برابر خواسته های الهی خطبه ۶۲. تسلیم ناپذیری امام در برابر دشمن نامه ۶ - ۵/۳۶. تسلیم و رضا در برابر خدا خطبه ۴ - ۳/۳۷. قانونی و شرعی بودن بیعت مردم با امام علی علیه السلام نامه ۱/۶. تشریح ماجرای بیعت با امام علی علیه السلام نامه ۴/۱. تشریح ویژگی های بیعت مردم با امام علی علیه السلام نامه ۳/۷. تعهد اخلاقی امام علی علیه السلام خطبه ۱/۱۶. تنهایی و مظلومیت امام علی علیه السلام خطبه ۲/۱۳۱.

توجه فراوان امام علیه السلام به وحدت اسلامی نامه ۳ - ۲/۷۸. حد و مرز صبر و سکوت امام علی علیه السلام خطبه ۷۴. حَقَائِیت امام علیه السلام در خلافت نامه ۱۸ - ۱۷/۲۸. حق گرائی امام علیه السلام خطبه ۲/۱۳۶. حقوق مردم بر امام علیه السلام خطبه ۵/۱۶۹. حوادث بعد از بیعت با امام علیه السلام نامه ۵/۱. خبر از جنگ و کشتار امت اسلامی خطبه ۲/۱۳۸. خبرهای امام علی علیه السلام از شهادت و حوادث آینده خطبه ۴/۱۰۰. خبرهای غیبی امام علیه السلام از آینده خطبه ۱/۱۸۷، خطبه ۹۳. خصوصیات و ویژگی های یاران امام علیه السلام ۳۰/۱۸۲. خطر احزاب مخالف امام علیه السلام خطبه ۵ - ۴/۱۶۹. خطر اهداف احزاب مخالف امام علیه السلام خطبه ۵ - ۴/۱۶۹. دخالت نداشتن امام علی علیه السلام در قتل عثمان خطبه ۱/۳۰. دعا و نیایش روزانه امام علیه السلام خطبه ۱/۲۰۵ تا ۶. دعای امام علی علیه السلام قبل از سفر جنگ خطبه ۲ - ۱/۴۶. دعوت مداوم امام علیه السلام برای جهاد با دشمن خطبه ۳/۲۷. دفاع امام علیه السلام از عثمان خطبه ۱/۲۴۰. دفاعیات امام علیه السلام برای تهمت خطبه ۱/۷۵. امام علی علیه السلام و انتخاب کارگزاران لایق نامه ۲ - ۱/۳۴، نامه ۲/۴۲. راه های استفاده از امام علیه السلام خطبه ۸ - ۱/۱۸۷. روابط خانوادگی امام علیه السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم خطبه ۱۱۵/۱۹۲ تا ۱۱۷. روابط سیاسی امام علیه السلام با خلفاء گذشته نامه ۱۹/۲۸. روانشناسی مردم زمان امام علیه السلام خطبه ۱/۲۳۳. روح امیدواری امام علیه السلام ۱۰/۱۹۱. روش برخورد و نصیحت امام علی علیه السلام با مخالفان خطبه ۲/۱۰۱. روش برخورد امام علیه السلام با معاویه نامه ۱/۷۵. روش برخورد امام علی علیه السلام با بنی امیه خطبه ۱/۷۵. روش برخورد با امام علیه السلام خطبه ۲/۱۲۷. روش تربیت شدن امام در دامن رسول خدا خطبه ۱۱۷/۱۹۲. روش حکومتی امام علی علیه السلام خطبه ۳/۱۶، خطبه ۱۵۹. روشهای امام علیه السلام قبل از آغاز جنگ خطبه ۱/۵۵. روشهای حکومتی امام علی علیه السلام خطبه ۱/۱۵۹، نامه ۵۳. ره آورد اطاعت از امام معصوم علیه السلام خطبه ۱/۱۵۶، خطبه ۲/۲۵، نامه ۷/۶۵. ره آورد شناخت و انکار امام خطبه ۷/۱۵۲. رهنمود امام به ابن عباس برای مباحثه با خوارج نامه ۷۷. رهنمودهای اقتصادی امام علیه السلام نامه ۲۴. رهنمودهای عمومی امام علیه السلام نامه ۴۷. ساده زیستی امام علی علیه السلام خطبه ۳۶/۱۶۰، نامه ۵/۴۵ تا ۱۷ - ۱۳. سبقت گرفتن امام علیه السلام در تمام اعمال پسندیده خطبه ۶/۱۷۵. سخنان غمبار امام علی علیه السلام در فراق پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم خطبه ۱/۲۳۵. سعی امام علیه السلام هدایت اصحاب جمل خطبه ۷/۱۳۷. سفارش به اطاعت از امام علی علیه السلام حکمت ۵ - ۴/۶۳. سفارش های اخلاقی امام علیه السلام خطبه ۱۵/۱۹۰ تا ۱۷. سوابق اخلاقی امام علیه السلام خطبه ۱/۱۳۹. سوابق اسلام و ایمان امام علی علیه السلام خطبه ۴ - ۳/۷۱. سوابق امام علیه السلام در اسلام و جهاد نامه ۸ - ۷/۱۷. سوابق ایمان و معنویات امام علی علیه السلام خطبه ۴/۱۳۱، خطبه ۱۲۱/۱۹۲، نامه ۵ - ۴/۱۷. سوابق خاندان امام علی علیه السلام در اسلام نامه ۱۵ - ۱۳ - ۱۰ - ۹/۲۸. سوابق درخشان امام علی علیه السلام خطبه ۲ - ۱/۳۷. سوابق شجاعت و مبارزاتی امام علی علیه السلام نامه ۹ - ۸/۱۰. سوابق مبارزاتی امام علیه السلام خطبه ۱۱۵/۱۹۲، خطبه ۲ - ۱/۱۹۷، خطبه ۱۶/۲۷، خطبه ۱/۵۸، نامه ۱۰، نامه ۲۸/۲۸ تا ۳۲، حکمت ۶ - ۵/۶۴، خطبه ۲ - ۱/۵۸، خطبه ۱/۷۵. سوابق مبارزاتی امام علی علیه السلام در جنگهای صدر اسلام نامه ۷ - ۶/۶۴. سوابق مبارزاتی و معنوی امام علیه السلام خطبه ۱/۷۵، خطبه ۹ - ۸/۱۲۲. سوابق معنوی امام علی علیه السلام با رسول خدا نامه ۱۹/۴۵. سوابق ننگین قریش در غصب خلافت امام علی علیه السلام نامه ۳/۳۶ تا ۵. سوابق و ویژگی های خاندان امام علی علیه السلام نامه ۴ - ۳/۱۷. سوابق و ویژگی های معنوی امام علی علیه السلام نامه ۶/۱۷. سوگند امام حکمت ۲۷۷. سهم دختران امام علی علیه السلام در اموال نامه ۴/۲۴. سهم همسران امام علی علیه السلام در اموال نامه ۷ - ۶/۲۴. سیاست اقتصادی امام علیه السلام خطبه ۱/۱۲۶. سیاست توحیدی امام علیه السلام خطبه ۱/۲۰۰، خطبه ۱/۳، خطبه ۱/۵، خطبه ۱/۶، خطبه ۱۲۶، نامه ۲۹. سیاستهای امام در برابر قدرتمندان خطبه ۳/۳۷. سیاستهای امام علی علیه السلام قبل از جنگ خطبه ۲/۴۸. سیاستهای توحیدی امام علیه السلام نامه ۴/۲۹، خطبه ۴/۲۶. سیاستهای حکومتی امام علی علیه السلام حکمت ۲۰۲. شجاعت بی نظیر امام علیه السلام در نبرد با دشمن خطبه ۱/۱۷۴. شجاعت و جسارت خدا گونه امام علی علیه السلام نامه ۲۰ - ۱۹/۴۵. شجاعت

و دشمن شناسی امام علیه السلام نامه ۶۲. شدت علاقه یاوران امام علی علیه السلام حکمت ۴۵. شرکت همه اقشار مردم در بیعت با امام خطبه ۲/۲۲۹. شکوه امام علیه السلام از قریش خطبه ۱/۲۱۷. شکوه و رنج های امام علی علیه السلام از امت خطبه ۱/۷۰، خطبه ۲۱۴. شکوه و رنج های امام علی علیه السلام از مردم کوفه خطبه ۱/۷۱. شکوه ها و درد دل های امام علیه السلام خطبه ۱۳/۲۷ تا ۱۵. شکوه های امام علیه السلام خطبه ۱/۲۱۲، خطبه ۱۰/۱۷. شکوه های امام علیه السلام از سستی یاران حکمت ۲۶۱. شکوه های امام علیه السلام به پیشگاه خدا خطبه ۶/۱۳۷. شکوه های امام درباره ظلم و جنایات قریش خطبه ۴/۱۷۲. شناخت امام علی علیه السلام از مردم شام و کوفه نامه ۳/۱۷. شناخت امام علیه السلام و نام مستضعف خطبه ۳/۱۸۹. شناخت دقیق امام علیه السلام از دشمن خطبه ۱/۱۳۸ تا ۳. شناخت دوستان و دشمنان امام علیه السلام حکمت ۴۵. شناخت کیفیت شرکت مردم در انتخاب های امام و رهبر خطبه ۳ - ۲/۱۷۳. شناخت گروه های سیاسی مخالف امام علیه السلام خطبه ۱۱۳/۱۹۲. شناخت مرگ از دیدگاه امام علیه السلام خطبه ۱/۱۴۹. شناخت ویژگی های امام علی علیه السلام خطبه ۹. شهادت طلبی اصحاب امام علیه السلام نامه ۳/۲۸. شهادت طلبی امام علیه السلام خطبه ۱۳ - ۱۲/۱۶، خطبه ۴/۱۷۱، خطبه ۳/۱۲۳، خطبه ۳/۵، خطبه ۶۲، نامه ۴ - ۳/۳۵، خطبه ۲ - ۱/۵۵. شیوه مناظره امام علیه السلام با دشمن نامه ۴/۶. صبر و استقامت امام علیه السلام خطبه ۲/۲۱۷. صبر و بردباری بی نظیر امام در حفظ اسلام خطبه ۴/۲۱۷-۲. صبر و تحمل بی نظیر امام علیه السلام در تداوم مبارزات خطبه ۴/۲۶. صبر و جدیت امام علیه السلام و اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم خطبه ۲/۵۶ و ۴. ضرورت اطاعت از امام خطبه ۴ - ۱/۱۵۴، خطبه ۱۰/۶۶، خطبه ۵/۱۷۳. ضرورت اطاعت از امام علیه السلام و حکومت اسلامی خطبه ۵/۱۶۹. ضرورت توجه به مسئولیتهای اجتماعی امام خطبه ۲/۲۱۱. ضرورت شناخت امام علیه السلام خطبه ۳/۱۸۹ تا ۵. ضرورت شنوائی و اطاعت از امام علیه السلام خطبه ۶/۸۹. ضرورت مشورت با امام علی علیه السلام حکمت ۳۲۱. عدالت اقتصادی امام علیه السلام خطبه ۱/۱۲۶. عدالت امام علیه السلام و عدم پذیرش مردم نامه ۴ - ۲/۷۰. علت سکوت امام علیه السلام و کنار گیری از خلافت خطبه ۱/۳۷. علت پذیرش حکومت توسط امام علی علیه السلام خطبه ۵۴. علت پذیرش و اهداف حکومت امام علی علیه السلام خطبه ۱/۱۳۶. علت پیروزی امام علیه السلام در میدانهای جنگ حکمت ۳۱۸. علت سقوط و شکست اصحاب امام علیه السلام خطبه ۱۰ - ۹/۱۳۳. علت سکوت امام علی علیه السلام خطبه ۷۴. علت سکوت و عذرخواهی امام علی علیه السلام خطبه ۳ - ۲/۹۲. علت شکوه های امام علیه السلام از قریش خطبه ۴/۱۷۲. علت عدم آمادگی برای پذیرش عدالت اجتماعی امام علی علیه السلام خطبه ۱/۹۲. علت غلبه امام علی علیه السلام بر دلاوران و شجاعان حکمت ۳۱۸. علت کناره گیری امام علیه السلام از خلافت خطبه ۱/۹۲. علت مظلومیت امام علی علیه السلام خطبه ۲/۶، خطبه ۲/۳۶. علت مظلومیت و تنهایی امام علی علیه السلام خطبه ۱۶ - ۹/۲۷. علت نکوهش امام علیه السلام از کوفیان حکمت ۲۶۱. علت نگرانی امام علیه السلام نسبت به آخرت حکمت ۷۷. علت وحدت احزاب مخالف امام علیه السلام خطبه ۵ - ۴/۱۶۹. علم امام علیه السلام به تحولات سیاسی آینده خطبه ۱۱/۱۰۳. علم امام علیه السلام به مسخ ارزش ها حکمت ۱۰۲. علم غیب امام علیه السلام به همه حوادث فرد و جامعه خطبه ۴-۳/۱۷۵. علم غیب امام علیه السلام در رابطه با آینده مروان خطبه ۱/۷۳. علم غیب امام علی علیه السلام خطبه ۶/۱۱۶. علم غیب امام علی علیه السلام به نهان ها خطبه ۳ - ۲/۹۳. علوم بی پایان امام علیه السلام خطبه ۴/۱۷۵. علی علیه السلام و رهایی امت خطبه ۱۵۹. غربت امام علی علیه السلام حکمت ۲۶۱. فضائل امام علی علیه السلام خطبه ۵۴، خطبه ۵۵، خطبه ۱/۵۷، خطبه ۳/۶۹. فضائل بی نظیر امام علی علیه السلام خطبه ۱/۷۵. فضائل و مناقب نا گفته امام علی علیه السلام نامه ۱۱ - ۱۰/۲۸. فلسفه سکوت امام علی علیه السلام خطبه ۱/۵. قاطعیت امام علیه السلام در نبرد با منحرفان خطبه ۱۱۳/۱۹۲. قاطعیت امام علی با ستمگران خطبه ۲/۱۳۶. قاطعیت امام علی علیه السلام در مبارزه حکمت ۳۶۹، نامه ۸. قاطعیت امام علیه السلام در مبارزه با احزاب منحرف خطبه ۲/۷۵. قاطعیت امام علیه السلام در مبارزه با باطل خطبه ۴/۳۳، خطبه ۴/۱۰۴. قریش و مظلومیت امام علی علیه السلام نامه ۱/۹. خبر از کیفیت قیام امام زمان علیه السلام غریب کلام ۱. کینه توزی های قریش نسبت به امام علی علیه السلام نامه

۵- ۴- ۳/۳۶. لیاقت و حقانیت امام علی علیه السلام خطبه ۶ - ۵/۱۹۷. لیاقت و کاردانی امام در مدیریت سیاسی خطبه ۶/۱۶۲. لیاقت و مدیریت امام برای رهبری خطبه ۳/۶۹. ماجرای سیاسی امام با عثمان نامه ۲۲/۲۸. مال پرستی علل دوری مردم از امام علی علیه السلام حکمت ۳۱۶. مدیریت اقتصادی امام علیه السلام نامه ۱/۴۳. مدیریت سیاسی امام علیه السلام نامه ۱/۴۲، نامه ۱/۴۴، نامه ۱/۴۵. مدیریت سیاسی در رهنمودهای امام علیه السلام نامه ۱/۱۸. مسئولیت پذیری امام علیه السلام خطبه ۱۶/۳. مسئولیتهای امام علیه السلام ۳ - ۲/۱۱۹. امام علی علیه السلام و کارگزاران حکومتی نامه ۴/۱۸. مشروعیت حکومت امام علیه السلام نامه ۶. مشکلات سیاسی امام در قصاص کردن قاتلان عثمان خطبه ۱/۱۶۸. مظلومیت امام علی علیه السلام خطبه ۸/۱۴۹، خطبه ۱/۱۷۲، خطبه ۲/۲۱۷، نامه ۲ - ۱/۱۲۱ - ۳/۲۷، خطبه ۲ - ۱/۱۲۷، خطبه ۶ - ۱/۱۳۷، خطبه ۳/۲۰۵ تا ۷، خطبه ۷۷، حکمت ۲۶۱، خطبه ۲/۶، خطبه ۳/۲۶، خطبه ۱۴/۹۳، خطبه ۴/۲۹، خطبه ۲/۵۷، خطبه ۸/۲۷ تا ۱۶، خطبه ۱۴/۱۱۶، خطبه ۲ - ۱/۱۲۱، خطبه ۷۰، نامه ۹/۱۰، نامه ۲۱ - ۲۰/۲۸، نامه ۵ - ۴/۳۶، نامه ۷/۴۵، حکمت ۱۱۱، نامه ۷/۹، نامه ۹/۱۰، خطبه ۱/۱۲۷، حکمت ۱۱۲. مظلومیت امام علیه السلام در خلافت نامه ۶۲. مظلومیت امام علی علیه السلام در نافرمانی مردم حکمت ۱/۵۷. مظلومیت امام علی علیه السلام و ستمکاری قریش خطبه ۵/۳۳. مظلومیت امام علی علیه السلام و شیعیان او حکمت ۱۱۱. مظلومیت سیاسی امام علیه السلام خطبه ۲/۲۰۸. مواضع امام علیه السلام پس از جنگ با مردم بصره نامه ۱/۲۹. موضعگیری امام در برابر قریش خطبه ۱/۲۱۷. موفقیت های امام در مبارزه با احزاب مخالف خطبه ۱۱۳/۱۹۲. موفقیت های امام علی علیه السلام خطبه ۱/۱۵۶، خطبه ۲۶ - ۲۵/۱۸۲، خطبه ۱۴ - ۱۳/۱۹۳. نافرمانی مردم کوفه از امام علیه السلام خطبه ۳ - ۲/۱۲۱. نافرمانی و سرپیچی از فرامین امام علیه السلام خطبه ۶ - ۴/۲۹. نصیحت حکیمانه امام علیه السلام به عثمان خطبه ۱/۱۶۴ تا ۱۲. نقش امام علیه السلام در تربیت و آموزش مردم خطبه ۷/۱۸۰. نقش امام علی علیه السلام در تحولات مسلمین خطبه ۲ - ۱/۴. نقش سران جمل در بیعت مردم با امام علیه السلام خطبه ۷ - ۳/۲۰۵. نقش یاران در پیروزی امام علیه السلام خطبه ۱/۱۱۸. نکوهش از خیانت در امانت خطبه ۳ - ۱/۳۵. نکوهش امام از مردم کوفه نامه ۲/۳۵. نکوهش امام از مرگ طبیعی خطبه ۳/۱۲۳. نیایش امام علی علیه السلام خطبه ۲ - ۱/۷۸، خطبه ۹۱. نیایش های عارفانه امام علی علیه السلام خطبه ۱۰۰/۹۱. واکنش امام علی علیه السلام در برابر تهدید به ترور خطبه ۶۲. وصیت های اخلاقی امام علیه السلام خطبه ۵/۱۴۹ تا ۷. وصیت های اعتقادی امام علیه السلام خطبه ۴ - ۲/۱۴۹. وصیت های اقتصادی امام علیه السلام نامه ۲/۲۴. وصیت های امام علیه السلام نامه ۱/۲۳. وصیت های امام علی علیه السلام خطبه ۱/۱۴۹. ویژگی خطابه و سخنوری امام علی علیه السلام خطبه ۱/۲۲۳. ویژگی و حقانیت امام علیه السلام خطبه ۳ - ۲/۱۷۲. ویژگی ها و حقانیت امام علیه السلام خطبه ۳ - ۲/۱۷۲. ویژگی ها و سوابق مبارزاتی امام علیه السلام خطبه ۹ - ۸/۱۲۲. ویژگی ها و سوابق معنوی امام علیه السلام خطبه ۱/۱۳۹، خطبه ۲/۷۵. ویژگی ها و فضائل امام علی علیه السلام خطبه ۱/۳۷. ویژگی های اخلاقی امام علیه السلام خطبه ۴/۱۶. ویژگی های اخلاقی و سیاسی امام علیه السلام خطبه ۴/۱۰۴. ویژگی های اعتقادی امام علیه السلام حکمت ۱۸۴، حکمت ۱۸۵. ویژگی های امام علیه السلام خطبه ۴/۱۸۹، خطبه ۱۱۲/۱۹۲، خطبه ۱/۱۹۷، خطبه ۱/۲۰۰، خطبه ۲/۲۰۲، خطبه ۱/۲۳۲، حکمت ۲۷۲، حکمت ۳۲۲، حکمت ۳۶۹، خطبه ۳/۲۲۴، نامه ۷/۱۰ تا ۲۷/۲۷، نامه ۱/۳۳، نامه ۴/۳۵، نامه ۳/۴۸، نامه ۴/۶۲، نامه ۲/۷۸، حکمت ۱۱۱، حکمت ۱۸۵، حکمت ۲۲، خطبه ۴ - ۳/۱۱۹، خطبه ۹ - ۶/۱۲۸، خطبه ۱/۱۵۶، خطبه ۳/۱۷۵، خطبه ۵/۱۸۹، خطبه ۱۲۵/۱۹۲، خطبه ۱/۱۹۷ تا ۳، خطبه ۲۳۶، خطبه ۱/۴، خطبه ۱/۵۸، خطبه ۳/۷۱، خطبه ۱/۱۵۹، خطبه ۱/۱۶۸، خطبه ۱/۱۷۴، خطبه ۱/۱۸۲، خطبه ۱/۱۳۷، خطبه ۱/۱۳۹، خطبه ۲/۵۷، خطبه ۱۲ - ۱/۵۸، خطبه ۵ - ۲/۴، خطبه ۶/۲۲، خطبه ۲ - ۱/۲۴، خطبه ۱/۶، خطبه ۴ - ۱/۱۶، خطبه ۴/۳۳، خطبه ۲ - ۱/۱۵۵، خطبه ۴ - ۳/۷۱، خطبه ۱/۷۴، خطبه ۱۷ - ۱۱/۸۷، خطبه ۳/۹۳، خطبه ۴ - ۳/۱۱۹، خطبه ۹ - ۶/۱۲۸۹، خطبه ۱/۱۵۶، خطبه ۳/۱۷۵، خطبه ۵/۸۹، خطبه ۳۵/۱۹۲، خطبه ۱/۱۹۷ تا ۳، نامه ۱۶/۲۸، خطبه ۳/۱۰۱، خطبه ۴/۱۳۱، خطبه ۳/۱۰۰، خطبه ۱۱/۹۷. ویژگی های امام در اجرای عدالت اقتصادی خطبه ۹/۲۲۴. ویژگی های امام علی علیه السلام در رابطه

با رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم نامه ۱۷ - ۱۶/۲۸. ویژگی های امام علی علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام خطبه ۲/۱۶۲. ویژگی های امام و اهل بیت علیهم السلام نامه ۱/۶۴. ویژگی های امام و اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم خطبه ۲/۱۶۲. ویژگی های اهل بیت علیهم السلام و امام علیه السلام نامه ۷/۲۸. ویژگی های بنی هاشم و خاندان امام علیه السلام حکمت ۱۲۰. ویژگی های بیعت با امام علی علیه السلام خطبه ۱/۱۳۶. ویژگی های بیعت عمومی مردم با امام علیه السلام نامه ۴/۱. ویژگی بیعت مردم با امام علی علیه السلام نامه ۱/۵۴، خطبه ۱/۱۳۶، خطبه ۱/۲۲۹. ویژگی های حملات نظامی امام علیه السلام خطبه ۵ - ۴/۱۱۹. ویژگی های سیاسی امام خطبه ۲/۵۷. ویژگی های عقیدتی و معنوی امام علیه السلام خطبه ۱۳ - ۱۲/۹۷، خطبه ۲ - ۱/۵۸. ویژگی های علمی امام علیه السلام خطبه ۶/۱۲۸ تا ۹، خطبه ۵/۱۸۹. ویژگی های علمی، معنوی امام علیه السلام خطبه ۱/۱۲۰، خطبه ۹ - ۶/۱۲۸، خطبه ۵/۱۸۹. ویژگی های علمی و سیاسی امام علی علیه السلام خطبه ۱۲/۹۳. ویژگی های حملات نظامی امام علیه السلام خطبه ۶ - ۵/۱۱۹. ویژگی های مدیریتی امام علی علیه السلام خطبه ۱/۷۴، خطبه ۸۹. ویژگی های معنوی امام علی علیه السلام حکمت ۱۸۴، خطبه ۱/۲۲، خطبه ۲/۵۷. ویژگی های معنوی و رزمی امام علی علیه السلام نامه ۸ - ۷/۶۲. ویژگی های نظامی و اخلاقی امام علی علیه السلام خطبه ۴/۳۳. هجرت بدون شناخت امام علیه السلام خطبه ۳/۱۸۹. هجوم بی سابقه مردم برای بیعت با امام علی علیه السلام نامه ۴/۶۲، خطبه ۱/۵۶. هجوم و یورش مردم برای بیعت با امام خطبه ۱/۲۲۹. هدفداری امام در پذیرش خلافت خطبه ۳/۱۳۱. هدفداری امام در حکومت نامه ۲۷/۲۸. هدفداری امام در وصیت اقتصادی نامه ۱/۲۴. هدفداری امام علی علیه السلام در صلح و جنگ خطبه ۲ - ۱/۵۵. هشدارهای اخلاقی امام به معاویه نامه ۸ - ۶/۲۸. همراهی و هماهنگی امام علیه السلام با پیامبر خطبه ۲۳۶. یکی از دعاها امام خطبه ۱/۲۲۷. سوابق درخشان شجاعت و فضائل امام علیه السلام خطبه ۱۱۵/۱۹۲. آمادگی رزمی امام علیه السلام نامه ۳۶. تلاش امام در تحقق وحدت نامه ۷۸. شناخت دشمنان امام علی علیه السلام خطبه ۱/۱۳۵. غضب خلافت و علل شکست امام علیه السلام خطبه ۳/۳. عشق تحمل ناشدنی امام علی علیه السلام حکمت ۱۱۱. سیاست اقتصادی امام علیه السلام خطبه ۱۵ *****

امام حسن و امام حسین

. ویژگی های مبارزاتی امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام خطبه ۱/۲۰۷. اثبات امامت امام حسن و امام حسین علیهما السلام خطبه ۱/۲۰۷. شجاعت و خط شکنی امام حسن و امام حسین علیهما السلام خطبه ۱/۲۰۷. فضائل و ارزش های امام حسن و امام حسین علیه السلام خطبه ۱/۲۰۷ *****

امام زمان

. آینده روشن در حکومت امام زمان علیه السلام خطبه ۱۰ - ۶/۱۵۰. اصول گرائی امام زمان علیه السلام خطبه ۱/۱۳۸. اشاره به ظهور امام زمان علیه السلام غریب کلام ۱. امام زمان علیه السلام و آینده روشن خطبه ۱/۱۳۸. امام زمان علیه السلام و استقرار حکومت عدل اسلامی خطبه ۳/۱۳۸. امام زمان علیه السلام و اصالت دادن به قرآن خطبه ۱/۱۳۸. امام زمان علیه السلام و امیدواری به آینده خطبه ۳/۱۵۰. امام زمان علیه السلام و دست یابی به سرمایه های مخفی زمین خطبه ۳/۱۳۸. امام زمان علیه السلام و زنده کردن اسلام خطبه ۲۴ - ۲۳/۱۸۲. امام زمان علیه السلام و زنده کردن قرآن و سنت فراموش شده پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم خطبه ۳/۱۳۸. امام زمان علیه السلام و فتح و کشورها و شکست قدرتها خطبه ۳/۱۳۸. امام زمان علیه السلام و قرآن خطبه ۱/۱۳۸. امام زمان علیه السلام و مجازات فاسدان خطبه ۳/۱۳۸. امام زمان علیه السلام و هدایت الهی خطبه ۱/۱۳۸. تداوم امامت تا ظهور امام زمان علیه السلام خطبه ۶/۱۰۰. جنگ و مبارزه بی امام زمان علیه السلام با منحرفان خطبه ۱۱۳/۱۹۲. حکومت امام زمان علیه

السلام غریب کلام ۱. خبر از غیبت امام زمان علیه السلام خطبه ۴/۱۵۰. دوران پیروزی امام زمان علیه السلام حکمت ۲۰۹. روش حکومتی امام زمان علیه السلام خطبه ۱/۱۵۰. روش زندگی در دوران غیبت امام زمان (عج) خطبه ۵/۱۰۰. ره آورد حکومت امام زمان علیه السلام خطبه ۲/۱۵۰. زشتی مخالفت با امام زمان علیه السلام نامه ۳/۷. سیمای امام زمان علیه السلام حکمت ۱۴۷، خطبه ۲۳/۱۸۲. سیمای یاران امام زمان علیه السلام خطبه ۱۵۰. شناخت آخرالزمان و غیبت امام زمان علیه السلام خطبه ۲۴ - ۲۳/۱۸۲. شناخت یاران امام زمان علیه السلام خطبه ۱/۱۸۷. وصف امام زمان علیه السلام خطبه ۲۵/۱۸۲. ویژگی های امام زمان علیه السلام خطبه ۳/۱۵۰. ویژگی های حکومت امام زمان (عج) خطبه ۱/۱۳۸، خطبه ۱۰. ویژگی های قیام و حکومت امام زمان علیه السلام خطبه ۵ - ۴/۱۵۰، خطبه ۴/۱۰۰. یاد شیرین امام زمان علیه السلام در آینده خطبه ۱/۱۸۷ *****

امام مهدی

. ره آورد حکومت حضرت مهدی (عج) خطبه ۱۵۰. وصف حضرت مهدی (عج) خطبه ۱۸۲. آینده بشریت و ظهور حضرت مهدی (عج) خطبه ۱۵۰ *****

امیر المؤمنین علی

. اخلاص امام علی علیه السلام خطبه ۳/۱۸۲. استدلال بر خلافت امام علی علیه السلام حکمت ۱۹۰. تنهایی و مظلومیت امام علی علیه السلام خطبه ۲/۶، خطبه ۱۴/۲۷. حقیقت طلبی امام علی علیه السلام خطبه ۱۸/۲۱۰. درد دل های امام علی علیه السلام خطبه ۱/۳۴ تا ۲. دنیا در چشم امام علی علیه السلام حکمت ۱/۷۷. دوستی امام علی علیه السلام حکمت ۲/۴۵. راه و رسم امام علی علیه السلام خطبه ۱۲/۹۷. زهد و پارسایی امام علی علیه السلام خطبه ۱۷/۳. سکوت حکیمانه امام علی علیه السلام حکمت ۶/۱۳۷ تا ۷. سوابق مبارزاتی امام علی علیه السلام خطبه ۴/۱۰۴. شجاعت امام علی علیه السلام خطبه ۱۶/۲۷ - ۱۵/۱۹۲، نامه ۷ - ۸/۱۰. شکوه امام علی علیه السلام از اهل زمانه خطبه ۶/۱۳۷ - ۷. شگفتی شجاعت امام علی علیه السلام نامه ۱۹/۴۵. صبر و شکیبایی امام علی علیه السلام خطبه ۳/۳. عدالت امام علی علیه السلام خطبه ۱۸/۸۷. عظمت امام علی علیه السلام خطبه ۱/۱۳۹ - ۱/۳. علم امام به تحولات سیاسی آینده خطبه ۹/۱۰۳ تا ۱۲. علم بیکران امام علی علیه السلام خطبه ۵/۱۸۹. علم امام علی علیه السلام خطبه ۹/۱۲۸. علم غیب امام علی علیه السلام خطبه ۹/۱۰۳ تا ۱۲، خطبه ۲/۱۱۶ - ۳. علوم بی پایان امام علی علیه السلام خطبه ۱۷۵. امام علی از زبان امام علی علیه السلام خطبه ۷۴. امام علی علیه السلام اسوه حقیقت خطبه ۸/۱۲۲. امام علی علیه السلام اولین مؤمن به پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم خطبه ۱۳۳/۱۹۲. امام علی علیه السلام بحر بیکران خطبه ۲/۹۳. امام علی علیه السلام تداوم بخش خط انبیا علیه السلام خطبه ۲۵/۱۸۲. امام علی علیه السلام چراغ هدایت خطبه ۷/۱۸۷. امام علی علیه السلام حقیقت ناشناخته خطبه ۸/۱۴۹. امام علی علیه السلام رهبر مؤمنان حکمت ۳۱۶. امام علی علیه السلام معیار حق خطبه ۸/۱۲۲. امام علی علیه السلام و اسرار نهان خطبه ۳/۵. امام علی علیه السلام و انگیزه های پذیرش خلافت خطبه ۱۶/۳. امام علی علیه السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم خطبه ۱۲۰/۱۹۲ تا ۱۲۱. امام علی علیه السلام و دنیا خطبه ۱۲/۲۲۴. امام علی علیه السلام و رهایی امت خطبه ۱۵۹. امام علی علیه السلام و زمانه نااهل خطبه ۵/۱۹۹. امام علی علیه السلام و شهادت طلبی خطبه ۱۳/۱۵۶. امام علی علیه السلام و صراط مستقیم حق خطبه ۶/۱۹۷. امام علی علیه السلام و عشق الهی خطبه ۲ - ۱/۲۲۷، نامه ۸/۶۲. غربت امام علی علیه السلام در میان مردم خطبه ۲/۱۲۱ تا ۳. فداکاری امام علی علیه السلام خطبه ۲۳۶. فضایل امام علی علیه السلام نامه ۱۰/۲۸. فضیلت امام علی علیه السلام خطبه ۱۱۹/۱۹۲. قاطعیت امام علی علیه السلام در تداوم مبارزه با باطل خطبه ۴/۱۰۴. مظلومیت امام علی علیه السلام و دعای مظلومانه خطبه ۴/۱۱۶. مظلومیت و تنهایی امام علی علیه السلام خطبه ۲۶. منزلت و مقام امام علی علیه السلام خطبه ۱۲۲/۱۹۲. ویژگی سخنوری

امام علی علیه السلام خطبه ۱/۲۳۳. ویژگی های اخلاقی و سیاسی امام علی علیه السلام خطبه ۴/۱۰۴. ویژگی های امام علی علیه السلام خطبه ۱/۳، خطبه ۱/۳۷، خطبه ۲۳۶، نامه ۱/۴۵. هوشیاری و زیرکی امام علی علیه السلام خطبه ۲/۲۰۰ *****

ولایت

. جایگاه بلند ولایت خطبه ۱/۴. حقوق ولایت و رهبری خطبه ۱/۲۱۶. عشق به ولایت خطبه ۳۸/۱۰۹. فلسفه حکومت و ولایت نامه ۲/۶۶. ولایت تکوینی خطبه ۱۹۲ *****

اهل بیت

. اهل بیت علیهم السلام خطبه ۱۲/۲ - ۱۰/۱. اهل بیت علیهم السلام پیامبر و حیات علم خطبه ۱۵/۱۴۷. اهل بیت علیهم السلام دره های علم الهی خطبه ۱/۱۲۰. اهل بیت علیهم السلام و ارزیابی دین خطبه ۳/۲۳۶. اهل بیت علیهم السلام و علوم خطبه ۱/۲۳۹. اهل بیت علیهم السلام و راه میانه حکمت ۱۰۹. اولویت اهل بیت علیهم السلام برای تفسیر قرآن خطبه ۴/۱۲۵. خطرات جدی برای اهل بیت علیهم السلام خطبه ۲/۲۱۷ - ۳. شهادت طلبی اهل بیت علیهم السلام نامه ۵/۹. ضرورت پیروی از اهل بیت علیهم السلام خطبه ۱۳ - ۱۲/۹۷. ویژگی های علمی اخلاقی اهل بیت علیهم السلام خطبه ۳۸/۱۰۹. ضرورت خونخواهی از اهل بیت علیهم السلام خطبه ۵/۱۰۵. ویژگی های علمی و معنوی اهل بیت علیهم السلام خطبه ۱/۱۲۰. ویژگی های اهل بیت علیهم السلام خطبه ۵ - ۴/۱۲۵، خطبه ۳/۴، خطبه ۳۸/۱۰۹، خطبه ۳/۱۴۴، خطبه ۴/۲۱۴، خطبه ۱/۲۳۱، خطبه ۱/۲۳۹، حکمت ۱۰۹، خطبه ۲ - ۱/۲۳۹، خطبه ۱۴/۸۷، خطبه ۱۳/۹۷، خطبه ۱۵/۱۴۷، خطبه ۱۲/۱۵۴، خطبه ۸۷، خطبه ۹۷، خطبه ۲۳۳، خطبه ۱۲/۹۳، خطبه ۷ - ۶۱۰۰. نقش اهل بیت علیهم السلام در مبارزه با جهل و گمراهی خطبه ۱/۲۳۹ تا ۳. شناخت کامل اهل بیت علیهم السلام از دین اسلام خطبه ۱/۲۳۹ تا ۳. کینه توزی های قریش و غصب خلافت اهل بیت علیهم السلام نامه ۳ - ۲/۶۲. وظایف مردم نسبت به اهل بیت علیهم السلام خطبه ۱۲/۹۷. شرائط درک فرامین اهل بیت علیهم السلام خطبه ۱۸۹. پرهیز از افراط و تفریط در رابطه با اهل بیت علیهم السلام خطبه ۶/۱۲۷. ره آورد شوم انحراف از ولایت اهل بیت علیهم السلام خطبه ۱/۱۳۹. در خطر جدی قرار گرفتن جان اهل بیت علیهم السلام خطبه ۳/۲۱۷. ویژگی های اهل بیت علیهم السلام در فصاحت و بلاغت خطبه ۱/۲۳۳. بخشش و کرم اهل بیت علیهم السلام حکمت ۲/۱۲۰. ارزش اهل بیت علیهم السلام خطبه ۴/۱۴۴. سرانجام دوستان و دشمنان اهل بیت علیهم السلام خطبه ۳۸/۱۰۹. ضرورت اطاعت از اهل بیت پیامبر علیهم السلام خطبه ۱۲/۹۷. روش برخورد با اهل بیت علیهم السلام پیامبر علیهم السلام خطبه ۱۳ - ۱۴/۸۷. ظلم قریش به اهل بیت علیهم السلام حکمت ۲/۶۲. علم راستین اهل بیت علیهم السلام خطبه ۱/۲۳۹. عظمت اهل بیت پیامبر علیهم السلام خطبه ۳۸/۱۰۹. مشکلات دوستی با اهل بیت علیهم السلام حکمت ۱۱۲. ویژگی اهل بیت پیامبر علیهم السلام خطبه ۳ - ۲/۱۵۴، خطبه ۴. ارزش والای اهل بیت پیامبر علیهم السلام حکمت ۱۰۹. فصاحت و بلاغت اهل بیت علیهم السلام خطبه ۲۳۳. هشدار و سفارش به اطاعت از اهل بیت علیهم السلام خطبه ۱۰۸. فضائل اهل بیت پیامبر علیهم السلام خطبه ۲۳۹. افشای چهره بنی امیه و فضائل اهل بیت علیهم السلام نامه ۱۷. وصف پیامبر اسلام و اهل بیت علیهم السلام خطبه ۹۴، خطبه ۱۶۱ *****

رهبر

. احسان و حسن ظن رهبر نامه ۳۶ ۳۵/۵۳. اختیارات رهبری خطبه ۳. اخلاق اختصاصی رهبری نامه ۵۳. اخلاق رهبری نامه ۵۳. اخلاق رهبری با خویشاوندان نامه ۵۳. اخلاق رهبری با مردم نامه ۸/۵۳ تا ۱۰. اخلاق ناپسند رهبری خطبه ۱۸/۲۱۶ تا ۲۰. ارزش رهبر عادل خطبه ۵/۱۲۴. ارزش های اخلاقی رهبر اسلامی نامه ۷/۵۳ تا ۱۳. ارزیابی رهبران نامه ۱۵/۲۷. اخلاق سیاسی رهبر با

توانگران نامه ۳/۴۶. اخلاق سیاسی رهبر با توده مستضعف نامه ۳/۴۶. اصول اخلاقی رهبر خطبه ۱۰ - ۹/۳۴، نامه ۳ - ۲/۴۵. اصول اخلاق سیاسی اجتماعی رهبر اسلامی نامه ۳ - ۲/۴۶. اصول روابط اجتماعی رهبر اسلامی با مردم نامه ۵۲/۵۳. اصول روابط اجتماعی رهبران نامه ۵۳. اصول گرائی و خدا گرائی رهبر نامه ۶۳/۵۳. اصول و مبانی اخلاق رهبری نامه ۸/۵۳ تا ۱۱. اطاعت از رهبری امام خطبه ۲۶/۱۸۲. پرهیز رهبر از گرایش به سرمایه داران نامه ۲ - ۱/۴۵. پرهیز از مخالفت پس از انتخاب رهبر نامه ۳/۷. پیامدهای اطاعت از رهبری معصوم علیه السلام خطبه ۱/۴، خطبه ۱/۶۹، خطبه ۱۳/۹۷. حقوق اجتماعی سیاسی رهبر بر مردم خطبه ۶ - ۱/۲۱۶، حکمت ۳۲۲. حقوق اجتماعی سیاسی مردم بر رهبر خطبه ۶ - ۱/۲۱۶. حقوق متقابل رهبری و فرماندهان نامه ۵۰. حقوق متقابل مردم و رهبری خطبه ۳۴. حقوق مردم بر رهبر نامه ۲/۵۰. حقوق ولایت و رهبری خطبه ۱/۲۱۶. در جستجوی رهبری هدایت کننده خطبه ۱/۷۶. راز داری رهبر نامه ۲۴/۵۳. راه های اصلاح دولت و رهبر خطبه ۹ - ۷/۲۱۶. روابط اجتماعی رهبر نامه ۱/۵۰. روابط اجتماعی رهبر اسلامی با مردم نامه ۱/۵۰. روابط سالم و متقابل رهبر و مردم خطبه ۲۱۶. روش برخورد رهبر با کارگزاران خاطی نامه ۲ - ۱/۶۳. روش برخورد رهبر با مردم نامه ۱/۱۸، خطبه ۶۹. روش برخورد صحیح با مردم (اخلاق رهبری) نامه ۱۳ - ۲/۱۹. ره آورد اطاعت از رهبری معصوم خطبه ۲/۲۰، خطبه ۱/۱۲۱. ره آورد شوم اطاعت نکردن از رهبر خطبه ۴، خطبه ۶۹، خطبه ۱۱۹. ره آورد شوم اطاعت نکردن از رهبری معصوم خطبه ۲۰ خطبه ۱۲۱، نامه ۶۵. ره آورد ظلم رعیت به رهبر یا رهبر به رعیت خطبه ۱۱ - ۱۰/۲۱۶. ره آورد عدالت رهبر خطبه ۸/۲۱۶. رهبر آلوده و گمراه یا رهبر صالح نامه ۱۶/۲۷. رهبر اسلامی و رسیدگی شخصی به امور مردم نامه ۱۱۴/۵۳. رهبر و گرایش به اعمال نیکو نامه ۹ - ۸/۶۹. رهبری الهی از دیدگاه امام علیه السلام خطبه ۵. شایعه پراکنی و تهمت علیه رهبری خطبه ۲/۷۱. شرائط امامت و رهبری در اسلام خطبه ۱/۱۷۳. شرائط رهبری خطبه ۵/۱۳۱. شرائط و صفات امامت و رهبری خطبه ۳/۱۳۱ تا ۷، حکمت ۷۳، خطبه ۱۳۶. شکوه ها از سرپیچی از فرمان رهبری خطبه ۲/۲۱۲. شناخت آفات رهبری خطبه ۵/۱۳۱ تا ۷، خطبه ۳. شناخت رهبران حکمت ۳۱۶. ضرورت اطاعت از رهبری خطبه ۵/۱۷۳، خطبه ۶ - ۵/۱۹۷، خطبه ۱۶۹، خطبه ۱۵۶. ضرورت تسلیم بودن در برابر تصمیمات رهبری ۳۲۱. ضرورت حسن ظن به رهبر نامه ۱۳۹ - ۱۲۹/۵۳. ضرورت حق گرائی رهبر نامه ۱۳۹ - ۱۲۹/۵۳. ضرورت خدا گرائی رهبر در همه کارها نامه ۱۶ - ۱۳ - ۱۱/۵۳. ضرورت خودسازی رهبران و مدیران حکمت ۷۳. ضرورت رازداری رهبر نامه ۲۶ - ۲۴/۵۳، حکمت ۱۸۱. ضرورت رهبری پیامبر نامه ۴۳/۳۱. ضرورت صلح طلبی رهبر اسلامی نامه ۱۳۲/۵۳. ضرورت عیب پوشی رهبر نامه ۲۵ - ۲۴/۵۳. ضرورت هوشیاری و بیداری رهبری خطبه ۵ - ۳/۲۲۴. علل سقوط کوفیان عدم اطاعت از رهبری خطبه ۲/۲۰۸. علی علیه السلام رهبر مؤمنان حکمت ۳۱۶. قاطعیت رهبری در مشورت حکمت ۳۲۱. کیفیت رابطه مردم با رهبر نامه ۱۲۱/۵۳. مسئولیت رهبری نامه ۱۴/۴۵، خطبه ۲/۱۲۶، حکمت ۳۳۲ خطبه ۴/۲۰۹. مسئولیت مهم رهبری خطبه ۴/۲۰۹. مسئولیت های رهبر اسلامی نامه ۱۵ - ۱۴/۴۵، خطبه ۱۱۹. مسئولیت های رهبری و نظامیان نامه ۵۰. مصیبت بار بودن نافرمانی از رهبر خطبه ۳ - ۲/۳۵. معیار گزینش رهبر حکمت ۱۹۰. موفقیت های رهبر آگاه حکمت ۴۶۷. نقش ایمان رهبری در اجرای عدالت عمومی خطبه ۸ - ۷/۲۲۴. نقش رهبر در عزت و عدالت خطبه ۸ - ۷/۲۲۴. نقش رهبر در جامعه خطبه ۷/۲۱۶. نقش رهبری در تقویت دین حکمت ۴۶۷. نقش یاران در عزت و ذلت رهبری خطبه ۱۳۵. وصف رهبر نسبت به کارگزاران اقتصادی نامه ۴۱. وصف یکی از رهبران الهی حکمت ۴۶۷. وظائف رهبران الهی خطبه ۴/۱۵۴، خطبه ۱۰/۱۰۵. وظائف رهبر نسبت به مدیران در مدیریت اقتصادی نامه ۱/۴۱. وظائف اجتماعی رهبر با مردم حکمت ۳۲۲، خطبه ۲۰۹. وظائف اختصاصی رهبر اسلامی نامه ۱۱۴/۵۳، خطبه ۱۶، خطبه ۱/۱۱۵، خطبه ۳۱، خطبه ۳۹، خطبه ۲۱۶، نامه ۲۰، نامه ۲۵، نامه ۳۵، نامه ۴۵. وظائف رهبران نامه ۱۲/۲۵. وظائف رهبران نسبت به کارگزاران نامه ۱/۲۶. وظائف رهبری خطبه ۱۰/۱۰۵، خطبه ۳ - ۴ - ۵/۱۳۱، نامه ۱/۳۵، نامه ۱/۴۵، نامه ۵۷، خطبه ۱۵۹، خطبه ۱۰۵، خطبه ۱۵۴. وظائف رهبری در جامعه نامه ۱/۵۷. وظائف رهبری قبل از جنگ خطبه ۴۳. وظائف رهبری در حرکت نیروهای مسلح نامه ۲/۶۰. وظائف رهبری و

امامت خطبه ۷ - ۳/۱۳۱، حکمت ۱۱۰ نامه ۱/۱۹، نامه ۱/۲۰. وظایف فرماندهان نظامی نسبت به رهبری نامه ۴/۵۰. وظایف مردم نسبت به رهبری خطبه ۱۱۸. وظیفه مردم در برابر انتخاب رهبری نامه ۲ - ۱/۶. ویژگی های رهبر اسلامی خطبه ۱۷۳، خطبه ۱/۱۹، خطبه ۶/۱۵۲، خطبه ۱/۶، خطبه ۱/۲۴، خطبه ۱/۱۳۶، خطبه ۳۷، خطبه ۶، خطبه ۲۴. یکرنگی رهبر، فرماندهان و مردم نامه ۲ - ۳/۵۰

حاکم، حاکمان

. پرهیز حاکم اسلامی از رفاه زدگی نامه ۱/۴۵. پرهیز حاکم اسلامی از سستی و پوزش طلبی نامه ۴/۳۳. پرهیز حاکم اسلامی از گرایش به سرمایه داران نامه ۲ - ۱/۴۵. پرهیز حاکم اسلامی از هرگونه سستی نامه ۴ - ۳/۳۳. پرهیز حاکم اسلامی و ضرورت ساده زیستی نامه ۴/۴۵ تا ۱۱. حاکم اسلامی پاسدار خدا در زمین است حکمت ۳۳۲. حاکم اسلامی و احتیاط در پخش اخبار نامه ۶ - ۵/۶۹. حاکم اسلامی و اعتدال و میانه روی نامه ۱/۲۱. حاکم اسلامی و اهمیت دادن به نماز جمعه نامه ۱۱/۶۹. حاکم اسلامی و پرهیز از اسراف نامه ۱/۲۱. حاکم اسلامی و پرهیز از رفاه زدگی نامه ۲/۲۱. حاکم اسلامی و پرهیز از غضب و خشونت نامه ۱۵ - ۷ - ۶/۶۹. حاکم اسلامی و پرهیز از نشستن در بازار نامه ۱۰/۶۹. حاکم اسلامی و پند پذیری از تاریخ گذشتگان نامه ۲/۶۹. حاکم اسلامی و ترک هواپرستی نامه ۲/۷۱ - ۱۳/۲۷. حاکم اسلامی و توجه به ضرورت های زندگی نامه ۱/۲۱. حاکم اسلامی و توجه به مرگ و معاد نامه ۸ - ۷/۲۷. حاکم اسلامی و توجه به وقتی های نماز نامه ۱۵/۲۷. حاکم اسلامی و حمایت و دفاع از دین نامه ۱۳/۲۷. حاکم اسلامی و خدا گرایی نامه ۱۴/۲۷. حاکم اسلامی و راز داری و کم حرفی نامه ۶ - ۵/۶۹. حاکم اسلامی و رفتار اجتماعی ۴ - ۳/۶۹. حاکم اسلامی و شکر نعمت های الهی نامه ۷/۶۹. حاکم اسلامی و شناخت دوستان لایق و نالایق نامه ۱۴/۶۹. حاکم اسلامی و ضرورت توجه به جهنم نامه ۱۲ - ۱۱/۲۷. حاکم اسلامی و ضرورت دنیا شناسی نامه ۹/۲۷ تا ۱۱. حاکم اسلامی و ضرورت رسیدگی به شهرهای بزرگ نامه ۹/۶۹. حاکم اسلامی و عدم وابستگی به دنیا نامه ۶ - ۵/۲۷. حاکم اسلامی و قرآن گرایی نامه ۱/۶۹. حاکم اسلامی و گرایش به اعمال نیکو نامه ۹/۶۹. حاکم اسلامی و یاد مرگ نامه ۳/۶۹ تا ۱۴. خدا گرایی حاکم نامه ۷۶. خطر هواپرستی حاکم جامعه نامه ۱/۵۹. روش برخورد حاکم اسلامی با مردم نامه ۶۷. ره آورد خوش بینی حاکم مردم نسبت حاکم نامه ۳۷/۵۳. ره آورد محبت حاکم به فرماندهان نظامی نامه ۵۵/۵۳. ضرورت تواضع و فروتنی حاکم اسلامی نامه ۱/۲۷. ضرورت توجه حاکم اسلامی به محاسبه قیامت نامه ۱/۲۱. ضرورت خدا گرایی حاکم نامه ۳/۵۹، نامه ۷۶، نامه ۱۴ - ۱۳/۲۷. ضرورت نظارت حاکم بر اعمال حج نامه ۱/۶۷. نقش بحران در رفتار حاکم اسلامی نامه ۱/۶۹. نکوهش از ظلم حاکمان خطبه ۳/۹۷. وظائف حاکم اسلامی خطبه ۶۸، نامه ۵۳. وظائف حاکم اسلامی در حکومت اسلامی نامه ۲/۶۳. وظائف حاکم اسلامی نسبت به ارباب رجوع نامه ۱۵۳/۵۳. وظائف حاکم اسلامی نسبت به اطرافیان و خویشاوندان نامه ۱۷/۵۳. وظائف حاکم اسلامی نسبت به افکار عمومی نامه ۶ - ۵/۵۳. وظائف حاکم اسلامی نسبت به اقلیت های دینی نامه ۹/۵۳. وظائف حاکم اسلامی نسبت به اهل مشورت نامه ۱۷/۵۳. وظائف حاکم اسلامی نسبت به تجارت و صنعت گران نامه ۹۵/۵۳. وظائف حاکم اسلامی نسبت به سلامت دین نامه ۶۵/۵۳. وظائف حاکم اسلامی نسبت به جان و مال مردم نامه ۱۴۱/۵۳. وظائف حاکم اسلامی نسبت به جنگ و صلح نامه ۱۳۲/۵۳. وظائف حاکم اسلامی نسبت به خودسازی نامه ۲/۵۳. وظائف حاکم اسلامی نسبت به دانشمندان نامه ۴۰/۵۳. وظائف حاکم اسلامی نسبت به رسوم اجتماعی نامه ۱۸/۵۳. وظائف حاکم اسلامی نسبت به قضات نامه ۶۵/۵۳. وظائف حاکم اسلامی نسبت به کارمندان نامه ۷۱/۵۳. وظائف حاکم اسلامی نسبت به کشاورزی و کشاورزان نامه ۷۹/۵۳. وظائف حاکم اسلامی نسبت به گزینش فرماندهان نظامی نامه ۵۰/۵۳. وظائف حاکم اسلامی نسبت به گزینش مدیران نامه ۲۹/۵۳. وظائف حاکم اسلامی نسبت به مالیاتها نامه ۸۱/۵۳. وظائف حاکم اسلامی نسبت به محرومان نامه ۱۰۱/۵۳. وظائف حاکم اسلامی نسبت به مردم نامه

۸/۵۳. وظائف حاکم اسلامی نسبت به منشیان و دبیران نامه ۸۷/۵۳. وظائف شخص حاکم اسلامی نامه ۱۴۸/۵۳ *****

حجت، حجج الهی

. آثار وجودی حجج الهی حکمت ۱۱/۱۴۷. اتمام حجت با مردم خطبه ۱/۹۲. اقسام حجت های الهی حکمت ۱۴۷. تداوم حضور حجت الهی حکمت ۱۱/۱۴۷. حجت های خدا بر خلق خطبه ۲/۸۱. روزگار ظهور حجت خدا حکمت ۲۰۹. صفات و ویژگی های حجج الهی حکمت ۱۱/۱۴۷. ضرورت حجت خدا در زمین حکمت ۱۱/۱۴۷. مهاجر و شناخت حجت الهی خطبه ۳/۱۸۹ *****

خلافت

. استدلال بر خلافت علی علیه السلام حکمت ۱۹۰. بازی ابابکر با خلافت خطبه ۳. حقانیت امام علیه السلام در خلافت نامه ۱۸ - ۱۷/۲۸. شکوه از خلافت عثمان خطبه ۳. شکوه از غصب خلافت خطبه ۱/۳. شورای عمر و خلافت عثمان خطبه ۳. علل غصب خلافت خطبه ۳/۱۶۲، خطبه ۱/۳ تا ۱۰، خطبه ۱۸۹. علل غصب خلافت و کینه توزی های قریش خطبه ۳ - ۲/۱۶۲. علل کناره گیری از خلافت خطبه ۹۲. علی علیه السلام و انگیزه های پذیرش خلافت خطبه ۱۶/۳. عمر و ماجرای خلافت خطبه ۳. غصب خلافت و علل شکبائی امام علیه السلام خطبه ۳. قریش و غصب خلافتشان نامه ۵/۳۶. مظلومیت امام در خلافت نامه ۶۲ *****

عترت

. شناساندن عترت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و امامان راستین خطبه ۸۷. شناسایی عترت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم خطبه ۵/۹۴. عترت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم خطبه ۱۵/۸۷. فضائل عترت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نامه ۱۷ *****

معاد شناسی

آخرت

. آخرت سرای جاویدان خطبه ۵/۱۳۳، خطبه ۷ - ۸/۱۸۸ - ۱۳ - ۱۴/۱۷۶. آخرت شناسی خطبه ۲۸، نامه ۳۱. آمادگی برای سفر آخرت خطبه ۱/۲۰۴. ارزیابی دنیا و آخرت خطبه ۱۴/۱۱۴. تقوا توشه آخرت خطبه ۴/۱۷۳. تلخی ها و مشکلات دنیا و آخرت حکمت ۲۵۱. توانگران و سعادت دنیا و آخرت خطبه ۳/۱۴۲. توشه آخرت خطبه ۵/۶۴. توشه سفر آخرت خطبه ۳ - ۲/۸۶. دنیا برای آخرت است حکمت ۴۶۳. دنیا جویان و آخرت پیشگان حکمت ۲۶۹. دنیا و آخرت خطبه ۲/۱۰۳، حکمت ۱۴/۱۱۴، حکمت ۱۶۸. دیدار دوباره در آخرت خطبه ۳ - ۴/۲۳۷ - ۸/۱۴۹. رابطه میان دنیا و آخرت حکمت ۲۵۱. رابطه دنیای حرام و آخرت حکمت ۹/۱۰۳. راه اصلاح دنیا و آخرت حکمت ۸۹. راه های اصلاح دنیا و آخرت حکمت ۸۹. ره توشه آخرت خطبه ۳/۷۶. ضرورت آمادگی برای سفر آخرت خطبه ۱۷/۲۲۳. ضرورت آمادگی برای عمل و آخرت خطبه ۲ - ۲/۲۴۱. ضرورت توجه به آخرت خطبه ۹ - ۱۰/۲۲۶. ضرورت توشه آخرت خطبه ۷/۱۵۷. ضرورت یادآوری آخرت ۱۶ - ۱۵/۲۲۳. علل نگرانی امام نسبت به آخرت حکمت ۷۷. یاد آخرت خطبه ۵/۱۹۵. یاد سفر آخرت حکمت ۲/۷۷ *****

آخرت گرایی

. آخرت گرایی خطبه ۱۹/۱۹۳ - ۲۷/۱۹۳، خطبه ۴/۵۵ - ۲/۲۰۳، خطبه ۶۳، حکمت ۸/۱۵۰ - ۲۸۰، حکمت ۴۵۶، خطبه ۶/۱۹۱.

آخرت گرائی پرهیزکار خطبه ۱۹/۱۹۳. آخرت گرائی و تأمین روزی ها حکمت ۳۷. ارزش آخرت گرائی خطبه ۶ - ۱/۶۴، حکمت ۷، حکمت ۴۴. ایثار اقتصادی و آخرت گرائی حکمت ۷. راه های آخرت گرائی خطبه ۲۳۷. ره آورد آخرت گرائی نامه ۷۷/۳۱. سفارش به آخرت گرائی نامه ۲۲. ضرورت آخرت گرائی حکمت ۳۷۸، نامه ۷۴/۳۱، خطبه ۵/۱۳۳، خطبه ۹ - ۸/۱۳۲ - ۲/۲۰۳ - ۵/۱۵۴، خطبه ۹ - ۸/۱۷۳، خطبه ۵ - ۶/۱۵۶، خطبه ۲۰ - ۱۹ - ۱۴/۱۱۴، خطبه ۷/۱۵۷ تا ۱۰، حکمت ۱۶۸۷، حکمت ۲۶۹، حکمت ۱۲۲، خطبه ۶/۲۸، خطبه ۳ - ۲/۴۲، خطبه ۳ - ۲/۷۶، خطبه ۳ - ۲/۸۶، خطبه ۱۴/۱۱۴، خطبه ۸/۱۳۲، خطبه ۲/۹۹، خطبه ۱۴ - ۱۳/۱۷۶، نامه ۲/۲۲، نامه ۲۸. ضرورت آخرت گرائی در مبارزه خطبه ۲/۱۳۰ *****

اجل

. اجل معین پاسدار انسان است حکمت ۳۰۶. اجل و مرگ خطبه ۳۸، خطبه ۱/۱۴۹. مرگ و اجل یک قانون عمومی نامه ۱/۷۲. ملائکه محافظ و رها سازی انسان حکمت ۲۰۱. نقش اجل در حفظ انسان حکمت ۳۰۶ *****

بهشت

. آثار شوق دیدار بهشت حکمت ۳ - ۲/۳۱. آدم علیه السلام و داستان بهشت خطبه ۳۲/۱. اشتیاق بهشت خطبه ۳۵/۱۶۵. انواع مناظر نورانی و زیبای بهشت خطبه ۳۵ - ۳۴/۱۶۵. انواع نعمتها و میوه جات بهشت خطبه ۳۲/۱۶۵. اوصاف بهشت خطبه ۳۱/۱۰۹، خطبه ۳۰/۱۶۵، خطبه ۸۵. توجه به پاداش بهشت و عذاب الهی خطبه ۶/۵۲. راه بهشت و جهنم حکمت ۲/۳۱. ره آورد یاد اوصاف بهشت خطبه ۲۹/۱۶۵. سیمای بهشتیان پرهیزکار خطبه ۱۲ - ۱۱/۱۹۰. ضرورت توجه به نعمتهای بهشت خطبه ۵ - ۴/۲۸. عامل رسیدن به بهشت خطبه ۴ - ۳/۱۷۶. نعمت بهشتی حکمت ۳۸۷. نعمتهای خداوند در بهشت خطبه ۱۲/۱۰۹. نقش ایمان در سرنوشت انسان خطبه ۴/۲۸. وصف بهشت برین خطبه ۱۳ - ۱۲/۱۰۹. وصف ویژگی های بهشت خطبه ۱۶۵. ویژگی های بهشت خطبه ۶ - ۵/۸۵، خطبه ۳۵ - ۳۰/۱۶۵. یاد آوری شهادت و بهشت در آستانه جنگ خطبه ۵/۱۷۱ *****

شرایط راه یافتن به بهشت

۱ - بهره وری درست از دنیا حکمت ۱۳۱ - ۲ - هوس ستیزی خطبه ۱۷۶ - ۳ - استقامت در حق خطبه ۱۱۹، خطبه ۱۷۶ - ۴ - شناخت ائمه حق و پیروی از آنان خطبه ۱۵۲، خطبه ۱۵۶ - ۵ - وارستگی از کبر خطبه ۱۹۲ - ۶ - وارستگی از گناه خطبه ۱۴۴ - ۷ - انجام فرائض نامه ۲۷، خطبه ۱۹۰، خطبه ۱۶۷ - ۸ - تقوا گرائی خطبه ۱۹۱ *****

نمونه ای از بهشتیان

۱ - حضرت داوود خواننده بهشتیان خطبه ۱۶۰ - ۲ - حسنین علیه السلام دو سرور جوانان بهشت نامه ۲۸ - ۳ - جعفر علیه السلام پرواز گر بهشتی نامه ۲۸ - ۴ - حضرت زهرا علیها السلام بزرگ زن بهشتی نامه ۲۸ *****

پاداش

. پاداش اطاعت خطبه ۳/۲۱۴. پاداش الهی خطبه ۵/۸۳. پاداش بیشتر با آغاز کننده هدیه حکمت ۶۲. پاداش سخاوتمندی حکمت ۵/۱۳۸، حکمت ۲۳۲. پاداش شکر گذاری خطبه ۷/۹۰. پاداش صبر و تحمل حکمت ۲۹۱. پاداش عمل نامه ۳/۲۱. پاداش کردار آدمی خطبه ۷/۱۵۳. پاداش و طاعت حکمت ۳۶۸. پاداش و عذاب دوستان و دشمنان خطبه ۳۸/۱۰۹. پاداش و کیفر الهی نامه ۳ -

۲/۲۷، خطبه ۷۵. جایگاه پاداش الهی حکمت ۴۲. جایگاه پاداش و عذاب الهی خطبه ۷ - ۶/۹۰. راه های رسیدن به پاداش شهادت خطبه ۱۸/۱۹۰. ره آورد یقین به پاداش الهی حکمت ۱۳۷. شرایط پاداش حکمت ۲/۴۲. فلسفه کیفر و پاداش الهی حکمت ۳۶۸. قیامت روز پاداش خطبه ۳/۴۲ *****

حساب، حسابرسی، حسابگری

. ارزش سئوالات حساب شده حکمت ۳۶۴. ترس از حساب قیامت خطبه ۱/۸۲. حسابرسی روز قیامت ۲/۴۰. حسابگر بودن آری، سختگیری ممنوع حکمت ۳۳. خدا و چگونگی حسابرسی بندگان حکمت ۳۰۰. روز قیامت و حسابرسی خطبه ۵/۸۵. ضرورت حسابرسی نفس خطبه ۲۰۸، خطبه ۶/۲۲۲، خطبه ۸/۹۰. ضرورت ستایش حساب شده حکمت ۳۴۷. نفرین حساب شده حکمت ۳۱۲ *****

رستاخیز

. آفرینش دوباره و رستاخیز خطبه ۲۹ - ۲۸/۱۰۹. انسان و رستاخیز خطبه ۲۲۳. معاد رستاخیز موجودات خطبه ۳۶ - ۳۵/۱۸۶. وصف رستاخیز خطبه ۸۳. وصف رستاخیز و زنده شدن دوباره خطبه ۱۰۹ *****

شفاعت

. ارزش شفاعت حکمت ۶۳. شفاعت حکمت ۶۳. شفاعت خواهی پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم خطبه ۸/۷۲. قرآن و شفاعت در قیامت خطبه ۱۱ - ۱۰/۱۷۶. نقش شفاعت کننده حکمت ۶۳ *****

عذاب

. پرهیز از عذاب الهی حکمت ۳۷۷. پرهیزکاران و اندیشه در آیات عذاب خطبه ۱۰ - ۹/۱۹۳. توجه به روز قیامت و عذاب گناهان خطبه ۲/۱۵۳. ضرورت توجه به روز قیامت و عذاب گناهان خطبه ۱/۱۶۷، خطبه ۱۷ - ۱۶/۱۸۳، نامه ۵۸/۳۱ تا ۷۵، حکمت ۱۵۳. ضرورت یادآوری عذاب جهنم خطبه ۵ - ۴/۲۲۳. ضرورت یاد قیامت و عذاب الهی خطبه ۱۸۲. عذاب گناهکاران خطبه ۳۱/۱۰۹ تا ۳۴. گناهان اجتماعی و عذاب اجتماعی خطبه ۱/۲۰۱ *****

آتش

. آتش سرانجام تند رویها خطبه ۴/۱۵۷. آتش فتنه ها خطبه ۵/۱۰۱، خطبه ۶/۱۸۷. آگاهی خدا از اهل آتش خطبه ۸/۱۲۸. پرهیز از آتش الهی حکمت ۳۸۷، نامه ۷۶. پرهیزکاران و ترس از آتش خطبه ۶/۱۹۳. خشم مالک دوزخ بر آتش خطبه ۱۶/۱۸۳. خلقت شیطان از آتش خطبه ۳۰/۱ *****

آتش جهنم

. زشتی آتش جهنم خطبه ۲۶/۱۹۲. شدت آتش جهنم خطبه ۱۰/۱۹۰. شناخت کیفیت آتش جهنم خطبه ۳/۱۲۰. صفات آتش جهنم خطبه ۳۳/۱۰۹. ضرورت پرهیز از آتش جهنم خطبه ۳/۱۲۰. ضرورت توجه به آتش جهنم نامه ۹/۲۷. ناتوانی جسم برابر آتش جهنم خطبه ۱۵/۱۸۳ *****

عوامل ورود به آتش

- ۱ - اشتباهات و آتش الهی خطبه ۲۴/۷۹ - انکار امامت دوازده امام علیه السلام خطبه ۳۷/۱۵۲ - باطل گرایی نامه ۲ - ۴۵/۱۷ - ترک زکاة خطبه ۵۸/۱۹۹ - ترک نماز خطبه ۶۲/۱۹۲ - تکبر و تعصب دروغین خطبه ۷۲۶/۱۹۲ - جمع آوری مال حرام حکمت ۸۴۲۹ - جنگ و ستیز با علی علیه السلام نامه ۹۱۲/۴۱ - دروغ عمدی گفتن بر پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم خطبه ۱۰۲/۲۱۰ - دل مردگی حکمت ۱۱۳/۳۴۹ - دورویی و نفاق خطبه ۷/۲۰۱، خطبه ۱۲۱۰/۱۹۴ - دوری از خدا نامه ۱۳۷۶ - سرپیچی از فرمان رهبری خطبه ۱۴۹/۱۲۵ - سوء استفاده از بیت المال خطبه ۱۵۷/۲۲۶ - شکم بارگی نامه ۱۶۳۳/۴۵ - شهوات و هواپرستی خطبه ۱۷۲/۱۷۶ - شیطان و شیطان زدگی خطبه ۱۸۱۹/۱۹۲ - عمل نکردن به دستورات قرآن حکمت ۱۹۲/۲۲۸ - فرار از جنگ خطبه ۲۰۶۶ - کارهای حرام حکمت ۲/۳۱، خطبه ۲۱۳۲/۱۰۹ - کردار زشت و ناپسند خطبه ۸ - ۲۲۶/۴۴ - کفر و ارتداد حکمت ۳/۷۸
- ۲۳ - گناهکاران و شعله های آتش خطبه ۵/۱۶، خطبه ۳۳/۱۰۹ *****

عوامل نجات از آتش

- ۱- اطاعت خدا خطبه ۲۸/۱۹۸ - پرداخت زکات خطبه ۳۸/۱۹۹ - پرهیز کاری خطبه ۴۲۵/۱۸۳ - ترک کارهای حرام حکمت ۲/۳۱
- ۵- زیر بار ننگ نرفتن خطبه ۶۱۰۷/۱۹۲ - قرآن و عمل به دستورات قرآن حکمت ۷۲/۲۲۸ - قناعت و خود کفائی نامه ۸۳۳/۴۵ - نزدیک شدن به خدا نامه ۹۷۶ - نماز خطبه ۲/۱۹۹ *****

قیامت

- . آمادگی برای سفر قیامت خطبه ۱/۲۰۴، خطبه ۸۲، خطبه ۵/۱۱۳. اوصاف قیامت خطبه ۱۹۱. بدترین توشه قیامت حکمت ۲۲۱.
- بدکاران و قیامت خطبه ۱۴ - ۱۳/۸۳. پروا داشتن از قیامت خطبه ۱۱/۱۵۷. پرهیزکاران و شوق قیامت خطبه ۴/۱۹۳. ترس از حساب قیامت خطبه ۱/۸۲. ترسیم صحنه قیامت خطبه ۲۸/۱۰۹. توجه به روز قیامت و عذاب گناهان خطبه ۲/۱۵۳. توجه به محاسبه اعمال دنیا در قیامت خطبه ۲ - ۱/۶۳. توصیف قیامت خطبه ۱۴/۱۱۴. حالات انسان در قیامت خطبه ۲ - ۱/۱۰۲، خطبه ۱۲/۳۸، خطبه ۱۰۹.
- . حالات مردم در هنگام بر پا شدن قیامت خطبه ۸۳. حسابرسی قیامت نامه ۲/۴۰. درک چگونگی محاسبه قیامت حکمت ۳۰۰. راه های آماده شدن برای قیامت خطبه ۳۶/۸۳. روز قیامت خطبه ۱/۱۰۲. روز قیامت و حسابرسی خطبه ۵/۸۵. ره توشه قیامت خطبه ۹/۲۳۰. سرانجام نیکوکاران در قیامت خطبه ۳۰/۱۰۹. ضرورت آمادگی برای سفر قیامت خطبه ۹ - ۸/۱۳۲. ضرورت توجه به روز قیامت و عذاب گناهان خطبه ۱/۱۶۷، خطبه ۱۷ - ۱۶/۱۸۳، نامه ۷۵ - ۵۸/۳۱، حکمت ۱۵۳. ضرورت توجه به سفر معنوی قیامت نامه ۷۵ - ۶۳ - ۵۸/۳۱. ضرورت توجه به محاسبه دقیق قیامت نامه ۳ - ۲/۲۷. ضرورت جمع آوری توشه قیامت نامه ۱/۲۱.
- ضرورت یاد قبر و مرگ و قیامت خطبه ۱۵ - ۱۳/۱۵۷. فلسفه معاد و قیامت خطبه ۳۴ - ۳۰/۱۰۹. قیامت روز آشکار شدن پشیمانی ها خطبه ۲/۱۵۳. قیامت روز پاداش خطبه ۳/۴۲. قیامت شناسی خطبه ۲۷/۱۰۹، خطبه ۱/۱۰۲، خطبه ۱۰/۱۵۷، خطبه ۱۵۸. قیامت گرای در عمل خطبه ۲/۱۲۰. قیامت و تجسم اعمال نامه ۱۴/۴۱. قیامت و مجازات ظالم حکمت ۲۴۱. نزدیک بودن قیامت حکمت ۱۶۸. نشانه های قیامت خطبه ۱۲/۱۸۵، خطبه ۲۸ - ۲۷/۱۰۹. نقش ایمان به قیامت در حکومت عادلانه خطبه ۹ - ۸/۲۲۴. والائی نعمت های قیامت خطبه ۵۲. وصف روز قیامت خطبه ۱۰۲. یاد سفر قیامت خطبه ۸/۳۲. یاد قیامت حکمت ۱۶۸، خطبه ۴/۱۹۰، حکمت ۱۸۷. یاد قیامت و آمادگی حکمت ۲۸۰ *****

قبر، قبرستان

. اوصاف قبرستان حکمت ۱۳۰. توصیف قبر خطبه ۱۴ - ۱۳/۱۵۷. حالات مردگان در قبر خطبه ۱۹/۱۱۱، خطبه ۸۳. زبان حال مردگان در قبر خطبه ۱۸/۲۲۱. شناخت قبر خطبه ۱۵۷. ضرورت یاد قبر و قیامت خطبه ۱۵ - ۱۳/۱۵۷، خطبه ۳/۱۸۸. عبرت از آرام گرفتگان قبر خطبه ۸/۲۲۱. قبر و پس از مرگ خطبه ۵۱/۸۳. ویژگی های قبر خطبه ۳۱/۸۳. یاد تنهائی قبر خطبه ۱۵۷. یاد قبر خطبه ۷/۱۵۳، خطبه ۱۴ - ۱۳/۱۵۷، خطبه ۲۱۰. یاد قبر و پس از مرگ خطبه ۵۹/۸۳ ****

مرگ

. آثار مرگ حکمت ۲/۱۳۰، خطبه ۱۲/۲۲۱. آمادگی برای مرگ خطبه ۱۴/۱۸۳، حکمت ۲۰۳. آمادگی برای سفر مرگ و قیامت خطبه ۵/۱۱۳. آماده شدن برای مرگ خطبه ۴/۱۶۷، حکمت ۲۸۰. اجل و مرگ خطبه ۳۸، خطبه ۱/۱۴۹. ارزش یاد مرگ حکمت ۲۰۳، خطبه ۱۸۸. استقبال از مرگ خطبه ۴/۶۶. اقسام مرگ خطبه ۱۲۳. انسان پس از مرگ خطبه ۲۶ - ۲۵/۱۰۹. انسان و مرگ نامه ۷/۲۷-۹، نامه ۷/۲۷-۹، خطبه ۸۳، خطبه ۲۱. بی نتیجه بودن راه حل ها در هنگام مرگ خطبه ۳۴ - ۲۵/۲۲۱. پرهیز از فراموشی مرگ نامه ۱۴/۶۹. ترک غرور و یاد مرگ حکمت ۳۹۸. تسلیت گفتن در مرگ دوستان حکمت ۳۵۷. تهیدستی هنگام مرگ خطبه ۹/۱۱۴. حالات انسان هنگام مرگ خطبه ۲۷ - ۲۶/۲۲۱، خطبه ۱۸/۱۰۹، خطبه ۸۳. حوادث بعد از مرگ خطبه ۸/۲۲۱. خصوصیات مرگ خطبه ۴/۸۵. در آستانه مرگ خطبه ۳۴/۲۲۱. در اشتیاق مرگ خطبه ۷/۱۸۰. راز پوشیده مرگ حکمت ۴۱۹. روش برخورد با مرگ حکمت ۲۳۰، نامه ۲۷. ره آورد یاد مرگ حکمت ۲۳۳، حکمت ۴۳۳، نامه ۷۷/۳۱، حکمت ۳۳۴. سختی های لحظه مرگ خطبه ۲۲۱. سفارش به پرهیزکاری و یاد مرگ خطبه ۱۹۰. سیمای مرگ خطبه ۳/۲۳۰. شناخت مرگ حکمت ۲۰۳، نامه ۲۷. شناخت مرگ از دیدگاه امام خطبه ۱۴۹. شوق مرگ و شهادت خطبه ۳/۵. ضرورت پند پذیری از مرگ حکمت ۱۲۲. ضرورت توجه به مرگ خطبه ۴/۱۶۷. ضرورت توجه به حوادث پس از مرگ خطبه ۲۶ - ۱۹/۱۰۹. ضرورت توجه به مرگ و کوچ کردن خطبه ۳/۱۳۲. ضرورت توجه به مرگ و نترسیدن از آن خطبه ۲/۱۲۳، خطبه ۲۱، خطبه ۱۸/۱۰۹، خطبه ۶ - ۵/۱۲۴، خطبه ۳/۱۳۲، خطبه ۱۵ - ۱۳/۱۵۷. ضرورت توجه به مرگ و نیستی موجودات خطبه ۲ - ۱/۱۵۲. ضرورت یاد آوری مرگ و کوچ کردن از دنیا خطبه ۷ - ۱/۱۴۹. ضرورت یاد آوری مرگ یاران حکمت ۱۳۰. ضرورت یاد قبر و مرگ و قیامت خطبه ۱۳/۱۵۷ تا ۱۵، خطبه ۳/۱۸۸. ضرورت یاد مرگ حکمت ۲۹، حکمت ۳۸۰، خطبه ۲۳۰، نامه ۲۷، نامه ۲۸، حکمت ۷۴. ضرورت یاد مرگ در کنترل انسان حکمت ۳۹۸. ضرورت یاد مرگ و ره آورد آن خطبه ۶ - ۱۳/۱۹۰، خطبه ۹ - ۴/۲۳۰. ضرورت یاد مرگ و فنا پذیری دنیا خطبه ۱۹/۱۸۲-۲۷. عامل آمادگی برای مرگ حکمت ۲۸۰. عبرت از مرگ خطبه ۸۳. عبرت از مرگ و خاک شدن گذشتگان خطبه ۸/۲۲۱ تا ۲۵. عبرت از مرگ یاران حکمت ۱۲۲. عبرت گرفتن از مرگ حکمت ۱۲۲. عبرت گرفتن از مرگ سرمایه داران توانگر خطبه ۶ - ۵/۱۳۲. عبرت گرفتن از مرگ یاران خطبه ۵/۱۴۹ تا ۷. امام علی علیه السلام و صراط مستقیم مرگ خطبه ۶/۱۹۷. عمومی بودن قانون مرگ خطبه ۳ - ۲/۱۲۳، خطبه ۱۶/۸۳، خطبه ۱/۷۲، حکمت ۳۵۷. فرا رسیدن مرگ خطبه ۳/۲۸. قبر و پس از مرگ خطبه ۵۱/۸۳. محدود بودن شناخت انسان از مرگ خطبه ۱۱۲. مرگ با عزت خطبه ۱/۵۱. مرگ و اجل یک قانون عمومی نامه ۱/۷۲. مرگ و زندگی حکمت ۳-۲/۱۹۱. مرگ و عبرت آموزی خطبه ۸/۱۴۹. مرگ و قضا و قدر خطبه ۲۹/۱۹۳. نزدیک شدن به مرگ حکمت ۷۴. نقش ایمان به مرگ در ساده زیستی انسان ها خطبه ۲۱. نقش یاد مرگ در عمل گرایی و پاکی انسان حکمت ۲۸۰. نکوهش از فراموشی مرگ حکمت ۳/۱۲۶. نکوهش از مرگ طبیعی خطبه ۳/۱۲۳. وصف چگونگی مرگ و مردن خطبه ۱۰۹. یاد آوری مرگ خطبه ۱۸/۱۱۴. یاد قبر و پس از مرگ خطبه ۵۹/۸۳. یاد مرگ خطبه ۵/۱۳۲، خطبه ۴ - ۳/۱۸۸، نامه ۴/۲۳، نامه ۷۴/۳۱، حکمت ۱/۱۲۲، حکمت ۳۸۰، حکمت ۲۹، حکمت ۷۴، حکمت ۱۱۵، خطبه ۱۳۲. یاد

مرگ و آثار آن خطبه ۱۰/۹۹، حکمت ۲۰۳، نامه ۳۰۸. یاد مرگ و آرزوها حکمت ۳۳۴. یاد مرگ و پرهیزکاری حکمت ۲۰۳. یاد مرگ و فراموش شدن خطبه ۵۶/۸۳ *****

مکافات

. مکافات عمل خطبه ۶ - ۴/۸۳، خطبه ۱۵/۱۹۰ *****

فروع دین

فروع دین

. فلسفه فروع دین حکمت ۱۳۶ *****

روزه

. ارزش روزه خطبه ۲/۱۱۰. روزه داری حکمت ۱۳۶. فلسفه نماز و روزه و زکات خطبه ۱۹۲. شناخت انواع روزه ها حکمت ۱۴۵ *****

نماز، نماز جماعت، نماز جمعه

. ارزش نماز نامه ۵/۴۷، حکمت ۱۳۶. اهمیت دادن به نماز نامه ۱۲۰/۵۳. اهمیت دادن به نماز جمعه نامه ۱۲ - ۱۱/۶۱. اهمیت نماز خطبه ۲ - ۱/۱۹۹، نامه ۱۲۰/۵۳. اهمیت و ارزش نماز در اسلام خطبه ۱/۱۹۹. تعیین وقت نماز صبح نامه ۳/۵۲. تعیین وقت نماز ظهر نامه ۱/۵۲. تعیین وقت نماز عشاء نامه ۳/۵۲. تعیین وقت نماز عصر نامه ۱/۵۲. تعیین وقت نماز مغرب نامه ۲/۵۲. تعیین وقت نمازهای پنجگانه نامه ۱/۵۲. توبه و نماز حکمت ۲۹۹. چگونگی برگزاری نماز جماعت نامه ۱۱۸/۵۳. رعایت حال ضعیفان در نماز نامه ۱۲۰/۵۳. ره آورد نماز خطبه ۲/۱۹۹. ضرورت توجه به ارزش های نماز نامه ۶/۴۷ - ۷. ضرورت رعایت ضعیفان در نماز جماعت نامه ۳/۵۲. فلسفه و ره آورد نماز خطبه ۱/۱۹۹ تا ۳. نماز در نگرانیها حکمت ۲۹۹ *****

زکات

. آزاد گذاشتن مردم برای پرداخت زکات نامه ۵ - ۴/۲۵. ارزش دعا، صدقه و زکات دادن حکمت ۱۴۶. ارزش زکات خطبه ۲/۱۱۰، خطبه ۱۹۹. اهمیت زکات خطبه ۱۹۹. اهمیت زکات در اسلام خطبه ۷/۱۹۹. تقسیم زکات را به عهده مردم واگذار نامه ۸ - ۵/۲۵. حرکت معنوی مأموران جمع آوری زکات نامه ۵ - ۱/۲۵. ره آورد زکات حکمت ۱۴۶. ره آورد زکات و دعا حکمت ۱۴۶. ره آورد شوم پرداخت زکات بدون شرائط خطبه ۸/۱۹۹. زکات قدرت حکمت ۵۲. شرائط پرداخت زکات خطبه ۷/۱۹۹. عفو، زکات قدرت است حکمت ۵۲. فلسفه و ره آورد زکات خطبه ۹ - ۷/۱۹۹ *****

صدقه

. ارزش دعا، صدقه و زکات دادن حکمت ۱۴۶. ارزش صدقه حکمت ۷، حکمت ۱۳۷، خطبه ۴ - ۳/۱۱۰. ارزش صدقه و انفاق حکمت ۲۵۸. ره آورد صدقه دادن حکمت ۱۳۷. صدقه و توانگری حکمت ۲۵۸ *****

حج، حجاج

. احکام فقهی حج خطبه ۵۳. احکام قربانی در حج خطبه ۵۳. اهمیت حج خطبه ۵۳/۱. تأمین مسکن حجاج نامه ۵/۶۷. حقوق حجاج بیت الله الحرام نامه ۶۷. ره آورد حج خطبه ۵۳/۱. سفارش به رفع نیاز حجاج نامه ۶۷. ضرورت تعلیم و آموزش حاجیان مکه نامه ۱/۶۷. ضرورت توجه به ارزش های حج نامه ۶/۴۷. ضرورت رسیدگی به حوائج حجاج نامه ۲/۶۷. ضرورت نظارت حاکم بر اعمال حج نامه ۱/۶۱. فلسفه حج نامه ۱/۶۷، خطبه ۵۴ - ۵۰/۱، خطبه ۵۳/۱۹۲ تا ۶۵. فلسفه مشکلات سفر حج خطبه ۵۳/۱۹۲ تا ۶۵. مسکن رایگان برای حجاج نامه ۵/۶۷. معنویت سفر حج خطبه ۵۲/۱. نقش تبلیغات در مراسم حج نامه ۶۷. وظائف امیرالحاج در مراسم حج نامه ۱/۶۷. هشدار از تبلیغات دروغین یاران معاویه در مراسم حج نامه ۳۳*****

کعبه

. ارزش کعبه نامه ۶/۴۷. اموال اختصاصی کعبه حکمت ۲۷۰. سیمای کعبه مقدس خطبه ۵۳/۱۹۲. علل قرار گرفتن کعبه در شرائط بد جغرافیائی خطبه ۱۹۲*****

جهاد

. ارزش جهاد در راه خدا خطبه ۱/۲۷. ارزش و اقسام جهاد نامه ۶/۴۷. اعلان تداوم جهاد و مبارزه با معاویه نامه ۱۰ - ۹/۹. اقسام جهاد حکمت ۳۱. اهداف جهاد و نهی از منکر حکمت ۳۷۳. بهترین نوع مبارزه و جهاد حکمت ۳۷۳. جهاد حکمت ۷/۳۱. جهاد پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم غریب کلام ۹. خبر از آینده مصیبت بار ترک جهاد خطبه ۴/۳۵. ره آورد اقسام جهاد حکمت ۳۱، خطبه ۶۶، حکمت ۸۴. ره آورد جهاد خطبه ۲/۲۷، خطبه ۵/۶۶، حکمت ۸۴. ره آورد ترک جهاد خطبه ۲/۲۷، خطبه ۱/۵۱، خطبه ۵/۶۶، حکمت ۳۷۵. ره آورد شوم ترک جهاد در جوامع اسلامی خطبه ۲/۲۷. سفارش مردم کوفه به جهاد با دشمن نامه ۵/۱. شرائط جهاد اسلامی خطبه ۵/۱۹۷. شناخت اقسام جهاد حکمت ۷/۳۱ تا ۹. ضرورت تحمل مشکلات جهاد و شهادت حکمت ۳۲۲. ضرورت تداوم جهاد و پیکار خطبه ۳۳/۱۸۲، خطبه ۱/۵۶. ضرورت توجه به ارزش های جهاد نامه ۶/۴۷. ضرورت جهاد با شامیان خطبه ۴۳. ضرورت شهادت طلبی در جهاد خطبه ۳/۱۲۳، خطبه ۸ - ۵/۱۲۴. ضرورت صبر و بردباری در جهاد خطبه ۴/۲۶. ضرورت مبارزه و جهاد با مخالفان خطبه ۱/۲۴. ضرورت و ارزش جهاد خطبه ۱/۲۷. ضرورت توجه به ارزش های جهاد اسلامی نامه ۶/۴۷. علل جهاد و پیکار با ناکثین خطبه ۱/۲۲، نامه ۵/۱. فضائل و مراتب جهاد در اسلام خطبه ۱/۱۲. مراتب جهاد اسلامی خطبه ۱۲. مراحل جهاد حکمت ۳۷۵. نقش یت ها در جهاد اسلامی خطبه ۶/۱۹۷. نکوهش از ترک مبارزه و جهاد خطبه ۶ - ۲/۳۹. نکوهش از فرار و سستی در جهاد خطبه ۲/۲۹*****

مجاهدین، مجاهدان

. استقامت و شهادت طلبی مجاهدان اسلام خطبه ۴ - ۳/۱۲۱. پرهیز از مجادله (بحث بی حاصل) حکمت ۳۶۲. تشکر از مجاهدان از جنگ برگشته نامه ۲. خبر از آینده خونین بصره و رزم مجاهدان پیروز خطبه ۱۰۲. سیمای مجاهدان راه خدا خطبه ۱/۱۳۰، خطبه ۱۰۲، خطبه ۱۷۳. سیمای مجاهدان صدر اسلام خطبه ۱/۵۶، خطبه ۴/۱۰۲. شرائط مجاهدان در راه خدا خطبه ۵/۱۷۱. شرائط مجاهدان و مبارزه راه حق خطبه ۵/۱۷۳، خطبه ۵ - ۴/۱۰۲. فضائل مجاهدین خطبه ۳/۶۶، خطبه ۴ - ۳/۱۲۱. معاویه حق معرفی مجاهدان اسلام را ندارد نامه ۵ - ۴/۲۸. معاویه و مجاهدان اسلام نامه ۵ - ۴/۲۸. نقش اجتهاد و مجتهدین در جامعه خطبه ۶/۸۷.

ویژگی و علل پیروزی مجاهدان اسلام خطبه ۴ - ۳/۱۲۱. یاد یاران مجاهد و مقاوم خطبه ۵/۱۷۱ *****

امر به معروف

. ارزش امر به معروف حکمت ۳۷۴. شرائط اجرای اوامر خدا حکمت ۱۱۰. شرایط امر به معروف نامه ۱۵۰/۳۱، خطبه ۸/۱۲۹. شناخت اقسام مراحل امر به معروف حکمت ۹ - ۸/۳۱. ارزش امر به معروف و نهی از منکر حکمت ۲/۲۷۴، خطبه ۷/۱۵۶. ضرورت امر به معروف (نفی تساهل و تسامح) نامه ۷/۷۴، خطبه ۱۲/۱۰۵. فلسفه امر به معروف حکمت ۲۵۲. مراحل امر به معروف و نهی از منکر حکمت ۳۷۳، حکمت ۳۷۴. ویژگی های امر به معروف و نهی از منکر خطبه ۷/۱۵۶ *****

آفات ترک امر به معروف

۱ - سلطه بدان نامه ۲۴۷ - سقوط و انحطاط اجتماعی خطبه ۱۲۹ ۳ - نفی هویت و حیات انسانی حکمت ۳۷۴، حکمت ۳۷۵. درجات امر به معروف نامه ۱۳، نامه ۳۱، حکمت ۳۷۴ *****

شرایط امر بمعروف

۱- بینش صحیح خطبه ۱۱/۱۴۷ ۲- هماهنگی حرف و عمل خطبه ۱۰۵، خطبه ۱۲۹، نامه ۲۷، خطبه ۱۷۵، خطبه ۳۲۲ ۳- جو ناپذیری نامه ۳۱ *****

نواهی

. اختیار انسان و اوامر و نواهی الهی حکمت ۲/۷۸ *****

نهی، نهی از منکر

. اهداف جهاد و نهی از منکر حکمت ۳۷۳. ره آورد شوم ترک امر به معروف و نهی از منکر خطبه ۱۱۰/۱۹۲. ره آورد نهی از منکر حکمت ۳۷۳. ارزش امر به معروف و نهی از منکر حکمت ۳۷۴. مراحل نهی از منکر حکمت ۳۷۴ - ۳۷۳. نهی از مردم آزاری نامه ۲/۶۰. نهی از درگیری با خوارج در آینده خطبه ۶۱. نهی از شتابزدگی نامه ۱۴۸/۵۳ *****

قرآن

. ارزش پیامبر و قرآن خطبه ۱۵۸. ارزش قرآن خطبه ۷-۶/۱۱۰، خطبه ۷/۱۳۳، خطبه ۲/۱۵۸. ارزش ها و ویژگی های قرآن خطبه ۱۹۸. اصالت دادن به قرآن خطبه ۲ - ۱/۱۷۹. اصول داوری و قضاوت در قرآن خطبه ۲/۱۲۵. امامان معصوم و قرآن خطبه ۴/۱۵۴. امام زمان (عج) و قرآن خطبه ۱/۱۳۸. اولویت اهلیت علیهم السلام برای تفسیر قرآن خطبه ۵ - ۴/۱۲۵. پرهیزکاران و اندیشه در قرآن خطبه ۹/۱۹۳. تفسیر فرازی از قرآن حکمت ۹۹. جامعیت قرآن حکمت ۳۱۳، خطبه ۸ - ۷/۱۸۳، خطبه ۴۶/۱. جامعیت و کمال قرآن خطبه ۹ - ۸/۱۸۳. جاودانگی قرآن خطبه ۲۵/۱۹۸. چگونگی رابطه با قرآن حکمت ۲۲۸. حاکم اسلامی و قرآن گرائی نامه ۱/۶۹. حکمیت امام بر اساس قرآن بود نه اشخاص خطبه ۱/۱۲۵. خدا شناسی در قرآن خطبه ۳ - ۲/۱۴۷. درمان قرآنی خطبه ۱۰/۱۵۲. روش استفاده از قرآن خطبه ۱۲/۱۷۶. روش بهره برداری صحیح از قرآن خطبه ۶/۱۱۰، خطبه ۱۷۶. روش تبلیغی قرآن خطبه ۵/۱۸۳. روش تفسیر قرآن خطبه ۲۸. روش صحیح استفاده از قرآن خطبه ۷/۱۷۶. روش صحیح تفسیر قرآن خطبه ۲/۱۸

. روش مناظره با دشمن عالم به قرآن نامه ۷۷. ره آورد پیروی از قرآن نامه ۲/۵۳. ره آورد قرآن کریم خطبه ۲۹/۱۹۸ تا ۳۳. سیاست استعماری قرآن بر سرنیزه کردن خطبه ۱۲۳. شناخت ارزش های قرآن خطبه ۲۵/۱۹۸ تا ۳۳. شناخت ره آورد قرآن و سنت خطبه ۸/۱۶. شناخت ویژگی های قرآن خطبه ۲۵/۱۹۸ تا ۳۳. صفات خدا در قرآن خطبه ۹۱. ضرورت تفسیر قرآن نامه ۷۷. ضرورت تفسیر و تأویل قرآن خطبه ۲ - ۱/۱۲۵، نامه ۷۷. ضرورت توجه به ارزش های قرآن نامه ۵/۴۷. ضرورت توجه و عمل کردن به قرآن خطبه ۹ - ۸/۱۵۶. ضرورت عمل کردن به قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم خطبه ۵/۱۶۹. ضرورت گرایش به قرآن خطبه ۱۱/۱۲۷. عظمت امامان دوازده گانه و قرآن خطبه ۱۵۲. عظمت قرآن خطبه ۷/۱۸. غربت قرآن حکمت ۱/۳۶۹. فلسفه محرمات و نواهی قرآن حکمت ۱۰۵. قرآن بزرگترین سند تاریخی حکمت ۳۱۳. قرآن بیانگر خیر و شر خطبه ۱/۱۶۷. قرآن خواندن تقوا پیشه گان خطبه ۸/۱۹۳. قرآن شناسی خطبه ۳۶/۸۳، خطبه ۵/۱۸۳، خطبه ۵۰ - ۴۲/۱، خطبه ۶/۱۱۰ - ۶/۱۱۵، خطبه ۱/۱۲۵، خطبه ۸/۱۵۶، خطبه ۲۵/۱۹۸، خطبه ۷/۱۷۶، حکمت ۳۱۳، خطبه ۸ - ۳/۱۳۳، حکمت ۳۱۳، خطبه ۵۰ - ۴۶/۱، خطبه ۸ - ۷ - ۳/۱۳۳. قرآن و حل خصومات و اختلافات خطبه ۲ - ۱/۱۲۵. قرآن و شفاعت در قیامت خطبه ۱۱ - ۱۰/۱۷۶. مسئولیت انسان نسبت به قرآن نامه ۱/۶۹. معرفی قرآن برای حل اختلاف خطبه ۲/۷۵. نقش قرآن در امور قضائی خطبه ۵/۱۸۲. نقش قرآن در رفتار حاکم اسلامی نامه ۱/۶۹. نقش قرآن در کمال دین خطبه ۶ - ۵/۱۸۳. ویژگی های ارزشمند قرآن خطبه ۱۰ - ۹/۱۵۲، خطبه ۹ - ۸/۱۵۶، خطبه ۲/۱۵۸، خطبه ۴۶/۱. ویژگی های علمی قرآن خطبه ۷/۱۷۶ تا ۲۸. ویژگی های قرآن خطبه ۱۵۲، خطبه ۱۷۶، خطبه ۱۸۳، خطبه ۲/۱۵۸ - ۲/۱۵۷، خطبه ۸ - ۷/۱۵۶، خطبه ۶/۱۱۰، خطبه ۱/۱۶۷، خطبه ۱/۱۶۹، خطبه ۱۳۳. ویژگی های معنوی و درمانی قرآن خطبه ۲۸ - ۷/۱۷۶، خطبه ۳/۱۸. همه چیز در قرآن است خطبه ۹ - ۸/۱۸۳ *****

اسلام

اسلام

. ارزش دین اسلام خطبه ۴/۱۶۱، خطبه ۴/۱۳۱. از اسلام صوری تا اسلام راستین خطبه ۳/۱۶، خطبه ۱۰۳/۱۹۲. از خودسازی تا شناخت اسلام راستین خطبه ۱۰/۸۷. اسلام پایان بخش سلطه گری خطبه ۱۲/۱۹۸. اسلام دعوتی پر طنین خطبه ۱/۴، خطبه ۲/۱۱۴. اسلام دین جهانی خطبه ۱۲/۱۹۸. اسلام رمز عظمت خطبه ۱۰/۱۰۶، خطبه ۱/۱۴۶، خطبه ۶۸/۱۹۲. اسلام شرافت برتر حکمت ۱/۳۷۱. اسلام پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم از بین برنده ادیان پیشین خطبه ۳/۱۶۱. اسلام منطقی کوبنده خطبه ۱/۱۰۶. اسلام و ادیان توحیدی خطبه ۹۸/۱۹۲. اسلام ولایت علیه ظلمت ها خطبه ۱/۴. اغماض از اصول اسلام هرگز نامه ۶۲. امام و معرفی اسلام حکمت ۱۲۵. امداد های الهی در پیروزی اسلام خطبه ۱/۱۳۴. اهداف و وظائف حکومت اسلامی خطبه ۴۰. تاریخ سیاسی اسلام بعد از پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم خطبه ۱/۳۲. تاریخ سیاسی و اجتماعی صدر اسلام خطبه ۱۱۵/۱۹۲. تعریف اسلام حکمت ۱۲۵. جاهلیت دوباره عرب بعد از اسلام خطبه ۴/۱۵۱ تا ۱۳. حیات دوباره اسلام و حکمت الهی خطبه ۵/۱۵۰. خاتمیت دین اسلام خطبه ۴/۱۳۳. خبر از آینده مصیبت بار اسلام خطبه ۱۰ - ۴/۱۴۷ - ۱۱/۱۰۳. خبر از آینده ناگوار امت اسلامی خطبه ۴/۵۶. خبر از تحولات سیاسی در آینده اسلام خطبه ۱۴/۱۵۶. خبر از تحولات سیاسی مصیبت بار مسلمین خطبه ۴/۱۵۱. خطر مدعیان اسلام شناسی خطبه ۳/۱۷. دوری از اسلام شناسی تکلف آمیز حکمت ۱۰۵. روش برخورد با اسلام خطبه ۲۰/۱۹۸، خطبه ۱۹۸. ره آورد اسلام خطبه ۱۷/۱۹۸ تا ۲۰، خطبه ۱۰۶. ره آورد دستورات اسلام خطبه ۱/۱۶۷. ره آورد سیاسی، اجتماعی دین اسلام خطبه ۱۱ - ۱۰/۱۰۶. ره آورد شوم ترک اسلام خطبه ۱/۱۶۱، خطبه ۱۰۵/۱۹۲. زندگی اجتماعی عرب پس از اسلام خطبه ۳ - ۲/۱۰۵. زهد اسلامی حکمت ۴۳۹. سابقه امام علی در اسلام خطبه ۴/۱۰۴. سوابق در اسلام و جهاد نامه ۸ - ۷/۱۷. سیمای یاران واقعی اسلام

خطبه ۴/۱۲۱. شرائط مبارزه با مدعیان اسلام خطبه ۵ - ۴/۱۷۳. شرایط بهره گیری از اسلام خطبه ۲/۱۰۶. شناخت اسلام خطبه ۱۲/۱۹۸. شناخت دوران قبل از اسلام خطبه ۹۳ - ۳۶/۱۹۲. شناخت ویژگی های دین اسلام خطبه ۱۲/۱۹۸ تا ۲۰. عظمت عرب پس از اسلام خطبه ۱۱ - ۱۰/۱۰۶. علل پیروزی اسلام خطبه ۱/۱۴۶. علل پیروزی اسلام و مسلمین خطبه ۳/۱۳۴. علل سقوط و وابستگی امت اسلامی خطبه ۲/۱۳۹. عوامل پیروزی اسلام خطبه ۱/۱۳۴، خطبه ۴ - ۳/۵۶، خطبه ۱۴۶. عوامل پیشرفت اسلام خطبه ۱/۵۶، خطبه ۱/۱۴۶، حکمت ۴۶۵. فاصله اسلام با فرصت طلبان خطبه ۱/۳۷، نامه ۹، نامه ۱۶، نامه ۱۷، نامه ۲۸. فلسفه احکام و دستورات اسلام خطبه ۱/۱۱۰. مدعیان اسلام شناسی در مقابل عترت خطبه ۱۰/۸۷. مراحل تکاملی اسلام حکمت ۱۲۵. مسئولیت رهبری در اسلام ۲/۱۳۴. نعمت اسلام خطبه ۱/۲۱۵. نقش انصار در پیروزی اسلام حکمت ۴۶۵. نقش مبارزات انصار در تداوم اسلام حکمت ۴۶۵. نکوهش از دگرگونی و تحریف اسلام خطبه ۱۷/۱۰۸. نکوهش از عدم پذیرش رهنمودهای اخلاقی خطبه ۱۴ - ۱۳/۱۰۹. ویژگی های ارزشمند اسلام خطبه ۹ - ۸/۱۵۲، خطبه ۱۹۸. ویژگی های اسلام خطبه ۵ - ۴ - ۱/۱۰۶، خطبه ۱/۱۲۰، خطبه ۱/۱۳۴، خطبه ۵/۸۶، خطبه ۱۵۲. ویژگی های اسلام (قرآن) خطبه ۸/۱۵۲. ویژگی های حکومت اسلامی خطبه ۴۰. ویژگی های فکری، علمی اسلام خطبه ۲ - ۱/۱۰۶. امام و شناساندن اسلام حکمت ۱۲۵ *****

خاتمیت

. خاتمیت دین اسلام خطبه ۱۴/۱۳۳ *****

دین

. آموزش دینی نامه ۲۹ - ۲۸/۳۱. آموزش دینی کودک حکمت ۳۹۹. ارزش ترسیدن از آینده دین خطبه ۱/۱۳۰. ارزش دین اسلام خطبه ۴/۱۶۱. اسلام دین جهانی خطبه ۱۲/۱۹۸. اصالت دادن به حفظ دین ۱۰ - ۹/۱۷۳. اوصاف دین فروشان دنیا طلب خطبه ۵/۳۲. اهلیت علیهم السلام و ارزیابی دین خطبه ۳/۲۳۹. توبیخ از دین فروشی برای کسب دنیا ۳ - ۲/۷۱. جاهلان متظاهر به دین حکمت ۴۰۵. خاتمیت دین اسلام خطبه ۴/۱۳۳. خطرات فقر برای عقل و دین حکمت ۳۱۹، حکمت ۱۶۳. دنیا گرایی در رهاکردن دین خطبه ۱۰/۱۷۳. دوری از دین و سنت پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم خطبه ۴ - ۳/۸۸. دین فروشان نامه ۱/۳۹. دین و دنیا نامه ۳/۴۳. دین و شناخت خدا خطبه ۱. ره آورد شوم دین فروشی حکمت ۱۰۶. زشتی دین فروشی برای کسب دنیا نامه ۲/۷۱. سوء استفاده از دین ممنوع حکمت ۱۰۶. ضرورت دفاع از دین نامه ۱۳/۲۷. عوامل پایداری دین و دنیا حکمت ۳۷۲. عوامل سقوط دین و دنیا حکمت ۳۷۲. عوامل و پایه های استقرار دین حکمت ۳۷۲. عوامل هلاکت دین و دنیا نامه ۱/۴۸. فرصت طلبی سیاستمداران بی دین ۳/۴۱. فلسفه فروع دین خطبه ۲ - ۱/۱۱۰، حکمت ۲۵۲، حکمت ۱۳۶. مراحل تکاملی دین شناسی خطبه ۳/۱. نقش دانشمندان در جامعه و دین حکمت ۳۷۲. نقش دین در وحدت اجتماعی خطبه ۵ - ۴/۱۸. نقش رهبری در تقویت دین حکمت ۴۶۷. نقش قرآن در کمال دین خطبه ۶ - ۵/۱۸۳. نور دین خطبه ۲/۱۰۶. ویژگی دین اسلام خطبه ۲/۱۲۰

دینداری

. دینداری واقعی نامه ۳۸/۳۱. ره آورد دین داری خطبه ۱۲۰. نکوهش از تظاهر به دینداری خطبه ۵/۳۲ تا ۷ *****

دین گریزی (گروه های لائیک)

ره آورد شوم دین گریزی حکمت ۱۰۶ *****

شبهه، شبهات

تعریف شبهه خطبه ۱/۳۸. خطر شبهات برای حق گرایان ۲۳۸. روش مصون ماندن از شبهات خطبه ۲ - ۱/۳۸. شناخت اقسام شک و شبهه حکمت ۱۳ - ۱۲/۳۱. ضرورت شناخت شبهات خطبه ۳۸ *****

مناظره

روش مناظره نامه ۷۷. روش مناظره با دشمن مسلمان نامه ۷۷. روش مناظره با دشمن آگاه نامه ۷۷. ترک مناظره لجاجت آمیز حکمت ۳۶۲. ضرورت مناظره با روایات پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نامه ۱/۷۷. پرهیز از مناظره با قرآن نامه ۱/۷۷ *****

ارزش های عقیدتی

ارزش و ارزش ها

آینده و مسخ ارزش ها حکمت ۱۰۲. ارزش آداب و رسوم صحیح اجتماعی نامه ۳۸/۵۳. ارزش اخلاص خطبه ۷/۸۷. ارزش اخلاق نیکو حکمت ۲/۳۸. ارزش استغفار (طلب بخشش از خدا) حکمت ۸۷. ارزش استقلال سیاسی حکمت ۴۴۶. ارزش اطاعت و بندگی نامه ۱۲/۶۹، حکمت ۳۳۱. ارزش اطاعت و عمل خطبه ۲۲ - ۱۹/۸۳. ارزش اهل بیت علیهم السلام خطبه ۴/۱۴۴. ارزش ایثار اقتصادی حکمت ۶۷. ارزش ایثار گری نامه ۸/۶۹. ارزش ایمان خطبه ۱/۱۱۰. ارزش بخشش و سخاوتمند حکمت ۱۳۸. ارزش برتر خطبه ۳/۱۷۶، حکمت ۲۸۹. ارزش بی نیازی خطبه ۱۰۵/۹۱. ارزش پاکدامنی و شکر گذاری حکمت ۳۴۰. ارزش پرهیز گاری خطبه ۱۹۸، حکمت ۴۱۰. ارزش پشیمانی و زشتی غرور زدگی حکمت ۴۶. ارزش پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و قرآن خطبه ۱۵۸. ارزش تجربه در زندگی خطبه ۲۴/۱۷۶. ارزش تداوم عمل حکمت ۲۷۸. ارزش تذکر دادن اشتباهات حکمت ۵۹. ارزش تربیت حکمت ۵۴. ارزش ترس از خدا حکمت ۲۴۲. ارزش ترک گناه حکمت ۱۷۰. ارزش تواضع اغنیاء حکمت ۴۰۶. ارزش توبه حکمت ۳۷۱ - ۲/۹۴، خطبه ۹ - ۸/۲۱۴ - ۱۲/۲۲۳. ارزش توکل خطبه ۷/۹۰. ارزش جمع آوری بیت المال نامه ۵۱. ارزش جهاد در راه خدا خطبه ۲۷. ارزش حکمت حکمت ۸۰. ارزش حکمت و بی لیاقتی منافق حکمت ۷۹. ارزش حلم و خویشنداری حکمت ۱/۹۴. ارزش حياء (حفظ آبرو) حکمت ۲۳۳. ارزش خشم در راه خدا حکمت ۱۷۴. ارزش خواست و اراده الهی خطبه ۸/۳۴. ارزش خویشنداری تهیدستان حکمت ۴۰۶. ارزش دانشمندان حکمت ۱۴۷. ارزش دانشمندان الهی خطبه ۲۱۴. ارزش دعا نامه ۷۰/۳۱. ارزش دعا، صدقه و زکات حکمت ۱۴۶. ارزش دنیا دوستی حکمت ۳۰۳. ارزش دوراندیشی و پرهیز از کوتاهی حکمت ۱۸۱. ارزش رازداری و خوشروئی حکمت ۶. ارزش رضای الهی خطبه ۱۰۵/۹۱. ارزش رنگ کردن و آرایش حکمت ۴۷۳. ارزش رهبر عادل خطبه ۵/۱۶۴. ارزش زکات خطبه ۲/۱۱۰. ارزش زهد حکمت ۴ - ۳۹۱. ارزش ستایش و شهادت به یگانگی خدا خطبه ۱۱۴. ارزش سجده و عبادت خطبه ۱۵/۹۷. ارزش سحرخیزی حکمت ۱۰۴. ارزش سخاوتمندی حکمت ۲۱۱. ارزش سخن حکمت ۳۹۴. ارزش سکوت خطبه ۳۸۲ - ۷/۸۷. ارزش سکوت حکمیانه نامه ۱۳/۳۱. ارزش سنت پیامبر نامه ۱۵۳/۵۳. ارزش شادابی در کار حکمت ۴۴۴. ارزش شرح صدر و بزرگواری حکمت ۱۶۷. ارزش شرم و حياء حکمت ۳/۱۱۳. ارزش شفاعت حکمت ۶۳. ارزش شکرگزاری حکمت ۶۸. ارزش شهادتین خطبه ۱۵۱. ارزش صبر و تحمل حکمت ۴۶۰. ارزش صبر و خطر بی تابي حکمت ۱۸۹. ارزش صدقه حکمت ۷. ارزش عالم و بی ارزشی جاهل خطبه ۱۰۳. ارزش عفت و پاکدامنی

حکمت ۴۷۴. ارزش عفت و پاکدامنی نامه ۵/۴۵. ارزش عقل حکمت ۴۰۷. ارزش عقل حکمت ۱/۱۱۳. ارزش عقل و بردباری حکمت ۴۲۴. ارزش عقل و تجربه نامه ۴/۷۸. ارزش علم مفید خطبه ۳/۱۹۳. ارزش علم و بندگی حکمت ۹۶. ارزش عمل خالصانه خطبه ۶/۲۱۴. ارزش عمل صالح خطبه ۵/۲۳. ارزش عمل گرایی خطبه ۲/۱۲۰. ارزش غیرتمندی حکمت ۴۷. ارزش فروتنی حکمت ۳/۱۱۳. ارزش قرآن خطبه ۷ - ۶/۱۱۰. ارزش قلب سلیم خطبه ۸/۲۱۴. ارزش قناعت حکمت ۳۹۵، حکمت ۴۷۵. ارزش قناعت حکمت ۲۲۹، خطبه ۴۸/۱۹۲. ارزش قناعت و خودکفائی حکمت ۵۷. ارزش قناعت و خوش خلقی حکمت ۲۲۹. ارزش قناعت و رضایت حکمت ۲/۳۷۱. ارزش کسب و کار خطبه ۱۷/۱۹۳. ارزش کعبه نامه ۶/۴۷. ارزش گریه از خوف خدا خطبه ۱۳/۱۹۰. ارزش گمان مؤمن حکمت ۳۰۹. ارزش مشورت کردن حکمت ۵۴. ارزش مشورت و پرهیز از خود محوری حکمت ۱۶۱. ارزش مشورت ها حکمت ۱۷۳. ارزش معرفت و آگاهی حکمت ۳/۲۷۳. ارزشمندی عقل حکمت ۳۸. ارزش نام نیک خطبه ۹/۲۳. ارزش نیک نامی خطبه ۴/۱۲۰. ارزش نیکوکاری حکمت ۴۲۲. ارزش نیکوکاری حکمت ۴۲۲. ارزش و اقسام جهاد نامه ۶/۴۷. ارزش والای اهل بیت پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم حکمت ۱۰۹. ارزش وجود ذاکران و عارفان حکمت ۲۲۲. ارزش و ره آورد زکات خطبه ۱۹۹. ارزش و ره آوردهای قرآن خطبه ۱۱۰. ارزش و ره آورد یاد خدا خطبه ۲۲۲. ارزش و ضد ارزش حکمت ۲۱، حکمت ۵۴، حکمت ۱۱۳. ارزش وفاداری خطبه ۱/۴۱، نامه ۱۳۵ - ۱۳۴/۵۳. ارزش و والائی انجام دهنده کارها حکمت ۳۲. ارزش ها حکمت ۹۷. ارزش ها از دیدگاه وحی خطبه ۱۳ - ۱/۱۱۴، حکمت ۳۸۷. ارزش ها و آداب معاشرت با مردم حکمت ۳۸. ارزش ها و ضد ارزش ها حکمت ۲۱، حکمت ۲۲۸. ارزش ها و ضد ارزش ها حکمت ۲۲۸، حکمت ۲۱. ارزش ها و ویژگی های قرآن خطبه ۱۹۸. ارزش های اخلاقی حکمت ۵۴، حکمت ۲۱۱، حکمت ۳۶۵، حکمت ۳۷۱، حکمت ۳۳۳، حکمت ۲۲۹، حکمت ۲۱، نامه ۲۸، حکمت ۵۴، حکمت ۴۳۵، خطبه ۲۳/۱۹۳، خطبه ۱۳ - ۲/۱۲۹، حکمت ۴، حکمت ۴۵۸، حکمت ۶۸، حکمت ۸۲، حکمت ۱۱۳، حکمت ۱۲۳، حکمت ۱۳۵، حکمت ۲۰۸، حکمت ۲۰۹، حکمت ۲۲۳، حکمت ۲۴۳، حکمت ۳۴۹، حکمت ۳۶۵، حکمت ۳۹۶، حکمت ۲۱، خطبه ۱۵۶، حکمت ۲۲۴. ارزش های اخلاقی و ضد ارزش ها حکمت ۴. ارزش های پسندیده حکمت ۱۱۳. ارزش های معنوی حکمت ۲۴۲. ارزش های ناپسند حکمت ۲۷۵. ارزش های والای اخلاقی حکمت ۱۱۳، حکمت ۳۷۱، حکمت ۴۳۵. ارزش های والای انسانی حکمت ۸۲. ارزش های والای انصار حکمت ۴۶۵. ارزش های والای دانش حکمت ۱۴۷. ارزش همانند شدن با خوبان حکمت ۲۰۷. ارزش همت های بلند حکمت ۳/۲۱۱ - ۴۷. ارزش یقین خطبه ۱۸۸. برخی از ارزش های دینی حکمت ۳۷۱. برخی از ارزش های اجتماعی حکمت ۳۴۹، حکمت ۳۸، حکمت ۵۴، حکمت ۲۱۱، خطبه ۱۶ - ۱۲/۲۱۶. برخی از ضد ارزش ها حکمت ۱۲۶، حکمت ۱۵۰، حکمت ۲۷۵، حکمت ۲۷۶، حکمت ۵۸، حکمت ۱۱۳، حکمت ۳۴۳، حکمت ۱۲۶. ترسناک ترین ضد ارزش ها خطبه ۱/۴۲. تعریف و شناخت اصولی ارزش خطبه ۵/۱۱۴. چهار ارزش برتر حکمت ۱۳۵. خبر از دگرگونی ارزش ها در آینده حکمت ۳۶۹، حکمت ۱۰۲. خبر از مسخ ارزش ها خطبه ۱۴/۱۵۶ تا ۱۶. دگرگونی ارزش ها حکمت ۱۱۴. دو بینش ارزشی با دو محور متضاد خطبه ۱۴/۱۶۰، خطبه ۳۷/۱۹۲. راه های ارتباط با خدا خطبه ۵۱، خطبه ۱۹۰، نامه ۲۷، نامه ۳۱، حکمت ۴۳۵. ره آورد ارزش ها و ضد ارزش ها حکمت ۳۴۹. ره آورد ارزش های والا حکمت ۲۲۴. رهنمودهای کلی در تصحیح بینش ارزشی خطبه ۱۳/۱۱۴، خطبه ۵/۱۳۳، حکمت ۱/۹۴. شناخت ارزش ها حکمت ۴۷، حکمت ۳۷۱، حکمت ۳۸۷، خطبه ۱/۴۱، خطبه ۱۱/۱۴۷. شناخت ارزش های والای اخلاقی حکمت ۲۸۹، حکمت ۴. شناخت ضد ارزش ها حکمت ۳۷۱، حکمت ۲، حکمت ۴، نامه ۵۷/۳۱، حکمت ۱۲۶، حکمت ۲۷۶، حکمت ۲۷۵، حکمت ۱۵۰. شناخت مردم و ضد ارزش ها حکمت ۳۴۳. ضد ارزش ها و خطرات آن حکمت ۲۱۱. ضد ارزش ها و هشدارها حکمت ۱۵۰. عدم وابستگی به ارزش های مادی نامه ۱/۴۷. عوامل بینش ارزشی وارونه خطبه ۱/۱۵۷. لزوم هوشیاری در شناخت ارزش های بدلی خطبه ۸/۱۹۴. مسخ ارزش ها حکمت ۱۲۰، خطبه ۲ - ۱/۴۱. معیار ارزش انسان حکمت ۸۱. مقایسه بینش

ارزشی ما با پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم خطبه ۲۳/۱۶۰. نسبی بودن برخی از ارزش ها بین زنان و مردان حکمت ۱۲۴. نقش تاریخ در شناخت ارزش ها نامه ۲۴/۳۱. نقش شیطان در تحریف ارزش ها خطبه ۴۲/۸۳. نقش عوامل مادی در بینش ارزشی خطبه ۱/۲۳، خطبه ۱/۱۳۱ تا ۴. نكوهش از ارزش های اخلاقی مسخ شده خطبه ۳ - ۲/۱۲۹. یادآوری ارزش های اخلاقی خطبه ۲/۸۶. یادآوری برخی از ارزش های قرآن خطبه ۱۰/۱۵۶ آثار شناخت مقایسه ای ارزش ها نسبت ارزش ها جستجو و گزینش ارزش ها

آثار شناخت مقایسه ای ارزش ها

۱- برتری عبادت اجتماعی بر عبادت فردی نامه ۲۲/۴۷- برتری ارزش علم بر ثروت حکمت ۳۱۴۷- زمینه زهد و فداکاری خطبه ۱/۶۶، خطبه ۵/۱۱۳، خطبه ۱/۱۳۰، خطبه ۳۰/۱۶۵، نامه ۱/۶۶، حکمت ۷۷، حکمت ۳۶۷، خطبه ۶/۱۷۳، خطبه ۱۳/۲۳۰، نامه ۱/۲۲، نامه ۴۹/۳۱، نامه ۱/۴۹، نامه ۱۲ - ۴/۶۲، حکمت ۱۴۷. ارزش ها و ضد ارزش ها حکمت ۳۸، حکمت ۳۱، حکمت ۱۵۰. اصول ارزش ها و ضد ارزش ها حکمت ۱۱۳، حکمت ۱۲۲. انقلاب ارزش ها در فلسفه بعثت و امامت خطبه ۳/۱۶. جایگاه ارزشی مبانی اعتقادی خطبه ۳/۱۱۴. ارزش های عالی نامه ۴/۴۷، حکمت ۸۲، حکمت ۱۱۳، حکمت ۱۲۲. تکامل ارزش ها خطبه ۱/۱۰۵، خطبه ۲۱۴. نقش توحید در انقلاب ارزش ها خطبه ۵/۱۹۳، خطبه ۱۶/۲۱۶ *****

نسبیت ارزش ها

۱- اختلاط ارزش ها و ضد ارزش ها در دنیا خطبه ۲/۱۰۳، خطبه ۱/۱۱۳، خطبه ۱/۱۴۵، خطبه ۲۲۶، نامه ۳، نامه ۶۸ - ۲ تفاوت ارزش ها یا تفاوت فرهنگها حکمت ۱۹۹ - ۳ تفاوت ارزش های اخلاقی با تفاوت جنسیت حکمت ۱۲۴ - ۴ تفاوت ارزش های اخلاقی در محیطهای متفاوت حکمت ۱۱۴ - ۵ راز نسبیت ارزش های اخلاقی حکمت ۲۵۹، حکمت ۴۰۶ - ۶ نسبیت معیار ارزش محیط زیست حکمت ۴۴۲ *****

جستجو و گزینش ارزش ها

۱- ارزش های مادی و ارزش های برتر خطبه ۷/۱۳۲ - ۲ اسلام رمز ارزش ها و امام رمز اسلام خطبه ۶/۱۵۲ - ۳ راه پاسداری از ارزش ها خطبه ۲۰۰، خطبه ۱/۲۰۱ - ۴ تضاد ارزش گرایی با گرایشهای نفسانی خطبه ۸/۸۷، خطبه ۱/۱۷۶، خطبه ۲۳/۱۸۶، نامه ۱۶/۳۱، نامه ۷/۵۳. برتری ارزش کار حکمت ۳۲. تعادل مرز کلی ارزش و ضد ارزش خطبه ۱۳/۱۷۶. تفاوت ارزش اخلاقی با تفاوت وضع مالی حکمت ۶۸. چگونگی برخورد با ارزش های معنوی نامه ۱/۲۴. خودپسندی آفت تمام ارزش ها نامه ۱۴۵/۵۳، حکمت ۴۶. ضرورت کسب ارزش ها حکمت ۴۲۲. نقش قرآن در تعیین مرزهای ارزشی خطبه ۹/۱۵۳، نامه ۲/۵۳ *****

زهد (پارسائی)

. آثار ترک زهد خطبه ۸۱. آرزوی دراز و زهد خطبه ۱/۸۱. ارزش زهد حکمت ۳۹۱، حکمت ۴. ارزش زهد و پارسائی خطبه ۱/۱۰۳، حکمت ۳۹۱. برترین پارسائی حکمت ۲۸. بهترین نوع زهد حکمت ۲۸. پارسائی پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم خطبه ۱۰۹. تعریف زهد و پارسائی خطبه ۲ - ۱/۸۱، حکمت ۴۳۹. تعریف و شناخت زهد و پارسائی حکمت ۴۳۹. جایگاه زهد در قرآن حکمت ۴۳۹. پارسایان و رسیدن به درجات معنوی خطبه ۴/۵۲. ره آورد زهد و پارسائی خطبه ۵/۵۲، حکمت ۳۹۱. زهد اسلامی حکمت ۴۳۹. زهد راستین حکمت ۱۰/۱۰۴. زهد عامل بصیرت و آگاهی حکمت ۳۹۱. زهد واقعی حکمت ۸۲. زهد و

پارسایی علی علیه السلام خطبه ۱۷/۳. سیمای پارسایان خطبه ۱۳/۲۳۰. شناخت زهد و پارسائی حکمت ۳/۳۱. ضرورت زهد و قناعت خطبه ۳۵/۱۷۶. لذت زهد نامه ۶ - ۳/۲۷. مراتب و مراحل زهد خطبه ۸۱ *****

ریا

. اخلاص و پرهیز از ریا خطبه ۲/۷۶. پرهیز از ریا خطبه ۲ - ۱ - ۷۶/۷ - ۶/۳۲. پرهیز از ریا و ظاهر بینی خطبه ۶/۲۳. پرهیز از ریا و ظاهرسازی نامه ۱/۲۶. پرهیز از ریا و ظاهر فریبی خطبه ۶/۲۳. نکوهش از شرک و ریا خطبه ۱۱/۸۶. نیکوکاری با تظاهر و ریا ممنوع خطبه ۱/۱۴۲ *****

جبر

. اثبات لاجبر و لاتفیوض (اختیار انسان و امداد الهی) حکمت ۷۸. راه های ابطال جبر مطلق (نقد دترمینیسم) حکمت ۷۸. شناخت جایگاه جبر و اختیار حکمت ۱۶، حکمت ۷۸. شناخت جبر و اختیار حکمت ۴۵۹. نفی جبر گرایی حکمت ۷۸ *****

فتالیزم

. فتالیزم (جبر عملی) خطبه ۱۰۲ *****

قضا و قدر

. تسلیم قضا و قدر خطبه ۳/۳۷. جایگاه قضا و قدر الهی حکمت ۲۸۷. رضا به قضا و قدر خطبه ۱/۱۸۰. رضا و تسلیم در برابر قضا خطبه ۳/۳۷. شناخت قضا و قدر حکمت ۷۸. شناخت قضا و قدر الهی حکمت ۱/۷۵. قضا و قدر الهی خطبه ۴/۱۰۹، خطبه ۳/۲۲۷، حکمت ۲۰۱، حکمت ۱۶، خطبه ۲۶/۹۱، خطبه ۱۴/۱۸۳، نامه ۹۶/۳۱، حکمت ۱۶، حکمت ۲۸۷، حکمت ۴۵۹. قضا و قدر حتمی الهی خطبه ۷/۶۵. مبانی قضا و حکومت در اسلام خطبه ۲/۱۸. مرگ و قضا و قدر خطبه ۲۹/۱۹۳. مشکل بودن شناخت قضا و قدر حکمت ۲۸۷. مشکل درک قضا و قدر حکمت ۲۸۵ *****

شیوه های آموزشی

یکی دیگر از ویژگی های مباحث اعتقادی امام علی علیه السلام در نهج البلاغه، به کارگیری «شیوه های صحیح آموزشی» است که: مباحث سنگین اعتقادی را برای عموم اقشار جامعه قابل درک و شناخت می سازد. مباحث نظری را چونان محاسبات ریاضی، مستدل و مبرهن مطرح می کند. هم با استدلال های قوی، عقل ها و فکرها را قانع کرده و هم به احساسات انسان پاسخ می دهد. هم شور و شعور ایجاد کرده و هم به شعارها و عواطف انسان ها، جهت می بخشد. این همه زیبایی ها و جاذبه ها در آموزش و تعلیم مبانی اعتقادی به «شیوه های صحیح آموزشی» بستگی دارد. شیوه های صحیح آموزشی امیرالمؤمنین علیه السلام بر واقعیت ها و روش های کاربردی تکیه دارد؛ و از همه روش ها ابزارها استفاده می کند؛ استدلال و برهان را با عشق و شور به هم می آمیزد؛ می چشد و می چشانند؛ امید می دهد؛ جهت می بخشد؛ با هدفداری به مباحث اعتقادی تداوم می بخشد؛ شیرینی استدلال را با زیبایی های نظام هستی یکجا مطرح می کند. و برای هر دلیل و برهانی ده ها «نمونه» و «الگو» از پدیده های زیبای هستی، شاهد و مثال می آورد. گاهی شنونده را از یک مبحث اعتقادی، از یک برهان فلسفی، به سوی ارزیابی پدیده ها می کشاند «مانند خطبه اول» و زمانی از راه بررسی پدیده ها و نمونه های روشن، فکرها و عقل ها را به واقعیت ها سوق می دهد. (مانند: خطبه ۱۶۵ و ۱۸۲ و ۱۸۵)

و آنگاه دست زیبا و زیبایی آفرین خدا را به همگان نشان می دهد. و عقل ها و اندیشه ها را در ارزشیابی الگوهای زیبای طبیعت به شگفتی و امیدارد. از طاووس و زیبایی آن سخن می گوید و سپس خدای طاووس آفرین را اثبات می کند. از خلقت اسرارآمیز خفاشان بحث می کند و عقل ها را در کشف راز هستی درمانده نشان می دهد، و بحث اعتقادی را از موجودات کوچک و بزرگ آغاز و آنگاه حیات و هدفداری را در همه آنها به ارزشیابی می گذارد و سپس صفات جمال و جلال الهی را نشان می دهد. در «خطبه ۱۶۵» امام علی علیه السلام بر اساس برهان «اثر و مؤثر» و «راه های خداشناسی»، ابتداء از آفرینش انواع موجودات و انواع پرندگان سخن به میان می آورد و سپس زیبایی های شگفتی آور طاووس را مطرح می کند و آنگاه می فرماید: فَكَيْفَ تَصِلُ إِلَى صِفَةِ هَذَا عَمَائِقِ الْفِطَنِ، أَوْ تَبْلُغَهُ قَرَائِحِ الْعُقُولِ، أَوْ تَشِيعُ تَنْظُمَ وَصِفَهُ أَقْوَالُ الْوَاصَةِ فِيمَنْ! وَأَقْلُ أَعْجَزِ الْأَوْهَامِ أَنْ تُدْرِكَهُ، وَالْأَلْسِنَةُ أَنْ تَصِفَهُ! فَسَيَبْحَثُ الَّذِي بَهَرَ الْعُقُولَ عَنْ وَصْفِ خَلْقِ جَلَاءِ لِلْعَيْنِ، فَأَذْرَكَهُ مَخْدُوداً مُكُوناً، وَمَوْلُفًا مُلَوَّنًا؛ وَأَعْجَزَ الْأَلْسُنَ عَنْ تَلْخِصِ صِفَتِهِ، وَقَعِيدَ بَهَا عَنْ تَأْدِيَةِ نَعْتِهِ! وَسَيَبْحَثُ مَنْ أَدْمَجَ قَوَائِمَ الدَّرَّةِ وَالْهَمْجَةَ إِلَى مَا فَوْقَهُمَا مِنْ خَلْقِ الْحَيَاتِ وَالْفِيلَةِ! وَوَأَى عَلَى نَفْسِهِ أَلَّا يَضْطَرِبَ شَبَّحٌ مِمَّا أَوْلَجَ فِيهِ الرُّوحَ، إِلَّا وَجَعَ الْحِمَامَ مُوعِدَهُ، وَالْفَنَاءَ غَايَتَهُ. «راستی، هوش های ژرف اندیش و عقل های پُر تلاش چگونه این همه از حقائق موجود در پدیده ها را می توانند درک کنند؟ و چگونه گفتار توصیف گران، به نظم کشیدن این همه زیبایی را بیان توانند نمود؟ و در درک کمترین اندام طاووس، گمانها از شناخت درمانده و زبانها از ستودن آن در کام مانده اند پس ستایش خداوندی را سزااست که عقلا را از توصیف پدیده ای که برابر دیدگان جلوه گرند ناتوان ساخت، پدیده محدودی که او را با ترکیب پیکری پرنقش و نگار، با رنگها و مرزهای مشخص می شناسد، باز هم از تعریف فشرده اش زبان ها عاجز و از توصیف واقعی آن درمانده اند، (پس چگونه خدا را می توانند درک کنند؟) پاک و برتر است خدایی که در اندام مورچه، و مگس ریز، پاهای پدید آورد، و جانداران بزرگتر از آنها را نیز آفرید، از ماهیان دریا، و پیلان عظیم الجثه، و بر خود لازم شمرد، که هیچ کالبد جاننداری را وانگذازد و به درستی اداره اش نماید، جز آن که میعاد گاهش مرگ و پایان راهش نیستی باشد.»(۱). و در خطبه ۱۸۵ با توجه به اسرار نظام آفرینش و «برهان هدایت» و «برهان هدایت غریزی» در پدیده ها و امکان شناخت با بررسی در پدیده های گوناگون و زیبای نظام هستی می فرماید: وَلَوْ فَكَّرُوا فِي عَظِيمِ الْقُدْرَةِ، وَجَسَّيْمِ النِّعْمَةِ، لَرَجَعُوا إِلَى الطَّرِيقِ، وَخَافُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ، وَلَكِنَّ الْقُلُوبَ عَلَيْهِ، وَالْبَصَائِرُ مَدْخُولَةٌ! أَلَمْ يَنْظُرُونَ إِلَى صَاحِبِ مَا خَلَقَ، كَيْفَ أَحْكَمَ خَلْقَهُ، وَأَتَقَنَ تَرْكِيبَهُ، وَفَلَقَ لَهُ السَّمْعَ وَالْبَصِيرَ، وَسَوَّى لَهُ الْعَظْمَ وَالْبَشِيرَ! انْظُرُوا إِلَى النَّمْلَةِ فِي صِغَرِ جُثَّتِهَا، وَلَطَافَةِ هَيْئَتِهَا، لَا تَكَادُ تُنَالُ بِلَحْظِ الْبَصِيرِ، وَلَا بِمُسْتَدْرَكِ الْفِكْرِ، كَيْفَ دَبَّتْ عَلَى أَرْضِهَا، وَصَبَّتْ عَلَى رِزْقِهَا، تَنْقُلُ الْحَبَّةَ إِلَى جُحْرِهَا، وَتَعْدُّهَا فِي مُسْتَقَرِّهَا. تَجْمَعُ فِي حَرْهَا لِإِبْرَدِهَا، وَفِي وَرْدِهَا لِصِدْرِهَا. مَكْفُولٌ بِرِزْقِهَا، مَرْزُوقَةٌ بِوَفْقِهَا؛ لَا يُغْفِلُهَا الْمَنَانُ، وَلَا يَحْرِمُهَا الدِّيَانُ، وَلَوْ فِي الصَّافَا الْيَابِسِ، وَالْحَجَرِ الْجَامِسِ! وَلَوْ فَكَّرْتَ فِي مَجَارِي أَلْكِلِهَا، فِي عُلوِّهَا وَسُفْلِهَا، وَمَا فِي الْجَوْفِ مِنْ شَرَاسِيفِ بَطْنِهَا، وَمَا فِي الرَّأْسِ مِنْ عَيْنِهَا وَأُذُنِهَا، لَقَضَيْتَ مِنْ خَلْقِهَا عَجَبًا، وَلَقِيتَ مِنْ وَصْفِهَا تَعَبًا! فَتَعَالَى الَّذِي أَقَامَهَا عَلَى قَوَائِمِهَا، وَبَنَاهَا عَلَى دَعَائِمِهَا! لَمْ يَشْرُكْهُ فِي فِطْرَتِهَا فَاطِرٌ، وَلَمْ يُعْنَهُ عَلَى خَلْقِهَا قَادِرٌ. وَلَوْ ضَرَبْتَ فِي مِزَاجِ فِكْرِكَ لِتَبْلُغَ غَايَتِهِ، مَا دَلَّتْكَ الدَّلَالَةُ إِلَّا عَلَى أَنَّ فَاطِرَ النَّمْلَةِ هُوَ فَاطِرُ النَّخْلَةِ، لِدَقِيقِ تَفَصُّيْلِ كُلِّ شَيْءٍ، وَغَامِضِ اخْتِلَافِ كُلِّ حَيٍّ. وَمَا الْجَلِيلُ وَاللَّطِيفُ، وَالثَّقِيلُ وَالْخَفِيفُ، وَالْقَوِيُّ وَالضَّعِيفُ، فِي خَلْقِهِ إِلَّا سَوَاءً، وَكَذَلِكَ السَّمَاءُ وَالْهَوَاءُ، وَالرِّيَّاحُ وَالْمَاءُ. فَانْظُرْ إِلَى الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ، وَالتَّابِتِ وَالشَّجَرِ، وَالْمَاءِ وَالْحَجَرِ، وَاخْتِلَافِ هَذَا اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، وَتَفَجُّرِ هَذِهِ الْبَحَارِ، وَكَثْرَةِ هَذِهِ الْجِبَالِ، وَطُولِ هَذِهِ الْقَلَمَالِ. وَتَفَرُّقِ هَذِهِ اللَّغَاتِ، وَالْأَلْسُنِ الْمُخْتَلِفَاتِ. فَالْوَيْلُ لِمَنْ أَنْكَرَ الْمُقَدَّرَ، وَجَحَدَ الْمَيْدَبْرَ! زَعَمُوا أَنَّهُمْ كَالنَّبَاتِ مَا لَهُمْ زَارِعٌ، وَلَئِنْ لَاحْتِلَافِ صُورِهِمْ صَيَانِعٌ؛ وَلَمْ يَلْجَأُوا إِلَى حُجَّتِهِ فِيمَا ادَّعَوْا، وَلَا تَحْقِيقِ لِمَا أَوْعَوْا. وَهَلْ يَكُونُ بِنَاءٌ مِنْ غَيْرِ بَانٍ، أَوْ جِنَايَةٌ مِنْ غَيْرِ جَانٍ؟! عَجَائِبُ فِي خَلْقِهِ الْجَرَادَةِ وَإِنْ شِئْتَ قُلْتَ فِي الْجَرَادَةِ، إِذْ خَلَقَ لَهَا عَيْنَيْنِ حَمْرَاوَيْنِ، وَأَسْرَجَ لَهَا حَدَقَتَيْنِ قَمْرَاوَيْنِ، وَجَعَلَ لَهَا السَّمْعَ الْخَفِيَّ، وَفَتَحَ لَهَا الْقَمَّ السَّوِيَّ، وَجَعَلَ لَهَا الْحِسَّ الْقَوِيَّ، وَنَابَيْنِ بِهِمَا تَقْرُضُ، وَمَنْجَلَيْنِ بِهِمَا تَقْبِضُ. يَرْهَبُهَا الزَّرَّاعُ فِي زَرْعِهِمْ، وَلَا يَسْتَطِيعُونَ ذُبَّهَا، وَلَوْ أَجْلَبُوا بِجَمْعِهِمْ. حَتَّى تَرَدَّ الْحَرْثُ فِي نَزَوَاتِهَا، وَتَقْضَى مِنْهُ شَهَوَاتُهَا. وَخَلَقَهَا كُلُّهَا لَا يَكُونُ إِضْبَاعًا مُسْتَدِقَّةً. دَلَائِلُ

وجود الله فی العالم فتبارک الله الذی «یسیّد له من فی السمّوات والأرض طوعاً وکرها»، ویُعَفِّرُ لَهُ خِذّاً وَوَجْهاً، ویُلْقِیْ إِلَیْهِ بِالطَّاعَةِ سِلْماً وَضَعْفاً، ویُعْطِیْ لَهُ الْقِیَادَ رَهْبَةً وَخَوْفاً! فَالطَّیْرُ مُسَخَّرَةٌ لِأَمْرِهِ؛ أَخَصَّیْ عَدَدَ الرِّیشِ مِنْهَا وَالنَّفْسَ، وَأَرْسَى قَوَائِمَهَا عَلَی النَّدَى وَالْیَبَسِ؛ وَقَدَّرَ أَقْوَاتَهَا، وَأَخَصَّیْ أَجْنَاسَهَا. فَهَذَا غُرَابٌ وَهَذَا عُقَابٌ. وَهَذَا حَمَامٌ وَهَذَا نَعَامٌ. دَعَا كُلَّ طَائِرٍ بِاسْمِهِ، وَكَفَلَ لَهُ بِرِزْقِهِ. وَأَنْشَأَ «السَّحَابَ الثَّقَالَ» فَأَهْطَلَ دِیمَهَا، وَعَدَّدَ قِسِمَهَا. فَبَلَ الْأَرْضَ بَعْدَ جُفُوفِهَا، وَأَخْرَجَ نَبْتَهَا بَعْدَ جُدُوبِهَا. «اگر مردم در عظمت قدرت خدا، و بزرگی نعمت های او می اندیشیدند، به راه راست باز می گشتند، و از آتش سوزان می ترسیدند، اما دلها بیمار، و چشمها معیوب است. آیا به مخلوقات کوچک خدا نمی نگرند؟ که چگونه آفرینش آن را استحکام بخشید؟ و ترکیب اندام آن را برقرار، و گوش و چشم برای آن پدید آورد، و استخوان و پوست متناسب خلق کرد؟ به مورچه و کوچکی جثّه آن بنگرید، که چگونه لطافت خلقت او با چشم و اندیشه انسان درک نمی شود، نگاه کنید! چگونه روی زمین راه می رود، و برای به دست آوردن روزی خود تلاش می کند؟ دانه ها را به لانه خود منتقل می سازد، و در جایگاه مخصوص نگه می دارد، در فصل گرما برای زمستان تلاش کرده، و به هنگام درون رفتن، بیرون آمدن را فراموش نمی کند. روزی مورچه تضمین گردیده، و غذاهای متناسب با طبعش آفریده شده است، خداوند مَنّان از او غفلت نمی کند، و پروردگار پاداش دهنده محرومش نمی سازد، گرچه در دل سنگی سخت و صاف یا در میان صخره ای خشک باشد، اگر در مجاری خوراک و قسمتهای بالا و پایین دستگاه گوارش و آن چه در درون شکم او از غصروفهای آویخته به دنده تا شکم، و آن چه در سر اوست از چشم و گوش، اندیشه نمایی، از آفرینش مورچه دچار شگفتی شده و از وصف او به زحمت خواهی افتاد پس بزرگ است خدایی که مورچه را بر روی دست و پایش بر پاداشت، و پیکره وجودش را با استحکام نگاه داشت در آفرینش آن هیچ قدرتی او را یاری نداد و هیچ آفریننده ای کمکش نکرد. اگر اندیشه ات را بکار گیری تا به راز آفرینش پی برده باشی، دلائل روشن به تو خواهند گفت که آفریننده مورچه کوچک همان آفریدگار درخت بزرگ خرماس، به جهت دقتی که جدا جدا در آفرینش هر چیزی بکار رفته، و اختلافات و تفاوت های پیچیده ای که در خلقت هر پدیده حیاتی نهفته است، همه موجودات سنگین و سبک، بزرگ و کوچک، نیرومند و ضعیف، در اصول حیات و هستی یکسانند، و خلقت آسمان و هوا و بادهای و آب یکی است. پس اندیشه کن در آفتاب و ماه، و درخت و گیاه، و آب و سنگ، و اختلاف شب و روز، و جوشش دریاها، و فراوانی کوهها، و بلندای قلّه ها، و گوناگونی لغت ها، و تفاوت زبان ها، که نشانه های روشن پروردگارند، پس وای بر آن کس که تقدیر کننده را نپذیرد، و تدبیر کننده را انکار کند. گمان کردند که چون گیاهانند و زارعی ندارند، و اختلاف صورت هایشان را سازنده ای نیست، بر آن چه ادّعا می کنند حجت و دلیلی ندارند، و بر آن چه در سر می پروراند تحقیقی نمی کنند. آیا ممکن است ساختمانی بدون سازنده، یا جنایتی بدون جنایتکار باشد؟ شگفتی آفرینش مَلَخ و اگر خواهی در شگفتی مَلَخ سخن گو، که خدا برای او دو چشم سرخ، دو حلقه چنان ماه تابان آفرید، و به او گوش پنهان، و دهانی متناسب اندامش بخشیده است، دارای حواس نیرومند، و دو دندان پیشین که گیاهان را می چیند، و دو پای داس مانند که اشیاء را بر می دارد، کشاورزان برای زراعت از آنها می ترسند و قدرت دفع آنها را ندارند گرچه همه متّحد شوند. ملخها نیرومندان وارد کشتزار می شوند و آن چه میل دارند می خورند، در حالی که تمام اندامشان به اندازه یک انگشت باریک نیست! نشانه های خدا در طبیعت پس بزرگ است خداوندی که تمام موجودات آسمان و زمین، خواه و ناخواه او را سجده می کنند، و در برابر او با خضوع چهره بر خاک می ساینند، و رشته اطاعت او را در تندرستی و ناتوانی به گردن می نهند، و از روی ترس و بیم زمام اختیار خود را به او می سپارند. پرندگان رام فرمان اویند، از تعداد پر ها و نفس های پرندگان آگاه است، برخی را پرنده آبی و گروهی را پرنده خشکی آفرید، و روزی آنها را مقدّر فرمود، و اقسام گوناگون آنها را می داند، این کلاغ است و آن عقاب، این شتر مرغ است و آن کبوتر، هر پرنده ای را به نام خاصی فرا خواند، و روزیش را فراهم کرد. خدایی که ابرهای سنگین را ایجاد، و بارانهای پی در پی را فرستاد، و سهم باران هر جایی را معین فرمود، زمین های خشک را آبیاری کرد، و گیاهان را پس از خشکسالی رویاند.» (۲). امیرالمؤمنین علیه

السلام در خطبه ۱۵۵ با توجه به «برهان وجود» و «برهان هدایت» پس از طرح ویژگی های خفّاش اظهار می دارد: وَمِنْ لَطَائِفِ صَنَعَتِهِ، وَعَجَائِبِ خَلْقَتِهِ، مَا أَرَانَا مِنْ عَوَامِضِ الْحِكْمَةِ فِي هَذِهِ الْخَفَافِشِ الَّتِي يَقْبِضُهَا الضِّيَاءُ الْبَاسِطُ لِكُلِّ شَيْءٍ، وَيَبْسُطُهَا الظَّلَامُ الْقَابِضُ لِكُلِّ حَيٍّ؛ وَكَيْفَ عَشِيَّتْ أَعْيُنُهَا عَنْ أَنْ تَشْتِمِدَّ مِنَ الشَّمْسِ الْمُضِيئَةِ نُورًا تَهْتَدِي بِهِ فِي مَذَاهِبِهَا، وَتَتَّصِلُ بِعَلَانِيَةِ بَرْهَانِ الشَّمْسِ إِلَى مَعَارِفِهَا. وَرَدَعَهَا بِتَلَاؤِ ضِيَائِهَا عَنِ الْمُضِيِّ فِي سُبُحَاتِ إِشْرَاقِهَا، وَأَكْنَهَا فِي مَكَامِنِهَا عَنِ الذَّهَابِ فِي بُلَجِ اثْتِلَاقِهَا، فَهِيَ مُسِدِّلَةٌ الْجُنُونِ بِالنَّهَارِ عَلَى حَدَاقِهَا، وَجَاعِلَةٌ اللَّيْلَ سَرَجًا تَسِيدُ بِهِ فِي التَّمَاسِ أَرْزَاقِهَا؛ فَلَا يَزُدُّ أَبْصَارَهَا إِسْدَافُ ظُلْمَتِهِ، وَلَا تَمْتَنِعُ مِنَ الْمُضِيِّ فِيهِ لِعَسَقِ دُجْنَتِهِ. فَإِذَا أَلْقَتِ الشَّمْسُ قِنَاعَهَا، وَبَدَتْ أَوْضَاحُ نَهَارِهَا، وَدَخَلَ مِنْ إِشْرَاقِ نُورِهَا عَلَى الضُّبَابِ فِي وَجَارِهَا، أَطْبَقَتِ الْأَجْفَانِ عَلَى مَا قَبِيهَا، وَتَبَلَّغَتْ بِمَا اكْتَسَبَتْهُ مِنَ الْمَعَاشِ فِي ظُلْمِ لَيْالِيهَا. فَسُبْحَانَ مَنْ جَعَلَ اللَّيْلَ لَهَا نَهَارًا وَمَعَاشًا، وَالنَّهَارَ سِكَنًا وَقَرَارًا! وَجَعَلَ لَهَا أَجْنِحَةً مِنْ لَحْمِهَا تَعْرُجُ بِهَا عِنْدَ الْحَاجَةِ إِلَى الطَّيْرِانِ، كَأَنَّهَا شَطَايَا الْأَذَانِ، غَيْرَ ذَوَاتِ رِيَشٍ وَلَا قَصَبٍ، إِلَّا أَنَّكَ تَرَى مَوَاضِعَ الْعُرُوقِ بَيْنَهُ أَعْلَامًا. لَهَا جَنَاحَانِ لَمَّا يَرَقًا فَيَنْشَقُّا، وَلَمَّا يَغْلُظَا فَيُتَقَلَّا. تَطِيرُ وَلَوْلَدهَا لَأَصِقَ بِهَا لِأَجْلِ إِلَيْهَا، يَقَعُ إِذَا وَقَعَتْ، وَيَرْتَفِعُ إِذَا ارْتَفَعَتْ، لَا يُفَارِقُهَا حَتَّى تَشْتَدَّ أَرْكَانُهُ، وَيَحْمِلُهُ لِلنَّهْوِضِ جَنَاحُهُ، وَيَعْرِفُ مَذَاهِبَ عَيْشِهِ، وَمَصَالِحَ نَفْسِهِ. فَسُبْحَانَ الْبَارِي لِكُلِّ شَيْءٍ، عَلَى غَيْرِ مِثَالٍ خَلَا مِنْ غَيْرِهِ! «از زیبایی های صنعت پروردگاری، و شگفتیهای آفرینش او، همان اسرار پیچیده حکمت در آفریدن خفّاشان است، روشنی روز که همه چیز را می گشاید چشمانشان را می بندد، و تاریکی شب که هر چیز را به خواب فرو می برد، چشمان آنها را باز می کند، چگونه چشمان خفّاش کم بین است که نتواند از نور آفتاب درخشنده روشنی گیرد؟ نوری که با آن راه های زندگی خود را بیابد، و در پرتو آشکار خورشید خود را به جاهایی رساند که می خواهد، و روشنی آفتاب خفّاش را از رفتن در تراکم نورهای تابنده اش باز می دارد، و در خلوتگاههای تاریک پنهان می سازد، که از حرکت در نور درخشان ناتوان است، پس خفّاش در روز پلکها را بر سیاهی دیده ها اندازد، و شب را چونان چراغی برمی گزیند، که در پرتو تاریکی آن روزی خود را جستجو، و سیاهی شب دیده های او را نمی بندد، و به خاطر تاریکی زیاد، از حرکت و تلاش باز نمی ماند. پس آنگاه که خورشید پرده از رخ بیافکند، و سپیده صبحگاهان بدمد، و لانه تنگ سوسمارها از روشنی آن روشن گردد، شب پره، پلک ها بر هم نهد، و بر آن چه در تاریکی شب به دست آورده قناعت کند. پس پاک و منزّه است خدایی که شب را برای خفّاشان چونان روز روشن و مایه به دست آوردن روزی قرار داد، و روز را چونان شب تاریک آرامش و استراحت آنها انتخاب فرمود، و بال هایی از گوشت برای پرواز آنها آفرید، تا به هنگام نیاز به پرواز از آن استفاده کنند، این بالها، چونان لاله های گوشت بی پر و رگهای اصلی، اما جای رگها و نشانه های آن را به خوبی مشاهده خواهی کرد. برای شب پره ها دو بال قرار داد، نه آنقدر نازک که در هم بشکنند، و نه چندان محکم که سنگینی کند، پرواز می کنند در حالی که فرزندانشان به آنها چسبیده و به مادر پناه برده اند، اگر فرود آیند با مادر فرود می آیند، و اگر بالا روند با مادر اوج می گیرند، از مادرانشان جدا نمی شوند تا آن هنگام که اندام جوجه نیرومند و بال ها قدرت پرواز کردن پیدا کند، و بداند که راه زندگی کردن کدام است؟ و مصالح خویش را بشناسد. پس پاک و منزّه است پدید آورنده هر چیزی که بدون هیچ الگویی باقیمانده از دیگری، همه چیز را آفرید.» (۳). به کارگیری شیوه های گوناگون و متناسب با روح و فطرت خداجوی انسان شنونده را به شوق و شعار و شعور می کشاند و انواع شیرینی ها را در کام خواننده می ریزد. و استادان زبردست را در شیوه های تدریس و آموزش با «طرح های آموزشی» و «روش های تدریس» آشنا می سازد. **** خطبه ۲۵/۱۶۵

نهج البلاغه معجم المفهرس مؤلف، که برخی از اسناد و مدارک آن به این شرح است: ۱- ربیع الابرار ج ۱: زمخشری معتزلی (متوفای ۵۳۸ هـ) ۲- کتاب النهایه ج ۲ ص ۱۴۰ و ج ۴ ص ۱۹۱: ابن اثیر شافعی (متوفای ۶۰۶ هـ) ۳- مجمع الامثال ج ۲ ص ۱۲: میدانی (متوفای ۵۱۸ هـ) ۴- بحار الانوار ج ۶۷ ص ۳۰ ح ۱ ب ۴: مجلسی (متوفای ۱۱۱۰ هـ) ۵- اصول کافی ج ۱ ص ۱۳۵: کلینی (متوفای ۳۲۸ هـ) ۶- روضه کافی ج ۸ ص ۱۷۴: کلینی (متوفای ۳۲۸ هـ). خطبه ۹/۱۸۵ نهج البلاغه معجم المفهرس مؤلف، که برخی از اسناد و مدارک آن به این شرح است: ۱- کتاب احتجاج ج ۱ ص ۴۰۸ و ۲۰۴ قدیم: طبرسی (متوفای ۵۸۸ هـ) ۲- ربیع الابرار ج ۵

ص ۴۴۴ حدیث ۹۸: زمخشری معتزلی (متوفای ۵۳۸ هـ) ۳- کتاب أمالی ص ۱۹۲: سید ابوطالب ابن الحسینی (متوفای ۴۲۴ هـ) ۴- کتاب توحید ص ۷۰: شیخ صدوق (متوفای ۳۸۰ هـ) ۵- عیون اخبار الرضا(ع) ج ۱ ص ۲۴۳ و ۲۴۴: شیخ صدوق (متوفای ۳۸۰ هـ) ۶- بحار الانوار ج ۴ ص ۲۶۱ ح ۹: مجلسی (متوفای ۱۱۱۰ هـ). نهج البلاغه معجم المفهرس مؤلف، که برخی از اسناد و مدارک آن به این شرح است.

پذیرش اسلام

سبقت در پذیرش اسلام

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نخستین کسی می باشد که به پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم ایمان آورد. همه مورخان نوشتند: او اسلام آورد در حالی که سیزده ساله بود. ابوزید عمر بن شَبَّه گفته است: سُرِیح بن نعمان از فرات بن سائب و او از ابن عمر نقل کرده است: علی بن ابیطالب علیه السلام اسلام آورد در حالی که سیزده ساله بود و از دنیا رفت در حالی که شصت و سه سال داشت. و این درست ترین قولی است که در این باره گفته شده است در اینجا به برخی از اعترافات بزرگان اسلام توجه کنید: ۱ - شُعْبَه از سَلَمَه بن کُهَیل و او از حَبَّه عَرَنی(۱) روایت کرده است: از علی علیه السلام شنیدم که می گفت: من نخستین کس هستم که با رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم نماز گزارد. ۲ - زید بن ارقم(۲) گفته است: اولین کسی که پس از پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم به پروردگار ایمان آورد، علی بن ابیطالب علیه السلام است. ۳ - از قول انس بن مالک آمده است: پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم روز دوشنبه به نبوت برگزیده شد و علی علیه السلام روز سه شنبه نماز گزارد. ۴ - سفیان بن ثوری از سَلَمَه بن کُهَیل و او از ابی صادق و او از حَنَش بن مُعْتَمِر(۳) و او از عَلِیم بن کندی و او از سلمان بن فارسی روایت کرده که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: أُولَکُمْ وَرُوداً عَلَی الْحَوْضِ أُولَکُمْ إِسْلَاماً عَلَی بَنِ ابِیطَالِب «نخستین کسی که از شما بر من در حوض کوثر وارد خواهد شد، اولین شماست که به اسلام گرویده است و او علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد.» ۵ - عبدالعزیز بن محمد درآورده است، عمر مولای غُفَره به من گفت: از محمّد بن کَعْب بن قُرظی(۴) پرسیدند: نخستین کسی که به اسلام گروید علی علیه السلام بود یا خلیفه اول؟ گفت: سُبْحَانَ اللَّهِ، علی علیه السلام نخستین آن دو بود که اسلام آورد. و از مُعَاذَة(۵) دختر عبدالله عَدَوِیّه روایت شده است که گفت: از علی بن ابیطالب علیه السلام بر منبر بصره شنیدم که می گفت: من صدیق اکبرم، ایمان آوردم پیش از آنکه ابوبکر ایمان آورد و در اسلام در آمدم پیش از آنکه به اسلام بگردد. ۶ - ابراهیم بن سعد زهری از ابن اسحاق روایت کرده است که او گفت: مرا حدیث کرد یحیی بن ابی الاشعث از اسماعیل بن ایاس بن عفیف کندی و او از پدرش و او هم از جدّش که گفت: من مردی تاجر پیشه بودم و برای حج روانه شدم، در آغاز بعثت پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم که هنوز پیروانی نداشت، پس به نزد عباس بن عبدالمطلب آمدم تا از او برخی کالای تجارتی را خریداری کنم، زیرا او نیز مردی بازرگان بود. پس سوگند به پروردگار من نزد او بودم که ناگهان مردی از چادری بیرون آمد. پس به خورشید نظر افکند و همین که خورشید را مایل به غروب دید برخاست و نماز بجای آورد. آنگاه زنی از همان چادری که آن مرد بیرون آمد و پشت آن مرد ایستاد و نماز گزارد. سپس پسر بچه ای که نزدیک به حد بلوغ بود از آن چادر بیرون آمد و پشت آن مرد ایستاد و نماز گزارد. این کیست؟ عباس! گفت: این محمّد بن عبدالله بن عبدالمطلب پسر برادر من است. گفتم: این زن کیست؟ گفت: این زن همسر او خدیجه، دختر خُوَیلد است. گفتم: این جوان کیست؟ گفت: او علی بن ابیطالب پسر عموی او است. گفتم: این چه کاری است که او می کند؟ گفت: نماز می خواند و گمان می کند که او پیغمبر است، و او را در این کارش جز همسرش و پسر عمویش که این پسر بچه باشد، کسی پیروی نکرده است. و او گمان می کند که بزودی بر او دریچه گنجهای خسرو و قیصر گشوده خواهد شد. و عفیف می گفت: پس از آن اسلام آورد و از ره آورد اسلام بهره مند گردید و می گفت: اگر پروردگار آن روز مرا از نعمت

اسلام بهره ور می نمود، من با علی علیه السلام دوّمین کس بودیم که به اسلام گرویدند. ۷ - مجاهد بن ابوالحجاج گفته است: (۶). از نعمت های خداوند متعال بر علی بن ابیطالب علیه السلام و از نیکی هایی که پروردگار متعال به او اراده نمود، آن است که: قریش گرفتار سال قحطی شدید شدند و ابوطالب عیالمند بود، پس رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم به عباس عمویش که از توانگر ترین بنی هاشم بود گفت: «ای عباس، برادرت ابوطالب دارای عیال بسیار است و آنچه را که به مردم از این سال قحطی رسیده است می بینی. پس ما را به سوی او روانه کن تا باری از عیال او سبک کنیم، فرزندی از فرزندان او را من برمی گیرم و فرزندی را تو برمی داری، و بدین ترتیب هزینه و مخارج زندگی آن دو را از او کفایت می کنیم» عباس گفت: بسیار خوب. پس آن دو روانه شدند تا به نزد ابوطالب آمدند و به او گفتند: ما می خواهیم باری از اهل و عیال تو سبک کنیم، تا از مصیبتی که مردم در آن هستند برطرف شود. ابوطالب به آنها گفت: عقیل را برای من بگذارید، پس هر چه می خواهید بکنید. آنگاه رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم علی را برگرفت و همراه خود به منزل برد و عباس هم جعفر را برداشت و همراه خود ساخت. امام علی علیه السلام پیوسته با رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم بود تا اینکه خداوند او را به پیامبری مبعوث نمود. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام از او پیروی کرد و به او ایمان آورد و او را تصدیق نمود. جعفر نزد عباس بود تا اینکه اسلام آورد و با گرویدن به اسلام بی نیاز شد. ۸ - و نوشتند که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم در آغاز اسلام هنگامی که وقت نماز فرا می رسید، به سوی کوههای مکه بیرون می رفت و امام علی علیه السلام هم با او پوشیده از چشم ابوطالب و همه عموها و دیگر اقوامش بیرون می آمد. پس با هم در آن کوهها نماز می گزاردند و به هنگام غروب وارد می شدند، برمی گشتند و در آنجا تا زمانی که خداوند تعالی می خواست درنگ می نمودند و باقی می ماندند. پس از چندی ابوطالب روزی آن دو را با یکدیگر یافت، در حالی که هر دو نماز می خواندند. پس به رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم گفت: ای پسر برادر من این چه دینی است که بدان اعتقاد داری؟ گفت: ای عمو این دین خداوند و ملائکه اوست و آیین فرستادگانش و پدر ما ابراهیم می باشد. پروردگار مرا برای این دین و برای بندگان خود پیامبر قرار داد و تو ای عمو شایسته ترین کسی هستی که نصیحت را برایش خالص نمودم و او را به هدایت دعوت کردم و تو شایسته ترین کسی هستی که دعوت مرا اجابت کند و مرا در این امر یاری نماید. ابوطالب به فرزندش علی علیه السلام می گفت: پسر من این چه آیینی است که بر آن استوارید؟ حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام پاسخ می داد: ای پدر به پیامبر خدا ایمان آوردم و آنچه را که آورده تصدیق نمودم و با او به خاطر باری تعالی نماز گزاردم و از او پیروی کردم. ابوطالب می گفت: اما او (پیغمبر) ترا جُز به خیر دعوت نکرده است، پس همراه او باش. ۹ - سَلَمَةُ بْنُ كَهَيْلٍ از حَبَّةِ بْنِ جَوْزٍ روایت کرده است که: شنیدم از علی علیه السلام می گفت: «لَقَدْ عَيَّدْتُ اللَّهَ قَبْلَ أَنْ يَعْبُدَهُ أَحَدٌ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ خَمْسَ سِنِينَ». «بی گمان پروردگار را پیش از اینکه احدی از این امت عبادت کند، پنج سال عبادت کردم». ۱۰ - امام علی علیه السلام در یک سخنرانی طولانی فرمود: (۷). وَقَدْ عَلِمْتُمْ مَوْضِعِي مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بِالْقَرَابَةِ الْقَرِيبَةِ، وَالْمَنْزِلَةِ الْخَصِيصَةِ. وَضَعَنِي فِي حِجْرِهِ وَأَنَا وَلَدٌ يَضُمُّنِي إِلَى صَدْرِهِ، وَيَكْنُفُنِي فِي فَراشِهِ، وَيُمِسُّنِي جَسَدَهُ، وَيُثَبِّتُنِي عَرْفَهُ. وَكَأَنِّي يَمْضُغُ الشَّيْءَ ثُمَّ يُلْقِمُنِيهِ، وَمَا وَجَدَ لِي كَذِبَةً فِي قَوْلٍ، وَلَمَّا خَطَلَهُ فِي فِعْلٍ. سوابق درخشان حضرت امیرالمؤمنین ***** حَبَّةُ بْنُ جَوْزٍ بن جَعْلَى عَرَنِي مَكْنًى به ابوقدامة است. از اهل کوفه و از اصحاب علی علیه السلام است و حدیث غدیر خُم را روایت کرده است و در آن روز مشرک بود. اُسْدُ الْغَابَةِ - ۳۶۳ - ۱. زید بن ارقم بن قیس بن نَعْمَانِ انصاری خَزرجی مَكْنًى به ابوسعید است. از صحابه پیغمبر بود و با رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم در هفده جنگ شرکت داشت و خود را در روز اُحُد صغیر ذکر کرده است. یتیم و در دامن تربیت عبدالله بن رواحه بود و با او در غزوه مؤته شرکت نمود. هفتاد حدیث روایت کرده است و در کوفه مقیم شد و در آنجا به سال ۵۶ و به قولی ۶۸ در گذشت. (تهذیب الاسماء - ۹۹ - ۱). حَنْشِ بْنِ مُعْتَمَرٍ در شمار صحابه ذکر شده است و حدیثش از صَحْت بهره مند می باشد، این را ابن اثیر در اُسْدُ الْغَابَةِ ذکر کرده است (اُسْدُ الْغَابَةِ - ۵۵ - ۲). او منسوب به بنی قریظه طایفه یهودی مشهور است. مَكْنًى به ابوحمزه و تابعی جلیل القدر می باشد.

پدرش از اسیران قریظه بود. محمّد در کوفه سکنی گزید و آنگاه به مدینه برگشت. در زمان حیات رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم متولّد شد و از ابن عباس و زید بن ارقم و معاویه حدیث شنید و از بسیاری از صحابه حدیث روایت کرد و دیگران هم از او روایت کردند: به سال ۱۰۸ هجری و به قولی پس از آن سال در گذشت. (تهذیب الاسماء - ۹۰ - ۱). کنیه مُعَاذَة، اُمّ صُهَبَاء است، او زنی فاضل و از عالمان حدیث و اهل بصره می باشد. از علی علیه السلام و عائشه حدیث روایت کرد و عاصم و جماعتی هم از او روایت نموده اند. به سال ۸۳ هجری وفات یافت. مجاهد بن ابوحجاج از موالی بنی مخزوم و تابعی و از اهالی مکه است، تفسیر را از ابن عباس فرا گرفت و بسیار سفر نمود و در کوفه مستقر شد. در حال سجده به سال ۱۰۴ هجری در گذشت. ابو زکریا نووی در تهذیب الاسماء تنها کسی است که پدرش را جُبیر با تصغیر ذکر کرده است و این وجه نه در نسخه خطی کتاب و نه در سایر مراجع ذکر نشده است. (طبقات الفقهاء - ۴۵). خطبه ۱۱۵/۱۹۲ نهج البلاغه معجم المفهرس مؤلف.

سوابق درخشان حضرت امیرالمؤمنین

«شما موقعیت مرا نسبت به رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در خویشاوندی نزدیک، در مقام و منزلت ویژه می دانید، پیامبر مرا در اتاق خویش می نشاند، در حالیکه کودک بودم مرا در آغوش خود می گرفت، و در استراحتگاه مخصوص خود می خوابانید، بدنش را به بدن من می چسباند، و بوی پاکیزه خود را به من می بویاند، و گاهی غذائی را لقمه لقمه در دهانم می گذارد، هرگز دروغی در گفتار من، و اشتباهی در کردارم نیافت.» (۱). ***** خطبه ۱۱۵/۱۹۲ نهج البلاغه المعجم المفهرس مؤلف.

اول شاهد وحی

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم پیش از آنکه به رسالت مبعوث شود، سالی یک ماه در غار حراء به عبادت می پرداخت و در این مدّت اگر تهیدستی نزد وی می رفت، به او طعام می داد و وقتی که ماه به پایان می رسید و می خواست به خانه برگردد، ابتداء به مسجد الحرام می رفت و هفت بار خانه خدا را طواف می کرد و سپس به منزل خود باز می گشت. (۱). وقتی که فرشته وحی برای نخستین بار در غار حراء بر حضرت محمّد صلی الله علیه و آله وسلم نازل شد و او را به مقام رسالت مفتخر ساخت، علی علیه السلام در کنار آن حضرت بود و آن روز از همان ماهی بود که حضرت محمّد صلی الله علیه و آله وسلم برای عبادت به غار حراء می رفت. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در «خطبه قاصعه» در این باره می فرماید: وَلَقَدْ كَانَ يُجَاوِرُ فِي كُلِّ سِتْنَةٍ بِحَرَاءَ، فَأَرَاهُ لَا يُرَاهُ غَيْرِي... وَلَقَدْ سَمِعْتُ رَنَّهُ الشَّيْطَانُ حِينَ نَزُولِ الْوَحْيِ عَلَيْهِ، فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا هَذِهِ الرَّئَةُ؟ فَقَالَ: هَذَا الشَّيْطَانُ قَدْ آيَسَ مِنْ عِبَادَتِهِ، إِنَّكَ تَسْمَعُ مَا أَسْمَعُ وَتَرَى مَا أَرَى، إِلَّا أَنَّكَ لَشَتَّ بَنِيٍّ وَ لَكَنَّكَ لَوْزِيرٌ وَإِنَّكَ لَعَلَى خَيْرٍ. «پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم هر سال در غار حراء به عبادت می پرداخت و جز من کسی او را نمی دید...، هنگامی که وحی بر آن حضرت نازل شد، صدای ناله شیطان را شنیدم. به رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم عرض کردم: این ناله چیست؟ فرمود: این ناله شیطان است و علت ناله اش این است که او از اینکه در روی زمین اطاعت شود، ناامید گشته است. آنچه را من می شنوم تو نیز می شنوی و آنچه را که می بینم تو نیز می بینی، جز اینکه تو پیامبر نیستی، بلکه وزیر (من) و بر خیر و نیکی هستی.» (۲). این گفتار گرچه می تواند مربوط به عبادت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در حراء در دوران پس از رسالت باشد، ولی قرائن گذشته و اینکه عبادت پیامبر در حراء غالباً قبل از رسالت بوده است، نشان می دهد که این گفتار مربوط به دوران قبل از رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم است که سبب شد در همان دوران کودکی با قلب حسّاس، و دیده نافذ و گوش شنوا، چیزهایی را ببیند و اصواتی را بشنود که برای مردم عادی ممکن نبود. ابن ابی الحدید معتزلی در شرح نهج البلاغه می نویسد: «در کتب صحاح روایت شده است که وقتی جبرئیل برای نخستین بار بر پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نازل گردید و او را به مقام رسالت مفتخر ساخت، علی علیه السلام در کنار پیامبر اسلام بود.» (۳).

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: علی علیه السلام پیش از رسالت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم همراه آن حضرت نور نبوت را می دید و صدای فرشته را می شنید. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم به او فرمود: اگر من خاتم پیامبران نبودم، تو شایستگی مقام نبوت را داشتی ولی تو وصی و وارث من، سرور اوصیاء و پیشوای پرهیزگاران می باشی. ***** سیره ابن هشام ج ۱ ص ۲۵۲. خطبه ۱۲۱/۱۹۲ نهج البلاغه معجم المفهرس مؤلف. ابن ابی الحدید شرح نهج البلاغه ج ۱۳ ص ۲۰۸.

اول مسلمان

اشاره

پس از آنکه وحی الهی در غار «حراء» بر قلب مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نازل گردید او را بمقام نبوت و رسالت مفتخر ساخت بنا به گفته محدثین شیعه و سنی، علی علیه السلام نخستین کسی است که با جان و دل دعوت او را لئیک گفت و به وی ایمان آورد.

اعتراف دانشمندان

ابی بکر هذلی (۱) و داود بن هند شعبی (۲) از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم روایت کرده اند که درباره امام علی علیه السلام فرمود: هذا اَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِي وَصَدَّقَنِي وَصَلَّى مَعِيَ. (۳). «علی نخستین کسی است که بر من ایمان آورد و رسالت را تصدیق نمود و با من نماز خواند.» انس بن مالک و دیگران گفته اند: بُعِثَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَوْمَ الْإِثْنَيْنِ وَأَسْلَمَ عَلِيُّ يَوْمَ الثَّلَاثِ «پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم روز دوشنبه به رسالت مبعوث گردید، و علی علیه السلام فردای آن، سه شنبه ایمان آورد.» از زید بن ارقم و از دیگران روایت شده که گفته اند: اَوَّلُ كَسَى كَاسِ اسْلَامٍ آوَرَدَ عَلِيَّ بْنَ أَبِيطَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ بُوَد. (۴). ابن ابی الحدید معتزلی می گوید: شیوخ متکلمین ما، اتفاق دارند بر اینکه علی بن ابیطالب علیه السلام اولین کسی است از مردان که به پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم گرویده و اسلام خود را اظهار داشته است. (۵). ***** هذلی، خویلد بن خالد هذلی از شعراء مشهور عرب است (توضیح الاسماء). شعبی عامر بن شهر احیل کوفی از علماء عامه است (لغتنامه دهخدا). الغدیر ج ۳ ص ۲۲۱، و شرح ابن ابی الحدید ج ۱۳ ص ۲۳۳. کامل ابن اثیر ج ۲ ص ۵۸، و ذخائر العقبی ص ۵۸، و مناقب خوارزمی ص ۳۴، و شرح ابن ابی الحدید ج ۴ ص ۲۱، و فصول المهمه ص ۳۲. شرح ابن ابی الحدید ج ۴ ص ۱۲۲.

اظهارات امام علی در نهج البلاغه

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: أَنَا عَبْدُ اللَّهِ وَ أَخُو رَسُولِ اللَّهِ وَ أَنَا الصَّدِيقُ الْأَكْبَرُ لَا يَقُولُهَا بَعْدِي إِلَّا كَاذِبٌ مُفْتَرٍ وَ لَقَدْ صَلَّيْتُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَبْلَ النَّاسِ بِسَبْعِ سَنِينَ وَ أَنَا أَوَّلُ مَنْ صَلَّى مَعَهُ. (۱). «من بنده خدا و برادر رسول الله و صدیق اکبرم، این سخن را پس از من جز دروغگو و افترا ساز نمی گوید، من هفت یال پیش از مردم با پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم نماز گزارده ام.» و در جای دیگر می فرماید: اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَوَّلُ مَنْ اَنَابَ وَ سَجَعَ وَ اَجَابَ، لَمْ يَسْبِقْنِيْ اِلَّا رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بِالصَّلَاةِ. (۲). «خدایا من نخستین کسی هستم که به سوی تو رو آورده، پیام تو را شنیده و به دعوت پیامبر تو پاسخ گفته ام و پیش از من جز پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم کسی نماز نگزارد.» ***** کامل ابن اثیر ج ۲ ص ۵۷، و شرح ابن ابی الحدید ج ۳ ص ۲۰۰، و الغدیر ج ۱۳ ص ۲۲، و خصائص احمد بن شعیب نسائی ص ۳، و مسند امام حنبل ص ۱۱۱، و ینابیع الموده باب ۱۲ ص ۱۳. شرح نهج البلاغه فیض خطبه ۴/۱۳۱ نهج البلاغه معجم المفهرس.

اعتراف ابن اسحاق

اخطب خوارزمی، ابن هشام و ابن جریر طبری از ابن اسحاق روایت کرده اند: که روز بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم، علی علیه السلام با اینکه ده ساله بود، پیش از هر کسی به او ایمان آورد و با او نماز گزارد و آنچه را که از جانب خداوند آورده بود، آنرا تصدیق نمود و از نعمتهائی که خداوند متعال به علی علیه السلام عطا فرموده بود، یکی این بود که پیش از اسلام نیز در دامن پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم تربیت می شد. (۱). ***** سیره ابن هشام ج ۱ ص ۲۶، و مناقب خوارزمی ص ۳۰، و تاریخ طبری، و احقاق الحق ج ۴ ص ۱۵۰ تا ۱۷۰، و الغدير ج ۳ ص ۲۲۲ تا ۲۴۰.

اعتراف عقیف کندی

عقیف کندی می گوید: در یکی از روزها برای خرید لباس و عطر، وارد مکه شدم و در مسجد الحرام در کنار عباس بن عبدالمطلب (یکی از بازرگانان مکه بود) نشستم به تماشای مکه مشغول بودیم، اندکی نگذشت، موقعی که خورشید به اوج بلندی رسید، ناگهان دیدم مردی آمد و نگاهی به آسمان نمود رو به کعبه ایستاد. چیزی نگذشت که نوجوانی به وی ملحق گردید و در سمت راست او قرار گرفت. سپس زنی وارد مسجد شد و در پشت سر آن دو نفر ایستاد و هر سه نفر به عبادت خداوند مشغول شدند. آن مرد رکوع می کرد، آنها نیز با او رکوع می کردند، بدین ترتیب به نماز خود ادامه می دادند. من به عباس گفتم امر عظیمی می بینم! عباس گفت: آری امریست عظیم، هیچ می دانی که این جوان کیست؟ گفتم: نه! عباس گفت: این برادرزاده من و آن جوان (نورس) نیز برادرزاده دیگر من علی بن ابیطالب است و آن زن خدیجه، همسر محمد است و محمد مدعی است که آئین وحی از طرف خداوند برای او نازل شده است و اکنون زیر آسمان کسی از این دین جز سه نفر پیروی نمی کند. (در آخر روایت احمد بن حنبل آمده است که) عباس فرمود: برادرزاده ام می گوید: روزی فرا خواهد رسید که خزانه های کسری و گنجینه های قیصر را فتح و تسخیر می نماید. عقیف بعدها که ایمان آورد، مدام تأسف می خورد و می گفت: ای کاش همان روز اسلام را قبول می کردم و با علی علیه السلام سؤمین نفر مسلمان، من می شدم. (۱). ***** تاریخ کامل ابن اثیر ج ۲ ص ۵۷، و ذخائر العقبی ص ۵۹، و مسند احمد ج ۱ ص ۱۷۳، و شرح ابن ابی الحدید ج ۴ ص ۱۲۰، و مناقب شهر آشوب ج ۲ ص ۱۸، و روضه الواعظین ج ۱ ص ۱۰۵، و خصایص نسائی ص ۳.

دلایل پیشگامی علی در اسلام

دلایل و شواهد پیشگامی علی علیه السلام در متون اسلامی فراوان است: ۱ - پیش از همه، خود پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم به پیشقدم بودن علی علیه السلام تصریح کرده و در میان جمعی از یاران خود فرمود: «نخستین کسی که در روز رستاخیز با من در کنار حوض کوثر ملاقات می کند، پیشقدم ترین شما در اسلام، علی بن ابی طالب است.» (۱). ۲ - دانشمندان و محدثان نقل می کنند: حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم روز دوشنبه به نبوت مبعوث شد و علی علیه السلام فردای آن روز «سه شنبه» با او نماز خواند. (۲). ۳ - حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه «قاصعه» می فرماید: «آن روز اسلام جز به خانه پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و خدیجه علیها السلام راه نیافته بود و من سؤمین نفر آنها بودم. نور وحی و رسالت را می دیدم، و بوی نبوت را می شنیدم.» (۳). ۴ - امام علی علیه السلام در جای دیگر از سبقت خود در اسلام چنین یاد می کند: «خدایا من نخستین کسی هستم که به سوی تو بازگشت، و پیام تو را شنید و به دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم پاسخ گفت و پیش از من جز پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم کسی نماز نگزارد.» (۴). ۵ - حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمود: «من بنده خدا و برادر پیامبر و صدیق

اکبرم، این سخن را پس از من جز دروغگوی افتراء ساز نمی گوید، من هفت سال پیش از مردم با رسول خدا نماز گزاردم» (۵). ۶ - اعتراف مأمون به ایمان علی علیه السلام مأمون دانشمندان عصر خود را که از آن جمله اسحاق (۶) در میان آنها بود گرد آورد و زبان به سخن گشود و چنین گفت: روزی که پیامبر خدا صلی الله علیه وآله وسلم مبعوث به رسالت گردید بهترین عمل چه بود؟ اسحاق گفت: ایمان به خدا و رسالت پیامبر او مأمون پرسید: آیا سبقت به اسلام در اعداد بهترین عمل نبود؟ اسحاق گفت: چرا، در قرآن مجید می خوانیم: وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ، أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ «مقصود از سبقت در آیه همان پیش قدمی در پذیرش اسلام است» (۷). مأمون پرسید: آیا کسی بر علی در پذیرش اسلام سبقت بسته بود؟ یا اینکه علی علیه السلام نخستین فردی است که به پیامبر ایمان آورده است؟ اسحاق گفت: علی نخستین فردی است که به پیامبر ایمان آورد، اما روزی که او ایمان آورد کودکی بیش نبود و نمی توان برای چنین اسلامی ارزش قائل بود، امّا ابی بکر اگرچه بعدها ایمان آورد، ولی روزی که به صف خداپرستان پیوست، یک فرد کاملی بود، که ایمان و اعتقاد او در آن سنّ و سال ارزش دیگری داشت. مأمون پرسید: بگو بینم، علی علیه السلام روی چه اصلی ایمان آورد؟ آیا پیامبر او را به اسلام دعوت کرد یا اینکه از طرف خدا به او الهام شد؟ که آئین توحید و روش اسلام را بپذیرد؟ هرگز نمی توان گفت اسلام علی علیه السلام از طریق الهام از جانب خدا بوده است، زیرا لازمه فرض این است که ایمان وی بر ایمان پیامبر، برتری داشته باشد، چون گرایش پیامبر به اسلام به وسیله جبرئیل و راهنمایی وی بوده است، نه اینکه از جانب خدا به وی الهام شده باشد. در اینصورت که ایمان علی در پرتو پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم بوده، آیا پیامبر از پیش خود این کار را انجام داده یا به دستور خدا به اسلام دعوت کرد، قطعاً باید گفت دعوت علی علیه السلام به اسلام از جانب پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم، به فرمان خدا بوده است. آیا خدای حکیم دستور می دهد که پیامبر کودک غیر مستعدی را که ایمان و عدم ایمان او یکسان می باشد، به آئین اسلام دعوت کند؟ در این صورت باید گفت، شعور و درک امام در دوران کودکی به اندازه ای بود که خداوند به ایمان او عنایت داشته است، پس ایمان علی علیه السلام در کودکی ارزشمند است. ۷ - اظهارات امام علی علیه السلام در نهج البلاغه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه ۳۷ نهج البلاغه به این حقیقت روشن اشاره می فرماید که: خصائص الامام علی علیه السلام فَقُمْتُ بِالْأَمْرِ حِينَ فَشَلُوا، وَتَطَلَعْتُ حِينَ تَقَيَّعُوا، وَنَطَقْتُ حِينَ تَغَنَّعُوا، وَمَضَيْتُ بِنُورِ اللَّهِ حِينَ وَقَفُوا. وَكُنْتُ أَخْفَضَهُمْ صَوْتًا، وَأَعْلَاهُمْ قُوْتًا، فَطَرْتُ بِعَيْنَاهَا، وَاشْتَبَدْتُ بِرَهَانِهَا. كَالْجَبَلِ لَا تُحَرِّكُهُ الْقَوَاصِفُ، وَلَا تُزِيلُهُ الْعَوَاصِفُ. لَمْ يَكُنْ لِيَاخِذٍ فِي مَهْمَزٍ وَلَا لِقَائِلٍ فِي مَعْمَزٍ. الدَّلِيلُ عِنْدِي عَزِيزٌ حَتَّى آخَذَ الْحَقُّ لَهُ، وَالْقَوِيُّ عِنْدِي ضَعِيفٌ حَتَّى آخَذَ الْحَقُّ مِنْهُ. عَلَيْهِ السَّكُوتُ رِضَةً يَتَنَا عَنْ اللَّهِ قَضَاءَهُ، وَسَلَمْنَا لِلَّهِ أَمْرَهُ. أَتَرَانِي أَكْذِبُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ؟ وَاللَّهِ لَأَنَا أَوَّلُ مَنْ صَدَّقَهُ، فَلَا أَكُونُ أَوَّلَ مَنْ كَذَبَ عَلَيْهِ. فَظَنَرْتُ فِي أَمْرِي، فَإِذَا طَاعَتِي قَدْ سَبَقَتْ بَيْعَتِي، وَإِذَا الْمِيثَاقُ فِي عُنُقِي لِعَيْرِي. ویژگی ها و فضائل امام علی علیه السلام آن گاه که همه از ترس سست شده کنار کشیدند، من قیام کردم، و آن هنگام که همه خود را پنهان کردند من آشکارا به میدان آمدم، و آن زمان که همه لب فرو بستند، من سخن گفتم و آن وقت که همه باز ایستادند من با راهنمایی نور خدا به راه افتادم، در مقام حرف و شعار صدایم از همه آهسته تر بود اما در عمل برتر و پیشتاز بودم، زمام امور را به دست گرفتم، و جلوتر از همه پرواز کردم، و جائزه سبقت در فضیلت ها را بردم. همانند کوهی که تند بادهای آن را به حرکت در نمی آورد، و طوفان ها آن را از جای بر نمی کند. هیچکس نمی توانست عیبی در من بیابد، و هیچ سخن چینی جای عیجونی در من نمی یافت. خوارترین افراد نزد من عزیز است تا حق او را باز گردانم، و نیرومندا در نظر من پست و ناتوانند تا حق را از آنها باز ستانم. علّت سکوت و کناره گیری از خلافت در برابر خواسته های خدا راضی، و تسلیم فرمان او هستم، آیا می پندارید. من به رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم دروغی روا دارم؟ به خدا سوگند! من نخستین کسی هستم که او را تصدیق کردم، و هرگز اول کسی نخواهم بود که او را تکذیب کنم. در کار خود اندیشیدم دیدم پیش از بیعت، پیمان اطاعت و پیروی از سفارش رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم را دارم، و از من برای دیگری پیمان گرفتند (که پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم فرمود اگر در امر حکومت کار به جدال و خونریزی

کشانده شود، سکوت کنم و سر فرود آورم.) و در خطبه ۷۱ نهج البلاغه به شایعه پراکنی و دروغپردازی کوفیان اشاره می فرماید و به سبقت خویش در پذیرش اسلام و اعتراف به رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم می پردازد که: وَلَقَدْ بَلَّغْنِي أَنْكُم تَقُولُونَ: عَلَيَّ يَكْذِبُ، فَاتْلُكُمُ اللَّهُ تَعَالَى! فَعَلَى مَنْ أَكْذَبُ؟ أَعَلَى اللَّهِ؟ فَأَنَا أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِهِ! أَمْ عَلَى نَبِيِّهِ؟ فَأَنَا أَوَّلُ مَنْ صَدَّقَهُ! كَلَّا وَاللَّهِ، لِكِنَّهَا لَهُجَةٌ غِبْتُمْ عَنْهَا، وَلَمْ تَكُونُوا مِنْ أَهْلِهَا. وَيَلُ أُمِّهِ كَيْلًا - بَعِيرِ ثَمَنٍ! لَوْ كَانَ لَهُ وَعَاءٌ. «وَلَعَلَّمَن نَبَأَهُ بَعِيدَ حِينٍ». «پس از ستایش پروردگار! ای مردم عراق! همانا شما به زن بارداری می مانید (۸) که در آخرین روزهای بارداری جنین خود را سقط کند، و سرپرستش بمیرد، و زمانی طولانی بی شوهر ماند، و میراث او را خویشاوندان دور غارت کنند. آگاه باشید من با اختیار خود به سوی شما نیامدم بلکه بطرف دیار شما کشانده شدم، به من خبر دادند که می گوئید علی دروغ می گوید!! خدا شما را بکشد، به چه کسی دروغ روا داشته ام؟ آیا به خدا دروغ روا داشتم؟ در حالیکه من نخستین کسی هستم که به خدا ایمان آوردم، (۹) یا بر پیامبرش؟ من اول کسی بودم که او را تصدیق کردم! نه به خدا هرگز!! آنچه گفتم واقعیتی است که شما از دانستن آن دورید، و شایستگی درک آن را ندارید، مادران در سوگ شما وای، وای سر دهد. پیمانه علم را بر شما رایگان بخشیدم، اگر ظرفیت داشته باشید. و به زودی خبر آن را خواهید فهمید.» (۱۰). و در خطبه ۱۳۱ نهج البلاغه با خدای خویش شکوه می کند و نجوا گونه به سوابق درخشان خویش اشاره می فرماید که: اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَكُنْ الَّذِي كَانَ مِنَّا مُنَافِسَةً فِي سُلْطَانٍ، وَلَا التَّمَسَّ شَيْءٌ مِنْ فُضُولِ الْحُطَامِ، وَلَكِنْ لِرِدِّ الْمَعَالِمِ مِنْ دِينِكَ، وَنُظْهِرَ الْإِضْلَاحَ فِي بِلَادِكَ، فَيَأْمَنَ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ، وَتَقَامَ الْمُعْظَلَةُ مِنْ حُدُودِكَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَوَّلُ مَنْ أَنَابَ، وَسَمِعَ وَأَجَابَ، لَمْ يَسْبِقْنِي إِلَّا رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ - بِالصَّلَاةِ. وَقَدْ عَلِمْتُمْ أَنَّهُ لَا يَتَّبِعُنِي أَنْ يَكُونَ الْوَالِي عَلَى الْفُرُوجِ وَالْأَمْوَالِ وَالْمَعَانِمِ وَالْأَحْكَامِ وَإِمَامَهُ الْمُسْلِمِينَ الْبَخِيلُ، فَتَكُونُ فِي أَمْوَالِهِمْ نَهْمَتُهُ، وَلَا الْجَاهِلُ فِضْلَهُمْ بِجَهْلِهِ، وَلَا الْجَانِي فَيَقْطَعُهُمْ بِجَفَائِهِ، وَلَا الْحَائِفُ لِلدُّوَلِ فَيَتَّخِذَ قَوْمًا دُونَ قَوْمٍ، وَلَا الْمُرْتَشِي فِي الْحُكْمِ فَيَذْهَبَ بِالْحَقُوقِ، وَيَقِفَ بِهَا دُونَ الْمَقَاطِعِ، وَلَا الْمُعْطَلُ لِلْسُّنَةِ فَيُهْلِكَ الْبَائِمَةَ. «خدایا تو میدانی که جنگ و درگیری ما برای به دست آوردن قدرت و حکومت، و دنیا و ثروت نبود، بلکه می خواستیم نشانه های حق و دین تو را در جایگاه خویش باز گردانیم، و در سرزمین های تو اصلاح را ظاهر کنیم، تا بندگان ستمدیده ات در امن و امان زندگی کنند، و قوانین و مقررات فراموش شده تو بار دیگر اجراء گردد. خدایا من نخستین کسی هستم که بتو روی آورده، و دعوت تو را شنیده و اجابت کرد، در نماز کسی از من جز رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم پیشی نگرفت، و همانا شما دانستید که سزاوار نیست بخیل بر ناموس و جان و غنیمت ها و احکام مسلمین، ولایت و رهبری یابد، و امامت مسلمین را عهده دار شود، تا در اموال آنها حریص گردد و نادان نیز لیاقت رهبری ندارد تا با نادانی خود مسلمانان را به گمراهی کشاند، و ستمکار نیز نمی تواند رهبر مردم باشد، که با ستم حق مردم را غصب و عطایای آنان را قطع کند، و نه کسی که در تقسیم بیت المال عدالت ندارد زیرا در اموال و ثروت آنان حیف و میل داشته و گروهی را بر گروهی مقدم می دارد، و رشوه خوار در قضاوت نمی تواند امام باشد زیرا که برای حکم کردن با رشوه گرفتن حقوق مردم را پایمال می کند، و حق را به صاحبان آن نرساند، و آن کس که سنت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم را ضایع می کند لیاقت رهبری ندارد زیرا که امت اسلامی را به هلاکت می کشاند.» ****

أَوَّلُكُمْ وَرَوْدًا عَلَى الْحَوْضِ أَوَّلُكُمْ إِسْلَامًا عَلَى بَنِي طَالِبٍ: الْاسْتِيعَابُ فِي مَعْرِفَةِ الْأَصْحَابِ ج ۳ ص ۲۸، و ابن ابی الحدید شرح نهج البلاغه ج ۱۳ ص ۱۱۹، الحاکم النیشابوری، المستدرک علی الصّحیحین ج ۳ ص ۱۷. استنبی ء التّبی بوم الا-ثنین و صلی علیّ یوم الثّلاثاء: الاستیعاب فی معرفه الاصحاب ج ۳ ص ۳۲، و ابن اثیر الکامل فی التّاریخ ج ۲ ص ۵۷. و لم یجمع بیت واحد یومئذ فی الاسلام غیر رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم و خدیجه علیها السلام و انا ثالثهما، أری نور الوحی و الرّساله و اشمّ ریح النّبوة (نهج البلاغه خطبه ۱۲۱ / ۱۹۲ معجم المفهرس مؤلف). اللَّهُمَّ إِنِّي أَوَّلُ مَنْ أَنَابَ وَ سَمِعَ وَأَجَابَ لَمْ يَسْبِقْنِي إِلَّا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بِالصَّلَاةِ (خطبه ۱۳۱). انا عبد الله و اخو رسول الله و انا الصّدیق الاکبر لا یقول ها بعدی إِلَّا کاذب مفتری، صلیت مع رسول الله قبل الناس بسبع سنین: طبری محمّد بن جریر، تاریخ الأمم و الملوک ج ۲ ص ۳۱۲، و ابن اثیر الکامل فی التّاریخ ج ۲ ص ۵۷، و

المستدرک علی الصحیحین ج ۳ ص ۱۱۲. او اسحاق بن ابراهیم موصلی مکتبی به ابی محمد از دانشمندان معروف عصر مأمون بود. (لغتنامه دهخدا). سوره واقعه آیه ۱۰-۱۱. ضرب المثل است: زیرا کوفیان پس از تحمل فراوان سختی های جنگ در آخرین لحظه های پیروزی، فریب، قرآنها را بالای نیزه را خوردند. علامه امینی در ج ۳ الغدير در صفحات ۲۱۹ تا ۲۴۷ با یکصد حدیث از کتب اهل سنت این حقیقت را اثبات می کند. سوره ص آیه ۸۸.

اول تصدیق کننده به رسالت پیامبر

در سیره ابن هشام آمده است پیش از سه سال از بعثت نگذشته بود، که خداوند پیامبر خود را مخاطب ساخت و فرمود: اَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ (۱). «خویشاوندان نزدیک خود را از عذاب الهی بترسان» با نزول این آیه دوره دعوت سرّی پیامبر پایان یافت و وقت آن رسید که خویشاوندان خود را به اسلام دعوت کند. عموم مفسرین و تاریخ نویسان، قریب به اتفاق چنین می نویسند: آنگاه که آیه فوق نازل گردید، پیامبر خدا صلی الله علیه وآله وسلم مأمور شد که خویشاوندان را به آئین آسمانی خود بخواند. بدین جهت رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم به علی علیه السلام دستور داد از گوشت و شیر، غذائی ترتیب دهد و چهل نفر (۲) (و یا چهل و پنج نفر) از سران بزرگ بنی هاشم را برای ضیافت دعوت کند. مراسم دعوت بعمل آمد، مهمانان همگی در وقت معین به حضور پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم آمدند، پس از صرف غذا «ابو لهب» با سخنان سبک و بی معنی خود مجلس را از آمادگی و تعقیب هدف بهم ریخت و مجلس بدون اخذ نتیجه به پایان رسید. مدعوین پس از صرف غذا و نوشیدن شیر جلسه را ترک گفتند. پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم تصمیم گرفت که فردای آن روز ضیافت دیگری ترتیب دهد و بار دیگر همه آنان را دعوت نماید. باز علی علیه السلام بدستور پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم دوباره برای صرف نهار و استماع سخنان آن حضرت از آنها دعوت بعمل آورد. مدعوین همگی باز در موعد مقرر حضور بهم رساندند. بعد از صرف غذا، پیامبر خدا صلی الله علیه وآله وسلم چنین فرمود: «براستی هیچگاه راهنمای واقعی یک جمعیت، به آنان دروغ نمی گوید، به خدائیکه جز او خدائی نیست من فرستاده او به سوی شما و عموم جهانیان هستم، هان آگاه باشید، همانگونه که می خواهید، همانطور هم می میرید، همانطور که بیدار می شوید (روز رستاخیز) زنده خواهید شد، نیکوکاران به پاداش اعمال و بدکاران به کیفر کردار خود می رسند و بهشت جاودان برای نیکوکاران و دوزخ پایدار برای بدکاران آماده است. در میان عرب از کسی سراغ ندارم که بهتر از آنچه من آنرا برای شما آورده ام، برای قوم خود بیاورد، البتّه آنچه خیر دنیا و آخرت در آن بوده آنرا من برای شما فراهم آورده ام، و خدایم به من دستور داده است که تا شما را به سوی وحدانیت او و به رسالت خویش دعوت کنم». در پی آن فرمود: وَإِنَّ اللَّهَ لَمْ يَبْعَثْ نَبِيًّا إِلَّا جَعَلَ لَهُ مِنْ أَهْلِهِ أَخًا وَ وَزِيرًا وَ وَارِثًا وَ وَصِيًّا وَ خَلِيفَةً فِي أَهْلِهِ فَأَيُّكُمْ يَقُومُ فَيُبَايِعُنِي عَلَى أَنَّهُ أَخِي وَ وَارِثِي وَ وَزِيرِي وَ وَصِيٌّ وَ يَكُونُ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي. (۳). «همانا خداوند پیامبری را مبعوث نکرده، مگر اینکه از نزدیکان وی برای او برادر، وارث، جانشین و خلیفه قرار داده است، پس کدام یک از شما (اول) آماده است با این تعهد با من بیعت کند که او وارث، وزیر و وصی من باشد و او نسبت به من همچون هارون به موسی باشد، با این تفاوت که بعد از من پیامبری نخواهد آمد». این جمله را سه بار تکرار فرمود. در روایت دیگر فرمود: فَأَيُّكُمْ يُوَاظِرُنِي عَلَى هَذَا الْأَمْرِ وَ أَنْ يَكُونَ أَخِي وَ وَصِيِّي وَ خَلِيفَتِي فَيُكْم. (۴). «پس کدام شما در این امر مرا یاری می کند تا او در میان شما برادر و وصی و خلیفه من باشد.» حضرت این جمله را فرمود و اندکی مکث کرد تا ببیند کدامیک از آنان به ندای او پاسخ مثبت می دهد؟ در این حال سکوت آمیخته با بهت و تحیر بر مجلس حکومت داشت. همگی سر بجیب تفکر فرو برده بودند. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: آنروز سنّ من از همه آنها کمتر بود. ناگهان علی علیه السلام را که سنّ او از پانزده سال تجاوز نمی کرد مشاهده کردند که برخاست و سکوت را شکست و رو به پیامبر کرد و فرمود: «ای پیامبر خدا! من تو را در این راه یاری می کنم، سپس دست خود را به سوی رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم دراز کرد تا دست او را

به عنوان پیمان وفاداری بفشارد. رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم دستور داد تا بنشینند. بار دیگر پیامبر خدا گفتار خویش را تکرار نمود، باز علی علیه السلام برخاست و آمادگی خود را اعلام داشت، این بار نیز به او امر کرد که بنشینند. بار سوم نیز جز علی علیه السلام کسی بر نخاست، تنها او بود که در میان آن جماعت به پا خاست و پشتیبانی خود را از هدف مقدس آن حضرت علناً اعلام نمود و گفت: یا رسول الله من در این راه یار و یاور تو میباشم. پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم دست مبارک خود را بر دست علی علیه السلام زد، (یا به نقل ابن اثیر و دیگران علی علیه السلام می فرماید: پیامبر گردن مرا گرفت) و فرمود: إِنَّ هَذَا أَخِي وَ وَصِيَّيَّ وَ خَلِيفَتِي عَلَيْكُمْ فَاسْمِعُوا وَ أَطِيعُوا. «همانا این علی برادر، وصی و جانشین من در میان شما است سخن او را بشنوید و به فرمانش گردن نهید.» خویشاوندان پیامبر موضوع را ساده گرفتند و برخی خندیده و مسخره کردند و به ابوطالب گفتند: پس از این باید از پسرت بشنوی و از او اطاعت کنی. **** سوره شعراء آیه ۲۱۴. مجمع البیان ج ۷ ص ۲۶۰، و کامل ابن اثیر ج ۲ ص ۶۱، و تفسیر کشاف ج ۳ ص ۳۴۱، و تفسیر کبیر امام فخر رازی ج ۲۴ ص ۱۷۳، و تاریخ دمشق ج ۱ ص ۸۷، و دُرُ الْمَثُور ج ۵ ص ۹۷، و کفایه الطالب ص ۲۰۵. مجمع البیان ج ۷ ص ۲۰۶، و تفسیر المیزان ج ۱۵ ص ۳۳۵، و تاریخ دمشق ابن عساکر ج ۱۹ ص ۶۸، و المناقب فی ذَرِیَّةِ اطَّاب. حیوة محمد دکتر هیکل ص ۱۰۴، کامل ابن اثیر ج ۲ ص ۶۳، و کفایه الطالب ص ۲۵۰، و تاریخ دمشق ج ۱ ص ۸۹، و شرح ابن ابی الحدید ج ۱۳ ص ۲۱۱.

پیشقدم در شهادت طلبی

اشاره

در آن شب که چهل تن از قهرمانان شمشیرزن طوائف گوناگون عرب هم پیمان شدند که: با شمشیرهای عریان به خانه مبارک رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم حمله ور شوند، تا آن حضرت را قطعه قطعه نکنند به خانه خود باز نگردند، از این رو جان مبارک پیامبر خدا صلی الله علیه وآله وسلم در مخاطره عظیم قرار داشت، ایثار گری امام علی علیه السلام در آن لحظه های حساس روشن، بر همگان ثابت شد.

اعتراف شیخ سلیمان حنفی

با اسناد خود، از امام چهارم نقل می کند که فرمود: نخستین کسی که جان خود را در راه رضای الهی، جهت حراست جان پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم بنمایش گذاشت علی بن ابیطالب علیه السلام بود. (۱). این جان نثاری عظیم و فداکاری حیرت انگیز را شیعه و سنی نقل کرده اند. پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله وسلم در سال دهم بعثت در مکه بزرگترین حامی و مدافع خویش ابوطالب را از دست داد. بیش از چند روز از مرگ عمویش نگذشته بود، که همسر مهربان او خدیجه علیها السلام نیز که در تمام مواقع از بذل جان و مال در پیشبرد هدف مقدس پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم دریغ نمی داشت، چشم از جهان پوشید. با درگذشت دو حامی بزرگ، درجه فشار خفقان بر آن بزرگوار و پیروانش در مکه، روز به روز بیشتر می گردید تا آنجا که در سال سیزدهم بعثت، سران قریش در یک شورای عمومی تصمیم جدی گرفتند که ندای توحید را با زندانی کردن و کشتن و یا تبعید نمودن پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله وسلم خاموش سازند. خداوند متعال تصمیم آنها را به پیامبر خود چنین گزارش می دهد: اِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ، اَوْ يَقْتُلُوكَ، اَوْ يُخْرِجُوكَ وَ يَمْكُرُونَ وَ يَمْكُرُ اللَّهُ وَ اللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ (۲). «زمانی که مشرکان (مکه) نقشه می کشیدند که تو را به زندان بیافکنند و یا به قتل رسانند و یا از مکه خارج کنند و چاره می اندیشند و خداوند هم چاره جوئی و تدبیر می کند و او بهترین چاره جویان و مدبران است.» عاقبت سران قریش نظر دادند که از هر قبیله، فردی انتخاب

گردد و همه این افراد نیمه شب به خانه محمد صلی الله علیه و آله وسلم وارد شوند و او را با شمشیر قطعه قطعه کنند تا بتوانند از این راه جامعه بت پرستی را از تبلیغات او آسوده نمایند و از طرفی خون او در میان قبایل عرب پخش گردد و خاندان بنی هاشم را یارای مقابله با همه آنها نباشد. فرشته وحی، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم را از نقشه شوم مشرکان آگاه ساخت و دستور داد الهی را ابلاغ کرد که هر چه زودتر سرزمین مکه را به سوی یثرب ترک گوید. و از طرفی در شب هجرت، بستر پیامبر نباید خالی بماند باید کسی در خوابگاه پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم بخوابد و جان خود را فدای او و اسلام و خدا کرده و مشرکان مسلح را رهگیری کند. آن فرد ایثار گر جز فرزند ابیطالب، اول کسی است که اسلام آورد دیگری نخواهد بود. و از آغاز بعثت پروانه بار بر محور شمع فروزان رسالت همواره می چرخید. و روزی که قریش در مکه معظمه پیامبر اسلام را در شعب ابیطالب در محاصره قرار داده بودند، ابوطالب بارها علی، فرزند عزیز خود را برای حفظ جان پاک پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم، در خوابگاه او می خوابانید. (۳). سرانجام شب معهود فرا رسید و افراد مسلح قریش از تاریکی شب استفاده کرده، خانه وحی را به محاصره خود در آوردند. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم به علی علیه السلام دستور داد که: در بستر او بخوابد. (۴). و پارچه سبز رنگ «برد حضرمی» را که مخصوص پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم بود، روی خویش بکشد. (۵). اگر زنده بماند اموال مردم که به صورت امانت در نزد آن حضرت باقی مانده بود بصاحبانش برگردانده، و سپس افراد خانواده را به پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم برساند. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام از این پیشنهاد خوشحال شد و با کمال شجاعت و شهامت از آن استقبال نمود و در آن شب سرنوشت ساز، بر بستر پیامبر علیه السلام عزیز خوابید و جانبازی خود را در راه پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و دین مبین اسلام، عملاً به جهانیان ثابت کرد و با این فداکاری بی نظیر خود، ملکوتیان را به حیرت واداشت، تا آنکه این آیه شریفه آسمانی نازل گردید. وَمَنْ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبَادِ (۶). «برخی از مردم جان خود را برای خشنودی خدا می فروشند و خدا نسبت به بندگان خود مهربان است.» ***** ینابیع الموده ج ۱ باب ۲۱ ص ۷۹. آیه ۳۰ سوره انفال. تفصیل آن گذشت. کشاف ج ۲ ص ۳۱۵. فصول المهمه ص ۴۶، و سیره ابن هشام ج ۲ ص ۱۲۶. آیه ۲۰۷ بقره.

اعتراف جمعی از دانشمندان

ثعلبی از ابن عباس، و حاکم نیشابوری از ابی سعید خدری و مالکی از احياء العلوم غزالی و دیگران نقل می کنند که: در این حال خداوند متعال به جبرئیل و میکائیل وحی فرمود که من شما را با همدیگر برادر کردم و عمر یکی از شما را زیاده از دیگری قرار دادم الان کدام یک از شما حاضر است، ایثار به نفس کند و زندگی دیگری را بر خود مقدم دارد؟ در این حال هیچکدام به این معامله حاضر نشدند، پس به آنها وحی شد که حالا علی علیه السلام در بستر پیامبر من، خوابیده و آماده شده است که جان خود را فدای او بنماید، اکنون برای حفظ و نگهداری او به زمین فرود آئید. سپس جبرئیل بالای سر، و میکائیل جانب پائین پای اما علی علیه السلام قرار گرفتند. جبرئیل می گفت: آفرین بر تو ای فرزند ابوطالب، خداوند با تو بر فرشتگان خود مباحثات می کند که در اینجا آیه یاد شده نازل گردید و به همین دلیل آن شب تاریخی «لیله المبيت» نامیده شد. (۱). ***** شواهد التنزیل ج ۱ ص ۹۶، و فصول المهمه ص ۴۸، و ینابیع الموده ج ۱ باب ۲۱ ص ۷۹، و اثبات الوصیه ص ۹۷، و مناقب مرتضوی ص ۱۹۲، و احقاق الحق ج ۳ ص ۳۴، و مناقب شهر آشوب ج ۲ ص ۶۵، الغدير ج ۲ ص ۴۸، و مرحوم طبری در مجمع ج ۲ ص ۲۹۹، و امام فخر رازی در تفسیر کبیر ج ۵ ص ۲۰۴.

اشعاری منسوب به امام علی

در این رابطه اشعاری منسوب به امیرالمؤمنین علیه السلام است که نیکو سرود: وَقَيْتُ بِنَفْسِي خَيْرَ مَنْ وَطِئَ الْحَصَى وَ أَكْرَمَ خَلْقٍ طَافَ

بِالْبَيْتِ وَالْحِجْرِ وَبِتُّ أَرَاعِيهِمْ مَا يَسُوْنُنِي وَقَدْ صَبَرْتُ نَفْسِي عَلَى الْقَتْلِ وَالْأَسْرِ وَبَاتَ رَسُولُ اللَّهِ فِي الْغَارِ آمِنًا وَمَا زَالَ فِي حِفْظِ الْإِلَهِ وَفِي السِّرِّ مُحَمَّدٌ لَمَّا خَافَ أَنْ يَمْكُرُوا بِهِ فَجَاءَهُ ذُو الْوَلِّ الْعَظِيمُ مِنَ الْمَكْرِ «بَا جَان نَگَهِدَار و سپر بلا شدم بر وجودی که او افضل از همه آنچه که پا بر آن نهاده می شود. او گرامی ترین خلق است که بیت (خدا) و حجر (اسماعیل) را طواف نموده اند. خوابیدم در فراش پیامبر، که خطرهای از سوی دشمن تهدید می کرد و من خود را برای شهادت و اسارت آماده کرده بودم. در حالی که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم در غار با خاطره آسوده شب را به صبح رسانید که همواره در حفظ و پناه خداوند متعال باشد. محمد صلی الله علیه و آله وسلم از این ترسید که کفار قریش به او مکر و حيله نمایند، پس خداوند بزرگ او را از توطئه آنها نجات بخشید. (۱). بسیاری از سیره نویسان می نویسند: پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در حالی که آیاتی از سوره یاسین تلاوت می کرد یک مشت خاک بر سر مهاجمان قریش پاشید و صف محاصره کنندگان را شکافت و آنچنان عبور نمود که کسی متوجه او نشد. **** نور الابصار ص ۲۹۶، و فصول المهمه ص ۴۸، و مناقب شهر آشوب ج ۲ ص ۶۰.

اعتراف تاریخ

سرانجام افراد مسلح قریش با شمشیرهای آخته بطور دسته جمعی به خانه پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم هجوم آوردند. ناگاه فرزند رشید ابیطالب را با کمال شجاعت دیدند که از بستر پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم برخاست و برای دفاع آماده شد. چون علی را در جای پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم دیدند خشم و غضب سراپای وجودشان را فرا گرفت، رو به علی کرده و گفتند: محمد کجاست؟ امام علی علیه السلام فرمود: مگر او را به من سپرده بودید که از من می خواهید؟ و به روایتی فرمود من نمی دانم. (۱). ابن اثیر جزری گوید: مهاجمین علی را تا به مسجد الحرام کشیده، پس از کمی بازداشت او را آزاد ساختند. (۲). **** تاریخ دمشق ابن عساکر ج ۱ ص ۱۳۸. کامل ابن اثیر ج ۲ ص ۱۰۳.

اظهارات امام (در خطبه ۱۱۹ و نامه ۳۵)

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه ۱۱۹ نهج البلاغه نسبت به شهادت طلبی خویش می فرماید: وَاللَّهِ لَوْ لَا رَجَائِي الشَّهَادَةَ عِنْدَ لِقَائِي الْعِدُوِّ - وَلَوْ قَدْ حُمَّ لِي لِقَاؤُهُ - لَقَرَبْتُ رِكَابِي ثُمَّ شَخَصْتُ عَنْكُمْ فَلَا أَطْلُبُكُمْ مَا اخْتَلَفَ جَنُوبٌ وَشَمَالٌ؛ طَعَانِينَ عَيَّابِينَ، حَيَّادِينَ رَوَّاعِينَ. إِنَّهُ لَمَّا غَمَاءَ فِي كَثْرَةِ عَدَدِكُمْ مَعَ قَلَّةِ اجْتِمَاعِ قُلُوبِكُمْ. لَقَدْ حَمَلْتُكُمْ عَلَى الطَّرِيقِ الْوَاضِحِ الَّتِي لَمَّا يَهْلِكُ عَلَيْهَا إِلَّا هَالِكٌ، مَنِ اسْتَقَامَ فَإِلَى الْجَنَّةِ، وَمَنْ زَلَّ فَإِلَى النَّارِ! «به خدا سوگند اگر امیدواری به شهادت در راه خدا نداشتی، پای در رکاب کرده از میان شما می رفتم، و شما را نمی طلبیدم چندانکه باد شمال و جنوب می وزد زیرا شما بسیار طعنه زن، عیبجو، رویگردان از حق، و پر مکر و حيله اید مادام که افکار شما پراکنده است فراوانی تعداد شما سودی ندارد، من شما را به راه روشنی بردم که جز هلاک خواهان، هلاک نگردند، آن کس که استقامت کرد به سوی بهشت شتافت و آنکس که لغزید در آتش سرنگون شد.» و در نامه ۳۵ می فرماید: أَسْأَلُ اللَّهَ تَعَالَى أَنْ يَجْعَلَ لِي مِنْهُمْ فَرَجًا عَاجِلًا؛ فَوَاللَّهِ لَوْ لَا طَمَعِي عِنْدَ لِقَائِي عَدُوِّي فِي الشَّهَادَةِ، وَتَوَطُّبِي نَفْسِي عَلَى الْمَمِيَّةِ، لَأَحْبَبْتُ أَلَّا أَلْقَى مَعَ هَؤُلَاءِ يَوْمًا وَاحِدًا، وَلَا أَلْتَقِيَ بِهِمْ أَبَدًا. «از خدا می خواهم به زودی مرا از این مردم نجات دهد، به خدا سوگند اگر در پیکار با دشمن، آرزوی من شهادت نبود، و خود را برای مرگ آماده نکرده بودم، دوست می داشتم حتی یک روز با این مردم نباشم، و هرگز دیدارشان نکنم.» ****

پیشاز در هجرت

شیخ طوسی می نگارد: هنگامی که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم وارد مدینه شد نامه ای به وسیله ابو واقدلیثی، به حضور

علی علیه السلام ارسال داشت که خلاصه نامه چنین بود: یا علی فوراً به ما ملحق شو و توقف ننما. (۱). وقتی نامه پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم به دست امام علی علیه السلام رسید، فوراً به آن گروه از مؤمنان که آماده مهاجرت بودند پیغام داد تا مخفیانه از مکه (به سوی مدینه) حرکت کنند و در چند کیلومتری شهر به نام «ذی طوی» توقف نمایند تا قافله امام به آنان برسد. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بار سفر بست و زنان را به کمک «ایمن» فرزند «أم ایمن» سوار بر کجاوه کرد و به ابواقده آورنده نامه پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: شتران را آهسته حرکت ده زیرا زنان توانائی تندرستی ندارند. (۲) و منظور از زنان فقط فواطم بود یعنی (فاطمه علیها السلام دختر پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم، فاطمه بنت اسد مادر علی علیه السلام، فاطمه بنت زبیر بن عبدالمطلب) (۳). قافله امام علی علیه السلام مکه را به جانب مدینه ترک گفت. نزدیک بود که کاروان به سرزمین ضحجنان (۴) که هشت (۵) سوار نقاب دار از دور نمایان شدند و به سرعت اسبهای خود را به سوی کاروان می راندند. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بخاطر جلوگیری از هر نوع پیشامد بد و ناگواری برای زنان، به «ابو واقد» و «ایمن» دستور داد که فوراً شتران را بخوابانند و پاهای آنها را ببندند، سپس زنان را پیاده کرد که سواران با شمشیرهای برهنه سر رسیدند و در حالی که خشم گلوی آنان را می فشرد، شروع به بد گوئی کردند، و گفتند تصوّر می کنی با این زنان می توانی از دست ما فرار کنی؟! حتماً باید از این راه باز گردی. امام علی علیه السلام فرمود: اگر باز نگردم چه می شود؟ سواران گفتند: یا با زور تو را بر می گردانیم و یا با سر تو باز می گردیم!! پس از گفتن این جمله، بطرف شتران رو آوردند تا آنها را رم دهند. در این حال حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام با شمشیر خود مانع از پیشروی آنان گردید. یکی از آنها با شمشیر خود به جانب امام علی علیه السلام حمله برد، حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام شمشیر او را از خود باز گرداند و سپس در حالی که کانونی از خشم و غضب بود با شمشیر خود به سوی آنان حمله برد و شمشیر خود را متوجه یکی از آنان بنام «جناح» (غلام حارث بن امیه) ساخت. شمشیر نزدیک بود که بر شانه او فرود آید، ناگهان اسب او عقب پرید که ضربت امام بر پشت سر اسب او فرود آمد. «به روایتی علی علیه السلام آنچنان ضربتی بر دوش او فرود آورد که کتف وی به دو قسمت تقسیم شد.» (۶). سپس افزود: من عازم مدینه هستم و هدفی جز این ندارم که به حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم برسم، حال هر کسی می خواهد که گوشت او را قطعه قطعه کنم و خون او را بریزم بدنبال من بیاید و یا به من نزدیک شود، این جمله را گفت و سپس به ایمن و ابواقده فرمود: برخیزید و پای شتران را باز کنید و راه خود را پیش گیرید. مهاجمین از جرأت و شجاعت آن حضرت متوحش شدند و احساس کردند که علی علیه السلام تا پای جان حاضر است با آنان بجنگد، لذا از تصمیم خود منصرف شده و راه مکه را در پیش گرفتند. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام با کمال خونسردی، به راه خود ادامه داد تا به ضحجنان رسید و یک شب و یک روز در آنجا به استراحت پرداخت تا افراد دیگری که تصمیم به مهاجرت داشتند به وی بپیوندند. ابن صباغ مالکی گوید: جمعی از ضعفای مؤمنین که ام ایمن نیز از آنها بود، با کاروان همراه شدند. (۷). پس از ادامه حرکت، امام علی علیه السلام تمام این مسافت را با پای پیاده طی کرد و در تمام منازل، یاد خدا از زبان حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام دور نمی شد و در طی این مسافت نماز را با همسفران خود بجا می آورد. برخی از مفسرین نوشتند: آیه زیر درباره این افراد نازل گردیده است: الَّذِينَ يَذْكُرْنَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا. (۸). «آنها کسانی هستند که خدا را در حال ایستادن و نشستن و آنگاه که بر پهلو خوابیده اند، یاد می کنند و در اسرار آفرینش آسمانها و زمین می اندیشند و می گویند بار الها اینها را بیهوده نیافریده ای.» از طرفی رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در قبا (۹) در انتظار علی علیه السلام بود، ابوبکر اصرار می کرد که داخل شهر مدینه شوند ولی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: لَا أُرِيْمُ مِنْ هَذَا الْمَكَانِ حَتَّى يُوَافِيَ أَخِي عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ «از این مکان حرکت نخواهیم کرد تا برادرم علی به ما برسد.» (۱۰). امام علی علیه السلام با کاروان کوچک در محله «قبا» هنگامی بر پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم وارد شد که قدمهای مبارک وی ورم کرده بود. چون رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم علی را با آن وضع مشاهده کرد او را در آغوش کشید و اشک در چشمان آن حضرت

حلقه زد و آب دهان مبارک خود را بر قدمهای مجروح علی علیه السلام مالید که از کرامت آن حضرت، شفا یافت و تا آخر عمر از پای خود ناراحتی ندید. (۱۱). به هر حال وقتی کاروان حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به قبا رسید، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم با همراهی او از قبا به سوی مدینه حرکت کرد. (۱۲). اعتقاد کامل و ایمان والا، امام علی علیه السلام را به هجرت و مهاجرت توفیق داد تا هم خود و خانواده پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم و دیگر مهاجران را به سلامت از محدوده نفوذ مشرکین مکه خارج سازد و به رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم به پیوندد. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه ۵۷ نهج البلاغه نسبت به سبقت خویش در هجرت اشاره می کند و می فرماید: أَمَّا إِنَّهُ سَيَظْهَرُ عَلَيْكُمْ بَعْدِي رَجُلٌ رَحْبُ الْبُلْعُومِ، مُنْذِحُ الْبَطْنِ، يَأْكُلُ مَا يَجِدُ، وَيَطْلُبُ مَا لَا يَجِدُ، فَاقْتُلُوهُ، وَلَنْ تَقْتُلُوهُ! أَلَا وَإِنَّهُ سَيَأْمُرُكُمْ بِسَبِيٍّ وَالْبَرَاءَةِ مِنِّي؛ فَأَمَّا السَّبُّ فَسُبُّنِي، فَإِنَّهُ لِي زَكَاةٌ، وَلَكُمْ نَجَاةٌ؛ وَأَمَّا الْبَرَاءَةُ فَلَمَّا تَبَرَّأُوا مِنِّي؛ فَإِنِّي وَلِدتُ عَلَى الْفِطْرَةِ، وَسَبَقْتُ إِلَى الْإِيمَانِ وَالْهِجْرَةِ. آگاه باشید، پس از من مردی با گلوی گشاده و شکمی بزرگ بر شما مسلط خواهد شد، که هر چه بیابد می خورد، و تلاش می کند آنچه ندارد به دست آورد، او را بکشید! ولی هرگز نمی توانید او را بکشید آگاه باشید بزودی معاویه شما را به بیزاری و بد گوئی من وادار می کند، (۱۳) بد گوئی را به هنگام اجبار دشمن اجازه می دهد که مایه بلندی درجات من و نجات شماس، اما هرگز در دل از من بیزاری نجوئید که من بر فطرت توحید تولد یافته ام و در ایمان و هجرت از همه پیش قدم تر بوده ام. **** مکتب اسلام شماره ۹ ص ۲۰ سال ۱۵. مکتب اسلام شماره ۹ ص ۲۰ سال ۱۵. سفینه ج ۲ ص ۲۹۸، فصول المهمه ص ۴۷. ضجنان، کوه کوچکی است در حوالی مکه که از آنجا تا مکه ۲۵ میل راه است (معجم البلدان ج ۳ ص ۴۶۵. عبقریه الامام ص ۲۵ تألیف دکتر مهدی محبوبه، و مناقب شهر آشوب ج ۲ ص ۶۰، و زندگانی امیرالمؤمنین تألیف محمد جواد نجفی ص ۲۱۴. عبقریه الامام ص ۲۵۱، و زندگانی امیرالمؤمنین ص ۴۰۶. فصول المهمه ص ۵۲. سوره آل عمران آیه ۱۸۹. حموی گوید «قبا» نام چاهی است و در آن محل روستائی وجود دارد که بنام همین چاه معروف شده، مسافت آن تا مدینه دو میل است. معجم البلدان. اعلام الوری ص ۶۶. کامل ابن اثیر ج ۲ ص ۱۰۶، و علی من المهدی الی اللحد ص ۸۳. فصول المهمه ص ۵۲. پس از آنکه معاویه بر عراق تسلط یافت، به تمام شهرهای اسلامی آن روز دستورالعملی را فرستاد که در خطبه ها و نماز به امام علی علیه السلام ناسزا بگویند و بتدریج برای بنی امیه عادت شد تا آنکه عمر بن عبدالعزیز در دوران خلافت خود این عادت ناپسند را ریشه کن نمود.

سلامت در دین

اخلاص در ولایت

شخصی از اهل مدینه خدمت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام آمد و گفت: یا علی! من تو را دوست دارم و خلیفه سوم را نیز دوست دارم، آیا از نظر عقیده در سلامت هستم؟ امام علی علیه السلام پاسخ داد: تو مردی آعوری (کسی که چشم او کج باشد) یا بینائی را انتخاب کن و یا کوری را! یعنی دوست و دشمن را که نمی شود در یک دل جای داد، باید عقیده را سالم ساخت، و حق را یافت و در کنار حق، باطل را کنار زد. (۱). **** حذیقہ الشیعہ ص ۲۰۲.

بی فایده بودن قرآن بی ولایت

کمیل بن زیاد شبی با حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در کوچه های کوفه قدم می زد، که صدای قرآن دلنشینی کمیل را شگفت زده ساخت، صدائی را شنید که بگونه محزونی قرآن می خواند: أَمَّنْ هُوَ قَانَتْ آنَاءُ اللَّيْلِ (۱). «آیا آنها با ارزش می باشند یا آنکه شب را به عبادت می گذرانند؟» امام علی علیه السلام که متوجه شگفت زدگی کمیل شد فرمود: آیا صدای قرآن این مرد تو را به

تعجب واداشته؟ در حالی که این مرد بزودی وارد جهنم می شود. کمیل بیشتر تعجب کرد و نمی دانست آن شخص کیست؟ او یکی از منحرفان خوارج بود که عقیده سالمی نداشت، و امام زمان خود را بدرستی نمی شناخت و طعمه سیاستمداران نهروان شد. پس از جنگ نهروان در حالی که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام اشاره به جنازه ای می کرد به کمیل فرمود: این جنازه همان شخصی است که آن شب آیه، اَمِنْ هُوَ قَانَتْ اَنَاءَ اللَّيْلِ را می خواند.(۲). ***** سوره زمر آیه ۹. سفینه البحار ج ۲ ص ۴۹۷.

کمال فروتنی نسبت به پیامبر

شخصی یهودی خدمت امام علی علیه السلام رسید وقتی اخلاق و نورانیت امام را دید، و سئوالاتی را مطرح کرد و پاسخ روشن شنید: در حالیکه مجذوب شده بود، پرسید اَفَنِيَّ اَنْتَ؟ (آیا تو پیامبری؟) حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در پاسخ او فرمود: وَيْلَكَ اِنَّمَا اَنَا عَبْدٌ مِنْ عَبْدِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ «وای بر تو، همانا من بنده ای از بندگان محمد صلی الله علیه و آله وسلم می باشم.»(۱). ***** اصول کافی ج ۱ ص ۷۰ (معرب).

هماهنگی با پیامبر

امام علی علیه السلام پس از تولد که قناده او را رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم در آغوش کشید، تا نوجوان و جوانی، همواره با نظارت و رهنمودهای رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم رشد کرد و به کمالات معنوی رسید، که در یک سخنرانی فرمود: (۱). وَلَمْ يَجْمَعْ بَيْنَ وَاحِدٍ يَوْمَئِذٍ فِي الْإِسْلَامِ غَيْرَ رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - وَخَدِيحَةَ وَأَنَا ثَالِثُهُمَا. أَرَى نُورَ الْوَحْيِ وَالرَّسَالَةِ، وَأَشْمُ رِيحَ الثُّبُوءِ. وَلَقَدْ سَمِعْتُ رَنَّهُ الشَّيْطَانِ حِينَ نَزَلَ الْوَحْيُ عَلَيْهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا هَذِهِ الرَّئَةُ؟ فَقَالَ: «هَذَا الشَّيْطَانُ قَدْ أَيْسَ مِنْ عِبَادَتِهِ. إِنَّكَ تَسْمَعُ مَا أَسْمَعُ، وَتَرَى مَا أَرَى، إِلَّا أَنَّكَ لَسْتَ بِنَبِيٍّ، وَلَكِنَّكَ لَوْزِيرٌ وَإِنَّكَ لَعَلَى خَيْرٍ». «در آن روزها، در هیچ خانه ای مسلمانی راه نیافت جز خانه رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم که خدیجه هم در آن بود و من سؤمین آنان بودم، من نور وحی و رسالت را می دیدم، و بوی نبوت را می بوئیدم، من هنگامی که وحی بر پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرود می آمد، ناله شیطان را شنیدم، گفتم ای رسول خدا، این ناله کیست؟ گفت: شیطان است که از پرستش خویش مأیوس گردید، فرمود: «علی! تو آنچه را من می شنوم، می شنوی، و آنچه را که من می بینم، می بینی، جز اینکه تو پیامبر نیستی، بلکه وزیر من بوده و به راه خیر می روی.» ***** خطبه ۱۱۵/۱۹۲ نهج البلاغه معجم المفهرس مؤلف.

جهاد با یقین

از دیدگاه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام مبارزه و پیکاری ارزشمند است که از یقین و ایمان یک رزمنده مسلمان برخیزد، که جهت الگودهی در یک سخنرانی فرمود: وَلَقَدْ كُنَّا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ؛ نَقْتُلُ آبَاءَنَا وَأَبْنَاءَنَا وَإِخْوَانَنَا وَأَعْمَامَنَا: مَا يَزِيدُنَا ذَلِكَ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا، وَمُضِيًّا عَلَى اللَّقَمِ، وَصَبْرًا عَلَى مَضَضِ الْأَلَمِ، وَجِدًّا فِي جِهَادِ الْعِدُوِّ. وَلَقَدْ كَانَ الرَّجُلُ مِنَّا وَالْآخَرُ مِنْ عِدُوِّنَا يَتَصَاوَلَانِ تَصَاوُلَ الْفَخْلَيْنِ، يَتَخَالَسَانِ أَنْفُسَهُمَا أَتْيَهُمَا يَشِقِي صَاحِبُهُ كَأْسَ الْمُتَوْنِ، فَمَرَّةً لَنَا مِنْ عَدُوِّنَا، وَمَرَّةً لِعَدُوِّنَا مِنَّا. فَلَمَّا رَأَى اللَّهُ صِدْقَنَا أَنْزَلَ بِعَدُوِّنَا الْكُتْبَ، وَأَنْزَلَ عَلَيْنَا النَّصِيرَ، حَتَّى اسْتَفَرَّ الْإِسْلَامُ مُلْقِيًا جِرَانَهُ، وَتَبَوُّنًا أَوْطَانَهُ. وَلَعَمْرِي لَوْ كُنَّا نَأْتِي مَا أَتَيْتُمْ، مَا قَامَ لِلدِّينِ عَمُودٌ، وَلَا اخْضَرَّ لِلْإِيمَانِ عُودٌ. وَإِنَّمَا اللَّهُ لَتَحْلِبُنَهَا دَمًا، وَلَتُسَبِّحُنَهَا نَدْمًا! (۱). در رکاب پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم بودیم و با پدران و فرزندان و برادران و عموهای خود جنگ می کردیم، که این مبارزه برایمان و تسلیم ما می افزود، و ما را در جاده وسیع حق و صبر و برد باری برابر ناگواری ها و جهاد و کوشش برابر دشمن، ثابت قدم می ساخت. گاهی یک نفر از ما و دیگری از دشمنان ما، مانند دو پهلوان نبرد می کردند، و هر کدام می خواست کار دیگری را بسازد و جام مرگ را بدیگری بنوشاند،

گاهی ما بر دشمن پیروز می شدیم و زمانی دشمن بر ما غلبه می کرد. پس آنگاه که خدا، راستی و اخلاص ما را دید، خواری و ذلت را بر دشمنان ما نازل و پیروزی را بما عنایت فرمود، تا آنجا که اسلام استحکام یافته فراگیر شد و در سرزمین های پهناوری نفوذ کرد. به جانم سوگند، اگر ما در مبارزه مثل شما بودیم هرگز پایه ای برای دین استوار نمی ماند، و شاخه ای از درخت ایمان سبز نمی گردید. به خدا سوگند شما هم اکنون از سینه شتر خون می دوشید و سرانجامی جز پشیمانی ندارید. ***** خطبه ۵۶ نهج البلاغه معجم المفهرس مؤلف.

مناظره اعتقادی با خلیفه اول پیرامون ولایت

امام صادق علیه السلام روایت فرمود: آنگاه که امیرالمؤمنین علیه السلام را از حقّ مسلم خود محروم ساختند و امر خلافت بر ابابکر استقرار یافت. ابابکر خواست در برابر آن حضرت بر این عمل خلاف خود عذر بیاورد، لذا در خلوت به حضور آن حضرت رسید و شروع به عذر تراشی کرد و گفت: (یا ابالحسن، به خدا سوگند، مرا در کار خلافت میل و رغبتی نبود و نه آن اعتمادی را که امت به آن محتاجند در خود می بینم، و نه نیروی مالی دارم و نه عشیره زیادی، و نه خود را به این مقام از دیگران سزاوارتر می دانم). حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: اگر مسئله چنین است، پس چه چیز تو را به این کار وادار نموده است؟ خلیفه اول گفت: حدیثی از پیامبر شنیده ام که فرمود: خداوند امت مرا به گمراهی جمع نمی کند، چون اجماع مردم را دیدم از گفتار پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم پیروی کردم و هرگاه مردم را مخالف این امر می دانستم، هرگز این مقام را قبول نمی کردم. امام علی علیه السلام فرمود: از زبان پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نقل کردی که خداوند امت مرا به گمراهی جمع نمی کند، آیا من هم فردی از امت بودم یا نه؟ آیا گروه دیگری که از خلافت و بیعت امتناع داشتند، مانند: سلمان، عمار، ابوذر، مقداد، سعد بن عباد و جمعی از انصار که با او بودند، آیا از امت بودند یا نه؟ خلیفه اول گفت: آری شما و همه ایشان از امت بودید. حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: پس در این صورت حدیث پیامبر علیه السلام را چگونه برای خلافت خود دلیل و مدرک می دانی؟ در حالی که ایشان با خلافت تو مخالف بودند، و در میان امت برای آنها عیب و نقص نمی باشد و از یاران ممتاز پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم هستند. خلیفه اول گفت: من تا خاتمه کار خلافت از مخالفت ایشان بی اطلاع بودم، وقتی هم که با خبر شدم، ترسیدم، اگر خودم را کنار بکشم مردم از دین برگردند. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: بگو کسی که شایسته این مقام است چه خصوصّیاتی را باید داشته باشد؟ خلیفه اول گفت: خیرخواهی، وفا، عدم چاپلوسی، نیک سیرتی، آشکار ساختن عدالت، عالم بودن به کتاب و فصل الخطاب، داشتن زهد در دنیا و بی رغبتی نسبت به آن، اخذ نمودن حقّ مظلوم از ظالم و ستمگر و در این امر دور و نزدیک یکسان است. (بعد خلیفه اول ساکت شد). حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: سبقت در اسلام و قرابت با پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم چگونه؟ خلیفه اول گفت: آری باید سبقت در اسلام و قرابتش با پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم باشد. امام علی علیه السلام فرمود: تو را به خدا سوگند می دهم ابابکر! صفاتی را که گفتم، آیا در وجود خود می یابی، یا در وجود من؟ خلیفه اول گفت: در وجود تو یا ابالحسن. حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: تو را به خدا، آیا دعوت رسول خدا را، نخست من اجابت کردم یا تو. خلیفه اول گفت: البته تو. (۱). حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: آیا سوره براءت را من در مراسم حج به مشرکین ابلاغ کردم یا تو؟ خلیفه اول گفت: بلی تو قرائت کردی. حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: آیا در موقع هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم من جان شیرین خویش را سپر آن حضرت قرار دادم یا تو؟ خلیفه اول گفت: الحقّ که تو بودی. امام علی علیه السلام فرمود: آیا در روز غدیر «بنا به فرموده پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم» من مولای تو و همه مسلمانان شدم، یا تو؟ خلیفه اول گفت: بله تو. حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: آیا در آیه زکات ولایتی که با ولایت خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم هم ردیف آمده مربوط به تو است یا به من؟ خلیفه اول گفت: مربوط به تو است. امام علی علیه

السلام فرمود: آیا حدیث منزلت که از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم وارد شده «أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى» (۲) درباره من بوده یا درباره تو؟ خلیفه اول گفت: البتّه درباره تو. حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: آیا پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم برای مباحله مشرکین نصارا با اهل و فرزندان من به سوی آنها خارج شد یا با تو و فرزندان؟ خلیفه اول گفت: با تو و فرزندان خارج شد. امام علی علیه السلام فرمود: آیه تطهیر (۳) درباره من و اهل بیت من نازل شده یا درباره تو و اهل بیت تو؟ خلیفه اول گفت: یقیناً برای تو و اهل بیت تو نازل گردید. حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: آیا در زیر عبا (کساء) من و همسر فاطمه و فرزندانم به دعای پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم تأیید شدیم، یا تو؟ خلیفه اول گفت: تو و فرزندان تو بودید. امام علی علیه السلام فرمود: آیا من صاحب آیه «يُوفُونَ بِالْأَدْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا» (۴) هستم یا تو هستی؟ خلیفه اول گفت: البتّه توئی. حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: آیا تو بودی آنکه آفتاب برای او برگشت تا او نماز خود را خواند سپس غروب نمود، یا من بودم؟ خلیفه اول گفت: تو بودی. امام علی علیه السلام فرمود: آیا تو بودی آنکه در روز اُحد از جانب آسمان او را چنین ندا دادند: «لَا- فَتَى إِلَّا- عَلِيٌّ، لَا- سَيِّفَ إِلَّا ذُو الْقَرَارِ» یا من بودم؟ خلیفه اول گفت: البتّه تو بودی. حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: آیا تو بودی آنکه در روز خیر رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم پرچمش را به دست او داد، و خداوند با دست او قلعه خیر را گشود یا من بودم؟ خلیفه اول گفت: تو بودی. امام علی علیه السلام فرمود: آیا تو بودی که با کشتن «پهلوان نامی عرب» عمر بن عَبْدُودُ، غُصّه و اندوه را از چهره پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و مسلمین زایل کرد یا من بودم؟ خلیفه اول گفت: کار تو بود. حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: آیا پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم تو را به سوی طایفه جن مأموریت داد یا من را؟ خلیفه اول گفت: یا علی! تو بودی. امام علی علیه السلام فرمود: آیا آن کس که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم او را برای تزویج دخترش فاطمه علیها السلام برگزید و فرمود: خدا او را در آسمان برای تو تزویج کرده است، من هستم یا تو؟ خلیفه اول گفت: البتّه تو هستی. حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: آیا حَسَن و حسین علیهما السلام دو نواده و ریحانه پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم آنگاه که فرمود: «آن دو سید جوانان اهل بهشت هستند و پدرشان بهتر از آنهاست»، آن پدر منم یا تو؟ خلیفه اول گفت: البتّه تو هستی. امام علی علیه السلام فرمود: آیا برادر تو است آنکه به وسیله دو بال زینت یافت و در بهشت با فرشتگان پَر می زند، یا برادر من است؟ (۵). خلیفه اول گفت: برادر تو است. حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: آیا تو ضامن پرداخت قرض پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم بودی «که در میان مردم ندا می داد: آنکه از صاحبان وام، مدّت وامشان پایان یافته بیاید از من دریافت کند»، یا من بودم؟ (۶). خلیفه اول گفت: تو بودی. امام علی علیه السلام فرمود: آیا من هستم آنکه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم مرا به جنگِ ناکثین، قاسطین و مارقین با تأویل قرآن خبر داد یا تو؟ خلیفه اول گفت: آری تو هستی. حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: آیا آنگاه که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم می خواست آن مرغ بریان را که احسان کرده بودند، میل کند، عرض کرد: «خدا یا محبوبترین خلق خود را برای خوردن این طعام پیش من بفرست»، همان لحظه من رسیدم و از آن غذا خوردم، یا تو؟ (۷). خلیفه اول گفت: تو بودی. امام علی علیه السلام فرمود: آیا منم که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم به علم قضا و فصل الخطاب دلالت نمود و فرمود: عَلِيٌّ أَقْضَاكُمْ، یا تو؟ خلیفه اول گفت: تو بودی. حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: آیا منم که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم به اصحاب خود دستور داد که به عنوان امیرالمؤمنین به او سلام دهند یا تو؟ خلیفه اول گفت: البتّه تو هستی. امام علی علیه السلام فرمود: آیا منم آنکه به آخرین کلام پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم شاهد بودم و متولّی غسل و دفن او شدم یا تو؟ (۸). خلیفه اول گفت: آری توئی. حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: آیا از نظر قرابت به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم من سبقت دارم یا تو؟ خلیفه اول گفت: تو. امام علی علیه السلام فرمود: آیا برای فرو ریختن بتهای کعبه و شکستن آنها پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم مرا بر دوش خود گرفت یا تو را؟ خلیفه اول گفت: البتّه تو را. حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: آیا پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم درباره من فرمود که در دنیا و آخرت

صاحب لوای من هستی یا دربارہ تو؟ خلیفہ اوّل گفت: در بارہ تو فرمود. امام علی علیہ السلام فرمود: آیا تو بودی آن کس که پیامبر صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم در حقّ او به فاطمہ علیہا السلام فرمود: «تو با کسی ازدواج کردی که از حیث ایمان و اسلام بر همه مقدّم است»، یا من بودم؟ خلیفہ اوّل گفت: آن شخص تو بودی. حضرت امیرالمؤمنین علی علیہ السلام فرمود: آیا تو بودی که روز قلیب «بدر» مَلِکِکِ های هفت آسمان به او سلام دادند، یا من بودم؟ خلیفہ اوّل گفت: البتّہ تو بودی. امام علی علیہ السلام فرمود: آنگاه که رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم دستور داد همه آنهایی که درب خانه شان به مسجد باز می شد، باید بسته شود، بجز درِ خانه علی. و فرمود: «هر آنچه خداوند بر من حلال کرد، بر علی حلال است»، آیا تو آنکس بودی یا من؟ خلیفہ اوّل گفت: البتّہ تو بودی. پیاپی حضرت امیرالمؤمنین علی علیہ السلام از مناقب و فضائل خود، که خداوند و پیامبر صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم آنها را به آن حضرت داده بودند، بیان می فرمود و خلیفہ اوّل نیز همه آنها را تصدیق می کرد. آنگاه فرمود: پس چه چیز تو را از خدا و پیامبر صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم و دین خدا بازداشته و مقامی را که اہلّیتِ آن را نداری تصاحب کردی؟ خلیفہ اوّل در حالی که سخت ناراحت بود، گفت: یا اباالحسن راست فرمودی، امروز را به من مهلت بده تا در این بارہ بیندیشم. امام علی علیہ السلام قبول نمود. او از نزد آن حضرت به خانه خود مراجعت کرد و با کسی حرف نزد و شب خوابید و پیامبر صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم را در خواب دید، چون به آن حضرت سلام کرد، آن بزرگوار روی مبارکش را از او برگردانید. خلیفہ اوّل گفت: یا رسول اللہ، آیا دستوری فرموده ای که من آن را بجا نیاورده ام؟ حضرت فرمود: با آن کس که خداوند و پیامبرش او را دوست می دارند دشمنی کرده ای، حقّ را به اہلش بازگردان. خلیفہ اوّل گفت: آن شخص کیست؟ پیامبر صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم فرمود: او همان کسی است که بر تو عتاب کرد و او علی بن ابیطالب علیہ السلام است. خلیفہ اوّل گفت: یا رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم من حقّ را به او باز می گردانم. و دیگر آن حضرت را ندید. سحرگاه خلیفہ اوّل خدمت علی علیہ السلام آمد و گفت: یا اباالحسن دست را باز کن تا با تو بیعت کنم. و آنچه را که در خواب دیدہ بود برای آن حضرت نقل کرد. علی علیہ السلام دست خود را گشود و خلیفہ اوّل با آن حضرت دست بیعت داد. حضرت امیرالمؤمنین علی علیہ السلام فرمود: برگرد به سوی مسجد، آنچه را که در خواب دیدہ ای و آنچه میان من و تو اتفاق افتاد، آن را به آگاهی مردم برسان. خلیفہ اوّل در حالی که تغییر یافته و خود را ملامت می کرد، به سوی مسجد می رفت که در راه به خلیفہ دوّم برخورد، و ماجرا را برای او تعریف کرد. خلیفہ دوّم گفت: به خدا ای خلیفہ، گولِ سحر بنی ہاشم را نخور و به آنها وثوق نداشته باش، این نخستین سحر آنها نیست و از این کارها زیاد می کنند. از این حرف های اغوا کننده بسیار گفت، تا خلیفہ اوّل را از عزم خود منصرف ساخت و مجدداً او را به امر خلافت برگرداند. (۹). *****

در ذخائر العقبی از زید بن ارقم روایت شد: اوّلین کسی که اسلام آورد، علی بن ابیطالب علیہ السلام بود. مرحوم علامہ امینی قدس سرہ در جلد ۳ الغدیر ص ۲۱۹-۲۳۶ در این رابطہ از ائمہ حدیث و حافظان روایاتی بالغ بر صد حدیث روایت کرده است: نخستین کسی که ایمان آورد علی علیہ السلام بود. صواعق المحرقہ ص ۱۱۹ و سایر کتب اہل سنت و شرح حدیدی ج ۶ ص ۱۶۸. إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَ كُمْ تَطْهِيرًا، در جلد اوّل مشروحاً بیان شدہ. آیہ ۸ سورہ دہر. منظورِ امام، برادرش جعفر طیار است. کتاب ینابیع المودّہ ج ۱ ص ۹۱. ریاض نضرہ ج ۲ ص ۳۲۰، و مستدرک ج ۳ ص ۱۳۱. قبلاً شرح آن گذشت. احتجاج طبرسی ج ۱ ص ۱۵۷-۱۸۴ - و - ناسخ التّواریخ ج خلفاء ص ۷۷ (برخی از این مناقب شمرده شدہ را ابن ابی الحدید در ج ۶ ص ۱۶۸ شرح خود در جلسہ شورای خلیفہ دوّم از امام علی علیہ السلام نقل کرده است).

پاسخ به سؤالات علمی، اعتقادی

پاسخ به سؤالات اعتقادی دانشمندان یهود و نصاری

گروهی از احبار و دانشمندان یهود، وارد مدینه شدند و نزد خلیفه اول آمده و گفتند: در تورات چنین می خوانیم که: جانشینان پیامبران، دانشمند ترین امت هستند. اکنون که تو جانشین پیامبر هستی باید به سؤالات ما پاسخ بدهی. از تو می پرسیم که: خدا در کجاست؟ در آسمانها یا در زمین؟ خلیفه اول گفت: او در آسمان و در عرش است. یهودی گفت: در این صورت زمین از وجود خدا خالی است بنابه قول تو خدا در جایی هست و در جایی نیست. خلیفه اول گفت: از نزد من دور شوید و از اینگونه پرسش ها دست بردارید. یهودیان از سخن خلیفه در شگفت مانده و از نزد وی خارج شده، در حالی که اسلام را به مسخره گرفته بودند. در این لحظه حساس حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام با منطق استوار خود چنین پاسخ داد: إِنَّ اللَّهَ أَيْنَ الْأَيْنِ، فَلَا أَيْنَ لَهُ وَ جَلَّ أَنْ يَخُوِيَهُ مَكَانٌ وَ هُوَ فِي كُلِّ مَكَانٍ بَغَيْرِ مُمَاسَّةٍ وَ لَا مُجَوَرَةٍ، يُحِيطُ عِلْمُهُ بِمَا فِيهَا وَ لَا يَخْلُو شَيْءٌ مِنْ تَدْبِيرِهِ. «همانا مکان ها را خداوند آفرید، او بالاتر از آن است که مکان ها بتوانند او را فرا گیرند، او در همه جا هست، ولی هرگز با موجودی تماس و مجاورت ندارد. او بر همه چیز احاطه علمی دارد و چیزی از قلمرو تدبیر او بیرون نمی باشد.» و در تداوم مذاکرات علمی، دانشمندان یهودی در شگفت مانده و بی اختیار به حقایق گفتار حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام و شایستگی او برای مقام خلافت اعتراف کردند. امام علی علیه السلام افزود: «اکنون اگر از کتابهای شما دلیلی بیاورم که گفتار مرا تصدیق کند، آیا به اسلام ایمان خواهید آورد؟» گفتند: آری حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: «شما در یکی از کتابهای خود ندیده اید که روزی حضرت موسی نشسته بود، فرشته ای از جانب مشرق آمد و حضرت موسی پرسید: از کجا آمدی؟» فرشته گفت: از پیش خدا. در آن لحظه فرشته دیگری پیدا شد و گفت: من از آسمان هفتم از پیش خدا می آیم. و پس از آن فرشته دیگری ظاهر شد و گفت: از زمین هفتم از نزد خدا می آیم. حضرت موسی علیه السلام با شگفتی گفت: آری، هیچ مکانی از خدا خالی نمی باشد و به همه جا یکسان و به هیچ مکانی نزدیک تر از مکان دیگر نیست. یهودیان که این بیانات را شنیدند، گفتند: «گواهی می دهیم که سخن حق همان بود که تو فرمودی و شما شایسته تر از کسانی هستید که به جایگاه پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم دست یافته اند.» (۱). ***** ارشاد شیخ مفید ج ۱ ص ۱۸۹.

پاسخ به سؤالی پیرامون اصحاب کهف

«تفاوت میان سال شمسی و قمری» بار دیگر جماعتی از دانشمندان بلند پایه یهود وارد مدینه شدند و گفتند: قرآن شما درباره اصحاب کهف می گوید: وَلَبِثُوا فِي كَهْفِهِمْ ثَلَاثَ مِائَةٍ وَازْدَادُوا تِسْعًا (۱). «اصحاب کهف سیصد و نه سال در غار خوابیدند.» در صورتی که در تورات باقی ماندن آنها در غار، سیصد سال قید شده است و این دو کتاب در بیان آن با هم تفاوت دارند. در برابر این اشکال یهودیان، نه تنها خلیفه اول، بلکه همه اصحاب از پاسخ گوئی عاجز ماندند. ناچار این مشکل را نیز از علی علیه السلام پرسیدند. امام علی علیه السلام فرمود: خلاف و تضاد در میان این دو کتاب وجود ندارد، زیرا از نظر تاریخ آنچه نزد یهود معتبر است سال شمسی، و در نزد عرب سال قمری است و تورات به زبان یهود نازل شده و قرآن به زبان عربی است. و سیصد سال شمسی مساوی است با سیصد و نه سال قمری، زیرا: سال شمسی سیصد و شصت و پنج روز و سال قمری سیصد و پنجاه و چهار روز است و هر سال یازده روز و شش ساعت با هم اختلاف دارند، در نتیجه ۳۳ سال شمسی تقریباً سی و چهار سال قمری می شود و سیصد سال شمسی، سیصد و نه سال قمری است. (۲). ***** سوره کهف آیه ۲۵. علی کیست؟ ص ۱۰۴.

سلامت در عقیده

مجازات همفکری با بدکاران

لازم نیست انسان مرتکب جرمی یا جنایتی شود و مجازات گردد بلکه اگر از نظر عقیدتی و فکری در جرمی با ملتی هماهنگ شود، و به فساد و گناهان آنها رضایت دهد، مسئول است. باید از گناهکاران فاصله گرفت، و در اجتماع آنها شرکت نکرد. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نسبت به لشکریان بصره فرمود: «قَوْلَهُ لَوْ لَمْ يُصَيَّبُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ إِلَّا رَجُلًا وَاحِدًا مُعْتَمِدِينَ لِقَتْلِهِ بِلا جُزْمٍ جَزَهُ لَحَلَّ لِي قَتْلُ ذَلِكَ الْجَيْشِ كُلِّهِ» «سوگند به خدا اگر لشکریان بصره یکی از مسلمانان را عمدا بکشند، قتل همه آنها بر من حلال است» (۱). ***** خطبه ۸/۱۷۲ نهج البلاغه معجم المفهرس مؤلف.

ارزش نیت سالم

پس از پیروزی امام علی علیه السلام در جنگ جمل، یکی از یاران امام گفت: چه خوب بود برادرم می بود و پیروزی شما رامی دید. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: آیا قلب و فکر برادرت با ما بوده است؟ گفت: آری. امام علی علیه السلام فرمود: فَقَالَ لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَهَوَىٰ أَحَبَّكَ مَعَنَا؟ فَقَالَ: نَعَمْ. قَالَ: فَقَدْ شَهِدْنَا، وَلَقَدْ شَهِدْنَا! فِي عَشْرِنَا هَذَا أَقْوَامٌ فِي أَصْلَابِ الرِّجَالِ وَأَرْحَامِ النِّسَاءِ، سَيَرَعَفُ بِهِمُ الزَّمَانُ، وَيَقْوَىٰ بِهِمُ الْإِيمَانُ. (حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام پرسید: آیا فکر و دل برادرت با ما بود؟ گفت: آری. امام علی علیه السلام فرمود: پس او هم در این جنگ با ما بود، بلکه با ما در این نبرد شریکند آنهایی که حضور ندارند، در صلب پدران و رَحِم مادران می باشند، ولی با ما هم عقیده و آرمانند، به زودی متولد می شوند، و دین و ایمان به وسیله آنان تقویت می گردد.) (۱). ***** خطبه ۱۲ نهج البلاغه معجم المفهرس مؤلف.

معیار حق بودن

بسیاری در مسائل سیاسی، خود محورند و به همین دلیل شکست می خورند، و برخی در مسائل سیاسی سرگردان و مضطربند که طعمه حوادث گوناگون می گردند. اما آنها که در مباحث سیاسی دارای معیارهای کامل و الگوهای والا می باشند، به رشد و کمال معنوی رسیده و در تحولات سیاسی راه انحرافی نمی پیمایند. پس وجود معیارها، و الگوهای کامل یک ضرورت است که حضرت رسول الله علیه السلام برای امت اسلامی، حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را معیار حق و الگوی کامل معرفی فرمود. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام درباره معیار بودن خویش نسبت به مؤمن و منافق فرمود: قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَوْ ضَرَبْتُ خَيْشُومَ الْمُؤْمِنِ بِسِيفِي هَذَا عَلَىٰ أَنْ يُبَغِّضَنِي مَا أَبْغَضَنِي وَلَوْ صَبَّيْتُ الدُّنْيَا بِجَمَاتِهَا عَلَىٰ الْمُنَافِقِ عَلَىٰ أَنْ يُحِبَّنِي مَا أَحَبَّنِي وَ ذَلِكَ أَنَّهُ قُضِيَ فَأَنْقَضِيَ عَلَىٰ لِسَانِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ: يَا عَلِيُّ لَا يُبَغِّضُكَ مُؤْمِنٌ وَلَا يُحِبُّكَ مُنَافِقٌ. (۱). «اگر با این شمشیرم از بیخ بینی مؤمن بزنم تا مرا دشمن دارد، دشمن نخواهد داشت و اگر همه دنیا را اعم از بزرگ و کوچک آن در مقابل منافق بریزم و در اختیار او قرار دهم تا مرا دوست بدارد، دوست نخواهد داشت، زیرا که این حقیقت در زبان و فرموده رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم حتمی شده که فرمود: یا علی هیچ مؤمنی تو را دشمن نمی دارد و هیچ منافقی تو را دوست نخواهد داشت» ***** حکمت ۴۵ نهج البلاغه، معجم المفهرس مؤلف.

کمال اسلام

از دیدگاه امام علی علیه السلام، اسلام دین کامل و معجزه جاویدان الهی است و تا قیام قیامت پاسخگوی نیازمندی های انسان در تمام زمانها و مکان هاست. بنابر این فکر اصلاح دین، یا بازسازی دین و یا قبض و بسط شریعت و هرگونه تحریف و بدعت گذاری ممنوع و باطل خواهد بود، که در یک سخنرانی فرمود: تَرَدُّ عَلَىٰ أَحَدِهِمُ الْقَضِيَّةُ فِي حُكْمٍ مِنَ الْأَحْكَامِ فَيُحْكَمُ فِيهَا بِرَأْيِهِ، ثُمَّ تَرَدُّ تِلْكَ الْقَضِيَّةُ عَلَيْهِ بِعَيْنِهَا عَلَىٰ غَيْرِهِ فَيُحْكَمُ فِيهَا بِخِلَافِ قَوْلِهِ، ثُمَّ يَجْتَمِعُ الْقَضَاءُ بِذَلِكَ عِنْدَ الْإِمَامِ الَّذِي اسْتَقْضَاهُمْ، فَيَصُوبُ آرَاءَهُمْ جَمِيعًا

وَاللَّهُمَّ وَاحِدًا! وَبَيِّتُهُمْ وَاحِدًا، وَكِتَابُهُمْ، وَاحِدًا! أَفَأَمَرَهُمُ اللَّهُ - سُبْحَانَهُ - بِالْاِخْتِلَافِ فَأَطَاعُوهُ! أَمْ نَهَاَهُمْ عَنْهُ فَعَصَوْهُ! أَمْ أَنْزَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ دِينًا نَاقِصًا فَاشْتَبَعَانِ بِهِمْ عَلَى إِتْمَامِهِ! أَمْ كَانُوا شُرَكَاءَ لَهُ، فَلَهُمْ أَنْ يَقُولُوا، وَعَلَيْهِ أَنْ يَرْضَى؟ أَمْ أَنْزَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ دِينًا تَامًا فَقَصَرَ الرَّسُولُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عَنْ تَبْلِيغِهِ وَأَدَائِهِ وَاللَّهُ سُبْحَانَهُ يَقُولُ: «مَا قَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ» وَفِيهِ تَبَيُّانٌ لِكُلِّ شَيْءٍ، وَذَكَرَ أَنَّ الْكِتَابَ يُصَيِّدُ بَعْضَهُ بَعْضًا، وَأَنَّهُ لَمَّا اِخْتَلَفَ فِيهِ فَقَالَ سُبْحَانَهُ: «وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا». وَإِنَّ الْقُرْآنَ ظَاهِرُهُ أُنِيقٌ وَبَاطِنُهُ عَمِيقٌ، لَمَّا تَفَنَّى عَجَائِبُهُ، وَلَا تَنَقَضَتْ غَرَائِبُهُ، وَلَا تُكْشَفُ الظُّلُمَاتُ إِلَّا بِهِ. «دعوی نزدیک از علماء می برند، پس با رأی خود، در یکی از احکام الهی، حکم می کند، همان دعوی را نزد دیگری می برند، او درست بر خلاف رأی اولی، حکم می کند، پس همه قضات نزد رئیس خود که آنان را به قضاوت منصوب کرد، جمع می گردند، او رأی همه را بر حق می شمارد!! در صورتی که خدایشان یکی، پیغمبرشان یکی، و کتابشان یکی است، آیا خدای سبحان، آنها را به اختلاف امر فرمود؟ که اطاعت کردند؟ یا آنها را از اختلاف پرهیز داد و معصیت خدا نمودند؟ آیا خدای سبحان، دین ناقصی فرستاد و در تکمیل آن از آنها استمداد کرده است؟ آیا آنها شرکاء خدایند که هر چه می خواهند در احکام دین بگویند، و خدا رضایت دهد؟ آیا خدای سبحان، دین کاملی فرستاد پس پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در ابلاغ آن کوتاهی ورزید؟ در حالیکه خدای سبحان می فرماید: «ما در قرآن از چیزی را فرو گذار نکردیم» (انعام ۳۸). و فرمود: «در قرآن بیان هر چیزی است» (نحل ۸۹). و یادآور شدیم که: بعض قرآن گواه بعض دیگر است و اختلافی در آن نیست. پس خدای سبحان فرمود: اگر قرآن از طرف غیر خدا نازل می شد اختلافات زیادی در آن می یافتند. (نساء ۸۲) همانا قرآن دارای ظاهری زیبا، و باطنی ژرف و ناپیداست، مطالب شگفت آور آن تمام نمی شود، و اسرار نهفته آن پایان نمی پذیرد، و تاریکی ها بدون قرآن بر طرف نخواهد شد.»*****

راه های خداشناسی

راه های خداشناسی (در خطبه ۱۶۵)

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در سراسر نهج البلاغه، هم براهین و استدلال های گویا برای اثبات وجود خدا می آورد و هم به انواع راه های خداشناسی اشاره می فرماید. تا عموم مردم با مشاهده زیبایی های خدا در طبیعت، دست هنرمند خدا را در همه چیز و همه جا به خوبی بنگرند، امام علی علیه السلام در خطبه ۱۶۵ با توجه به شگفتی خلقت پرندگان مباحث دقیق زیر را مطرح فرمود، مانند: شگفتی آفرینش انواع پرندگان شگفتی آفرینش طاووس روانشناسی حیوانی طاووس شگفتی رنگ آمیزی پرهای طاووس عجز انسان از درک حقائق موجود در طاووس شگفتی آفرینش جانداران کوچک توصیف ویژگی های بهشت عجائب خلقه الطاووس وَمِنْ أَعْجَبِهَا خَلْقًا الطَّائِفُ الَّذِي أَقَامَهُ فِي أَحْكَمِ تَعْدِيلٍ، وَنَضَّدَ أَلْوَانَهُ فِي أَحْسَنِ تَنْضِيدٍ، بِجَنَاحٍ أَشْرَجَ قَصَبَهُ، وَذَنْبٍ أَطَالَ مَسَاجِدَهُ. شگفتی های آفرینش طاووس «و از شگفت انگیز ترین پرندگان در آفرینش طاووس است، که آن را در استوارترین شکل موزون بیافرید، و رنگهای پر و بالش را به نیکوترین رنگ ها بیاراست، با بال های زیبا که پرهای آن به روی یکدیگر انباشته است.»

نشانه های خدا در هستی

اشاره

امام علی علیه السلام در یک سخنرانی عقیدتی دیگر، راه های خداشناسی را در پرتو «نشانه های خدا در هستی» به خوبی می شناساند و ویژگی های زیر را مطرح می کند، مانند: خداشناسی ویژگی های پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم راه های

خداشناسی شگفتی آفرینش مَلَخ نشانه های خدا در طبیعت

معرفه الله

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا تَذَرُكُهُ الشَّوَاهِدُ، وَلَا تَحْوِيهِ الْمَشَاهِدُ، وَلَا تَرَاهُ النَّوَظِرُ، وَلَا تَحْجُبُهُ السَّوَاتِرُ، الدَّالُّ عَلَى قَدَمِهِ بِحُدُوثِ خَلْقِهِ، وَبِحُدُوثِ خَلْقِهِ عَلَى وُجُودِهِ، وَبِاشْتِبَاهِهِمْ عَلَى أَنْ لَا شَبَهَ لَهُ. الَّذِي صَدَقَ فِي مِيعَادِهِ، وَارْتَفَعَ عَنْ ظُلْمِ عِبَادِهِ، وَقَامَ بِالْقِسْطِ فِي خَلْقِهِ، وَعَدَلَ عَلَيْهِمْ فِي حُكْمِهِ. مُسْتَشْهَدٌ بِحُدُوثِ الْأَشْيَاءِ عَلَى أَرْزَلَتِهِ، وَبِمَا وَسَمَهَا بِهِ مِنَ الْعَجْزِ عَلَى قُدْرَتِهِ، وَبِمَا اضْطَرَّهَا إِلَيْهِ مِنَ الْفَنَاءِ عَلَى دَوَامِهِ. وَاحِدٌ لَا يَعِدُّ، وَدَائِمٌ لَا يَأْمِدُ، وَقَائِمٌ لَا يَعْصِدُ. تَتَلَقَّاهُ الْأَذْهَانُ لَا بِمُشَاعَرَةٍ، وَتَشْهَدُ لَهُ الْمَرَائِي لَا بِمُحَاضَرَةٍ. لَمْ تُحِطْ بِهِ الْأَوْهَامُ، بَلْ تَجَلَّى لَهَا بِهَا، وَبِهَا امْتَنَعَ مِنْهَا، وَإِلَيْهَا حَاكَمَهَا. لَيْسَ بِذِي كِبَرٍ امْتَدَّتْ بِهِ النَّهَايَاتُ فَكَبَّرَتْهُ تَجَسِّمًا، وَلَا بِذِي عِظَمٍ تَنَاهَتْ بِهِ الْغَايَاتُ فَعَظَّمَتْهُ تَجَسِّدًا؛ بَلْ كَبَّرَ شَأْنًا، وَعَظَّمَ سُلْطَانًا. خداشناسی ستایش خداوندی را سزااست که حواس او را درک نکنند، و مکان ها او را در بر نگیرند، دیدگان او را ننگرند، و پوششها او را پنهان ن سازند، با حدوث آفرینش ازلی بودن خود را ثابت کرد، و با پیدایش انواع پدیده ها وجود خود را اثبات فرمود، و با همانند داشتن مخلوقات ثابت شد که خدا همانندی ندارد. خدا در وعده های خود راستگو، و برتر از آن است که بر بندگان ستم روا دارد، میان مخلوقات به عدل و داد رفتار کند، و در اجرای احکام عادلانه فرمان دهد، حادث بودن اشیاء گواه بر ازلیت اوست، و ناتوانی موجود دلیل قدرت بیمانند او، و نابودی پدیده ها گواه دائمی بودن اوست. خدا یکی است نه با شمارش، همیشگی است نه با محاسبه زمان، برپاست نه با نگهدارنده ای، اندیشه ها او را می شناسند نه با درک حواس، نشانه های خلقت به او گواهی می دهند نه به حضور مادی، فکرها و اندیشه ها بر ذات او احاطه ندارند، که با آثار عظمت خود بر آنها تجلّی کرده است، و نشان داد که او را نمی توانند تصوّر کنند، و داوری این ناتوانی را بر عهده فکرها و اندیشه ها نهاد بزرگی نیست دارای درازا و پهنا و ژرفا، که از جسم بزرگی برخوردار باشد، و با عظمتی نیست که کالبدش بی نهایت بزرگ و ستبر باشد، بلکه بزرگی خدا در مقام رتبت، و عظمت او در قدرت و حکومت اوست. *****

خصائص النبی

وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ الصَّفِيُّ، وَأَمِينُهُ الرَّضِيُّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - أَرْسَلَهُ بِوُجُوبِ الْحُجَجِ، وَظُهُورِ الْفَلَجِ، وَإِضَاحِ الْمُنْهَجِ، فَبَلَّغَ الرِّسَالَةَ صَادِعًا بِهَا، وَحَمَلَ عَلَى الْمَحْجَةِ دَالًّا عَلَيْهَا، وَأَقَامَ أَعْلَامَ الْإِهْتِدَاءِ وَمَنَارَ الضِّيَاءِ، وَجَعَلَ أَمْرَاسَ الْإِسْلَامِ مَتْنَةً، وَعَرَا الْإِيمَانَ وَثِيقَةً. ویژگی های پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله وسلم گواهی می دهد که محمد صلی الله علیه وآله وسلم بنده و فرستاده خدا، و پیامبر برگزیده، و امانتدار پسندیده اوست «درود خدا بر او و عترت او باد» خدا او را با حجت های الزام کننده، و پیروزی آشکار، و راه روشن فرستاد، پس رسالت خود را آشکارا رساند، و مردم را به راه راست واداشت، و بهمگان نشان داد، نشانه های هدایت را برافراشت، و چراغهای روشن را بر سر راه آدمیان گرفت، رشته های اسلام را استوار کرد، و دستگیره های ایمان را محکم و پایدار نمود. *****

طرق معرفة الله

وَلَوْ فَكَّرُوا فِي عَظِيمِ الْقُدْرَةِ، وَجَسِيمِ النِّعْمَةِ، لَرَجَعُوا إِلَى الطَّرِيقِ، وَخَافُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ، وَلَكِنَّ الْقُلُوبَ عَلَيْهِمْ، وَالْبَصَائِرُ مَدْخُولَةٌ! أَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى صَیْغَرِ مَا خَلَقَ، كَيْفَ أَحْكَمَ خَلْقَهُ، وَأَتَقَنَ تَرْكِيبَهُ، وَفَلَقَ لَهُ السَّمْعَ وَالْبَصِيرَ، وَسَوَّى لَهُ الْعَظْمَ وَالْبَشَرَ! انْظُرُوا إِلَى النَّمْلَةِ فِي صِغَرِ جُثَّتِهَا، وَلَطَافَةِ هَيْئَتِهَا، لَا تَكَادُ تُنَالُ بِلِحْظِ الْبَصِيرِ، وَلَا بِمُسَيِّدَرِكِ الْفِكْرِ، كَيْفَ دَبَّتْ عَلَى أَرْضِهَا، وَصُيِّبَتْ عَلَى رِزْقِهَا، تَنْقُلُ الْحَبَّةَ

إِلَى جُحْرِهَا، وَتَعُدُّهَا فِي مُسْتَقَرِّهَا. تَجْمَعُ فِي حَرِّهَا لِيُرِدَهَا، وَفِي وَرْدِهَا لِصِدْرِهَا؛ مَكْفُولٌ بِرِزْقِهَا، مَرْزُوقَةٌ بِوَقْفِهَا؛ لَا يُغْفَلُهَا الْمَنَانُ، وَلَا يَحْرُمُهَا الدِّيَانُ، وَلَوْ فِي الصَّافَا الْيَابِسِ، وَالْحَجَرِ الْجَامِسِ! وَلَوْ فَكَّرْتَ فِي مَجَارِي أَكْلِهَا، فِي غُلُوبِهَا وَسَفْلِهَا، وَمَا فِي الْجَوْفِ مِنْ شَرَّاسِيفِ بَطْنِهَا، وَمَا فِي الرَّأْسِ مِنْ عَيْنِهَا وَأَذْنِهَا، لَقَضَيْتَ مِنْ خَلْقِهَا عَجَبًا، وَلَقِيتَ مِنْ وَصْفِهَا تَعَبًا! فَتَعَالَى الَّذِي أَقَامَهَا عَلَى قَوَائِمِهَا، وَبَنَاهَا عَلَى دَعَائِمِهَا! لَمْ يَشْرُكْهُ فِي فِطْرَتِهَا فَاطِرٌ، وَلَمْ يُعْنَهُ عَلَى خَلْقِهَا قَادِرٌ. وَلَوْ ضَرَبْتَ فِي مِذَاهِبِ فِكْرِكَ لِتَبْلُغَ غَايَاتِهِ، مَا دَلَّتْكَ الدَّلَالَةُ إِلَّا عَلَى أَنَّ فَاطِرَ النَّمْلَةِ هُوَ فَاطِرُ النُّحْلَةِ، لِذَقِيقِ تَفْصِيلِ كُلِّ شَيْءٍ، وَغَامِضِ اخْتِلَافِ كُلِّ حَيْثٍ. وَمَا الْجَلِيلُ وَاللَّطِيفُ، وَالثَّقِيلُ وَالْخَفِيفُ، وَالْقَوِيُّ وَالضَّعِيفُ، فِي خَلْقِهِ إِلَّا سَوَاءً، وَكَذَلِكَ السَّمَاءُ وَالْهَوَاءُ، وَالرِّيَّاحُ وَالْمَاءُ. فَانْظُرْ إِلَى الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ، وَالنَّبَاتِ وَالشَّجَرِ، وَالْمَاءِ وَالْحَجَرِ، وَاخْتِلَافِ هَذَا اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، وَتَفَجُّرِ هَذِهِ الْبِحَارِ، وَكَثْرَةِ هَذِهِ الْجِبَالِ، وَطُولِ هَذِهِ الْقِلَالِ وَتَفَرُّقِ هَذِهِ اللُّغَاتِ، وَالْأَلْسِنِ الْمُخْتَلِفَاتِ. فَالْوَيْلُ لِمَنْ أَنْكَرَ الْمُقَدَّرَ، وَجَحَدَ الْمُدَبِّرَ! زَعَمُوا أَنَّهُمْ كَالنَّبَاتِ مَا لَهُمْ زَارِعٌ، وَلَا لِاخْتِلَافِ صُورِهِمْ صَانِعٌ، وَلَمْ يَلْجَأُوا إِلَى حُجَّتِهِ فِيهَا ادَّعَوْا، وَلَا تَحْقِيقِي لِمَا ادَّعَوْا، وَهَلْ يَكُونُ بِنَاءٌ مِنْ غَيْرِ بَانٍ، أَوْ جَنَائِيَةٌ مِنْ غَيْرِ جَانٍ! راه های خداشناسی اگر مردم در عظمت قدرت خدا، و بزرگی نعمت های او می اندیشیدند، به راه راست باز می گشتند، و از آتش سوزان می ترسیدند، اما دلها بیمار، و چشمها معیوب است. آیا به مخلوقات کوچک خدا نمی نگرند؟ که چگونه آفرینش آن را استحکام بخشید؟ و ترکیب اندام آن را برقرار، و گوش و چشم برای آن پدید آورد، و استخوان و پوست متناسب خلق کرد؟ به مورچه و کوچکی جثه آن بنگرید، که چگونه لطافت خلقت او با چشم و اندیشه انسان درک نمی شود، نگاه کنید! چگونه روی زمین راه می رود، و برای به دست آوردن روزی خود تلاش می کند؟ دانه ها را به لانه خود منتقل می سازد، و در جایگاه مخصوص نگه می دارد، در فصل گرما برای زمستان تلاش می کند و به هنگام درون رفتن بیرون آمدن را فراموش نمی کند. روزی مورچه تضمین گردیده، و غذاهای متناسب با طبعش آفریده شده است، خداوند مَنان از او غفلت نمی کند، و پروردگار پاداش دهنده محرومش نمی سازد، گرچه در دل سنگی سخت و صاف یا در میان صخره ای خشک باشد، اگر در مجاری خوراک و قسمت های بالا و پائین دستگاه گوارش و آنچه در درون شکم او از غصروفهای آویخته به دنده تا شکم، و آنچه در سر اوست از چشم و گوش، اندیشه نمائی، از آفرینش مورچه دچار شگفتی شده و از وصف او به زحمت خواهی افتاد. پس بزرگ است خدائی که مورچه را بر روی دست و پایش بر پاداشت، و پیکره وجودش را با استحکام نگاهداشت در آفرینش آن هیچ قدرتی او را یاری نداد و هیچ آفریننده ای کمکش نکرد. اگر اندیشه ات را بکار گیری تا به راز آفرینش پی برده باشی، دلائل روشن بتو خواهند گفت که آفریننده مورچه کوچک همان آفریدگار درخت بزرگ خرماسست، بجهت دقتی که جدا جدا در آفرینش هر چیزی بکار رفته، و اختلافات و تفاوت های پیچیده ای که در خلقت هر پدیده حیاتی نهفته است، همه موجودات سنگین و سبک، بزرگ و کوچک، نیرومند و ضعیف در اصول حیات و هستی یکسانند، و خلقت آسمان و هوا و بادهای و آب یکی است. پس اندیشه کن در آفتاب و ماه، و درخت و گیاه، و آب و سنگ، و اختلاف شب و روز، و جوشش دریاها، و فراوانی کوهها، و بلندای قله ها، و گوناگونی لغت ها، و تفاوت زبان ها، که نشانه های روشن پروردگارند. پس وای بر آنکس که تقدیر کننده را نپذیرد، و تدبیر کننده را انکار کند، گمان کردند که چون گیاهانند و زارعی ندارند، و اختلاف صورتهایشان را سازنده ای نیست، بر آنچه ادعا می کنند حجت و دلیلی ندارند، و بر آنچه در سر می پروراند تحقیقی نمی کنند. آیا ممکن است ساختمانی بدون سازنده، یا جنایتی بدون جنایتکار باشد؟ *****

عجائب خلقه الجرادۃ

وَإِنْ شِئْتَ قُلْتَ فِي الْجَرَادَةِ، إِذْ خَلَقَ لَهَا عَيْنَيْنِ حَمْرَاوَيْنِ، وَأَسْرَجَ لَهَا حَدَقَتَيْنِ قَمْرَاوَيْنِ، وَجَعَلَ لَهَا السَّمْعَ الْخَفِيَّ، وَفَتَحَ لَهَا الْفَمَ السَّوِيَّ، وَجَعَلَ لَهَا الْحِسَّ الْقَوِيَّ، وَنَابِئِينَ بِهَمَّا تَقْرِضُ، وَمِنْجَلَيْنِ بِهَمَّا تَقْبِضُ. يَرْهَبُهَا الزَّرَّاعُ فِي زَرْعِهِمْ، وَلَا يَسْتَطِيعُونَ ذَبَّهَا، وَلَوْ أَجْلَبُوا بِجَمْعِهِمْ، حَتَّى تَرِدَ الْحَرْثُ فِي نَزَوَاتِهَا، وَتَقْضِي مِنْهُ شَهَوَاتِهَا. وَخَلَقَهَا كُلُّهُ لِمَا يُكُونُ إِصْبَعًا مُسْتَدِقَّةً. شَكَّيْتُ آفَرِينَش مَلْنَحْ وَاگَرِ خَوَاهِي دَر

شگفتی ملخ سخن گو، که خدا برای او دو چشم سرخ، دو حدقه چونان ماه تابان آفرید، و به او گوش پنهان، و دهانی متناسب اندامش بخشیده است، دارای حواس نیرومند، و دو دندان پیشین که گیاهان را می چیند، و دو پای داس مانند که اشیاء را بر می دارد، کشاورزان برای زراعت از آنها می ترسند و قدرت دفع آنها را ندارند گرچه همه متحد شوند. ملخ ها نیرومندان وارد کشتزار می شوند و آنچه میل دارند می خورند، در حالیکه تمام اندامشان به اندازه یک انگشت باریک نیست! ****

دلائل وجود الله فی العالم

فَتَبَارَكَ اللَّهُ الَّذِي «يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا»، وَيُعْظَرُ لَهُ خَدًّا وَوَجْهًا، وَيُلْقَى إِلَيْهِ بِالطَّاعَةِ سَلَامًا وَضَعْفًا، وَيُعْطَى لَهُ الْقِيَادَ رَهْيَةً وَخَوْفًا! فَالطَّيْرُ مَسِيرُهُ لِحَمْلِهِ؛ أَحْصَى عِدَدَ الرِّيشِ مِنْهَا وَالنَّفْسَ، وَأَرْسَى قَوَائِمَهَا عَلَى النَّدَى وَالْيَبْسِ؛ وَقَدَّرَ أَقْوَاتَهَا، وَأَحْصَى أَجْنَاسَهَا. فَهَذَا غَرَابٌ وَهَذَا عَقَابٌ. وَهَذَا حِمَامٌ وَهَذَا نَعَامٌ. دَعَا كُلَّ طَائِرٍ بِاسْمِهِ، وَكَفَلَ لَهُ بِرِزْقِهِ. وَأَنْشَأَ «السَّحَابَ الثَّقَالَ» فَأَهْطَلَ دِيمَهَا، وَعَدَّدَ قَسِيمَهَا. قَبْلَ الْأَرْضِ بَعِيدَ جُفُوفِهَا، وَأَخْرَجَ نَبْتَهَا بَعِيدَ جُدُوبِهَا. نشانه های خدا در طبیعت پس بزرگ است خداوندی که تمام موجودات آسمان و زمین، خواه و ناخواه او را سجده می کنند، و در برابر او با خضوع چهره بر خاک می ساینند، و رشته اطاعت او را در تندرستی و ناتوانی به گردن می نهند، و از روی ترس و بیم زمام اختیار خود را به او می سپارند. پرندگان رام فرمان اویند، از تعداد پر ها و نفس های پرندگان آگاه است، برخی را پرنده آبی و گروهی را پرنده خشکی آفرید، و روزی آنها را مقدر فرمود، و اقسام گوناگون آنها را می داند، این کلاغ است و آن عقاب، این شتر مرغ است و آن کبوتر هر پرنده ای را به نام خاصی فرا خواند، و روزیش را فراهم کرد، خدائی که ابرهای سنگین را ایجاد، و بارانهای پی در پی را فرستاد، و سهم باران هر جائی را معین فرمود، زمینهای خشک را آبیاری کرد، و گیاهان را پس از خشکسالی رویاند. ****

ایمان به رسول خدا

اگر بخواهیم درجات ایمان و اعتقاد حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را نسبت به رسول خدا صلی الله علیه وآله آنگونه که بود از نظر جنبه های اعتقادی، اجتماعی، سیاسی، معنوی بیاوریم، این فصل خود کتاب مستقل و پر حجمی خواهد شد، به ناچار به برخی از اظهارات عقیدتی امام علی علیه السلام نسبت به پیامبر اسلام بسنده می کنیم. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه ۷۲ نهج البلاغه فرمود: الدعاء للرسول صلی الله علیه وآله اللهم افسح له مفسحاً في ظلك؛ واجزه مضاعفات الخير من فضلك. اللهم وأعل على بناء الزينين بناءة، وأكرم لمدىك منزلته، وأتمم له نوره، واجزه من أيتائك له مقبول الشهادة، مرضي المقالبة، ذا منطوق عذل، وخطبة فضيل. اللهم اجمع بيننا وبينه في بؤر العيش وقرار النعمة، ومنى الشهوات، وأهواء اللذات، ورخاء الدعة، ومنتهى الطمأنينة، وتحتف الكرامة. دعا برای پیامبر صلی الله علیه وآله «پروردگارا! برای پیامبر صلی الله علیه وآله در سایه لطف خود جای با وسعتی بگشای، و از فضل و کرم پاداش او را فراوان گردان. خداوندا! کاخ آیین او را از هر بنایی برتر، و مقام او را در پیشگاه خود گرامی دار، نورش را کامل گردان، و پاداش رسالت او را پذیرش گواهی و شفاعت و قبول گفتار او قرار ده، زیرا که دارای منطقی عادلانه، و راه جدا کننده حق از باطل بود. بار خدایا! بین ما و پیغمبرت در نعمت های جاویدان، و زندگانی خوش، و آرزوهای برآورده، و خواسته های به انجام رسیده، در کمال آرامش، و در نهایت اطمینان، همراه با مواهب و هدایای با ارزش، جمع گردان!». و در یک سخنرانی دیگر (خطبه ۴۱/۱) فرمود: إلى أن بعث الله سبحانه محمداً رسول الله صلی الله علیه وآله لإنجاز عِدَّتِهِ، وإتمام نُبُوتِهِ، مأخوذاً على النبين ميثاقه، مشهوراً سَمَائِهِ، كريماً ميلاده. وأهل الأرض يومئذٍ ملئ متفرقة، وأهواء متشعبة، وطرائق متشعبة، بين مشبه لله بخلق، أو ملحد في اسمه، أو مشير إلى غيره. فهداهم به من الصلالة، وأنقذهم بمكانه من الجهالة. ثم اختار سبحانه لمحمد صلی الله علیه وآله لقاءه، ورَضِيَ لَهُ مَا عِنْدَهُ، وأكرمه عن دار الدنيا، ورغب به عن مقام البلوى، فقبضه إليه كريماً صلياً الله عليه وآله.

وَحَلَفَ فِيكُمْ مَا خَلَفَ الْأَنْبِيَاءُ فِي أُمَمِهَا، إِذْ لَمْ يَتْرُكُوهُمْ هَمَلًا، بِغَيْرِ طَرِيقٍ وَاضِحٍ، وَلَا عِلْمٍ قَائِمٍ. (تا اینکه خدای سبحان، برای وفای به وعده خود، و کامل گردانیدن دوران نبوت، حضرت محمد (که درود خدا بر او باد) را مبعوث کرد، پیامبری که از همه پیامبران پیمان پذیرش نبوت او را گرفته بود، نشانه های او شهرت داشت، و تولدش بر همه مبارک بود. روزگاری که مردم روی زمین دارای مذاهب پراکنده، خواسته های گوناگون، و روشهای متفاوت بودند، عده ای خدا را به پدیده ها تشبیه کرده، و گروهی نام های ارزشمند خدا را انکار و به بُت ها نسبت می دادند، و برخی به غیر خدا اشاره می کردند. پس خدای سبحان، مردم را به وسیله محمد صلی الله علیه و آله از گمراهی نجات داد و هدایت کرد، و از جهالت رهایی بخشید. سپس دیدار خود را برای پیامبر صلی الله علیه و آله برگزید، و آن چه نزد خود داشت برای او پسندید، و او را با کوچ دادن از دنیا گرامی داشت، و از گرفتاری ها و مشکلات رهایی بخشید و کریمانه قبض روح کرد رسول گرامی اسلام، در میان شما مردم جانشینانی برگزید که تمام پیامبران گذشته برای امت های خود برگزیدند، زیرا آنها هرگز انسان ها را سرگردان رها نکردند، و بدون معرفتی راهی روشن، و نشانه های استوار، از میان مردم نرفتند.)*

اعتقاد به ولایت عترت

امام علی علیه السلام در تداوم رسالت و هدایت امت اسلامی، امامت «امامان معصوم علیهم السلام» را مطرح می فرماید. در خطبه اول نهج البلاغه فرمود: امامت و تداوم رهبری امامان معصوم علیه السلام یک اصل مسلم اعتقادی است که در تمام ادیان الهی با حکمت پروردگاری مطرح بوده است که در تداوم رهبری پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله امامان پاک و معصوم علیهم السلام تا قیام قیامت باید رهبری انسان ها را بر عهده گیرند. و فرمود: ثُمَّ اخْتَارَ سَيِّدَنَا مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِقَاءَهُ، وَرَضِيَ لَهُ مَا عِنْدَهُ، وَأَكْرَمَهُ عَنِ دَارِ الدُّنْيَا، وَرَغِبَ بِهِ عَنْ مَقَامِ الْبُلُوَى، فَقَبَضَهُ إِلَيْهِ كَرِيمًا صِلَى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. وَخَلَفَ فِيكُمْ مَا خَلَفَ الْأَنْبِيَاءُ فِي أُمَمِهَا، إِذْ لَمْ يَتْرُكُوهُمْ هَمَلًا، بِغَيْرِ طَرِيقٍ وَاضِحٍ، وَلَا عِلْمٍ قَائِمٍ. (سپس دیدار خود را برای پیامبر صلی الله علیه و آله برگزید، و آن چه نزد خود داشت برای او پسندید، و او را با کوچ دادن از دنیا گرامی داشت، و از گرفتاریها و مشکلات رهایی بخشید و کریمانه قبض روح کرد رسول گرامی اسلام، در میان شما مردم جانشینانی برگزید که تمام پیامبران گذشته برای امت های خود برگزیدند، زیرا آنها هرگز انسان ها را سرگردان رها نکردند، و بدون معرفتی راهی روشن، و نشانه های استوار، از میان مردم نرفتند.) آنگاه در یک سخنرانی دیگر (خطبه ۴/۱۴۴)، به معرفتی امامان معصوم علیهم السلام می پردازد و می فرماید: إِنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ قُرَيْشٍ غُرِسُوا فِي هَذَا الْبُطْنِ مِنْ هَاشِمٍ؛ لَا تَصْلُحُ عَلَى سِوَاهُمْ، وَلَا تَصْلُحُ الْوُلَاةُ مِنْ غَيْرِهِمْ. «همانا امامان دوازده گانه همه از قریش بوده که درخت آن را در خاندان بنی هاشم کاشته اند، مقام ولایت و امامت در خور دیگران نیست، و دیگر مدعیان زمامداری، شایستگی آن را ندارند.»

پاسخ به سؤالات و شبهات اعتقادی

پاسخ قاطع به یهودی

پس از پیدایش فتنه ها و حوادث نا گوار سقیفه، یکی از یهودیان اعتراض گونه به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: هنوز پیامبر شما دفن نشده دچار اختلاف شدید!! امام علی علیه السلام بلافاصله، اعتراض او را بگونه ای پاسخ داد، که نتوانست سر بلند کند، فرمود: و قال له بعض اليهود: ما دفنتم نبیکم حتی اختلفتم فيه! فقال علیه السلام له: إِنَّمَا اختلفنا عنه لا فيه، وَلَكِنَّكُمْ مَا جَعَلْتُمْ أَرْجُلُكُمْ مِنَ الْبَحْرِ حَتَّى قُلْتُمْ لِنَبِيِّكُمْ: «اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ فَقَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ». (۱). (شخصی یهودی به امام گفت: هنوز

پیامبرتان را دفن نکرده، درباره اش اختلاف کردید، امام فرمود: ما درباره آن چه که از او رسیده اختلاف کردیم، نه در خود او، اما شما یهودیان، هنوز پای شما پس از نجات از دریای نیل خشک نشده بود که به پیامبرتان گفتید: «برای ما خدایی بساز، چنانکه بت پرستان خدایی دارند» و پیامبر شما گفت: «شما مردمی نا دانید» (۲). یعنی نوع پاسخ از نظر روش مناظره با نوع تهاجم در سؤال هماهنگ است که یهودی را ساکت کرد تا از اختلافات سوء استفاده نکند (۳). ***** حکمت ۳۱۷ نهج البلاغه معجم المفهرس مؤلف. سوره اعراف آیه ۱۳۸. حکمت ۳۱۷ نهج البلاغه معجم المفهرس مؤلف.

پاسخ به سؤال عقیدتی در میدان جنگ

فرماندهان نظامی یا فرماندهان کل، در طول جنگ های گذشته، در میدان جنگ و در آستانه نبرد، حال و هوای نظامی داشته و به حمله و گریز و نبرد و پیروزی فکر می کردند، و نمی توانستند جلسات عقیدتی و علمی در میدان جنگ داشته باشند و به اینگونه از مسائل مسائل فرهنگی در آن لحظات حساس مرگ و زندگی نمی پرداختند. در صورتی که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در صلح و جنگ، در میدان نبرد یا مسجد کوفه، همه جا به سؤالات عقیدتی مردم و سربازان جواب می داد، در میدان جنگ چونان استاد فارغ البال سر کلاس که به سؤالات علمی شاگردان جواب می گوید، برخورد می کرد. سربازی در میدان جنگ از طرفداری حق پرسید! حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام با تواضع و فروتنی جواب داد، دیگری از نماز پرسید. و پاسخ شنید. در جنگ جمل سربازی به امام علی علیه السلام نزدیک شد و گفت: آیا شما می گوئید خدا یکی است؟ فرماندهان امام رو به سربازان کردند، و گفتند: مگر نمی بینی که در میدان جنگ قرار داریم؟ این چه حرفی است که می زنی؟ اما حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: او را به حال خود بگذارید. دَعُوهُ فَإِنَّ الَّذِي يُرِيدُهُ الْمَآرِبِيُّ هُوَ الَّذِي تُرِيدُهُ مِنَ الْقَوْمِ «او را رها کنید، آنچه را او می پرسد همان چیزی است که ما از مردم می خواهیم». یعنی باید توحید الهی مورد بحث قرار گیرد و مردم موحد باشند تا فتنه انگیزی نکنند. آنگاه سرباز را طلبید و فرمود: سؤال خو را تکرار کن. و پاسخ های دقیق عقیدتی را مطرح و سرباز را قانع کرد (۱). چون امام علی علیه السلام در راه خدا و اعتلای کلمه توحید می جنگد، اگر سربازی نسبت به خدا دچار اوهام باشد، جنگ او، جهاد در راه خدا نیست. ***** ترجمه خصال شیخ صدوق ج ۱ ص ۶۲.

روش برخورد با زردشتیان (مجوس)

در دوران حکومت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام یکی از روزها بر منبر سخنرانی می کرد و فرمود: سَلُونِي قَلِيلًا أَنْ تَفْقَهُونِي اشعث بن قیس پرسید: با زردشتیان (مجوس) چگونه برخورد می کنید؟ در صورتی که پیامبری ندارند؟ حضرت فرمود: نه، بلکه خداوند پیامبری به سوی آنان فرستاد. پس ما از آنها، چون طرفداران دیگر ادیان آسمانی «جزیه» می گیریم (۱). ***** بهج الصبغة ج ۲ ص ۶۴ نقل از توحید صدوق.

پاسخ به سؤالات عقیدتی جاثلیق و جمعی از مسیحیان

پس از رحلت پیامبر اسلام عده ای از مسیحی ها به سرپرستی «جاثلیق» به مدینه آمده، و از ابوبکر به عنوان جانشین و خلیفه پیامبر، سؤالاتی را مطرح ساختند، و چون خلیفه اول نتوانست به آن سؤال ها جواب درستی بدهد، خلیفه دوم متوسل به زور و تهدید گردیده و خطاب به جاثلیق گفت: خاموش باش و الا خون تو را مباح اعلام می کنم!! جاثلیق چون این تهدید را شنید گفت: اَهَذَا عَيْدٌ عَلَى مَنْ جَاءَ مُسْتَرَشِدًا طَالِبًا؟! «آیا از عدالت است؟ کسی را که برای هدایت یابی به پیش شما آمده است اینگونه تهدید و مرعوب سازی؟» سپس خطاب به مسلمانان گفت: (مرا به کسی که جواب سؤالاتم را بتواند بگوید راهنمایی کنید). مردم حاضر وی

را به حضور امیرالمؤمنین علیه السلام معرفی نمودند. جاثلیق همان پرسش ها را در حضور علی علیه السلام مطرح و جواب همه آنها را دریافت کرد از جمله آنها اینکه گفت: به من خبر ده؛ آیا شما در پیش خدا مؤمن هستید، یا در نزد خودت؟ امام علی علیه السلام فرمود: من در پیشگاه خداوند مؤمن هستم همانطوری که در اعتقاد خود نیز مؤمنم. جاثلیق پرسید: مقام شما در بهشت برین چگونه خواهد بود؟ حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: من در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در بهشت برین و فردوس اعلا خواهم بود. جاثلیق پرسید: به رسالت پیامبران و صداقت او چگونه ایمان آوردی؟ امام علی علیه السلام پاسخ داد: از دیدن معجزات و آیات روشن به او ایمان آورده ام. جاثلیق پرسید: از خدایت به من خبر ده که او در کجاست؟ حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام پاسخ داد: خداوند در جایگاه خاصی قرار نمی گیرد و او از مکان منزّه است، خدای من جسم نیست تا در مکانی قرار گیرد، و از حالی به حال دیگر تحوّل پیدا نمی کند. جاثلیق پرسید: آیا خدای تو به وسیله حواس قابل درک است؟ و اگر با حواس ظاهری قابل درک نیست، پس چگونه می توان به او معرفت حاصل کرد؟ امام علی علیه السلام پاسخ داد: خداوند هرگز با مقدار و با کیفیتی تعریف نمی شود، و او با مردم قابل قیاس نیست، بلکه از راه عقل، و آثار قدرتش که در این جهان مشهود است می توان او را شناخت. جاثلیق پرسید: آیا پیامبر شما عیسی علیه السلام را مخلوق معرفی کرده است؟ حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: عیسی دارای تصویر و تغییر بوده و هست، و از حالی به حال دیگر تغییر پیدا می کرد و او یکی از بندگان خداست و مخلوق بودن او به اثبات رسیده است. مولای متقیان سپس به سؤالات دیگر آنان جواب کافی داد، و آنگاه از تمام قضایای آنها و اخبار درونی شان به آنان خبر داد!! و فرمود: ای نصرانی! تو در عالم خواب مقام و عظمت مرا دیده ای و مأمور شده ای از مخالفت با من اجتناب نموده و مطیع من باشی، در حالی که در دلت به این امر راضی نبوده ای!! جاثلیق چون این اخبار غیبی را شنید به خدا و پیامبرش ایمان آورده و گفت: شهادت می دهم که تو امیرالمؤمنین و وصی بر حق رسول خدائی، و با او تمام همراهان مسیحی اش مسلمان شدند. خلیفه دوم گفت: سپاس خدا را که تو را هدایت کرد، ولی این را بدان که علوم پیامبر در اهل بیت او مستقر است، ولی خلافت با تعیین مردم با آن کسی است که تو با او در آغاز صحبت کرده ای!! جاثلیق گفت: می دانم چه می گوئی، ولی تو بدان که من بر یقین خود استوار هستم. (۱). ***** مناقب ابن شهر آشوب ج ۲ ص ۲۵۷، و اثبات الهداء ج ۲ ص ۴۳۲.

پاسخ به شبهات حکمیت

شخصی از یاران امام علی علیه السلام پرسید: یا امیرالمؤمنین، در آغاز ما را از حکمیت نهی کردی، سپس آن را پذیرفتی، نمی دانیم کدامین نظر شما را درست بدانیم. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در پاسخ او فرمود: هَذَا جَزَاءُ مَنْ تَرَكَ الْعُقْدَةَ! أَمَا وَاللَّهِ لَوْ أَنِّي حِينَ أَمَرْتُكُمْ بِهِ حَمَلْتُكُمْ عَلَى الْمَكْرُوهِ الَّذِي يَجْعَلُ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا، فَإِنْ اسْتَقَمْتُمْ هِدَيْتُكُمْ وَإِنْ اغْوَجْتُمْ قَوْمُكُمْ، وَإِنْ أَبَيْتُمْ تَذَارَكْتُكُمْ، لَكَانَتْ الْوُثْقَى، وَلَكِنْ بِمَنْ وَإِلَى مَنْ؟ أُرِيدُ أَنْ أَدَاوِيَ بِكُمْ وَأَنْتُمْ دَائِي، كَمَا قِشِ الشُّوْكَهَ بِالشُّوْكَهَ، وَهُوَ يَعْلَمُ أَنَّ ضَلْعَهَا مَعَهَا! علل شکست کوفیان و پذیرش «حکمیت» (این سزای کسی است که بیعت با امام خود را ترک گوید، و پیمان بشکند. به خدا سوگند: هنگامی که شما را به جنگ با معاویه فرا خواندم، خوشایندتان نبود، ولی خداوند خیر شما را در آن قرار داده بود، اگر مقاومت می کردید، شما را راهنمایی می کردم و اگر به انحراف می رفتید شما را به راه راست برمی گرداندم، اگر سرباز می زدید، دوباره شما را برای مبارزه آماده می کردم، در آن صورت وضعیتی مطمئن داشتیم. اما دریغ، با کدام نیرو بجنگم؟ و به چه کسی اطمینان کنم؟ شگفتا، می خواهم به وسیله شما بیماریها را درمان کنم ولی شما درد بی درمان من شده اید، کسی را می مانم که خار در پایش رفته و با خار دیگری می خواهد آن را بیرون کشد، در حالی که می داند خار در تن او بیشتر می شکند و بر جای می ماند.) (۱). ***** کتاب عقد الفرید ج ۲ ص ۱۶۵: ابن عبد ربّه، و ارشاد مفید ص ۱۳۹، و اختصاص شیخ مفید ص ۱۵۳، و احتجاج طبرسی ج ۱ ص ۲۷۳.

پاسخ به شبهات ناکثین

امام علی علیه السلام در یک سخنرانی، نسبت به ادعاهای سران جنگ جمل توضیح داد. (۱). تعریف الناکثین أَلَا وَإِنَّ الشَّيْطَانَ قَدْ ذَمَّرَ حِزْبَهُ، وَاسْتَجَلَبَ جَلْبَهُ، لِيُعَوِدَ الْجَوْرَ إِلَى أَوْطَانِهِ، وَيَرْجِعَ الْبَاطِلُ إِلَى نِصَابِهِ. وَاللَّهِ مَا أَنْكَرُوا عَلَيَّ مُنْكَرًا، وَلَا جَعَلُوا بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ نَصْفًا. وَإِنَّهُمْ لَيَطْلُبُونَ حَقًّا هُمْ تَرَكُوهُ، وَدَمًا هُمْ سَفَكُوهُ: فَلَيْتَ كُنْتُ شَرِيكُهُمْ فِيهِ فَإِنَّ لَهُمْ لِنَصَةِ بَيْنَهُمْ مِنْهُ، وَلَيْتَ كَانُوا وَلَوْهُ دُونِي، فَمَا التَّبِعَةُ إِلَّا عِنْدَهُمْ، وَإِنْ أَغْظَمَ حُجَّتَهُمْ لَعَلَى أَنْفُسِهِمْ، يَرْتَضِعُونَ أَمَّا قَدْ فَطَمْتُ، وَيُخَيِّونَ بِدَعْوَةٍ قَدْ أُمِيتَتْ. يَا خَيْبَةَ الدَّاعِي! مَنْ دَعَا! وَإِلَّامَ أَجِيب! وَإِنِّي لَرَاضٍ بِحُجَّتِهِ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَعَلِمِهِ فِيهِمْ. فَإِنْ أَبَوْا أُعْطِيَتْهُمْ حَيْدَ السَّيْفِ وَكَفَى بِهِ شَافِيًا مِنَ الْبَاطِلِ، وَنَاصِرًا لِلْحَقِّ! وَمَنْ الْعَجَبُ بَعْثُهُمْ إِلَيَّ أَنْ أَبْزَرَ لِلطَّعْيَانِ! وَأَنْ أَصْبِرَ لِلْجَلَادِ! هَبْلَتْهُمْ الْهَبُولُ! لَقَدْ كُنْتُ وَمَا أُهْدَدُ بِالْحَرْبِ، وَلَا أُرْهَبُ بِالضَّرْبِ! وَإِنِّي لَعَلَى يَقِينٍ مِنْ رَبِّي، وَغَيْرِ شُبْهَةٍ مِنْ دِينِي. شناساندن ناکثین «اصحاب جمل» (آگاه باشید، که همانا شیطان حزب و یارانش را بسیج کرده، و سپاه خود را از هر سو فراهم آورده است، تا بار دیگر ستم را به جای خود نشاند، و باطل به جایگاه خویش پایدار شود. سوگند به خدا ناکثین هیچ گناهی از من سراغ ندارند، و انصاف را بین من و خودشان رعایت نکردند، آنها حقی را می طلبند که خود ترک کردند، و انتقام خونی را می خواهند که خود ریختند، اگر شریک آنها بودم، پس آنها نیز در این خونریزی سهم دارند، و اگر تنها خودشان خون عثمان را ریختند پس کیفر مخصوص آنهاست، مهمترین دلیل آنها به زیان خودشان است، می خواهند از پستان مادری شیر بدوشند که خشکیده، بدعتی را زنده می کنند که مدت هاست مرده، و چه دعوت کننده ای؟! (۲). و چه اجابت کنندگانی؟! همانا من به کتاب خدا و فرمانش درباره ناکثین خوشنودم. اما اگر از آن سرباز زدند با شمشیر تیز پاسخ آنها را خواهم داد، که برای درمان باطل و یاری دادن حق، کافی است. شگفتا: از من خواستند به میدان نبرد آیم و برابر نیزه های آنان قرار گیرم و ضربت های شمشیر آنها را تحمل کنم، گریه کنندگان بر آنها بگریند، تاکنون کسی مرا از جنگ نترسانده، و از ضربت شمشیر نهراسنده است، من به پروردگار خویش یقین داشتم و در دین خود شک و تردیدی ندارم. **** خطبه ۲۲ نهج البلاغه معجم المفهرس مؤلف. دعوت کنند، طلحه و زبیر و عائشه می باشند.

برخورد شدید با انحرافات عقیدتی

تبعید عبدالله بن سبا

گروهی به رهبری عبدالله ابن سبا (که یهودی و عامل تفرقه در میان مسلمانان بود) با توجه به اخبار غیبی امیرالمؤمنین علیه السلام، و معجزات و کرامات و قدرت بازوی آن رهبر نمونه، راه غلو و افراط را در پیش گرفتند، و گفتند: علی خداست. و عبدالله سبا، در حضور حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: تو او هستی، تو او هستی، تو او هستی. امام علی علیه السلام هرچه با آنان بحث کرد و آنها را بر حذر داشت، از انحرافات خود دست نکشیدند بناچار دستور دستگیری آنها را صادر کرد. (۱). در وسائل الشیعه نقل شد: امام علی علیه السلام عبدالله سبا را زندانی، و سه روز او را به توبه راهنمایی کرد، وقتی اثر نداشت، او را در آتش سوزاند. (۲). در فرائد السمطين نقل شد که با وساطت ابن عباس به ایران تبعید شد. (۳). **** شرح ابن ابی الحدید ج ۵ ص ۴. وسائل الشیعه ج ۱۸ ص ۵۵۴ و ۵۵۳. فرائد السمطين ج ۱ ص ۱۷۴.

سوزاندن قوم «زط» که علی را خدا می خواندند

گروهی حدود ۷۰ نفر از قوم «زط» که از هند به ایران آمده و سپس با امام آشنا شدند با توجه به معجزات و کرامات حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به خصوص با شنیدن اخبار غیبی نسبت به خوارج، خطاب به امام گفتند: «تو خدا هستی.» امام علی علیه

السلام تلاش فراوان کرد تا از عقیده خود دست بردارند، اما آنها در انحرافات عقیدتی خود اصرار ورزیدند. هر روز جلوی مسجد کوفه جمع می شدند و می گفتند: «علی خدا و روزی دهنده ماست.» قنبر اجتماع آنها را به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام گزارش داد، امام آنها را به حضور طلید و فراوان نصیحت کرد، اما آنها نپذیرفتند. سرانجام آنها را در آتش سوزاند. (۱). ***** وسائل الشیعه ج ۱۸ ص ۵۵۳ - و - ذخائر العقبی ص ۹۳: محب الدین طبری.

تفسیر صحیح قضا و قدر و نفی جبر گرایی

قضا و قدر حق است، معنی لغوی قضا «حُکم» و «قدر» به معنی «اندازه» است. اگر بگویند: هر واقعه ای به قضای الهی است، یعنی به حُکم خدا واقع شده، و اگر بگویند: به قدر الهی است، یعنی باندازه ای مشخص است. مثلاً در چه زمان و مکان باشد، و کوچکی و بزرگی جثّه و اعضاء و جوارح هر یک دارای اندازه ای است، که خدا معین فرموده است، و اینکه برخی شبهه می کنند که همه چیز مطابق سرنوشت، و دستوری است که خدای تعالی از پیش، معین فرمود و باید همان واقع شود و نتیجه می گیرند که: بنابر این مردم مجبورند، حرف درستی نیست. قضا و قدر، عامل مجبور شدن ما نیست، زیرا خداوند مختار بودن ما را هم مقدر فرموده است. از اصبع بن نباته روایت شد که گفت: امیرالمؤمنین علیه السلام از نزد دیواری که کج شده و در حال سقوط بود به سوی دیواری دیگر رفت. شخصی به امام علی علیه السلام گفت: یا امیرالمؤمنین علیه السلام از قضای خدا می گریزی؟ حضرت فرمود: از «قضای» خدا به سوی «قدر» خدای عزّوجلّ می گریزم. یعنی از قضائی به قضاء دیگر، و از سرنوشتی به سرنوشت دیگر، فرار می کنم که هر دو، تقدیر خداوند است و من در انتخاب هر دو آزاد و مختار هستم. (۱). ***** توحید صدوق (ره).

علی از دیدگاه پیامبر

اشاره

شناخت امام علی علیه السلام و شناسائی عظمت ها و ویژگی های حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام راه های گوناگونی دارد و با روش ها و شیوه های فراوانی می توان رفتار و گفتار امام علی علیه السلام را استخراج و مورد ارزیابی قرار داد، مانند: ۱ - بررسی اعتراف دیگران ۲ - شناخت امام علی علیه السلام از زبان خویش ۳ - شناخت امام علی علیه السلام از زبان و نگاه پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم اما در میان تمام روش ها، ارزیابی سخن پیامبر عظیم الشان اسلام صلی الله علیه وآله وسلم از همه والاتر است که در مقاطع حسّاس و سرنوشت ساز به معرفی ویژگی های حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام پرداخت، در این قسمت به برخی از آنها اشاره می شود:

افتخار پرچم داری

حدیث الرایه: در یکی از روزهای جنگ خیبر فرماندهی عملیات با خلیفه اول بود که متأسفانه فرار کرد و به وقت برگشتن، او نفرت خود را متهم به ترس و فرار می کرد، و نفراش او را. روز دوم، فرماندهی با خلیفه دوم بود، او نیز مانند خلیفه اول فرار کرد (۱). رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم که از این پیشامد بسیار ناراحت شده بود، فرمود: قَالَ: لَأُعْطِيَنَّ الرَّايَةَ عَدَاً رَجُلًا يُحِبُّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيُحِبُّهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ كَرَارًا غَيْرَ فَرَارٍ، لَا يَرْجِعُ حَتَّى يَفْتَحَ اللَّهُ عَلَى يَدَيْهِ «فردا پرچم را به دست مردی خواهم داد که خدا و رسولش او را دوست دارند و او خدا و رسولش را دوست دارد، هجوم کننده است، فرار کننده نیست از حمله بر نمی گردد تا خدا به دست او قلعه را فتح کند.» (۲). فردای آن روز که همه انتظار به دست آوردن این مقام را داشتند، آن حضرت، علی بن ابیطالب

علیه السلام را خواست و پرچم را به او داد و خدای بزرگ با دست او پیروزی را به مسلمانان عطا فرمود. ***** جریان فرار خلیفه اول و خلیفه دوم بسیار مشهور است که ابن ابی الحدید آنرا به شعر درآورده است. در گذشته ذکر شد. ارشاد مفید ص ۵۷، و اعلام الوری ص ۶۲ و ۶۳ به نقل بحار ج ۲۱ ص ۲۱. صحیح بخاری ج ۵ ص ۱۷۱ (باب غزوة خیبر)، و صحیح مسلم ج ۲ ص ۳۶۰ (باب من فضائل علی بن ابیطالب علیه السلام).

افتخار جانشینی پیامبر

حدیث المنزله: در سال نهم هجرت، رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم به تبوک لشکر کشید، چون این مانور نظامی طول می کشید و آن حضرت تا مرزهای شام از مرکز حکومت دور می شد. لازم بود مردی توانا در مدینه جانشین آن حضرت شود تا مرکز حکومت کاملاً در امان باشد، بدین جهت صلاح دید که علی بن ابیطالب علیه السلام را در مدینه جانشین خود قرار دهد. پس از حرکت رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم منافقین در شهر شایع کردند که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم نسبت به علی بن ابیطالب علیه السلام قهر کرده و بی مهر شده است، به دلیل آنکه او را با خود نمی برد. این سخن بر آن حضرت سخت گران آمد، لذا در راه تبوک خودش رابه پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم رسانید و عرض کرد: یا رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم مردم چنین شایع کرده اند! حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى، إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي (۱). «تو نسبت به من مانند هارون هستی نسبت به موسی، جز آنکه بعد از من پیامبری نیست.» یعنی: ماندن تو در مدینه برای آنست که: موسی علیه السلام وقتی به میقات پروردگار می رفت، برادرش هارون را در جای خود گذاشت: وَقَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ (۲). (و موسی به برادرش هارون گفت: در امت من جانشین من باش، و به اصلاح و پاکسازی همت کن و از راه انحرافی فاسدان اطاعت نکن.) ***** معانی الاخبار ص ۷۴ از جابر بن عبدالله و سعد بن ابی وقاص نقل کرد، و مناقب آل ابی طالب ج ۳ ص ۱۶، و صحیح بخاری ج ۵ ص ۲۴ «باب مناقب علی علیه السلام»، و صحیح مسلم ج ۲ ص ۳۶۰ «باب فضائل علی علیه السلام»، و الغدير ج ۳ ص ۱۹۹. سوره اعراف، آیه ۱۴۲.

افتخار باز گذاشتن درب خانه علی به مسجد و بستن دیگر درب ها

حدیث سید الأبواب وقتی که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم مسجد مدینه را ساخت، خانه هائی در کنار آن بنا نهاد که زنان خویش را در آن مسکن داد، برای علی بن ابیطالب علیه السلام نیز منزلی در کنار منزل خود ساخت. یاران آن حضرت نیز هر یک حجره ای در اطراف مسجد ساخته و ساکن شدند که درهای همه آن منازل به مسجد باز می شد و آنها به خانه های خویش از درون مسجد رفت و آمد می کردند. تا آنکه وحی الهی نازل شد که بجز در منزل رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم و در منزل علی بن ابیطالب باید همه درها بسته شود. به دنبال این فرمان رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: سَدُّوا هَذِهِ الْأَبْوَابَ إِلَّا بَابَ عَلِيٍّ «همه این درها را ببندید، مگر در خانه علی بن ابیطالب را». مردم در این باره به گفتگو برخاستند. حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم در میان مردم بپاخواست، و بعد از حمد و ثنای خداوند فرمود: من از طرف خدا به گرفتن و بستن درها بجز در خانه علی بن ابیطالب مأمور شده ام و شما پشت سیر من گفتگو کرده اید، من از پیش خود نه دربی را بسته ام و نه باز کرده ام، لیکن به چنین کاری مأمور شدم و اطاعت کردم. (۱). عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: لَمَّا سَدَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ الْأَبْوَابَ الشَّارِعِيَّةَ إِلَى الْمَسْجِدِ إِلَّا بَابَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ ضَجَّ أَصْحَابُهُ مِنْ ذَلِكَ فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ لِمَ سَدَدْتَ أَبْوَابَنَا وَتَرَكْتَ بَابَ هَذَا الْغُلَامِ! فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَمَرَنِي بِسَدِّ أَبْوَابِكُمْ وَتَرْكِ بَابِ عَلِيٍّ... از ابن عباس نقل شد که پس از بیانات رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم همه درها گرفته و بسته شد، بجز دری که امیرالمؤمنین علیه السلام به مسجد داشت. در زمان بنی امیه که

مسجد النبی را وسعت دادند همه آن حجره ها جزو مسجد گردید. ***** علل الشرایع باب ۱۵۴ ص ۲۰۱، و بحار الانوار ج ۳۹ ص ۳۵-۱۹، بطور مشروح آورده است، و مسند احمد ج ۲ ص ۲۶، و مستدرک حاکم ج ۳ ص ۱۲۵.

افتخار در علوم نبوی بودن

حدیث مدینه العلم: شهر علم و در علم حدیث «مدینه العلم» یکی دیگر از مناقب مخصوص امام علی علیه السلام و از احادیث «متواتر» است که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم در حق آن حضرت فرمود: اَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا، فَمَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ، فَلْيَأْتِ الْبَابَ «من شهر علم هستم و دروازه آن شهر علی بن ابیطالب است، هر که علم بخواهد به دروازه شهر بیاید». (۱). منظور رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم از این حدیث آن است که: من علم خود را به علی بن ابیطالب علیه السلام منتقل کرده ام، و علوم من در وجود وی متمرکز است، و من در او خلاصه می شوم، اگر برای دانستن علوم به امام علی علیه السلام مراجعه کنید، مانند آنست که به من مراجعه کرده اید. خواه در زندگی من و یا بعد از مرگم باشد، مخصوصاً این روایت بیشتر به دوران رحلت رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم مربوط می شود که علی بن ابیطالب علیه السلام را به صورت یک پناهگاه علمی برای امت اسلامی معرفی فرمود. در بسیاری از روایات آمده است که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم بارها با علی خلوت می کرد. از حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام پرسیدند: رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم چه چیز به شما بخشیده است؟ فرمود: عَلَّمَنِي أَلْفَ بَابٍ مِنَ الْعِلْمِ، فَتَحَ لِي مِنْ كُلِّ بَابٍ أَلْفَ بَابٍ (۲). «هزار نوع علم به من آموخت که از هر نوع آن هزار علم دیگر بر من مکشوف گردید». ***** ارشاد مفید ص ۱۵، و بحار الانوار ج ۴۰ ص ۲۰۰ بطور مشروح آورده، و مستدرک حاکم ج ۳ ص ۱۲۶، از ابن عباس و جابر بن عبدالله، و تذکره سبط ابن جوزی ص ۵۱. ارشاد مفید ص ۱۵، و بحار الانوار ج ۴۰ ص ۲۱۸-۲۱۳.

افتخار عقد برادری با پیامبر

حدیث مؤاخاه: از فضیلت های منحصر به فرد امیرالمؤمنین علیه السلام حدیث «مؤاخاه» عقد برادری میان او و رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم است که در میان همه مهاجرین و انصار تنها علی بن ابیطالب علیه السلام شایستگی آنرا داشت که با رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم عقد برادری ببندد. علامه مجلسی در بحار الانوار می نویسد: در این سال «اول هجرت» آن حضرت میان مهاجرین و انصار عقد برادری برقرار کرد که این برادری آنها را بر سه چیز وادار می ساخت: ۱- مقاومت برای حق ۲- فداکاری و کمک به یکدیگر ۳- ارث بردن از یکدیگر آنها نود نفر، چهل و پنج تن از مهاجرین و چهل و پنج تن از انصار بودند و این پیش از جنگ بدر بود و چون واقعه «بدر» پیش آمد خداوند آیه: وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ (۱). (و خویشاوندان سببی بعضی از آنها بر بعضی دیگر برتری دارند در کتاب خدا) را نازل فرمود که جریان ارث بردن نسخ گردید. (۲). به هر حال رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم در این اقدام، یکایک اصحاب و یاران را با هم برادر کرد، که دست در دست هم گذاشتند و عقد برادری خواندند، اما علی بن ابیطالب علیه السلام را با کسی برادر نکرد. آن حضرت از این کار بسیار غمگین شد و گفت: یا رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم پدر و مادرم فدای تو باد، مرا با کسی برادر نکردی؟ پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: یا علی تو را برای خود نگاه داشتم، تو برادر منی و من برادر تو هستم. «أَنْتَ أَخِي وَأَنَا أَخُوكَ يَا عَلِيُّ» (۳). امام رضا علیه السلام از امام علی علیه السلام نقل کرده است که آن حضرت فرمود: اَنَا عَبْدُ اللَّهِ وَأَخُو رَسُولِهِ لَا يَقُولُهَا بَعْدِي إِلَّا كَذَّابٌ (۴). «من بنده خدا و برادر رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم هستم و هیچ کس بعد از من این ادعا را نمی کند، جز دروغگو». ***** انفال آیه ۷۵، و احزاب آیه ۶. بحار الانوار ج ۱۹ ص ۱۳۰. بحار الانوار ج ۳۸ ص ۳۴۷-۳۳۰، و صحیح ترمذی ج ۵ ص ۶۳۶ «باب مناقب علی بن ابیطالب علیه السلام»، و أسد الغابۀ ج ۴ ص ۱۶، و الغدير ج ۳ ص ۱۷۴. بحار الانوار ج ۳۸ ص ۳۳۴.

افتخار تقسیم بهشت و جهنم

حدیث قسیم الجنة و النار: از ویژگی های ممتاز امیرالمؤمنین علیه السلام حدیث «قسیم الجنة و النار» است که با عبارات مختلف از رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم نقل شده است. یکی از آنها با این عبارت آمده است: قَالَ: يَا عَلِيُّ أَنْتَ قَسِيمُ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ وَأَنْتَ يَعْشُوبُ الدِّينِ «یا علی، تو قسمت کننده بهشت و جهنم و تو پیشوای دین هستی». در اکثر روایات معنی این حدیث آنست که: خداوند چنین مأموریتی را در روز قیامت به آن حضرت خواهد داد که در روز قیامت به اذن پروردگار، به اهل بهشت اجازه رفتن به بهشت، و به اهل آتش فرمان رفتن به آتش را بدهد. و در تفسیر این آیه نیز آمده است که: وَأَذَنْ مُؤَذِّنٌ بَيْنَهُمْ أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ (۱). این مؤذن و اعلام کننده «علی بن ابیطالب علیه السلام» خواهد بود. مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام معنی این حدیث را پرسید؟ امام صادق علیه السلام فرمود: چون حُبّ علی علیه السلام ایمان، و بغض او کفر است و بهشت برای اهل ایمان و آتش برای اهل کفر می باشد، آن حضرت به این علت؛ قَسِيمُ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ (تقسیم کننده بهشت و جهنم) است. (۲). ولی در روایت «ابوالصلت هروی» از امام رضا علیه السلام آمده است که آن حضرت نظیر همین جواب را به مأمون عباسی داد. و سپس به «ابوالصلت» فرمود: مطابق فهم او جواب دادم ولی از پدرم شنیدم که از پدرانیش از علی علیهم السلام نقل می کرد که آن حضرت فرمود: قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَا عَلِيُّ، أَنْتَ قَسِيمُ النَّارِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تَقُولُ لِلنَّارِ: هَذَا لِي وَهَذَا لِكَ (۳). «پیامبر به من فرمود یا علی تو تقسیم کننده بهشت و جهنم هستی. روز قیامت به آتش جهنم می گوئی: این شخص از آن تو و آن شخص از آن تو». **** سورة اعراف آیه ۴۴. علل الشرایع باب ۱۳۰ ص ۱۶۲، و الغدير ج ۳ ص ۲۹۹. عيون اخبار الرضا به نقل بحار ج ۳۹ ص ۱۹۴، و نیز حدیث قسیم الجنة و النار در بحارالانوار ج ۳۹ ص ۲۱۰-۱۹۳، و شرح ابن ابی الحديد ج ۹ ص ۱۶۵ ذیل خطبه ۱۵۴، و صواعق محرقة ابن حجر ص ۱۲۴ ذیل حدیث ۴۰.

افتخار معیار حق بودن

حدیث عَلِيُّ مَعَ الْحَقِّ: از جمله فضیلت ها که شیعه و سنی آن را قبول دارند آنست که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم درباره امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عَلِيُّ مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ وَلَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلِيَّ الْخَوْضَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (۱). «علی با حق است و حق با علی است، از هم جدا نمی شوند تا در حوض کوثر پیش من آیند». و در نقل دیگر فرمود: عَلِيُّ مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ وَالْحَقُّ يَدُورُ حَيْثُمَا دَارَ عَلِيٍّ (۲). (علی با حق است، و حق با علی است، هر جا که علی برود حق هم با او می رود «یعنی علی علیه السلام محور حق است»). **** بحارالانوار ج ۳۸ ص ۴۰-۲۷ بطور مشروح از شیعه و اهل سنت نقل کرده است، و ابن ابی الحديد در شرح خود ج ۹ ص ۸۸ ذیل خطبه ۱۴۴ گوید: «تَبَّتْ عِنْدِي أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ إِنَّهُ مَعَ الْحَقِّ وَإِنَّ الْحَقَّ يَدُورُ مَعَهُ حَيْثُمَا دَارَ»، و الغدير ج ۳ ص ۱۷۶. بحارالانوار ج ۳۸ ص ۴۰-۲۷ بطور مشروح از شیعه و اهل سنت نقل کرده است، و ابن ابی الحديد در شرح خود ج ۹ ص ۸۸ ذیل خطبه ۱۴۴ گوید: «تَبَّتْ عِنْدِي أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ إِنَّهُ مَعَ الْحَقِّ وَإِنَّ الْحَقَّ يَدُورُ مَعَهُ حَيْثُمَا دَارَ»، و الغدير ج ۳ ص ۱۷۶.

افتخار با قرآن بودن

حدیث عَلِيُّ مَعَ الْقُرْآنِ: حدیث «عَلِيُّ مَعَ الْقُرْآنِ» از مختصات امیرالمؤمنین علیه السلام است که درباره هیچ یک از صحابه رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم نقل نشده که گوشه ای از شخصیت بزرگ آن حضرت را نشان می دهد. رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: عَلِيُّ مَعَ الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ مَعَ عَلِيٍّ، لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلِيَّ الْخَوْضَ (۱). «علی با قرآن است و قرآن با علی است و

از یکدیگر جدا نمی شوند تا در بهشت در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند». یعنی علی علیه السلام قرآن مجسم است و گفتار و رفتارش گویای آیات قرآن است. ***** مستدرک حاکم ج ۳ ص ۱۳۴ «باب مناقب علی علیه السلام»، و صواعق محرقه ابن حجر ص ۱۲۲ «باب فضائل علی علیه السلام»، و مختصر کنز العمال و مسند احمد (در حاشیه) ج ۵ ص ۳۰، و ینابیع الموده باب ۲۰ ص ۹۰.

افتخار معیار مؤمن و منافق بودن

حدیث لَا يُجِبُّهُ إِلَّا مُؤْمِنٌ: خلاصه این حدیث شریف آنست که علی بن ابیطالب علیه السلام معیار ایمان و کفر است، فقط مؤمنان می توانند آن حضرت را دوست بدارند. از طرف دیگر فقط منافقان آن جناب را دشمن می دارند. این حدیث شریف که کتابهای شیعه و اهل سنت را پُر کرده و از حدّ تواتر گذشته است از مناقب منحصر به فرد امیرالمؤمنین علیه السلام می باشد که با تعبیرهای مختلف از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم نقل شده است که فرمود: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: يَا عَلِيُّ لَا يُجِبُّكَ إِلَّا مُؤْمِنٌ وَلَا يُبْغِضُكَ إِلَّا مُنَافِقٌ (۱). «ای علی، تو را دوست ندارد جز مؤمن، و تو را دشمن ندارد جز منافق» حارث همدانی گوید: روزی علی علیه السلام را دیدم که بالای منبر رفت، پس از حمد و ثنای خداوند فرمود: قَضَاءُ قَضَاءِ اللَّهِ تَعَالَى عَلَى لِسَانِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، إِنَّهُ قَالَ: لَا يُجِبُّنِي إِلَّا مُؤْمِنٌ وَلَا يُبْغِضُنِي إِلَّا مُنَافِقٌ وَقَدْ خَابَ مَنْ افْتَرَى (۲). «خواسته خدا بود که بر زبان پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم جاری شد که فرمود: مرا دوست نمی دارد مگر مؤمن و مرا دشمن نمی دارد مگر منافق، و دروغ گفت آنکس که ادعای باطل کرد». ***** ارشاد مفید ص ۱۸، و بحارالانوار ج ۳۹ ص ۳۱۰ - ۳۴۶، و صحیح مسلم ج ۱ ص ۴۸ «باب الدلیل علی حسب الانصار»، و صواعق محرقه ابن حجر ص ۱۲۰، حدیث «هشتم از فضائل آن حضرت»، و شرح ابن ابی الحدید ج ۱۸ ص ۱۷۳ ذیل حکمت ۴۲ و گوید: «هذا الخبر مروی فی الصّحاح». ارشاد مفید ص ۱۸، و بحارالانوار ج ۳۹ ص ۳۱۰ - ۳۴۶، و صحیح مسلم ج ۱ ص ۴۸ «باب الدلیل علی حبّ الانصار»، و صواعق محرقه ابن حجر ص ۱۲۰ حدیث «هشتم از فضایل آن حضرت»، و شرح ابن ابی الحدید ج ۱۸ ص ۱۷۳ ذیل حکمت ۴۲ و گوید: «هذا الخبر مروی فی الصّحاح» و نهج البلاغه معجم المفهرس حکمت ۴۵.

افتخار وصی و جانشین پیامبر بودن

حدیث علیّ وصیّ و خلیفتی: ابن اثیر در تاریخ کامل نقل می کند: چون آیه (وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ) (۱) نازل شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم طعامی آماده کرد و فرزندان عبدالمطلب را که حدود چهل نفر بودند به طعام دعوت کرد. پس از خوردن طعام، پیش از آنکه پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم شروع به صحبت کند، ابولهب با سر و صدا مجلس را به هم زد و حاضران متفرّق شدند. بار دیگر آن حضرت طعامی آماده ساخت و آنها را دعوت کرد و زبان به سخن گشود و فرمود: فرزندان عبدالمطلب! واللّه نمی دانم کسی به قوم خویش چیز بهتری بیاورد که من برای شما آورده ام، من برای شما خبر دنیا و آخرت را آورده ام و خدایم امر کرده شما را به سوی آن بخوانم. کدامیک از شما در این دعوت به من کمک می کند؟ تا برادر و وصیّ و خلیفه من در میان شما باشد؟! فَأَيُّكُمْ يُؤَاوِرُنِي عَلَى هَذَا الْأَمْرِ عَلَى أَنْ يَكُونَ أَخِي وَوَصِيِّي وَخَلِيفَتِي فَيَكُمُ هَمَّةٌ سَاكَتْ شَدْنَدَ عَلِيَّ بْنَ أَبِيطَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِمَّا فَرَمَايِدُ: مَنْ كَلِمَةٍ مِنْ هَذِهِ جَوَانِتَرُ بُوْدَمُ كَقَتُمْ: يَا نَبِيَّ اللَّهِ! مَنْ فِي هَذِهِ دَعْوَتِ يَارَ شَمَا هَسْتُمْ، اَنْ حَضَرْتَ دَسْتُ بِهَ كَرْدَنُ مِنْ نَهَادُ وَ فَرَمُودُ: إِنَّ هَذَا أَخِي وَوَصِيِّي وَخَلِيفَتِي فَيَكُمُ، فَاسْمَعُوا لَهُ وَاطِيعُوا «همانا این علی، برادر و وصیّ و جانشین من در میان شماست، از او بشنوید و از او اطاعت کنید». مدعوین به حالت خنده و مسخره پراکنده شدند. و به ابی طالب می گفتند: تو را امر کرد که از فرزندت علی فرمان شنوی و اطاعت کنی. این حدیث شریف از روایات مسلم فریقین و از دلائل امامت امیرالمؤمنین علیه السلام است و نشان می دهد که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم از اوّل بعثت، امامت را از نبوت جدا نمی دانست. (۲). *****

شعراء آیه ۲۲۴. تاریخ کامل ج ۲ ص ۴۲ (فصل انذار عشیره)، و سیره حلیّه ج ۱ ص ۴۶۱ باب (استخفائه فی دار الارقم)، و مسند احمد ج ۱ ص ۱۱۱ و ۱۵۹، و مختصر کنز العمال هامش مسند احمد ج ۵ ص ۴۱ و ۴۳، و شرح ابن ابی الحدید ج ۱۳ ص ۲۴۴ شرح خطبه ۲۳۸ قاصعه و المراجعات ص ۱۱۰، و تفسیر برهان ذیل آیه شریفه، و بحار الانوار ج ۳۸ ص ۲۶ - ۱.

افتخار، بزرگ امت اسلام بودن

عَلِيٌّ يَعْسُوبُ الدِّينَ: لفظ «يعسوب» به معنی رئیس بزرگ و سرپرست بزرگ اسلام است (۱). رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم درباره امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: يَا عَلِيُّ إِنَّكَ سَيِّدُ الْمُسْلِمِينَ وَيَعْسُوبُ الْمُؤْمِنِينَ وَإِمَامُ الْمُتَّقِينَ وَقَائِدُ الْغُرِّ الْمَحْجَلِينَ (۲). «ای علی؛ تو بزرگ و رهبر مؤمنان و امام پرهیزگاران، و رهبر زنان با ایمانی». ابن ابی الحدید در شرح کلام امیر المؤمنین که فرمود: أَنَا يَعْسُوبُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَالُ يَعْسُوبُ الْفُجَّارِ می نویسد: این کلمه را رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم درباره حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: یک بار به لفظ: أَنْتَ يَعْسُوبُ الدِّينَ و بار دیگر به لفظ: أَنْتَ يَعْسُوبُ الْمُؤْمِنِينَ که هر دو به یک معنی برمی گردد، یعنی او را رئیس مؤمنین و سید آنها قرار داده است (۳). و در مقدمه شرح خویش گفته است: در اخبار اهل حدیث، کلامی درباره علی علیه السلام از رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم نقل شده که معنای آن «امیر المؤمنین» است، زیرا فرمود: أَنْتَ يَعْسُوبُ الدِّينَ وَالْمَالُ يَعْسُوبُ الظَّالِمَةِ «ای علی تو رهبر دین، و مال، رهبر گمراهان است» و در روایت دیگری آمده است: هذا يَعْسُوبُ الدِّينِ «این علی رهبر دین است» این دو روایت را احمد بن حنبل در مسند خود و ابونعیم در حلیه الاولیاء نقل کرده است (۴) ناگفته نماند؛ این منقبت از مناقب منحصر به فرد امام علی علیه السلام و از دلائل خلافت اوست. ***** در لغت آمده: «اليعسوب؛ الرئيس الكبير، يقال هو يعسوب قومه» در اصل نر و امیر زنبور عسل را گویند، که اهل لغت گفته اند: «اليعسوب؛ ذَكَرُ النَّحْلِ و امیرها». بحار الانوار ج ۳۸ ص ۱۶۶ - ۱۲۶ حدود ده روایت از شیعه و اهل سنت در این رابطه نقل شده است. شرح ابن ابی الحدید ج ۱۹ ص ۲۲۴ ذیل حکمت ۳۲۲. شرح ابن ابی الحدید ج ۱ ص ۱۲ مقدمه، کنز العمال هامش مسند احمد.

افتخار رهبری مؤمنان

حَدِيثُ عَلِيٍّ وَلِيُّ كُلِّ مُؤْمِنٍ بَعْدِي: این فضیلت منحصر به فرد حضرت مولی الموحّدين علیه السلام و از دلائل امامت و خلافت آن حضرت است. ابن عباس نقل کرد که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم خطاب به امام علی علیه السلام فرمود: أَنْتَ وَلِيُّ كُلِّ مُؤْمِنٍ بَعْدِي وَ مُؤَمِّنُهُ «ای علی؛ تو رهبر هر زن و مرد مؤمن، پس از من می باشی» (۱). ***** ذهبی نیز در تلخیص مستدرک ج ۳ ص ۱۳۴ آنرا نقل نموده است، احمد بن حنبل در مسند خود ج ۱ ص ۳۳۱، و ترمذی در صحیح خود ج ۵ ص ۶۳۲ باب «مناقب علی بن ابیطالب علیه السلام» آنرا نقل می کند، و در کنز العمال هامش مسند احمد منقول است، و مشروح مطلب در الغدير ج ۳ ص ۲۱۷ - ۲۱۵، و مناقب ابن شهر آشوب ج ۳ ص ۵۲ - ۴۶ و مستدرک حاکم ج ۳ ص ۱۳۴.

افتخار رهبری پرهیزگاران

حَدِيثُ عَلِيٍّ إِمَامُ الْمُتَّقِينَ: از رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم نقل شد که فرمود: أُوحِيَ إِلَيَّ فِي ثَلَاثٍ، إِنَّهُ سَيِّدُ الْمُسْلِمِينَ وَإِمَامُ الْمُتَّقِينَ وَقَائِدُ الْغُرِّ الْمَحْجَلِينَ «رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: سه بار نسبت به علی علیه السلام به من وحی شد که علی علیه السلام بزرگ مسلمانان، و رهبر پرهیزگاران، و امام زنان با ایمان است» (۱). ***** مستدرک صحیحین ج ۳ ص ۱۳۶، و صحیح بخاری، و مختصر کنز العمال، حاشیه مسند احمد ص ۳۴، و المراجعات ص ۱۵۰.

افتخار امیرمؤمنان داشتن

حدیث علیّ امیرالمؤمنین: رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم به علی بن ابیطالب علیه السلام لقب مبارک «امیرالمؤمنین» داد که حاکی از امامت و خلافت آن حضرت و از القاب منحصر به فرد آن جناب می باشد. الف - انس بن مالک نقل کرد که: من خادم رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم بودم، شبی که بنا بود آن حضرت در منزل ام حبیبه باشد، آبی برای وضویش آوردم، فرمود: یا انس، یدخل علیک الساعة من هذا الباب امیرالمؤمنین و خیر الوصیین، أقدم الناس سِلماً و أكثرهم علماً و أرزحهم حِلماً (۱). «ای انس! الان از این در امیرالمؤمنین و خیر الوصیین، اول کسی که اسلام آورد، کسی که از همه علم او بیشتر است، کسی که از همه مردم حلم و بردباری او بیشتر است وارد می شود». انس می گوید: گفتم: خدایا آیا این شخص از قوم من می باشد؟ کمی نگذشت که دیدم علی بن ابیطالب علیه السلام داخل شد، در حالیکه رسول خدا وضو می گرفت، مقداری از آب وضو را به صورت آن حضرت پاشید. ب - شیخ مفید در روایت دیگری به سند خود از ابن عباس نقل می کند که: رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم به ام سلمه فرمود: اِسْمِعِی و اَشْهَدِی هَذَا عَلِیَّ امیرالمؤمنین و سَيِّدُ الوَصِیِّیْنَ «ای ابن عباس بشنو سخن مرا و شهادت ده که این شخص علی؛ امیرمؤمنان و بزرگ امامان است». ج - و در روایت سوم به سند خود از معاویه بن ثعلبه نقل می کند که: به اباذر گفته شد، وصیت کن. گفت: وصیت کرده ام. گفتند: به کدام کس؟ گفت: به امیرالمؤمنین. گفتند: به خلیفه سوم؟ گفت: نه، به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب که او قوام زمین و ربانی این امت است. د - خبر بریده بن خضیب اسلمی که میان علماء مشهور است با سندهائی که شرح آنها طولانی می شود، او می گوید: رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم به جمعی و به من امر فرمود «ما هفت نفر بودیم از جمله ابوبکر، خلیفه دوم، طلحه و زبیر» که: سَلِّمُوا عَلَی عَلِیٍّ بِأَمْرِ الْمُؤْمِنِیْنَ «به علی علیه السلام با کلمه امیرالمؤمنین، سلام کنید». ما به آن حضرت به لفظ یا امیرالمؤمنین، سلام کردیم، با آنکه رسول الله زنده و در کنار ما بود. (۲). ه - عیاشی در تفسیر خویش نقل می کند: مردی به محضر امام صادق علیه السلام داخل شد و گفت: السَّلَامُ عَلَیْکَ یا امیرالمؤمنین امام صادق علیه السلام بیا خاست و فرمود: این اسم جز به امیرالمؤمنین علی علیه السلام صلاحیت ندارد، خدا او را به این اسم، نامیده است. گفتم: امام قائم شما با کدام نام خوانده می شود؟ فرمود: به او گویند: السَّلَامُ عَلَیْکَ یا بَقِیَّةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَیْکَ یا ابْنِ رَسُولِ اللَّهِ (۳). و امام باقر علیه السلام به فضل بن یسار فرمود: یا فَضْلُ لَمْ یَسَمَّ بِهَا وَ اللَّهُ بَعِیدَ عَلَیَّ امیرالمؤمنین إِلَّا مُفْتَرٍ کَذَابٌ إِلَى یَوْمِ النَّاسِ هَذَا (۴). «ای فضل، به خدا قسم جز علی بن ابیطالب به این اسم «امیرالمؤمنین» خوانده نشده، مگر افترا گر دروغگو». ***** ارشاد ص ۲۰، شیخ مفید به نقل از انس بن مالک. ارشاد شیخ مفید ص ۲۰، و مجلسی ۲ در بحارالانوار ج ۳۷ ص ۳۴۰-۲۹۰، پنجاه صفحه به این مطلب اختصاص داده است، و علامه امینی در الغدير ج ۸ ص ۸۷، آنرا از حلیه الاولیاء ابی نعیم ج ۱ ص ۶۳ یا سه طریق از انس و ابن عباس و نیز در ج ۶ الغدير ص ۸۰ از حلیه الاولیاء و مناقب خوارزمی، و فرائد السمطين و غیر آن نقل کرده است. تفسیر عیاشی ج ۱ ص ۲۷۶، ذیل آیه ۱۱۷ سوره نساء. بحارالانوار ج ۳۷ ص ۳۱۸.

در چشمه سار نهج البلاغه

اصول و فروع مبانی اعتقادی

خطبه ۱۱۰ نهج البلاغه

اشاره

ترجمه: خطبه ۱۱۰ (این خطبه قبل از سید رضی در میان دانشمندان به خطبه دیباج معروف بود).

ثمرات الدین

إِنَّ أَفْضَلَ مَا تَوَسَّلَ بِهِ الْمُتَوَسِّلُونَ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى، الْإِيمَانُ بِهِ وَبِرَسُولِهِ، وَالْجِهَادُ فِي سَبِيلِهِ، فَإِنَّهُ ذِرْوَةُ الْإِسْلَامِ؛ وَكَلِمَةُ الْإِخْلَاصِ فَإِنَّهَا الْفِطْرَةُ؛ وَإِقَامُ الصَّلَاةِ فَإِنَّهَا الْمِلَّةُ؛ وَإِيتَاءُ الزَّكَاةِ فَإِنَّهَا فَرِيضَةٌ وَاجِبَةٌ؛ وَصَوْمُ شَهْرِ رَمَضَانَ فَإِنَّهُ جُنَّةٌ مِنَ الْعِقَابِ؛ وَحُجُّ الْبَيْتِ وَاعْتِمَارُهُ فَإِنَّهُمَا يَنْفِيَانِ الْفَقْرَ وَيَرْخِضَانِ الذَّنْبَ. وَصَلَةُ الرَّحِمِ فَإِنَّهَا مَثْرَاءٌ فِي الْمَالِ، وَمَنْسَأَةٌ فِي الْأَجْلِ؛ وَصَدَقَةُ السَّرِّ فَإِنَّهَا تُكَفِّرُ الْخَطِيئَةَ؛ وَصِدْقَةُ الْعَلَانِيَةِ فَإِنَّهَا تَدْفَعُ مِيتَةَ الشُّوْءِ؛ وَصِنَائِعُ الْمَعْرُوفِ فَإِنَّهَا تَقِي مَصَارِعَ الْهَوَانِ. أَفِيضُوا فِي ذِكْرِ اللَّهِ فَإِنَّهُ أَحْسَنُ الذِّكْرِ، وَارْغَبُوا فِي مَا وَعَدَ الْمُتَّقِينَ فَإِنَّ وَعْدَهُ أَصْدَقُ الْوَعْدِ، وَاقْتَدُوا بِهَدْيِ نَبِيِّكُمْ فَإِنَّهُ أَفْضَلُ الْهَدْيِ. وَاسْتَتِنُوا بِسُنَّتِهِ فَإِنَّهَا أَهْدَى السُّنَنِ. ترجمه: ره آورد برخی از مبانی اعتقادی همانا بهترین چیزی که انسان ها می توانند با آن به خدای سبحان نزدیک شوند، ایمان به خدا و ایمان به پیامبر صلی الله علیه وآله و جهاد در راه خداست، که جهاد قلبه بلند اسلام، و یکتا دانستن خدا، بر اساس فطرت انسانی است، بر پا داشتن نماز آیین ملت اسلام، و پرداختن زکات تکلیف واجب الهی، و روزه ماه رمضان سپری برابر عذاب الهی است، و حج و عمره، نابود کننده فقر و شستشو دهنده گناهان است. و صله رحم مایه فروزی مال و طول عمر، و صدقه های پنهانی نابود کننده گناهان، و صدقه آشکارا، مرگ های ناگهانی و زشت را باز می دارد، و نیکوکاری، از ذلت و خواری نگه می دارد. به یاد خدا باشید که نیکوترین ذکر است، و آن چه پرهیزگاران را وعده دادند آرزو کنید که وعده خدا راست ترین وعده هاست، از راه و رسم پیامبران پیروی کنید که بهترین راهنمای هدایت است، رفتارشان را با روش پیامبر صلی الله علیه وآله تطبیق دهید که هدایت کننده ترین روشهاست.

قیمه القرآن

وَتَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ أَحْسَنُ الْحَدِيثِ، وَتَفَقَّهُوا فِيهِ فَإِنَّهُ رَبِيعُ الْقُلُوبِ، وَاسْتَشْفُوا بِنُورِهِ فَإِنَّهُ شِفَاءُ الصُّدُورِ، وَأَحْسِنُوا تِلَاوَتَهُ فَإِنَّهُ أَنْفَعُ الْقَصَصِ. وَإِنَّ الْعَالِمَ الْعَامِلَ بِغَيْرِ عِلْمِهِ كَالْجَاهِلِ الْحَائِرِ الَّذِي لَا يَسْتَفِيقُ مِنْ جَهْلِهِ؛ بَلِ الْحُجَّةُ عَلَيْهِ أَعْظَمُ، وَالْحَسْرَةُ لَهُ أَلْزَمُ، وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ أَلْوَمُ. ترجمه: ارزش قرآن و قرآن را بیاموزید، که بهترین گفتار است، و آن را نیک بفهمید که بهار دلهاست، از نور آن شفا و بهبودی خواهید که شفاى سینه های بیمار است، و قرآن را نیکو تلاوت کنید که سودبخش ترین داستان هاست، زیرا عالمی که به غیر علم خود عمل کند، چونان جاهل سرگردانی است که از بیماری نادانی شفا نخواهد گرفت، بلکه حجت بر او قوی تر و حسرت و اندوه بر او ثابت و در پیشگاه خدا سزاوار سرزنش است. *****

خطبه ۱۹۹ نهج البلاغه

اهمیه الصلاة و فوائدها

تَعَاهَدُوا أَمْرَ الصَّلَاةِ، وَحَافِظُوا عَلَيْهَا، وَاسْتَكْبِرُوا مِنْهَا، وَتَقَرَّبُوا بِهَا. فَإِنَّهَا «كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا». أَلَا تَسْمَعُونَ إِلَى جَوَابِ أَهْلِ النَّارِ حِينَ سُئِلُوا: «مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ؟ قَالُوا: لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ». وَإِنَّهَا لَتَحُتُّ الذُّنُوبَ حَتَّى الْوَرَقِ، وَتُطْلَقُهَا إِطْلَاقَ الرَّبْقِ، وَشَبَّهَهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلُهُ بِالْحَمَّةِ تَكُونُ عَلَى بَابِ الرَّجُلِ، فَهُوَ يَغْتَسِلُ مِنْهَا فِي الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ خَمْسَ مَرَّاتٍ، فَمَا عَسَى أَنْ يَنْقَى عَلَيْهِ مِنَ الدَّرَنِ؟ وَقَدْ عَرَفَ حَقَّهَا رِجَالٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ لَمَّا تَشَعَّلَتْ عَنْهَا زِينَةُ مَتَاعٍ، وَلَا قُرَّةُ عَيْنٍ مِنْ وَلَدٍ وَلَا مَالٍ. يَقُولُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ: «رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ». وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلُهُ نَصَبًا بِالصَّلَاةِ بَعْدَ التَّبَشِيرِ لَهُ بِالْجَنَّةِ، لِقَوْلِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا»، فَكَانَ يَأْمُرُ بِهَا أَهْلَهُ وَيَصْبِرُ عَلَيْهَا نَفْسَهُ. ترجمه: ره آورد نماز مردم! نماز

را بر عهده گیرید، و آن را حفظ کنید، زیاد نماز بخوانید، و با نماز خود را به خدا نزدیک کنید؛ «نماز فریضه واجب است که در وقت‌های خاص بر مؤمنان واجب گردیده است» (۱). آیا به پاسخ دوزخیان گوش فرا نمی دهید، آن هنگام که از آنها پرسیدند: چه چیز شما را بدوزخ کشانده است؟ گفتند: «ما از نماز گذاران نبودیم». (۲) همانا نماز! گناهان را چونان برگ های پاییزی فرو می ریزد، و غل و زنجیر گناهان را از گردن ها می گشاید، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نماز را به چشمه آب گرمی که بر در سرای مردی جریان داشته باشد، تشبیه کرد، اگر روزی پنج بار خود را در آن شستشو دهد، هرگز چرک و آلودگی در بدن او نماند. همانا کسانی از مؤمنان حق نماز را شناختند که زیور دنیا از نماز بازشان ندارد، و روشنائی چشمشان یعنی اموال و فرزندان مانع نمازشان نشود. خدای سبحان می فرماید: «مردانی هستند که تجارت و خرید و فروش، آنان را از یاد خدا، و بر پا داشتن نماز، و پرداخت زکات باز نمی دارد». (۳) رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از بشارت به بهشت، خود را در نماز خواندن به زحمت می انداخت، زیرا خداوند به او فرمود: «خانواده خویش را به نماز فرمان ده و بر انجام آن شکیا باش». (۴) پس پیامبر صلی الله علیه و آله پی در پی خانواده خود را به نماز فرمان می داد، و خود نیز در انجام نماز شکیا بود. ***** نساء آیه ۱۰۳. مدثر آیه ۴۳. نور آیه ۳۷. طه آیه ۱۳۲.

اهمیه الزکاة و آدابها

ثُمَّ إِنَّ الزَّكَاةَ جُعِلَتْ مَعَ الصَّلَاةِ قُرْبَانًا لِأَهْلِ الْإِسْلَامِ، فَمَنْ أَعْطَاهَا طَيْبَ النَّفْسِ بِهَا، فَإِنَّهَا تُجْعَلُ لَهُ كَفَّارَةً، وَمِنَ النَّارِ حِجَازًا وَوَقَايَةً. فَلَا يُتَّبَعُهَا أَحَدٌ نَفْسُهُ، وَلَئِنْ يُكْثِرَنَّ عَلَيْهَا لَهْفُهُ، فَإِنَّ مَنْ أَعْطَاهَا غَيْرَ طَيْبِ النَّفْسِ بِهَا، يَرْجُو بِهَا مَا هُوَ أَفْضَلُ مِنْهَا، فَهُوَ جَاهِلٌ بِالسُّنَّةِ، مَغْبُوثُ الْآخِرِ، ضَالُّ الْعَمَلِ، طَوِيلُ النَّدَمِ. ترجمه: ارزش و ره آورد زکات همانا پرداخت زکات با نماز، عامل نزدیک شدن مسلمانان با خداست، پس آن کس که زکات را با رضایت خاطر پردازد، کفاره گناهان او می شود، و بازدارنده و نگهدارنده انسان از آتش جهنم است، پس نباید به آن چه پرداخته با نظر حسرت نگاه کند، و برای پرداخت زکات افسوس خورد، زیرا آن کس که زکات را از روی رغبت پردازد، و انتظار بهتر از آن چه را پرداخته داشته باشد، به سنت پیامبر صلی الله علیه و آله نادان است، و پاداش او اندک، و عمل او تباه و همیشه پشیمان خواهد بود. *****

اداء الامانة

ثُمَّ أَدَاءَ الْأَمَانَةِ، فَقَدْ خَابَ مَنْ لَيْسَ مِنْ أَهْلِهَا، إِنَّهَا عُرِضَتْ عَلَى السَّمَاوَاتِ الْمَبْنِيَّةِ، وَالْأَرْضِ يَنَ الْمَدْحُورَةِ، وَالْجِبَالِ ذَاتِ الطُّوْلِ الْمَنْصُوبَةِ، فَلَا أَطُولُ وَلَا أَعْرُضُ، وَلَا أَعْلَى وَلَا أَعْظَمُ مِنْهَا. وَلَوْ امْتَنَعَ شَيْءٌ بِطُولٍ أَوْ عَرْضٍ أَوْ قُوَّةٍ أَوْ عِزٍّ لَأَمْتَنَنَّ؛ وَلَكِنْ أَشْفَقْنَا مِنَ الْعُقُوبَةِ، وَعَقَلْنَا مِمَّا جَهِلَ مَنْ هُوَ أَضْعَفُ مِنْهُمْ، وَهُوَ الْإِنْسَانُ، «إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا». ترجمه: مسؤولیت ادای امانت یکی دیگر از وظائف الهی، ادای امانت است، آن کس که امانتها را پردازد زیانکار است، امانت الهی را بر آسمانهای برافراشته، و زمینهای گسترده، و کوه های پیا داشته، عرضه کردند، که از آنها بلندتر، بزرگتر، وسیع تر یافت نمی شود، اما نپذیرفتند اگر بنا بود که چیزی به خاطر طول و عرض و توانمندی و سربلندی از پذیرفتن امانت سرباز زند آنان بودند، اما از کیفر الهی ترسیدند، و از عواقب تحمّل امانت آگاهی داشتند، که ناتوانتر از آنها آگاهی نداشت، و آن انسان است، که خدا فرمود: «همانا انسان ستمکار نادان است» (۱). ***** سوره احزاب آیه ۷۲.

العلم الالهی

إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى لَهَا يَخْفَى عَلَيْهِ مَا الْعِبَادُ مُقْتَرِفُونَ فِي لَيْلِهِمْ وَنَهَارِهِمْ. لَطْفَ بِهِ خُبْرًا، وَأَحْاطَ بِهِ عِلْمًا. أَعْضَاؤُكُمْ شُهُودُهُ، وَجَوَارِحُكُمْ جُنُودُهُ، وَضَمَائِرُكُمْ عُيُونُهُ، وَخَلَوَاتُكُمْ عِيَانُهُ. ترجمه: دانش الهی همانا بر خداوند سبحان پنهان نیست آن چه را که بندگان در شب و روز انجام می دهند، که دقیقاً بر اعمال آنها آگاه است، و با علم خویش بر آنها احاطه دارد، اعضا شما مردم گواه او، و اندام شما سپاهیان او، روان و جانتان جاسوسان او، و خلوت های شما بر او آشکار است. ****

خداشناسی

خطبه ۴۹. نهج البلاغه

معرفه الله الحميد لله الذي بطن خفيات الأمور، ودلت عليه أعلام الظهور، وامتنع على عين البصير؛ فلا عين من لم يره تنكره، ولا قلب من أثبتته بصره: سبق في العلو فلا شيء أعلى منه، وقرب في الدنو فلا شيء أقرب منه. فلا استغلاؤه بأعده عن شيء من خلقه، ولا قرئته ساواهم في المكان به. لم يطلع العقول على تحديد صفته، ولم يحجبها عن واجب معرفته، فهو الذي تشهد له أعلام الوجود، على إقرار قلب ذي الجود، تعالى الله عما يقول المشبهون به والجاحدون له علواً كبيراً! ترجمه: خطبه ۴۹ خداشناسی ستایش خداوندی را سزااست که از اسرار نهان ها آگاه است، و نشانه های آشکاری در سراسر هستی بر وجود او شهادت می دهند، هرگز برابر چشم بینندگان ظاهر نمی گردد، نه چشم کسی که او را ندیده می تواند انکارش کند، و نه قلبی که او را شناخت می تواند مشاهده اش نماید، در والایی و برتری از همه پیشی گرفته، پس از او برتر چیزی نیست، و آنچنان به مخلوقات نزدیک است که از او نزدیکتر چیزی نمی تواند باشد. مرتبه بلند او را از پدیده هایش دور نساخته، و نزدیکی او با پدیده ها، او را مساوی چیزی قرار نداده است. عقل ها را بر حقیقت ذات خود آگاه نساخته، اما از معرفت و شناسایی خود باز نداشته است. پس اوست که همه نشانه های هستی بر وجود او گواهی می دهند و دل های منکران را بر اقرار به وجودش واداشته است، خدایی که برتر از گفتار تشبیه کنندگان و پندار منکران است. ****

خطبه ۶۵. نهج البلاغه

معرفه الله الحميد لله الذي لم تسبق له حالٌ حالاً، فيكون أولاً- قبل أن يكون آخراً، ويكون ظاهراً قبل أن يكون باطناً. كل مسيء بالوحدة غيره قليل، وكل عزيز غيره ذليل، وكل قوي غيره ضعيف، وكل مالِك غيره مملوك، وكل عالم غيره متعلم، وكل قادر غيره يقدر، ويعجز، وكل سميع غيره يصم عن لطيف الأصوات، ويصم كبرها، ويذهب عنه ما بعد منها، وكل بصير غيره يعمى عن خفي الألوان ولطيف الأجسام، وكل ظاهر غيره باطن، وكل باطن غيره ظاهر. لم يخلق ما خلقه لتشديد سلطان، ولا تخوف من عواقب زمان، ولا استعانة على نكد مئاور، ولا شريك مكابر، ولا ضد منافر؛ ولكن خلقت مربوبون، وعباد داخرون. لم يخل في الأشياء فيقال: هو كائن، ولم ينأ عنها فيقال: هو منها بائن. لم يؤده خلق ما ابتدأ، ولا تدبير ما ذرأ، ولا وقف به عجز عما خلق، ولا لجت عليه شبهة فيما قضى وقدر، بل قضاء متقن، وعلم محكم، وأمر مبرم. المأمول مع النقم، المزهوب مع النعم! ترجمه: خطبه ۶۵ خداشناسی «شناخت صفات خدا» ستایش خداوندی را سزااست که هیچ صفتی بر صفت دیگرش پیشی نگرفته تا بتوان گفت: پیش از آن که آخر باشد اول است و قبل از آن که باطن باشد ظاهر است. هر واحد و تنهایی جز او، اندک است، هر عزیزی جز او ذلیل، و هر نیرومندی جز او ضعیف و ناتوان است، هر مالکی جز او بنده، و هر عالمی جز او دانش آموز است، هر قدرتمندی جز او، گاهی توانا و زمانی ناتوان است، هر شنونده ای جز خدا در شنیدن صداها ضعیف کر و برابر صداها قوی، ناتوان است و آواز های دور را نمی شنود. هر بیننده ای جز خدا، از مشاهده رنگهای ناپیدا و اجسام بسیار کوچک ناتوان است، هر ظاهری غیر از او پنهان، و هر

پنهانی جز او آشکار است. مخلوقات را برای تقویت فرمانروایی، و یا برای ترس از آینده، یا یاری گرفتن در مبارزه با همتای خود، و یا برای فخر و مباهات شریکان، و یا ستیزه جویی مخالفان نیافریده است. بلکه همه، آفریده های او هستند و در سایه پرورش او، بندگانی فروتن و فرمانبردارند. خدا در چیزی قرار نگرفته تا بتوان گفت در آن جاست، و دور از پدیده ها نیست تا بتوان گفت از آنها جداست. آفرینش موجودات او را در آغاز ناتوان ساخته، و از تدبیر پدیده های آفریده شده باز نمانده است، نه به خاطر آن چه آفریده قدرتش پایان گرفته و نه در آن چه فرمان داد و مقدر ساخت دچار تردید شد. بلکه فرمانش استوار، و علم او مستحکم، و کارش بی تزلزل است، خدایی که به هنگام بلا و سختی به او امیدوار، و در نعمت ها از او بیمناکند. ****

خطبه ۱۷۹ نهج البلاغه

وقد سأله ذعلب الیمانی فقال: هل رأيت ربك يا أمير المؤمنين؟ فقال عليه السلام: أفأعبد ما لا أرى؟ فقال: وكيف تراه؟ فقال: معرفة الله لا تدركه العيون بمشاهدة العيان، ولكن تدركه القلوب بحقائق الإيمان. قريب من الأشياء غير ملابس، بعيد منها غير مباین، متكلم لا بروية، مريد لا بهمة، صانع لا بجارية. لطيف لا يوصف بالخفاء، كبير لا يوصف بالجفاء، بصير لا يوصف بالحاسه، رحيم لا يوصف بالرفه. تغنو الوجوه لعظمته، وتجب القلوب من مخافته. ترجمه: خطبه ۱۷۹ (ذعلب یمانی پرسید: «ای امیرمؤمنان آیا پروردگار خود را دیده ای؟». پاسخ فرمود: «آیا چیزی را که نبینم می پرستم؟». گفت: «چگونه او را می بینی؟». فرمود: (خداشناسی دیده ها هرگز او را آشکار نمی بینند، اما دلها با ایمان درست او را در می یابند، خدا به همه چیز نزدیک است نه آن که به اشیاء چسبیده باشد، و از همه چیز دور است نه آن که از آنها بیگانه باشد، گوینده است نه با اندیشه و فکر، اراده کننده است نه از روی آرزو و خواهش، سازنده است نه با دست و پا، لطافت دارد نه آن که پوشیده و مخفی باشد، بزرگ است نه با ستمکاری، بیناست نه با حواس ظاهری، مهربان است نه با نازک دلی، سرها و چهره ها در برابر عظمت او بخاک افتاده، و دلها از ترس او بی قرارند. (و برای شناخت «راه های خداشناسی» در نهج البلاغه به خطبه های ۱۸۲ - ۱۶۵ - ۱۵۵ - ۹۱ - ۱ و ۱۸۵ مراجعه شود). ****

پیامبر شناسی

خطبه ۷۲ نهج البلاغه

اشاره

«علم فيها الناس الصلاة على النبي صلى الله عليه وآله» ترجمه: خطبه ۷۲

خصائص الرسول الأعظم

اللَّهُمَّ دَاحِيَ الْمَذْخَوَاتِ، وَدَاعِمَ الْمُسْتَمُوكَاتِ، وَجَابِلَ الْقُلُوبِ عَلَى فِطْرَتِهَا: شَقِيهَا وَسَعِيدِهَا. اجْعَلْ شَرَائِفَ صَلَوَاتِكَ، وَنَوَامِيَ بَرَكَاتِكَ، عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ الْخَاتِمِ لِمَا سَبَقَ، وَالْفَاتِحِ لِمَا أَنْغَلَقَ، وَالْمُعْلِنِ الْحَقَّ بِالْحَقِّ، وَالِدَافِعِ جِشَاتِ الْأَبَاطِيلِ، وَالِدَامِغِ صَوْلَاتِ الْأَصَالِيلِ، كَمَا حُمِلَ فَاضْطَلَعَ، قَانِمًا بِأَمْرِكَ، مُسْتَوْفِرًا فِي مَرْضَاتِكَ، غَيْرَ نَاكِلٍ عَنْ قُدَمٍ، وَلَمَّا وَاهٍ فِي عَزَمٍ، وَاعِيًا لَوْحِيكَ، حَافِظًا لَعَهْدِكَ، مَاضِيًا عَلَى نَفَازِ أَمْرِكَ؛ حَتَّى أَوْرَى قَبَسَ الْقَبَائِسِ، وَأَضَاءَ الطَّرِيقَ لِلْخَابِطِ، وَهَدَيْتَ بِهِ الْقُلُوبَ بَعْدَ خَوْصَاتِ الْفِتَنِ وَالْآثَامِ. وَأَقَامَ بِمُوضِعَاتِ الْأَعْلَامِ، وَتَبَيَّرَاتِ الْأَحْكَامِ، فَهُوَ أَمِينُكَ الْمَأْمُونُ، وَخَازِنُ عِلْمِكَ الْمُخْزُونُ، وَشَهِيدُكَ يَوْمَ الدِّينِ، وَبَعِثُكَ بِالْحَقِّ، وَرَسُولُكَ إِلَى الْخَلْقِ. ترجمه: ویژگی های پیامبر صلی الله علیه وآله بار خدایا! ای گستراننده هر گسترده، و ای نگهدارنده آسمان

ها، و ای آفریننده دلها بر فطرت های خویش، دل های رستگار و دل های شقاوت زده. گرامی ترین درودها و افزون ترین برکات خود را بر محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده ات اختصاص ده، که خاتم پیامبران گذشته است، و گشاینده درهای بسته و آشکار کننده حق با برهان است. دفع کننده لشگرهای باطل، و در هم کوبنده شوکت گمراهان است، آنگونه که بار سنگین رسالت را بر دوش کشید، و به فرمانت قیام کرد، و به سرعت در راه خشنودی تو گام برداشت، حتی یک قدم به عقب بر نگشت، و اراده او سُست نشد، و در پذیرش و گرفتن وحی، نیرومند بود، حافظ و نگهبان عهد و پیمان تو بود، و در اجرای فرمانت تلاش کرد تا آنجا که نور حق را آشکار، و راه را برای جاهلان روشن ساخت، و دلهایی که در فتنه و گناه فرو رفته بودند هدایت شدند. پرچمهای حق را برافراشت و احکام نورانی را برپا کرد، پس او پیامبر امین، و مورد اعتماد، و گنجینه دار علم نهان تو، و شاهد روز رستاخیز، و برانگیخته تو برای بیان حقائق، و فرستاده تو به سوی مردم است. ****

الدعاء للرسول

اللَّهُمَّ افسَحْ لَهُ مَفْسَحًا فِي ظِلِّكَ؛ واجزه مَضَاعِفَاتِ الْخَيْرِ مِنْ فَضْلِكَ. اللَّهُمَّ وَأَعْلِ عَلَى بِنَاءِ الْبَنَانِ بِنَاءَهُ، وَأَكْرِمْ لَدَيْكَ مَنَزِلَتَهُ، وَأَتِمِّمْ لَهُ نُورَهُ، واجزه مِنْ اِتِّعَازِكَ لَهُ مَقْبُولَ الشَّهَادَةِ، مَرْضَى الْمَقَالَةِ، ذَا مَنْطِقٍ عَدِلٍ، وَخُطْبَةٍ فَضْلٍ. اللَّهُمَّ اجْمَعْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ فِي بَرْدِ الْعَيْشِ وَقَرَارِ النِّعْمَةِ، وَمُنَى الشَّهَوَاتِ، وَأَهْوَاءِ اللَّذَاتِ، وَرَخَاءِ الدَّعْوَةِ، وَمُنْتَهَى الطَّمَأْنِينَةِ، وَتُحَفِ الْكِرَامَةِ. ترجمه: دعا برای پیامبر صلی الله علیه و آله پروردگار! برای پیامبر صلی الله علیه و آله در سایه لطف خود جای با وسعتی بگشای، و از فضل و کرم پاداش او را فراوان گردان. خداوند! کاخ آیین او را از هر بنایی برتر، و مقام او را در پیشگاه خود گرامی دار، نورش را کامل گردان، و پاداش رسالت او را پذیرش گواهی و شفاعت و قبول گفتار او قرار ده، زیرا که دارای منطقی عادلانه، و راه جدا کننده حق از باطل بود. بار خدایا! بین ما و پیغمبرت در نعمت های جاویدان، و زندگانی خوش، و آرزوهای برآورده، و خواسته های به انجام رسیده، در کمال آرامش، و در نهایت اطمینان، همراه با مواهب و هدایای با ارزش، جمع گردان! ****

خطبه ۱۰۴ نهج البلاغه

مکاسب لبعثه النبی صلی الله علیه و آله أَمَّا بَعْدُ، فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ بَعَثَ مُحَمَّدًا، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَلَيْسَ أَحَدٌ مِنَ الْعَرَبِ يَقْرَأُ كِتَابًا، وَلَا يَدْعِي تَبَوُّةً وَلَا وَحْيًا. فَقَاتَلَ بِمَنْ أَطَاعَهُ مِنْ عَصَاهُ، يَسُوقُهُمْ إِلَى مَنْجَاتِهِمْ؛ وَيُبَادِرُ بِهِمُ السَّاعِيَةَ أَنْ تَنْزِلَ بِهِمْ، يَحْسِرُ الْحَسِيرُ، وَيَقِفُ الْكَاسِرُ، فَيَقِيمُ عَلَيْهِ حَتَّى يُلْحِقَهُ غَايَتُهُ، إِلَّا هَالِكًا لَا خَيْرَ فِيهِ، حَتَّى أَرَاهُمْ مَنْجَاتَهُمْ وَبَوَّاهُمْ مَحَلَّتَهُمْ، فَاسْتَدَارَتْ رَحَاهُمْ، وَاسْتَقَامَتْ فَنَاتُهُمْ وَائِيْمُ اللَّهِ، لَقَدْ كُنْتُ مِنْ سَاقَتِهِمَا حَتَّى تَوَلَّيْتُ بِحَذَائِرِهَا، وَاسْتَوَسَيْتُ فِي قِيَادِهَا؛ مَا ضَعُفْتُ، وَلَا جَبُنْتُ، وَلَا خُنْتُ، وَلَا وَهَنْتُ. وَائِيْمُ اللَّهِ لَا بُقْرَنَ الْبَاطِلَ حَتَّى أُخْرِجَ الْحَقَّ مِنْ خَاصَرَتِهِ! وقد تقدم مختار هذه الخطبة، إلا أنني وجدتها في هذه الرواية على خلاف ما سبق من زيادة ونقصان، فأوجب الحال إثباتها ثانية. ترجمه: خطبه ۱۰۴ ره آورد بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله پس از ستایش پروردگار، همانا خداوند سبحان، حضرت محمد صلی الله علیه و آله را مبعوث فرمود، در روزگارانی که عرب کتابی نخوانده و ادعای وحی و پیامبری نداشت. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با یارانش به مبارزه با مخالفان پرداخت تا آنان را به سر منزل نجات کشاند، و پیش از آن که مرگشان فرا رسد آنان را به رستگاری رساند، با خستگان مدارا کرد، و شکسته حالان را زیر بال گرفت تا همه را به راه راست هدایت کرد، جز آنان که راه گمراهی پیمودند، و در آنها خیری نبود. همه را نجات داد، و در جایگاه مناسب رستگاری، استقرار شان بخشید، تا آن که آسیاب زندگی آنان به چرخش درآمد، و نیزه شان تیز شد. به خدا سوگند! من در دنباله آن سپاه بودم، تا باطل شکست خورد و عقب نشست، و همه رهبری اسلام را فرمانبردار شدند، در این راه هرگز ناتوان نشدم، و نترسیدم، و خیانت نکردم، و سستی در من راه نیافت. به خدا سوگند! درون باطل را می شکافم تا حق را از پهلویش بیرون کشم. ****

امام شناسی

قسمتی از خطبه ۸۷ نهج البلاغه

«فَإِنَّ تَذَهُبُونَ؟» «وَأَنْتَى تُوَفِّكُونَ!» وَالْأَعْلَامُ قَائِمَةٌ، وَالْآيَاتُ وَاضِحَةٌ، وَالْمَنَارُ مَنْصُوبَةٌ، فَإِنَّ يَتَاهُ بِكُمْ! وَكَيْفَ تَعْمَهُونَ وَبَيْنَكُمْ عِثْرَةُ نَبِيِّكُمْ! وَهُمْ أَرْمَهُ الْحَقُّ، وَأَعْلَامُ الدِّينِ، وَالسَّنَةُ الصَّدَقُ! فَأَنْزَلُوهُمْ بِأَحْسَنِ مَنَازِلِ الْقُرْآنِ، وَرَدُّوهُمْ وَرُودَ الْهِمِ الْعِطَاشِ. أَيُّهَا النَّاسُ، خُذُوهَا عَنْ خَوَاتِمِ النَّبِيِّينَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «إِنَّهُ يَمُوتُ مَنْ مَيَاتٍ مَنَا وَلَيْسَ بِمَيِّتٍ، وَيَبْلَى مَنْ بَلَى مَنَا وَلَيْسَ بِبَالٍ». فَلَمَّا تَقُولُوا بِمَا لَا تَعْرِفُونَ، فَإِنَّ أَكْثَرَ الْحَقِّ فِيمَا تُنْكِرُونَ. وَاعْزِدُوا مَنْ لَمَّا حُجَّهَ لَكُمْ عَلَيْهِ - وَهُوَ أَنَا - أَلَمْ أَعْمِلْ فِيكُمْ بِالثَّقَلِ الْأَكْبَرِ! وَأَتْرَكَ فِيكُمْ الثَّقَلَ الْأَصْغَرَ! قَدْ رَكَّزْتُ فِيكُمْ رَايَةَ الْإِيمَانِ، وَوَقَفْتُكُمْ عَلَى حُدُودِ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ، وَأَلْبَسْتُكُمْ الْعَافِيَةَ مِنْ عَذَلِي، وَفَرَشْتُكُمْ الْمَعْرُوفَ مِنْ قَوْلِي وَفَعْلِي، وَأَرَيْتُكُمْ كَرَامِ الْأَخْلَاقِ مِنْ نَفْسِي، فَلَمَّا تَشْتَعْمِلُوا الرَّأْيَ فِيمَا لَا يُدْرِكُ قَعْرَهُ الْبَصِيرُ، وَلَا تَتَغَلَّغُلُ إِلَيْهِ الْفِكْرُ. وَ مِنْهَا: حَتَّى يَظُنَّ الظَّانُّ أَنَّ الدُّنْيَا مَقُولَةٌ عَلَى بَنَى أُمِّيَّةٍ؛ تَمْنَحُهُمْ دَرَّهَا، وَتُورِدُهُمْ صِفْوَهَا، وَلَا يُرْفَعُ عَنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ سَوْطُهَا وَلَا سَيْفُهَا، وَكَذَبَ الظَّانُّ لِذَلِكَ. بَلْ هِيَ مَجَّةٌ مِنْ لَذِيذِ الْعَيْشِ يَطْعَمُونَهَا بَرْهِيَّةً، ثُمَّ يَلْفِظُونَهَا جُمْلَةً! ترجمه: مردم! کجا می روید؟ چرا از حق منحرف می شوید؟ پرچم های حق برپاست و نشانه های آن آشکار است، با اینکه چراغ های هدایت روشنگر راهند، چون گمراهان به کجا می روید؟ چرا سر گردانید؟ در حالی که عترت پیامبر شما در میان شماست، آنها زمامداران حق و یقینند؛ پیشوایان دین، و زبانهای راستی و راستگویانند، پس باید در بهترین منازل قرآن جایشان دهید و همانند تشنگان که به سوی آب شتابانند، به سویشان هجوم آورید. ای مردم این حقیقت را از خاتم پیامبران بیاموزید که فرمود: هر که از ما می میرد، در حقیقت نمرده است و چیزی از ما کهنه نمی شود. پس آن چه نمی دانید، نگویید، زیرا بسیاری از حقایق در اموری است که ناآگاهانه انکار می کنید. ویژگی های امام علی علیه السلام مردم! عذرخواهی کنید از کسی که دلیلی بر ضد او ندارید، و آن کس من می باشم، مگر من در میان شما بر اساس «ثقل اکبر» که قرآن است عمل نکردم؟ و «ثقل اصغر» عترت پیامبر صلی الله علیه و آله را در میان شما باقی نگذاشتم؟ مگر من پرچم ایمان را در بین شما استوار نساختم؟ و از حدود و مرز حلال و حرام آگاهیتان ندادم؟ مگر پیراهن عافیت را با عدل خود به اندام شما نپوشاندم؟ و نیکبها را با اعمال و گفتار خود در میان شما رواج ندادم؟ و ملکات اخلاق انسانی را به شما نشان ندادم؟ پس وهم و گمان خود را در آنجا که چشم دل ژرفای آن را مشاهده نمی کند، و فکرتان توانایی تاختن در آن راه را ندارد، بکار نگیرید. برخی از همین خطبه است: اخبار غیبی نسبت به آینده بنی امیه تا آن که برخی از شما گمان می برند که دنیا به کام بنی امیه شد، و همه خویبها را افزون به آنها سپرده و آنها را از سرچشمه خود سیراب کرده، و تازیانه و شمشیر شان از سر این امت کنار نخواهد رفت. کسانی که چنین می اندیشند در اشتباهند، زیرا سهم بنی امیه تنها جرعه ای از زندگی لذت بخش است که مدتی آن را می مکند سپس همه آن چه را که نوشیدند بیرون می ریزند. *****

قسمتی از خطبه ۱۰۹ نهج البلاغه

نَحْنُ شَجَرَةُ النَّبُوَّةِ، وَمَحْطُ الرِّسَالَةِ، وَمُخْتَلَفُ الْمَلَائِكَةِ، وَمَعَادِنُ الْعِلْمِ، وَيَنَابِيعُ الْحُكْمِ، نَاصِرَتُنَا وَمُجَنَّبَاتُنَا يَنْتَظِرُ الرَّحْمَةَ، وَعِدُونَا وَمُبْعِضُنَا يَنْتَظِرُ السَّطْوَةَ. ترجمه: قسمتی از خطبه ۱۰۹ ما از درخت سرسبز رسالتیم، و از جایگاه رسالت و محل آمد و شد فرشتگان برخاستیم، ما معدنهای دانش و چشمه سارهای حکمت الهی هستیم، یاران و دوستان ما در انتظار رحمت پروردگارند و دشمنان و کینه توزان ما در انتظار کیفر و لعنت خداوند به سر می برند. *****

قسمتی از خطبه ۹۷ نهج البلاغه

اشاره

انْظُرُوا أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ فَالْزُمُوا سِمَتَهُمْ، وَاتَّبِعُوا أَثَرَهُمْ، فَلَنْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ هُدًى، وَلَنْ يُعِيدُوكُمْ فِي رَدًى، فَإِنْ لَبَدُوا فَالْبُدُوا، وَإِنْ نَهَضُوا فَانْهَضُوا. وَلَا تَسْبِقُوهُمْ فَتَضَلُّوا، وَلَا تَتَأَخَّرُوا عَنْهُمْ فَتَهْلِكُوا. ترجمه: قسمتی از خطبه ۹۷ مردم به اهل بیت پیامبران بنگرید، از آن سو که گام برمی دارند بروید، قدم جای قدمشان بگذارید، آنها شما را هرگز از راه هدایت بیرون نمی برند، و به پستی و هلاکت باز نمی گردانند. اگر سکوت کردند سکوت کنید، و اگر قیام کردند قیام کنید، از آنها پیشی نگیرید که گمراه می شوید، و از آنان عقب نمانید که نابود می گردید.

صفات اصحاب النبی

لَقَدْ رَأَيْتُ أَصْحَابَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَمَا أَرَى أَحَدًا يُشَبِّهُهُمْ مِنْكُمْ! لَقَدْ كَانُوا يُضِيهِ بِحُورٍ شُعْنًا غُبْرًا، وَقَدْ بَاتُوا سِجْدًا وَقِيَامًا، يُرَاحُونَ بَيْنَ جَبَاهِهِمْ وَخُدُودِهِمْ، وَيَقِفُونَ عَلَى مِثْلِ الْجَمْرِ مِنْ ذِكْرِ مَعَادِهِمْ! كَأَنَّ بَيْنَ أَعْيُنِهِمْ رُكْبَ الْمِعْزَى مِنْ طُولِ سِجُودِهِمْ! إِذَا ذَكَرَ اللَّهُ هَمَلَتْ أَعْيُنُهُمْ حَتَّى تَبِلَ جُيُوبُهُمْ، وَمَيَّادُوا كَمَا يَمِيدُ الشَّجَرُ يَوْمَ الرِّيحِ الْعَاصِفِ، خَوْفًا مِنَ الْعِقَابِ، وَرَجَاءً لِلتَّوَابِ! ترجمه: وصف اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله من اصحاب محمد صلی الله علیه و آله را دیدم، اما هیچکدام از شما را همانند آنان نمی نگرم، آنها صبح می کردند در حالیکه موهای ژولیده و چهره های غبار آلوده داشتند، شب را تا صبح در حال سجده و قیام به عبادت می گذراندند، و پیشانی و گونه های صورت را در پیشگاه خدا بر خاک می ساییدند، با یاد معاد چنان ناآرام بودند گویا بر روی آتش ایستاده اند، بر پیشانی آنها از سجده های طولانی پینه بسته بود (چون پینه زانوهای بزها) اگر نام خدا برده می شد چنان می گریستند که گریبان های آنان تر می شد. و چون درخت در روز تند باد می لرزیدند، از کفری که از آن بیم داشتند، یا برای پاداشی که به آن امیدوار بودند. *****

خطبه ۲۳۹ نهج البلاغه

فضائل اهل البيت عليهم السلام هم عيش العلم، وموت الجهل. يخبركم حلمهم عن علمهم وظاهرهم عن باطنهم، وصمتهم عن حكم منطقهم. لما يخالفون الحق ولا يخالفون فيه. وهم دعايم الاسلام، ولا يسج الاغتصام. بهم عاد الحق الى نصايه، وانزاح الباطل عن مقامه، وانقطع لسانه عن منبته. عقلوا الدين عقل وعائيه ورعايه، لا عقل سماع وروايه. فان رواه العلم كثير، ورعاه قليل. ترجمه: خطبه ۲۳۹ فضائل اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله مایه حیات و زنده بودن دانش، و نابودی جهل می باشند، بردباریشان شما را از دانش آنها خبر می دهد، و ظاهرشان از صفای باطن، و سکوتشان از حکمت های گفتارشان با خبر می سازد، هرگز با حق مخالفت نمی کنند، و در آن اختلاف ندارند. آنها ستون های استوار اسلام، و پناهگاه مردم می باشند، حق به وسیله آنها به جایگاه خویش باز گردید، و باطل از جای خویش رانده و نابود، و زبان باطل از ریشه کنده شد، اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله دین را چنانکه سزاوار بود، دانستند و آموختند و بدان عمل کردند، نه تنها شنیدند و نقل نمودند، زیرا راویان دانش بسیار، اما حفظ کنندگان و عمل کنندگان به آن اندکند. *****

معاد شناسی

قسمتی از خطبه ۱۸۶ نهج البلاغه

ثُمَّ هُوَ يُفْنِيهَا بَعْدَ تَكْوِينِهَا، لَا لِسَامَ دَخَلَ عَلَيْهِ فِي تَصْرِيفِهَا وَتَدْبِيرِهَا، وَلَا لِرَاحَةٍ وَاصِلَةٍ إِلَيْهِ، وَلَا لِثِقَلِ شَيْءٍ مِنْهَا عَلَيْهِ. لَا يُمِلُّهُ طَوْلُ بِقَائِهَا فَيَدْعُوهُ إِلَى سُرْعَةِ إِفْنَائِهَا، وَلَكِنَّهُ سُبْحَانَهُ دَبَّرَهَا بِلُطْفِهِ، وَأَمْسَكَهَا بِأَمْرِه، وَأَتَقَنَهَا بِقُدْرَتِهِ. ثُمَّ يُعِيدُهَا بَعْدَ الْفَنَاءِ مِنْ غَيْرِ حَاجَةٍ مِنْهُ إِلَيْهَا، وَلَا اسْتِعَانَةٍ بِشَيْءٍ مِنْهَا عَلَيْهَا، وَلَا لَانْصِرَافٍ مِنْ حَالٍ وَخَشَةِ إِلَى حَالٍ اسْتِثْنَاءٍ، وَلَا مِنْ حَالٍ جَهْلٍ وَعَمَى إِلَى حَالٍ عِلْمٍ وَابْتِمَاسٍ، وَلَا مِنْ فَقْرٍ وَحَاجَةٍ إِلَى غِنَى وَكَثْرَةٍ، وَلَا مِنْ ذُلٍّ وَضَعْفٍ إِلَى عِزٍّ وَقُدْرَةٍ. ترجمه: قسمتی از خطبه ۱۸۶ سپس همه موجودات را نابود می کند، نه برای خستگی از اداره آنها، و نه برای آسایش و استراحت، و نه به خاطر رنج و سنگینی که برای او داشتند، و نه برای طولانی شدن ملال آور زندگی، بلکه خداوند با لطف خود موجودات را اداره می فرماید، و با فرمان خود همه را برپا می دارد، و با قدرت خود همه را استوار می کند. سپس بدون آن که نیازی داشته باشد بار دیگر همه را باز می گرداند، نه برای اینکه از آنها کمکی بگیرد، و نه برای رها شدن از تنهایی با آنها مأنوس شود، و نه آن که تجربه ای به دست آورد، و نه برای آن که از فقر و نیاز به توانگری رسد، و یا از ذلت و خواری به عزت و قدرت راه یابد. *****

خطبه ۱۸۸ نهج البلاغه

الوصية بالتقوى

أَوْصِيَكُمْ، أَيُّهَا النَّاسُ، بِتَقْوَى اللَّهِ وَكَثْرَةِ حَمِيدِهِ عَلَى آلَائِهِ إِلَيْكُمْ، وَنِعَمَائِهِ عَلَيْكُمْ، وَبَلَاءَائِهِ لَدَيْكُمْ. فَكَمْ خَصَّكُمْ بِنِعْمَةٍ، وَتَدَارَكَكُمْ بِرَحْمَةٍ! أَعُورْتُمْ لَهُ فَسَّرَكُم، وَتَعَرَّضْتُمْ لَأَخْذِهِ فَأَمْهَلَكُمْ! ترجمه: سفارش به پرهیزکاری ای مردم شما را به پرهیزکاری، و شکر فراوان در برابر نعمت ها، و عطاهاى الهی، و احسانی که به شما رسیده سفارش می کنم، چه نعمتهایی که به شما اختصاص داده، و رحمتهایی که برای شما فراهم فرمود، عیبهای خود را آشکار کردید و او پوشاند، خود را در معرض کفر او قرار دادید و او به شما مهلت داد. *****

فضل ذکر الموت

وَأَوْصِيَكُمْ بِذِكْرِ الْمَوْتِ وَإِقْلَامِ الْغَفْلَةِ عَنْهُ. وَكَيْفَ غَفَلْتُمْ عَمَّا لَيْسَ يُغْفَلُكُمْ، وَطَمَعْتُمْ فِيمَنْ لَيْسَ يُمَهَّلُكُمْ! فَكَفَى وَاعِظًا بِمَوْتِي عَايَتُهُمْ، حُمِلُوا إِلَى قُبُورِهِمْ غَيْرَ رَاكِبِينَ، وَأُنْزِلُوا فِيهَا غَيْرَ نَازِلِينَ، فَكَأَنَّهُمْ لَمْ يَكُونُوا لِلدُّنْيَا عُمَارًا، وَكَأَنَّ الْآخِرَةَ لَمْ تَزَلْ لَهُمْ دَارًا. أَوْحَشُوا مَا كَانُوا يُوطِنُونَ، وَأَوْطَنُوا مَا كَانُوا يُوحِشُونَ، وَاشْتَغَلُوا بِمَا فَارَقُوا، وَأَضَاعُوا مَا إِلَيْهِ انْتَقَلُوا. لَا عَنْ قَبِيحٍ يَسْتَطِيعُونَ انْتِقَالًا، وَلَا فِي حَسَنِ يَسْتَطِيعُونَ اِزْدِيَادًا. أُنْشِوا بِالْدُّنْيَا فَعَرَّثْتُمْ، وَوَقَّفُوا بِهَا فَصَيَّرَعْتُمْ. ترجمه: ارزش یاد مرگ مردم! شما را به یادآوری مرگ، سفارش می کنم، از مرگ کمتر غفلت کنید، چگونه مرگ را فراموش می کنید در حالی که او شما را فراموش نمی کند؟ و چگونه طمع می ورزید که به شما مهلت نمی دهد، مرگ گذشتگان برای عبرت شما کافی است، آنها را به گورشان حمل کردند، بی آن که بر مرکبی سوار باشند، آنان را در قبر فرود آوردند بی آن که خود فرود آیند، چنان از یاد رفتند گویا از آباد کنندگان دنیا نبودند و آخرت همواره خانهاشان بود، آن چه را وطن خود می دانستند از آن رمیدند، و از آنجا که می رمیدند، آرام گرفتند، و چیزهایی که با آنها مشغول بودند جدا شدند، و آنجا را که سرانجامشان بود ضایع کردند. اکنون نه قدرت دارند از اعمال زشت خود دوری کنند، و نه می توانند عمل نیکی بر نیکی های خود بیفزایند، به دنیایی انس گرفتند که مغرورشان کرد، چون به آن اطمینان داشتند سرانجام مغلوبشان نمود. *****

الحث على المسارعة في الخيرات

فَسَابِقُوا - رَحِمَكُمُ اللَّهُ - إِلَى مَنَازِلِكُمْ الَّتِي أُمِرْتُمْ أَنْ تَعْمُرُوهَا، وَالَّتِي رَغِبْتُمْ فِيهَا، وَدُعِيتُمْ إِلَيْهَا. وَاسْتَسْمُوا نِعَمَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ عَلَى طَاعَتِهِ، وَالْمَجَانَّةِ لِمَعَصِيَتِهِ، فَإِنَّ عَدَاً مِنَ الْيَوْمِ قَرِيبٌ. مَا أَسْرَعَ السَّاعَاتِ فِي الْيَوْمِ، وَأَسْرَعَ الْأَيَّامِ فِي الشَّهْرِ، وَأَسْرَعَ الشُّهُورِ فِي السَّنَةِ، وَأَسْرَعَ السِّنِينَ فِي الْعُمُرِ! ترجمه: ضرورت شتاب در نیکوکاری ها خدا شما را رحمت کند، پس بشتابید به سوی آباد کردن خانه هایی که شما را به آبادانی آن فرمان دادند، و تشویقتان کرده، به سوی آن دعوت نموده اند، و با صبر و استقامت نعمت های خدا را بر خود تمام گردانید، و از عصیان و نافرمانی کناره گیرید، که فردا به امروز نزدیک است وه! چگونه ساعتها در روز، و روزها در ماه، و ماهها در سال، و سالها در عمر آدمی شتابان می گذرد؟ *****

خطبه ۲۰۴ نهج البلاغه

الاستعداد للآخرة تَجَهَّزُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ! فَقَدْ نُودِيَ فِيكُمْ بِالرَّحِيلِ، وَأَقْلُوا الْعُرْجَةَ عَلَى الدُّنْيَا، وَانْقَلَبُوا بِصَالِحِ مَا بَخَصَرْتُمْ مِنَ الزَّادِ، فَإِنَّ أَمَامَكُمْ عَقَبَةً كَوُوداً، وَمَنَازِلَ مَخُوفَةً مَهُولَةً، لَا بَيْدَ مِنَ الْوُرُودِ عَلَيْهَا، وَالْوُقُوفِ عِنْدَهَا. وَاعْلَمُوا أَنَّ مَلَا حِظَ الْمَنِيِّ نَحْوَكُمْ دَانِيَةً، وَكَأَنَّكُمْ بِمَخَالِبِهَا وَقَدْ نَشَبَتْ فِيكُمْ، وَقَدْ دَهَمَتْكُمْ فِيهَا مُفْطَعَاتُ الْأُمُورِ، وَمُعْضَتُ لَمَاتِ الْمُحْذُورِ. فَقَطَّعُوا عِلَاقَ الدُّنْيَا وَاسْتَظْهَرُوا بِزَادِ التَّقْوَى. و قد مضى شىء من هذا الكلام فيما تقدم، بخلاف هذه الرواية. ترجمه: خطبه ۲۰۴ (همواره امام یاران خود را اینگونه پند می داد) آمادگی برای سفر آخرت آماده حرکت شوید، خدا شما را بیامرزد، که بانگ کوچ را سر دادند، وابستگی به زندگی دنیا را کم کنید، و با زاد و توشه نیکو به سوی آخرت باز گردید، که پیشاپیش شما گردنه ای سخت و دشوار، و منزلگاه هایی ترسناک وجود دارد، که باید در آنجاها فرود آید، و توقف کنید، آگاه باشید، که فاصله نگاه های مرگ بر شما کوتاه، و گویا چنگال هایش را در جان شما فرو برده است، کارهای دشوار دنیا مرگ را از یادتان برده، و بلاهای طاقت فرسا آن را از شما پنهان داشته است، پس پیوندهای خود را با دنیا قطع کنید، و از پرهیزکاری کمک بگیرید. (قسمتی از این سخن در خطبه های پیش با کمی تفاوت نقل

شد) *****